

زبان فارسی در جهان

ارمنستان

جلد ۱۴

انتشارات
دیرخانه شورای
گسترش زبان و
ادبیات فارسی



شعری کتورش زبان ادبیت فارسی

دوره: ۹۶۴-۶۳۷۱-۰۰۰-۰

SET: 964-6371-00-0

شایک: ۹۶۴-۶۳۷۱-۲۲-۱

ISBN: 964-6371-22-1

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

زبان فارسی در جهان

ارمنستان جلد ۱۴

۱	۱۰
۵۵	۵۶

اسکن شد

زبان و ادب فارسی در جهان

«ارمنستان»

۷۱۰۲۹

کتابخانه

دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادب فارسی

۱۳۷۹



انتشارات
دبیرخانه شورای
گسترش زبان و
ادبیات فارسی

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نام کتاب: زبان و ادب فارسی در جهان: ارمنستان

تهیه شده در: واحد پژوهش

پژوهشگر: کیومرث امیری

تعداد: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: تابستان ۱۳۷۹

حروفچینی و صفحه آرایی: پریا زرشکی

ISBN: 964-6371-22-1

شابک: ۹۶۴-۶۳۷۱-۲۲-۱

SET : 964-6371-00-0

دوره: ۹۶۴-۶۳۷۱-۰۰-۰۰

نشانی: ایران، تهران: میدان بهارستان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طبقه سوم

دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تلفن و دورنویس: ۳۱۱۲۵۴۰



فهرست مطالب

مقدمه: ۹

فصل اول: روابط ایران و ارمنستان در عهد باستان	۱۳
خاستگاه قوم ارمنی و رابطه هویت ارمنی با سرزمین ارمنستان	۱۵
پیوستگی های فرهنگی و مذهبی ارامنه و ایرانیان در دوره هخامنشی	۲۲
حمله اسکندر و بازتاب آن بر ارمنستان	۲۷
روابط ایران و ارمنستان در عهد ساسانی	۴۳
عهدنامه ایران و روم دربارۀ ارمنستان	۵۷
نفوذ مسیحیت در ارمنستان	۵۹
فصل دوم: روابط ایران و ارمنستان در دوره اسلامی	۶۵
تسلط سلجوقیان بر ارمنستان	۶۷
ارمنی ها و ایلخانان مغول	۶۹
منازعات ترکان عثمانی و صفویه برای تسلط بر ارمنستان	۷۸
نزدیکی ارامنه به صفویان	۷۹
مهاجرت ارامنه به ایران در زمان شاه عباس	۸۱
شاه عباس کبیر؛ یار و مدافع ارامنه	۸۵

۹۲	عکس‌العمل ارامنه مهاجر در مقابل گرایش به اسلام
۹۷	فصل سوم: روابط ایران و ارمنستان از عصر نادرشاه تا دوران معاصر
۹۹	حسینعلی خان قاجار ایروانی
۱۰۰	محمدخان قاجار ایروانی
۱۰۲	ارامنه در توپخانه آقامحمدخان
۱۰۴	سفرهای ایرانیان به ارمنستان در دوره قاجار
۱۰۶	ناصرالدین شاه و سفرای ارمنی
۱۰۶	سفر ناصرالدین شاه به ارمنستان
۱۰۷	سفر امیرکبیر به ارمنستان
۱۰۸	تدریس ادبیات فارسی توسط ارامنه در ایران
۱۰۹	تأسیس حزب داشناکسیون
۱۱۳	نخستین مدرسه ایرانی در ایروان
۱۱۵	روابط ایران و ارمنستان در اواخر دوره قاجاریه
۱۱۹	روابط فرهنگی ایران و ارمنستان در دوره پهلوی
۱۲۳	فصل چهارم: ایرانشناسان و استادان زبان و ادب فارسی
۱۷۵	فصل پنجم: مراکز مطالعات ایرانی و آموزش زبان فارسی
۱۷۵	آکادمی علوم ارمنستان
۱۷۷	بخش خاورشناسی آکادمی علوم
۱۸۱	دانشگاه دولتی ایروان
۱۸۲	دانشکده خاورشناسی دانشگاه ایروان
۱۸۶	ماتناداران مخزن دولتی نسخه‌های خطی
۱۹۲	مؤسسه شرق‌شناسی
۱۹۶	مرکز ایرانشناسی در قفقاز
۱۹۶	دانشگاه آجاریان
۱۹۷	دانشگاه داوید آنهاخت
۱۹۷	مدرسه اچمیادزین

۱۹۸	مدرسه شماره ۷۸ ایروان
۱۹۸	مدرسه شماره ۵۹ ایروان
۱۹۸	انجمن روابط فرهنگی ارمنستان و ایران
۱۹۹	نگارخانه دولتی ارمنستان
۱۹۹	موزه دولتی تاریخ ارمنستان
۱۹۹	موزه ادبیات و هنر ارمنستان (موزه چارتس)
۲۰۰	باشگاه ایران دوستان و روشنفکران ارمنی
۲۰۱	انجمن آتوکس (انجمن فرهنگی و همکاری با کشورهای خارجی)
۲۰۵	فصل ششم: کارنامه ایران پژوهی در ارمنستان
۲۰۶	ترجمه آثار زکریای رازی و ابن سینا
۲۰۶	آشنایی با شاهنامه فردوسی در ارمنستان
۲۱۱	آثار مورخان ارمنی درباره تاریخ ایران
۲۱۳	ترجمه آثار سعدی به زبان ارمنی
۲۱۳	ترجمه‌هایی دیگر از شاهنامه در قرون نوزده و بیست
۲۱۴	نخستین ترجمه اشعار خیام و حافظ
۲۱۵	اشعار عاشوقی و زبان فارسی
۲۱۶	پیوند خویشاوندی زبانهای فارسی و ارمنی
۲۲۰	کتابهای منتشره شده درباره ایران
۲۳۲	فهرست کتابهای خطی فارسی در موزه ماتناداران
۲۵۸	شعرای پارسی‌گوی ارمنستان
۲۶۹	فصل هفتم: روابط فرهنگی دو کشور پس از استقلال ارمنستان
۲۹۱	فهرست اعلام
۳۴۳	منابع و مأخذ

مقدمه

زبان و ادبیات فارسی به عنوان دومین زبان جهان اسلام و زبان حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی، با هزاران آثار گران سنگ در زمینه‌های مختلف ادبی، عرفانی، فلسفی، کلامی، تاریخی، هنری و مذهبی همواره مورد اعتنا و اعتقاد ایرانیان و مردمان سرزمینهای دور و نزدیک بوده است. علیرغم حوادث و رویدادهای پر تب و تاب و گاه ناخوشایند سه سده اخیر، باز هم این زبان شیرین و دلنشین در دورترین نقاط جهان امروز حضور و نفوذ دارد. این حضور و نفوذ حکایت از آن دارد که در ژرفای زبان و ادب فارسی آنقدر معانی بلند و مضامین دلنشین علمی، ادبی، اخلاقی و انسانی وجود دارد، که هر انسان سلیم الطبعی با اطلاع و آگاهی از آنها، خود بخود به فارسی و ذخایر مندرج در آن دل می‌سپرد. اگر چنین نبود، ترجمه و تألیف هزاران کتاب و مقاله از سوی خارجیان درباره آثار جاودان و جهانی ادب فارسی مانند؛ شاهنامه فردوسی، خمسه حکیم نظامی گنجوی، گلستان و بوستان شیخ اجل سعدی، مثنوی مولانا جلال الدین بلخی، غزلیات خواجه حافظ شیرازی و رباعیات حکیم عمر خیّام چهره نمی‌بست و هزاران ایران شناس و ایران دوست غیر ایرانی دل و عمر بر سر شناخت، فهم، تفسیر و ترجمه این آثار ارزنده در نمی‌باختند. واقع آن است که

نکات نغز و حکمت‌های بدیع و درسهای انسانیت، بزرگواری، اخلاق و مردم دوستی در ادب فارسی آنقدر حلاوت و لطافت دارد که می‌تواند عطش تمام تشنه کامان وادی معرفت و حیرت را یک تنه به آب عذّب خویش سیراب گرداند.

چنین می‌نماید که جمهوری اسلامی ایران نباید نسبت به نیاز و علاقه شیفتگان و دلباختگان زبان و ادب فارسی در سراسر جهان بی‌اعتنا بماند و آتش شوق و اشتیاق فارسی دانان و ادب دوستان غیر ایرانی را نادیده بگیرد.

از این رو، برای ساماندهی، تقویت و توسعه زبان و ادب فارسی در خارج از کشور، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی را بنیاد نهاده و شورا هم بر اساس وظایف محوله، ایجاد هماهنگی، سیاست‌گذاری، هدایت و برنامه‌ریزی در باب زبان و ادب فارسی را وجهه همّت خود قرار داده است.

دبیرخانه شورا، برای نیل به اهداف و وظایف خود به آگاهی از ریشه‌ها، تحولات و چگونگی ورود، حضور و نفوذ و وضع کنونی زبان و ادب فارسی در جهان نیاز دارد. بدین خاطر، دبیرخانه دست به اقدام پژوهشگرانه‌ای در زمینه شناخت آخرین وضعیت زبان و ادب فارسی در کشورهایی که فارسی به آن سرزمینها پا نهاد، زده است و این مهم در مدتی کوتاه جامه عمل پوشیده و نتیجه آن اینک به صورت تنظیم و تدوین پژوهشنامه‌هایی درباره کشورها با عنوان «زبان فارسی در جهان» انتشار می‌یابد.

از آن جا که این مجموعه با استفاده از منابع و مآخذ در دسترس فراهم آمده، به طور مسلم نقایص و کمبودهایی دارد. لذا، از محققان، صاحب‌نظران و ایران شناسان درخواست می‌شود تا با ارائه نظرات، اطلاعات و پیشنهادات خود ما را در ارائه تصویری کامل و جامع از سیر تحول فارسی و آخرین وضعیت آن در خارج از کشور مدد رسانند.

سید کمال حاج سید جوادی
دبیر شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی

فصل اول

روابط ایران و ارمنستان در عهد باستان

پیوندهای جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی بین ایران و ارمنستان پیشینه بسیار دیرینه‌ای دارد. در اوایل دوره مفرغ، در سراسر هزاره سوم قبل از میلاد، شمال غربی ایران، منطقه جنگی واحدی را با ارمنستان تشکیل می‌داد که همگی وارد مداری شدند که عموماً به فرهنگ «کورا-ارس» معروف است. این فرهنگ به نوبه خویش با فرهنگ کوزه‌گری خیریت کراک در فلسطین و سوریه پیوند دارد. پیوندهای میان ارمنستان و ایران در دوره‌های میانه و مفرغ بسیار معروف است، چنانکه اشیاء مفرغی لرستان را که اکنون گهگاه به کیمریان نسبت می‌دهند، از راه قفقاز وارد ایران شده بودند.^(۱)

امروزه، در نتیجه کاوشهای باستانشناسان مشخص گردیده که از سه هزار سال قبل از میلاد، اقوام مختلفی در مناطق مرکزی و غربی ارمنستان سکونت داشتند که مهمترین آنها اقوام سوباری بودند. سوباری‌ها از نژاد هند و اروپایی

۱- دیوید مارشال لانگ، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ترجمه

حسن انوشه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸)، ص ۶۱۷.

نبودند بلکه شاخه‌ای جداگانه از نژاد سفید به شمار می‌آمدند که از دوران بسیار قدیم در قفقاز، آسیای صغیر و شمال مدیترانه می‌زیستند. در طول زمان، این اقوام به دلیل جنگهای داخلی در میان خود ضعیف گشته و حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تحت سلطه امپراطوری آشور قرار گرفتند.^(۱)

فشارهای کارگزاران امپراطوری آشور بر اقوام منطقه موجب گردید که اقوام «نائیری» و «هایا» با یکدیگر متحد گشته و در اطراف دریاچه وان و در سال ۸۶۰ قبل از میلادی تحت رهبری آرامنه، حکومت اورارتو را به وجود آورند. پایتخت اورارتویان شهر توشپا بود که بعدها به وان تغییر نام داد. آرکیشتی اول پادشاه اورارتو، در سال ۷۸۲ قبل از میلاد دستور ساخت شهر اربونی را داد که بعدها به ایروان شهرت یافت.^(۲)

اورارتوئیها شهرها و دژهای بسیاری ساختند، خندقهای آب کردند و کانالهای عظیم آب ساختند، با جوامع مدیترانه‌ای به تجارت پرداختند و به این هم اکتفا نکردند و یکی از راههای عظیم تجاری طبیعی دنیا - یعنی از میان گذرگاههای کوهستانی که بعدها فلات ارمنستان نامیده شد - را زیر پا گذاشتند. اورارتوئیها که ظروف سفال و ارابه جنگی و سپر می‌ساختند، خط میخی را نیز از آشوریه‌ها امانت گرفتند، اما زبان دیگری که آن را خود به وجود آوردند برای خویش انتخاب کردند که از زبان هوریایی ریشه گرفته بود. این زبان یکی از آن زبانهای عجیبی بود که مستقل از زبانهای دیگر (در انزوای کوهستان) تکامل یافت. با قدرت گرفتن اورارتوئیها، آشوریه‌ها مورد تهدید آنان قرار گرفتند و اغلب اوقات، آشوریه‌ها و اورارتوئیها حداقل به مدت سیصد سال، با یکدیگر جنگیدند تا اینکه هر دو ملت تا سر حد اضمحلال ضعیف شدند که به احتمال قوی

۱- آ. آ. گریگوریان، تاریخ ارمنستان (تهران: انتشارات آلیک، ۱۹۵۹)، ص ۳-۱۲.

۲- السایان هایرابتیان و شاهنظریان، تاریخ ارمنستان از آغاز تا قرن طلایی (تهران: آلیک

ابتدا آشوریها از میان رفتند. (کمی پیش از نیایش ارمیای نبی بدست مادها) و سپس به دست سکاهای سرنگون شدند. چند سال بعد پادشاهی اورارتو هم که مورد تهاجم مادها و سکاهای قرار گرفت در مسیر اضمحلال افتاد و به قبایل جداگانه‌ای تقسیم و اندکی بعد به عنوان یک ملت از صفحه روزگار محو شد. گروه ارمن یا ارمنی که به روایت هرودوت از طریق تراس و فریگیه به این ناحیه مهاجرت کرده بود، در این منطقه جنگ‌زده با قبایل بازمانده از اورارتو و نیز قبیله بزرگتر و پیشرفته‌تر هایاسا که زمانی بخشی از فدراسیون باستانی هتی در آسیای صغیر بود ترکیبی را بوجود آوردند که مرکب از هایاساها، ارمنها و بقایای قبایل اورارتو بود. ارمنیها در زبان خودشان، خود را «هایا» و کشورشان را «هایستان» می‌نامند.^(۱)

زبان ساکنان اولیه، نه از گروه زبانهای سامی بوده و نه از دسته زبانهای هیتی و قفقازی.^(۲)

▣ خاستگاه قوم ارمنی و رابطه هویت ارمنی با سرزمین ارمنستان

ارامنه از نژاد هند و اروپایی و خانواده آریایی و شاخه ارمن هستند که بنا به شواهد و مدارک تاریخی، اسلاف آنها در حدود پانزده قرن قبل از میلاد مسیح از مناطق آسیای مرکزی به کناره‌های رودخانه سند مهاجرت کردند. برخی از مورخان ارمنی عقیده دارند که این مهاجرت از طریق بالکان به آسیای صغیر صورت گرفته و آنان با بومیان محلی که طایفه‌ای به نام «هایا» بودند، مخلوط شده و دولت ارمنی مستقلی تشکیل دادند. ارامنه مهاجر سپس به تدریج از طرف مغرب به ارمنستان و نقاط جنوبی‌تر سرازیر شدند و هفت قرن قبل از

۱- مایکل جی ارلن، سفر به آارات، ترجمه پروانه ستاری (تهران: نشر آبی، ۱۳۶۸)،

۲- همان، ص ۱۸.

ص ۹-۱۸.

میلاد مسیح بر روی خرابه‌های «اورارتو» چندین دولت تشکیل دادند. آنچه مورد تأیید مورخان است، این است که افراد این قوم پس از مدتی کرانه‌های سند را نیز ترک گفتند و از راه ایران به سرزمین حاصلخیز بین‌النهرین رفته، در آنجا مستقر شدند و سرانجام چند سال قبل از میلاد مسیح دشتهای بین‌النهرین را به سوی سلسله جبال قفقاز رها کرده و دامنه‌های این کوهستان را برای سکونت و زندگی برگزیدند.

در این هنگام قوم دیگری نیز در سرزمین جدید به سر می‌برد که آنان را «نائیری» می‌نامیدند که دولت آشور بر آن خطه و ساکنان آن حکومت می‌کرد. طبعاً در هر یک از این مهاجرتها زد و خورد با ساکنان پیشین هر سرزمین امری مسلم بوده، آنان احتیاج به رهبری روشن‌بین و مقتدر داشتند تا همه نیروهای خود را به جای جنگ و خونریزی در راه آبادانی و پیشرفت متمرکز کنند و تاریخ، این وظیفه سنگین را به عهده کوروش کبیر نهاده بود.

در هشت قرن قبل از میلاد که اقوام آریایی - مادها و پارسها - به این سرزمین آمدند، قوم آریایی دیگری به نام «آسا» یا «هایا» و یا «هایاسا» نیز خود را به سرزمین خالدها (کلده) که «آرازاتوا» نامیده می‌شد، رسانیده و با آنان به جنگ و جدل پرداختند. این نبردهای خونین نزدیک به سیصد سال ادامه داشت تا اینکه سرانجام کوروش در قرن پنجم قبل از میلاد با تصرف سرزمینهای آسیای صغیر و تسلط بر اقوام آنجا قوم و ملت واحدی بوجود آورد. ولی طولی نکشید که شعبه دیگری از نژاد آریایی به نام «ارمن» وارد خاک «آرازاتوا» شده و با سایر اقوام این سرزمین اتحادی تشکیل دادند و بدین ترتیب به صورت ملت واحدی درآمدند که «ارمنستان» ماحصل این اتحاد بود.^(۱)

اینکه چرا این قوم خود را ارمنی و سرزمینشان را ارمنستان خواندند، سؤالی است که مورخان و باستانشناسان بدان پاسخ گفته‌اند و ما قبل از شرح این پاسخ ابتدا حدود سرزمین مورد بحث را مشخص می‌کنیم: ارمنستان ناحیه‌ای است که

۱- اسفاعیل راثین، *ایرانیان ارمنی* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶)، ص ۴-۵.

بین کناره دریای خزر از سوی شرق، به گرجستان و دریای سیاه از طرف شمال، به سرچشمه‌های رودخانه فرات از جانب غرب و دره‌های رودخانه دجله در جنوب غربی واقع شده است. در گذشته، مرزهای این ناحیه هیچ وقت ثابت نبوده و در طول تاریخ سیاسی، اوضاع آن همواره دستخوش تغییر و تحول بوده و گاه این سرزمین به امپراطوری بزرگ ایران تعلق داشته و زمانی به امپراطوری روم شرقی.

نام ارمنستان منشعب از زبان آرامی عبری و به معنی مملکت «آرمن‌ها» است و علت اینکه مهاجران بین‌النهرین در دامنه‌های جبال قفقاز بدین نام خوانده شده‌اند، بنا به گفته مورخین این است که هایک نخستین پیشوای این قوم چهار پسر داشت که نام چهارمین آنها آرمناک بود و آرامنه را منسوب به آرمناک می‌دانند. هائیستان یا هائیاسان نیز که از نام هایک و از کلمه‌های به معنای ارمنی گرفته شده نامی است که ارمنستان قدیم را بدان می‌نامیدند و تنی چند از مورخان آن را «آرمینا» می‌خوانند و داریوش کبیر نیز در یکی از کتیبه‌های خود این سرزمین را «ارمنیه» نامیده است.^(۱)

به هر روی، در روزگار کهن، ارمنستان به خاطر موقعیت استراتژیکی اش به عنوان یک نیروی دفاعی در برابر سکاها و بخاطر اسبهایش توجه ایرانیها را جلب می‌کرد. دیری نپایید که یونانیها هم به همین دلایل و به خاطر تجارت به آن چشم دوختند، زیرا یک راه عبور طبیعی از میان دره‌ها و کوهستانهای یخ‌زده ارمنستان وجود داشت که دنیای شرق را با مدیترانه و دنیای یونان مرتبط می‌کرد. اورارتوئیها امکانات این جاده شمالی را درک کرده بودند. ایرانیها هم چشم به آن دوخته بودند، با اینکه آنان به خراج، بیشتر از تجارت علاقمند بودند. در این زمان بود که سر و کله یونانیهای مهاجرپیشه پیدا شد. پاتروکلوس فرماندار سلوکی شخصاً با یک تیپ مهندسی به ارمنستان سفر کرد تا امکان حفاری کانال را که دریای سیاه را به دریای خزر در فاصله سیصد مایلی ارتباط می‌داد، بررسی کند و

در نهایت به این نتیجه رسید که امکانش وجود ندارد.^(۱)

در باب زبان ارمنی هم باید گفت که این زبان به خانوادهٔ زبانهای هند و اروپایی وابسته است و گروه خاصی از آن را تشکیل می‌دهد که حد فاصل بین گروه یونانی و گروه ایرانی است. این زبان احتمالاً خویشاوندی بسیار نزدیکی با زبان معروف به فریگیه دارد که در آغاز تاریخ مسیحی از بین رفته است. چون زبان ارمنی به مرور زمان تعدادی از واژه‌ها و پسوندهای فارسی یا بطور کلی ایرانی را در خود داخل کرده است، زیانشناسان مدتها فکر می‌کردند که زبان مورد بحث وابسته به شاخهٔ ایرانی زبانهای هند و اروپایی است، لیکن تحقیقات هوشجان خاورشناسی آلمانی نشان داد که زبان ارمنی یک گروه مستقل و متمایز از خانوادهٔ زبانهای هند و اروپایی است.

همچنین زبان ارمنی تعدادی از واژه‌های بیگانه را در خود داخل کرده است. بویژه بسیاری از این واژه‌ها متعلق به زبان ایرانی هستند و در زمانی که اشکانیان در ایران حکومت می‌کردند و آرامنه با ایشان روابط بسیار نزدیکی داشتند آنها را با زبان خود در آمیختند.^(۲)

این را نیز بیفزاییم که نام ارمن، ارمنیه و ارمنستان برای اولین بار در کتیبه‌های عهد هخامنشی دیده می‌شود. چنانکه در کتیبهٔ داریوش در بیستون که مربوط به سال ۵۲۱ ق. م است نام «ارمنستان» دیده می‌شود. در این کتیبهٔ چنین نوشته شده: «سرزمین پوتوس و ارمنستان و... را فتح کردم...»^(۳) و در جای دیگر چنین آمده: «من وابستهٔ خود دادرشی نام ارمنی را به ارمن فرستادم و گفتمش برو، سپاه شورش را که خود را از من نمی‌داند سربکوب... پس دادرشی رفت...»^(۴).

۱- همان، ص ۳۴-۵.

۲- همان، ۴-۳.

۳- هراند پاسدرماجیان، تاریخ ارمنستان، ترجمهٔ محمد قاضی (تهران: تاریخ نشر ایران، ۱۳۶۶)، ص ۲۷.

۴- علی اکبر جعفری، «زرتشتیگری در ارمنستان»، ایران نامه، س دهم، ش ۱، زمستان ۱۳۷۰، ص ۲۱.

□ لرنستان در عهد هخامنشی

با غلبه کوروش بر ماد و برسارد، ارمنستان به قلمرو هخامنشی درآمد. قبل از این دوره و در زمان مادها و به دنبال جنگهای هورخشتره، بالیدیه این سرزمین به کنترل ایران درآمده بود. به دنبال این وقایع و ارتباط ارمنیان با دولتهای ماد و هخامنشی نوعی آیین مزدیسنان در بین ارمنه رواج یافت.^(۱) در طول دو قرن سلطه هخامنشی در قرنهای پنجم و چهارم پیش از میلاد تا حین فروپاشی امپراطوری پارسیان، ارمنستان ایالت یا ساتراپی از امپراطوری ساسانی بود. به نظر می‌رسد که در تمام این مدت، ارمنستان که بوسیله ساتراپهای منتخب از میان سلسله‌های ملی اداره می‌شد از نوعی خودمختاری کامل برخوردار بوده است. این مطلبی است که مورخ شهیر یونان گزنفون در کتاب خود روایت می‌کند. روایت او، اطلاعات گرانمایی درباره سرزمین ارمنستان و ساکنان آن و شیوه زندگیشان بدست می‌دهد. گزنفون نقل می‌کند که پس از آنکه ده هزار نفر یونانی به دشت فعلی موش رسیدند در آنجا «انواع مواد خواروبار خوب و عالی، از قبیل چهارپایان، فرش، گوشت، گندم، شرابه‌های کهنه با عطر و طعمی دلنشین و انواع و اقسام انگورها و سبزیها یافتند». وی همچنین می‌نویسد: «اسبهای این سرزمین به بزرگی اسبهای ایران نیستند ولی دل و جرأت بیشتری دارند». ارمنیان مکلف بودند به سهم خود سپاهیان وظیفه‌ای در اختیار شاه شاهان بگذارند تا در ارتش او خدمت کنند و بر همین مبناست که هرودوت اشاره به حضور گروههای ارمنی در میان سپاهیان خشایارشا می‌کند به هنگامی که آن شاه در جنگهای مدیک با یونانیان از بغازهای بسفور و داردانل گذشت.^(۲) همچنین ارمنستان تنها ملت تحت سلطه امپراطوری ایران بود که ایرانیان از

۱- عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸)، ص ۳۰۴.

۲- پاسدروماجیان: تاریخ ارمنستان، ص ۹-۲۸.

میان ایشان فرمانده برای سپاهیان خود انتخاب می‌کردند. در واقع اگر چه ایرانیان از نفرات و وظیفه ملتهای مختلف تحت انقیاد خود به عنوان سرباز استفاده می‌کردند لیکن اصولاً هرگز فرماندهی سپاهیان خود را جز به پارسیان و به مادها واگذار نمی‌کردند. با این وجود گره‌ی و کاری می‌نویسند که از هشت سرداری که در کتیبه بیستون اسامی آنها آمده، یک نفر ارمنی است. در مورد خراجی که ارمنستان به ایران می‌پرداخت، هرودوت چنین نقل می‌کند:

«ارمنستان که سیزدهمین ساتراپ بود می‌بایست ۵ تالان در سال به اضافه عوارض جنسی پردازد و این عوارض جنسی در مورد ارمنستان که مهارتی در دامداری بویژه در پرورش اسب داشت، اسب بود».

ساتراپون به رقم بیست هزار کره اسب که خراج جنسی سالانه ارمنستان به شاهنشاه ایران بوده است اشاره می‌کند.^(۱)

ساتراپهایی که هخامنشیان آنها را به عنوان یک فرد محلی به حکومت این ایالت شمالی می‌گماشتند، معمولاً یک خان یا مالک مقتدری بود ارمنی، که او را ساتراپ می‌خواندند و اغلب اوقات کاری به کار آنها نداشتند.

در زمان خشایارشا سالیانه تا بیست و پنج هزار اسب از ارمنستان به ایران فرستاده می‌شد که در دورانهای بعد تعداد آنها بیشتر می‌شد. در این زمان فلات ارمنستان مکان فوق العاده مناسبی بود برای پرورش اسبهای خوب زیرا که علفهای کوتاه زبر و به ظاهر خشکش از لحاظ پروتئین بسیار غنی و هوای پر ارتفاعش نژادی از این حیوان را می‌پروراند که سرعت و استقامتش استثنایی بود و هخامنشیان که رؤیای بزرگی از یک امپراطوری به هم پیوسته داشتند پیش از آنکه تجارت یا ارتباطی در کار باشد، به همین علت جاده‌هایی به سوی غرب از میان آسیای صغیر و شمال به سوی ارمنستان ساختند. داریوش نیز شخصاً همیشه چشم به شمال داشت. وی یک قشون نظامی به ارمنستان و از طریق

ارمنستان و قفقاز به استپهای اروپایی - آسیایی اعزام داشت که وقتی این سپاه به آنجا رسیدند و چیزی نیافتند عقب گرد کردند.^(۱) در کتیبه بیستون که ضمن آن شاه شاهان فتوحات خود را بر می‌شمارد، شاه هخامنشی چنین می‌گوید که جنگها و درگیریهای خونینی با ارمنیان داشته و ضمن آن اشاره به نبردهای «زوراویتگرا» و «اویاما» می‌کند.

داریوش ابتدا لشکری برای فتح ارمنستان فرستاد که ارمنیان آن را به عقب راندند و پس از آنکه حالت تعرض به خود گرفتند جنگ را به داخل خاک آشور منتقل کردند. از سوی داریوش ناگزیر لشکری گسیل گردید تا بر مقاومت ارمنیان چیره شود. چنانکه گرهی و کاری بیان داشته‌اند، از میان تمام کشورهایی که به دست داریوش تسخیر شدند ارمنستان سرزمینی بود که بزرگترین و طولانی‌ترین مقاومت را از خود نشان داد و جنگ بر سر این منطقه، دوازده ماه به طول انجامید.^(۲)

در بهار سال ۵۲۱ قبل از میلاد در ارمنستان شورش‌هایی در برابر فرماندهان داریوش به وقوع پیوست. اولین فردی که مبادرت به سرکوب شورشیان کرد دادرشی و دومین واخومیسا بود. این دو تن با سپاهیان داریوش در برابر شورشیان از خود مقاومت سختی نشان دادند. در کتیبه شماره دو بیستون چنین آمده:

«داریوش شاه گوید: من وابسته خود دادرشی نام ارمنی را به ارمن فرستادم و گفتمش برو، سپاه شورشی را که خود را از من نمی‌داند سرکوب. پس دادرشی رفت. هنگامی که به ارمن رسید، شورشیان گردآمدند و با دادرشی به نبرد پرداختند نبرد در جایی به نام «زوزهیا» در گرفت. اهورا مزدا مرا یاری کرد و به مهربانی اهورا مزدا سپاهم، سپاه شورشی را سخت شکست داد. این

۱- ارزن: سفر به آرازات، ص ۴-۳۳.

۲- پاسدرماجیان: تاریخ ارمنستان، ص ۸-۲۷.

نبرد در روز هشتم ماه «پربهار» (اردیبهشت) روی داد.

داریوش گذشته از دادرشی از ارخا پسر هلدیتا نام ارمنی یاد کرده است که در بابل گردن کشید و خود را شاه آن کشور خواند، ولی در دو نبرد از پای درآمد و کشته شد. داریوش، دادرشی را «بنده» خود می خواند که پایه بلند این مرد را می نماید، زیرا در آن زمان این واژه به معنی «دریغ دوستی، دوست کهنتر و وابسته» بود و نه برده و هنگامی که می بینیم جز دادرشی و یک افسر مادی، داریوش در همه جنگها با شورشیان یا خود سالار سپاه بود یا سالاری را به یکی از افسران پارسی می سپرد، سالاری یک ارمنی و آنهم برای نبرد در سرزمین ارمن بسی چشمگیرتر می نماید. در برابر دادرشی، ارمنی دیگری که از او نام برده شده ارخا پسر هلدیتا بود. او چنان که پیداست از یک سو به جایی رسیده بود که توانست خود را در میان مردم بابل شاه بخواند و از دیگر سو از یاران بردیای راستین یا گوماتای دروغین بود که پادشاهی داریوش را نپذیرفتند ولی سرانجام همه ناکام جان باختند یا چه بسا که از آشفتگی زمان سود جستند و خواستند خودکامانه دم از آزادی و پادشاهی بزنند. بهرسان این نوشته داریوش نشان می دهد که این دو سردار و چه بسا دیگر ارمنیان که نامهایشان یاد نشده، چه جایگاهی در دربار هخامنشی، چه پیش از داریوش و چه پس از وی داشتند.^(۱)

▣ پیوستگی های فرهنگی و مذهبی ارمنه و ایرانیان در دوره هخامنشی

در دوره هخامنشی، پیوستگی های فرهنگی و مذهبی ایران در بین ارمنه رواج یافت. نیایش آرامزد، آناهیت و میترا، اعتقاد بوجود ارهمن (اهریمن)، اژدهاگ ویزته ها و نوعی گاه شماری ایرانی. در حقیقت ارتباط این عقاید با آیین های عهد هخامنشی بی آنکه ربطی به تعلیم زرتشت داشته باشد حاکی از رواج عقاید مزدیسنان در بین ارمنه بود. بعلاوه وجود این وحدت در عقاید از اسبابی بود که

۱- جعفری: زرتشتیگری در ارمنستان، ص ۱۱-۲۱۰.

موجب شد در سراسر دوران هخامنشی، ساکنان ارمنستان نسبت به غلبه ایران ناخردسندی از خویش نشان ندادند. ظاهراً این نکته که حکام محلی همچنان نفوذ خود را در اداره ولایت حفظ کردند خود نیز از اسباب عمده حصول صلح و آرامش در این نواحی بود. با وجود این، غلبه هخامنشی‌ها بر این قوم به هیچوجه موجب ایجاد وحدت در ارمنستان نشد و شرق و غرب آن از هم مدتها جدا ماند. چنانکه در عهد اردشیر دوم (۳۵۸-۴۰۴ قبل از میلاد) و مقارن ماجرای بازگشت ده هزار یونانی ارمنستان غربی - سیزدهمین ساتراپی داریوش - در حکم ساتراپی بنام تیریپازوس بود که گزنفون دربارهٔ برخورد او با یونانیها داستانهایی دارد. در صورتیکه ارمنستان شرقی هیچدمین ساتراپی داریوش - جزو قلمرو اورونتس بود که رودگون دختر شاه را به همسری خویش اختیار کرده بود. این دو بخش ارمنستان بعدها بنام ارمنستان صغیر و ارمنستان کبیر خوانده شد و در واقع غالباً در خاندان آنان، این ساتراپها باقی ماند اما خود آنها در آسیای صغیر مناصب و مقامات گوناگون دیگر هم یافتند. از جمله تیریپازوس چندی بعد ساتراپ کیلیکه چهارمین ساتراپی داریوش شد چنانکه اورونتس هم به ولایت میسیه - دومین ساتراپی داریوش رسید و بعدها هم با اردشیر دوم و هم با ارتخشیر سوم (اخویس) درگیریهایی یافت. در هر حال آرامنه در دوران هخامنشی با وجود استقلال داخلی، در واقع تابع و باجگذار بودند و ارمنستان نسبت به پادشاه پارس اظهار انقیاد می‌کرد.^(۱)

سیاست پادشاهان هخامنشی چنین بود که طرفداری و حمایت اقوام تحت سلطه را به دست بیاورند و سعی داشتند که در این کشورها به تصرفات خود صورت قانونی بدهند. بنابراین، کلیه مراسم و تشریفات تاجگذاری را انجام می‌دادند و القاب محلی را می‌پذیرفتند و خدایان محلی را پرستش می‌کردند. داریوش برای تحکیم مبانی حکومت و تشدید روابط و مناسبات اقتصادی بین نواحی مختلفی که از لحاظ تشکیلاتی با یکدیگر متفاوت بودند و همچنین برای

۱- زرین کوب: تاریخ مردم ایران، ص ۳۰۴-۵.

وصول مالیاتها، سیستم پولی واحدی به وجود آورد. (۱) میزان مالیاتی که ارمنستان به پادشاهان هخامنشی می‌پرداخت تقریباً دو برابر مجموع میزان مالیاتی بود که همه ایالات ایران به انضمام آسیای میانه و چند منطقه دیگر می‌پرداخت. (۲) در این زمان، مذهب جدید اهورا مزدا که به وسیله خشایارشا در ایران متداول گردید و نظیر دوره گوماتا همراه با ویران ساختن معابد خدایان محلی «دیوها» بود، در ارمنستان پیروانی پیدا کرد و می‌توان آثار این مذهب را در ارمنستان مشاهده کرد. (۳) این مذهب که بوسیله هخامنشیان حمایت می‌شد ممزوج و مخلوطی از آیین زرتشت با عقاید محلی بود. (۴) دین و رسوم ارمنیان با مادها و پارسیان یکی بود و مخصوصاً میترا و آناهیتا یا اناهیته را بزرگ می‌داشتند. (۵) واژه‌های بسیاری که ارمنیان از زبانهای ایرانی وام گرفتند بر همگان روشن است. بیشتر واژه‌های ارمنی گویا از لهجه‌های پارسی یا فارسی میانه و بعضی هم از ریشه‌های کهن تر گرفته شده است. مانند تاگاواری یعنی «شاه» و پارتز یعنی «باغ» ولی گرایشی که در واژه‌های پارسی به زبانهای کهن هست موجب می‌شود که به آسانی نتوانیم نفوذ هخامنشیان را در زبان ارمنی پیدا کنیم. (۶)

□ دین زرتشت در ارمنستان

مردم ارمنستان در زمان ماد با دین زرتشتی آشنا گردیدند و به آن گرویدند. دین زرتشتی در زمان هخامنشیان گسترش یافت و ارمنیان سده چهارم میلادی

۱- م. م. دیاکونوس، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی اریاب (تهران: بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، ۱۳۴۶)، ص ۴-۱۳۲.

۲- همان، ص ۱۳۵.

۳- همان، ص ۱۴۵.

۴- همان، ص ۱۷۳.

۵- استرابون، کتاب یازدهم، بند ۵۳۲.

۶- ریحارد. ن. فرای، میراث باستانی ایران (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،

۱۳۶۸)، ص ۲۰۵.

کمابیش با رنگی که خود و همسایگان شمالی و غربی به این کیش داده بودند، بر آن استوار ماندند. در این زمان همه فرمانروایان چه مادی و چه هخامنشی و چه اشکانی، با آمیزشی آرام و دوستانه با اتباع قلمرو خویش رفتار می‌کردند و دین و باورهای خود را به زور بار مردم زیردست نمی‌کردند و به جای آن باورها و آیین‌های آنان را گرامی می‌داشتند. همین خوشرفتاری و ارج‌گذاری ایرانیان، ارمنیان و دیگر همسایگان ایرانی را به راه و روش و کیش و آیین ایرانی و به زرتشتیگری کشانید. مردم سرزمین ارمن تا این زمان هنوز یک دسته جوش نخورده بودند و هر گروهی از آنان زبانی و گویشی از خود داشت. ولی با روی کارآمدن اردشیر همه مردم آن بوم دارای یک زبان و یک ملیت شدند. از زمان اردشیر دوم آیین‌های بیگانه‌ای در دین زرتشت راه یافت و به جای پرستش در هوای آزاد که شیوه زرتشتیان تا آن زمان بود، پرستشگاه‌هایی به روش مردم اورارتو، بابل و آشور برپای شد و درون برخی از آنها آتشگاه گذارده شد و در برخی دیگر تندیس‌های ایزدان زرتشتی و همتایان زرتشتی آنان^(۱)، «بانو امشاسپند» یا «سپندارمذ» که به گونه ارمنی «سندرمست» یاد شده، نگهبان زمین بود و چون زمین گرامی بود و آن را بایستی از همه گونه پلیدی پاک و پاکیزه نگاه داشت، ارمنیان که همانند ایرانیان مرده را پلید می‌شمردند، پیکر مرده را با همان آیین ایرانی به لاشخور می‌سپردند و سپس استخوانهای خشک و پاک‌گردیده را در «استودان» می‌گذاشتند. سپندارمذ نگهبان زنان باردار نیز بود و چون کشاورزی وابسته به زمین است، جشنهای ششگانه‌ای به نام «گاهانبار» که ویژه کشاورزی و دامداری زرتشتیان بود نیز در بین ارمنیان مرسوم بود.^(۲)

این شیوه در زمان اشکانیان نیز ادامه داشت و اشکانیان بر این نوآوریها خرده نمی‌گرفتند و آن را روا می‌دانستند ولی بعدها در دوره ساسانیان ارمنیان را وادار

۱- جعفری: زرتشتیگری در ایران، ص ۲-۲۱۱.

۲- همان، ص ۳-۲۱۲.

می‌کردند تا زرتشتیگری را به گونه‌ای که آنان جایز می‌دانستند بپذیرند. ولی شاه اشکانی تبار ارمنستان در برابر این امر ایستادگی کرد و پس از کشمکش دو سویه و سیاست‌بازی و دست‌اندازی رومیان و دخالت دین‌گستران ترسایی کار به جایی کشید که در سال ۳۰۳ میلادی، شاه تیرداد سوم به دین مسیحی گروید و تاریخ ارمنستان دگرگون شد.

تحقیقات تاریخی نشان می‌دهد که مذهب ارامنه قبل از زرتشت پرستش خدایان محلی بود. خدای عمده اورارتو، خدای خالدی نام داشت که مرکز اصلی آن در شهر اردینی یا مصیصر (به گونه‌ای که آشوریان تلفظ می‌کردند) بود. این جاها در کهن‌ترین بخشهای اورارتو نزدیک رواندوز فعلی قرار داشتند.^(۱) اما یک کتیبه‌ای در نزدیکی وان از شصت و سه خدا و پانزده الهه نام می‌برد و خدایان دیگر، تعدادی گوسفند و گاو نر و ماده‌ای بود که برای هر یک از ایشان قربانی می‌شد. این خدایان را در نقشها به پیکر آدمیان مجسم می‌ساختند و شاید هر یک علامتی خاص داشتند مانند آنکه قرص خورشید که نشانه آشور و شمس است در اورارتو هم دیده شده و شاید نماینده «شوینی» خدای خورشید اورارتوئیها بوده میان دین اورارتوئیها با دینهای ایرانیان شباهتی دیده نمی‌شود.^(۲) در این دوران با قوانینی که هخامنشیان وضع کردند برخی اصطلاحات و واژه‌های ایرانی بر سر زبانها افتاد که ارمنیان از آن بهره می‌جستند و واژه ایرانی داتا^(۳) از آن جمله است که ارمنیان، یهود و اکدیایان به وام گرفتند. مفهوم ریشه هند و اروپایی این واژه همانا «مرتب کردن» یا منظم کردن^(۴) است در این زمان در ارمنستان «شهربان»ها حکومت می‌راندند که از جمله آنان

۱- فرای: میراث باستانی ایران، ص ۱۰۷.

۲- همان، ص ۱-۱۱۰.

3-Data

۴- فرای: میراث باستانی ایران، ص ۱۷۰.

می‌توان به *اورونتس* اشاره کرد. نفوذ پارسیان در ارمنستان بسیار چشمگیر بود. اگر بگوییم که ارمنیان در دوران هخامنشی و پارتی ایرانی شدند چندان از حقیقت دور نشده‌ایم.

□ حمله اسکندر و بازتاب آن بر ارمنستان

در روزگار پادشاهی آخرین شاهنشاه ایران از دودمان هخامنشی، ارمنستان از آرامش و آبادانی برخوردار بود. پادشاهان ایران در این زمان کمتر در امور داخلی ارمنستان مداخله می‌کردند و بازرگانی و کشاورزی در این سرزمین رونق گرفت. این اوضاع با هجوم اسکندر مقدونی ناگهان به هم خورد. نبرد آربلا گاوگمل در یکم اکتبر ۳۳۱ قبل از میلاد به پیروزی قطعی مقدونیان و یونانیان بر داریوش سوم کودمانس انجامید. آرامنه که به داریوش وفادار مانده بودند، چهل هزار پیاده و هفت هزار سوار برای شاهنشاه ایران تجهیز کردند و زیر فرمان پادشاه *اورونتس دوم* این سپاه مجهز را به یاری او فرستادند. سواران ارمنی، جناح راست خط نبرد ایرانیان را در نبرد آربلا تشکیل می‌دادند.

ظاهراً *اورونتس دوم* در جریان این شکست فاجعه‌آمیز جان خود را از دست داد. به هر تقدیر اسکندر مقدونی با فرستادن *میترانس*، پسر *اورونتس دوم* به سمت شهریان ارمنستان و جانشینی پدر این پیروزی را جشن گرفت.^(۱)

پس از فتح ایران توسط اسکندر مقدونی، ارمنستان از حیطة قدرت اسکندر بیرون ماند. *اورونتس* شهریان ارمنستان در دوران داریوش در این زمان در برابر سپاهیان مقدونی قدرت خویش را حفظ کرد. اسکندر شهریان دیگری به نام *میترن* را که شهریان ایرانی شوش بود به جای او گمارد ولی ظاهراً وی نتوانست زمام فرمانروایی را از دست شهریان اول بگیرد.

پس از مرگ اسکندر، میراث فرهنگی امپراطوری او به حیات خویش ادامه داد و در ارمنستان نفوذ یافت. در این جهان تازه یونانی مآبی نه نشانه‌های جهان

۱- لانگ: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ص ۶۲۰.

پیشین «ایرانی مآبی» و نه عناصر فرهنگ پیشرفته محلی که از اورارتو به ارث رسیده بود محو نگردید. ارمنستان خود را در تماس نزدیک با شماری از کشورهای یونانی مآب یافت و بدین ترتیب، درهای آن بر روی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی باز گشوده شد. وجود اقتصاد محدود به کشاورزی و روستایی ارمنستان عهد هخامنشی که هنوز کاربرد پول را به سختی می شناخت ناگهان دگرگون شد. راه خشکی مهمی که در گذرگاه کالاهای بازرگانی بود و چین و هند و آسیای میانه را به جهان مدیترانه پیوند می داد، از ارمنستان می گذشت و راه دیگری در شمال که در موازات آن کشیده شده بود از اکباتیای قفقاز (آذربایجان) ایبری و کولخیس گذشته به کرانه دریای سیاه می رسید.

شهرهای بزرگی که بر سر راه این جاده‌ها سر بر می آوردند، منزلگاههای بازرگانان بیگانه و مراکز انتشاراتی فرهنگ یونان شد. رشد اقتصاد پولی و زندگی شهری عموماً موجب زوال جامعه قبیله‌ای - پدر سالاری سنتی ارمنستان و نیز سبب سر برآوردن شهرهای بورژوازی و طبقه‌ای صنعتگر و بهره‌برداری تجاری بردگان گردید. از سده ۳ قبل از میلاد پادشاه ارمنستان رفته رفته قدرتی مطلق و استبدادی یافت و دستگاه اداری آن به ویژه دربار شاهی و نظام مالیاتی و مالی آن پیچیده تر گردید.

برای ارزیابی موقعیت بین‌المللی ارمنستان در درون جهان یونانی مآب باید به بررسی کوتاه اوضاع کلی خاور نزدیک و آسیای صغیر پردازیم. پس از مرگ ناگهانی اسکندر در ۳۲۳ ق. م سردارانش بر سر تقسیم متصرفات او به جان یکدیگر افتادند. هنگامی که اغتشاشهای تازه‌ای از بیرون، جهان متمدن را در کام خود فرو کشید جانشینان اسکندر به سختی توانستند توازن قدرت به هم خورده را بار دیگر در خاور نزدیک و ناحیه دریای اژه احیاء کنند. قبایل سلتی از میانه دانوب به مقدونیه سرازیر شده و زیر نام غلاطیان یا گالاتیان در آسیای صغیر تا ارمنستان مستقر گردیدند.^(۱)

حمله اسکندر و تصرف ایران برای ارمنستان دو نتیجه بسیار مهم داشت. نخست آنکه بطور مستقیم یا غیر مستقیم نخستین دوران استقلال ارمنستان را پدید آورد و دوم اینکه ارمنستان را در تماس مستقیم با تمدن یونان به نام تمدن هلنی قرار داد.

پر پیداست اصول این تمدن با اصول تمدن خاور زمین بدان گونه که به وسیله مصر، کلد و ایران عرضه شده بود، کاملاً متفاوت و حتی می توان گفت مغایر بود. این اصول از قید سنتهای الزامی حکومت مذهبی که برای جامعه های شرقی عزیز بود رهایی یافته بودند. اکنون این نکته مورد قبول مورخان است که ارمنستان یکی از قسمتهای نادر امپراطوری ایران باستان بود که به سبب موقعیت جغرافیایی و روح سلحشوری ساکنانش هرگز به تصرف اسکندر در نیامد.^(۱)

تارن می نویسد: اسکندر میترنیس را به عنوان ساتراپ ارمنستان به آن سرزمین فرستاد لیکن ارمنستان هرگز فتح نشد. همان مؤلف می نویسد:

«جانشینان اسکندر خیلی زود ناچار شدند رؤیای داشتن ساتراپی را در ارمنستان از سر بدر کنند زیرا آن کشور استقلال یافته بود و در رأس آن سلسله ای سلطنت می کرد که به وسیله اورونتس ساتراپ سابق داریوش سوم تأسیس شده بود».

در حقیقت فروپاشی امپراطوری پارسیان در زیر ضربات اسکندر راه را برای نخستین دوره استقلال ارمنستان باز کرد. در حدود سال ۳۲۲ پیش از میلاد یک سلسله پادشاهی ارمنی بر ارمنستان سلطنت می کرد. این سلسله به وسیله اورونتس اول (معروف به هراتت یا پرواند) تأسیس یافت. به هنگام جنگ ارمنستان به تعهدات خویش به ایران عمل کرد و سربازانش دوش به دوش ایرانیان با اسکندر جنگیدند، ولی پس از فروپاشی امپراطوری پارسیان، اورونتس برای اعلام استقلال ارمنستان از فرصت استفاده کرد. مبانی این سلسله همچون تاریخش تا اندازه ای تیره و مبهم است. آنچه محتمل می نماید آن است

که از سلاله ساتراپهای ارمنی اصل یا ایرانی اصل باشد که هنگام انقراض امپراطوری پارسیان بر ارمنستان حکومت می‌کردند. از میان جانشینان اورونتس اول که به تخت سلطنت ارمنستان نشستند باید از شاه آرتاوازد و شاه اورونتس دوم نام برد.

تاریخ این نخستین ارمنستان مستقل با جنگهایی بر ضد همسایه قدرتمندش دولت سلوکی مشخص شده است. به مدت یک قرن تمام (سرتاسر قرن سوم پیش از میلاد) ارمنستان در برابر حملات سلوکیها مقاومت کرد و فقط در سال ۲۱۵ پیش از میلاد بود که سلوکیها توانستند آن سرزمین را اشغال کنند و ارمنستان برای یک دوره کوتاه از (۲۱۵ تا ۱۹۰ پیش از میلاد) استقلال خود را از دست داد.^(۱)

در دوره سلوکیان، شهریاران ارمنستان دربارهایی همانند دربار سلوکی داشتند. در این میان نفوذ زبان یونانی بر قوم ارمنی مؤثر واقع شده و یافتن کتیبه‌ای در ارمنستان دال بر این است که قانون یونانیان بی‌شک در سراسر شاهنشاهی سلوکی نفوذی شگرف داشته است. سلوکیان گذشته از برقرار ساختن نفوذ زبانی و حقوق و نمودار ساختن فواید فرهنگ شهری مانند ادارات منظم و شاید حتی تنظیم مالیاتها، توانستند پول و اوزان و مقیاسها و گاهنامه کشورهای شاهنشاهی خود را یکسان کنند. ارمنستان که در مغرب آذربایجان و به مرکز سلوکیان نزدیک بود با آنکه استقلال داشت بیشتر از استانهای بالا زیر نفوذ قرار داشت و گاهی خراجگذار سلوکیان بود.^(۲) اما با پیشرفت کار پارتیان اندک زمانی پس از مرگ سلوکوس اول، ارمنستان از فرمان ایشان بیرون رفت. سلوکیان برای برقراری ارتباط با تبعه خویش به گونه‌ای خط نیازمند بودند که طبیعتاً چنین خطی آرامی بود و زبان آرامی برای نوشتن فرامین و احکام کاربرد داشت و نیز

۱- همان، ص ۲-۳۱.

۲- برای اطلاع بیشتر ر.ک: آیین در Syriake، بند ۵۵.

زبان یونانی در این زمان علاوه بر زبان آرامی استفاده می‌شد. هیچ شاهدهی دردست نداریم که نشان دهد سلوکیان برای پیشرفت فرهنگ هلنی با سنتهای بومی به دشمنی برخاسته باشند. کار ایشان بر عکس این بود با بر افتادن زبان آرامی و نگارش زبانهای بومی، انحطاط سلوکیان و پاشیده شدن و از تمرکز به پراکندگی گراییدن کارهای اداری و دیوانی شاهنشاهی که در آن سنت هخامنشی نیز نگاهداری می‌شد آغاز شد. شهریاران بومی دیوان خود را به روشهای گوناگونی ترتیب دادند و خطهای مختلفی رایج کردند ولی بعضی از آنها شاید در این کار محافظه کارتر از دیگران بودند در دوران پادشاهی سلوکیان آیین آنهاسته در ارمنستان دارای اهمیت زیادی بود. چنین می‌نماید که در ارمنستان شاید در پایان فرمانروایی سلوکیان نانه و آنهاسته هر دو را با آرمیس برابر می‌دانستند. اما *آگاتانژ* مورخ ارمنی سده چهارم پیش از میلاد و *دیبرمهرداد* دوم پادشاه ارمنستان در توصیف وضع آغاز قرن چهارم پیش از میلاد همچنین پرستشگاه آنهاسته و نانه را از هم باز می‌شناسند و جدا می‌داند. آیین دیگری که بدان اشاره می‌کنیم آیین هرقل است که در ارمنستان وی را با *واهاگن* برابر می‌دانستند که او پهلوانی ملی و همانند ورثه‌خانه ایرانی بود که بعدها این نام به *بهرام* تبدیل شد.^(۱)

در طی دوره سلوکی، ارمنستان به چندین پادشاهی و شاهزاده‌نشین در واقع مستقل تقسیم گردید. طبقه‌بندی جامعه ارمنی که در این دوره پذیرفته شد با پاره‌ای دگرگونیها تا دوره بیزانس دوام یافت. پادشاهان سلوکی هرگز نتوانستند دعوی فرمانروایی مستقیم بر خود ارمنستان کنند. ایشان از شاهزادگان ارمنی محلی خراج می‌گرفتند و با دادن لقبی بر آنان^(۲) که برابر لقب نیابت پادشاه (شهربان) در ایران قدیم بود آنها را در سمتشان ابقاء می‌کردند. این وضع در ایام فرمانروایی *آنتیوخوس سوم سلوکی* تغییر یافت. *آنتیوخوس سوم* در ۲۰۰ ق. م

۱- فرای: *میراث باستانی ایران*، ص ۴۰-۲۳۹

زاریادرس را که از نوادگان خاندان ارمنی اورونتیان بود به ولایتداری سوفنه گماشت. در این ایام، ارمنستان بزرگ قدرت دودمان اورونتیی اصلی به پایان خود نزدیک می‌شد. آخرین پادشاه این دودمان اورونتس چهارم بود. اگر به تبعیت از موسی خورنی پادشاهی اورارتو را که پایه‌گذار آن آرامه بوده اولین پادشاهی ارمنستان و اورونتیان را دومی بدانیم آرتاکسیاس بنیانگذار سومین و بزرگترین پادشاهی ارمنستان بوده است.

آرتاکسیاس برابر اردشیر فارسی و آرتاشس ارمنی است. آرتاکسیاس و شریک کهترش زاریادریس فرمانروای سوفنه پس از آنکه از سوی آنتیوخوس سوم به حکومت نشستند از ۲۰۰ تا ۱۹۰ ق. م یعنی مدت یک دهه منتظر فرصت ماندند. سرانجام آنتیوخوس با درافتادن با جمهوری نیرومند روم با نیرویی درگیر شد که به مراتب از او تواناتر بود. از شکست بزرگ آنتیوخوس به دست رومیان در مغنیسا چندان نگذشت که آرتاکسیاس و زاریادریس از دولت سلوکی جدا شدند.^(۱) آنتیوخوس سوم پادشاه سلوکی به جنجال دستیابی بر ارمنستان آن سرزمین را به دو قسمت تقسیم کرد: ارمنستان کبیر یا ارمنستان اصلی واقع در شرق رود فرات و ارمنستان صغیر واقع در غرب رود فرات و بر هر یک از این دو بخش حاکم یا ساتراپی گماشت که از میان شاهزادگان و نجبای خود آن سرزمین انتخاب کرده بود. آرتاکسیاس یا آرتاشس را در ارمنستان کبیر گذاشت و زاریادرس یا زاره را در ارمنستان صغیر. شخص اخیر یکی از اعیان اورونتس اول بود که مؤسس نخستین سلسله‌ای بود که بر ارمنستان حکومت کرد.^(۲)

سلوکیها همواره سعی داشتند که با کمک رومیها آرامنه را منکوب و اسیر نگاهدارند، ولی آرامنه نیز که از این تسلط و فشار به جان آمده بودند بیکار

۱- لانگ: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت سامانیان، ص ۴-۶۲۳.

۲- پاسدرماجیان: تاریخ ارمنستان، ص ۵-۳۴.

نشستند و توانستند رومیان را بعنوان یار و مددکار خویش در برابر سلوکیوس تجهیز کنند و سرانجام نیز با کمک رومیان بساط تسلط و قدرت مطلقه او را در هم پیچیدند و با استفاده از موقعیت در سال ۱۸۹ ق. م استقلال ارمنستان را به دنیای آن روز اعلام کردند. پس از اعلام استقلال، سرزمین ارمنستان به سه قسمت تقسیم شد که به ترتیب «هایاک بزرگ»، «هایاک کوچک» و «سویاس» خوانده می‌شد. در قسمت آخر پادشاهی به نام ذاره حکومت می‌کرد ولی در «هایاک بزرگ» ارمنستان اردشیر جهانگیر سلطنت داشت که نزدیک به ۳۰ سال با قدرت بر این سرزمین حکومت می‌کرد. وی با نقشه هانی بال پایتخت بزرگ خود را در کرانه رودخانه ارس بنا کرد که آرداشاد نامیده می‌شد و هنوز هم خرابه‌های آن در نزدیکی ایروان پایتخت کنونی ارمنستان باقیمانده است.

در این دوران رومیان که خود به کمک آرامنه آمده و زمینه استقلال آنان را فراهم کرده بودند، بدین کشور چشم طمع دوختند و جنگهای روم و ارمن آغاز گردید. تیگران بزرگترین پادشاه ارمنستان که آرامنه از او به عنوان یک ناجی نام می‌برند و به نیکی یاد می‌کنند، چهل سال تمام ارمنستان را در برابر هجوم رومیان حفظ کرد و سرحدات این کشور را از کوههای قفقاز تا فلسطین و از دریای سیاه تا کاپادوکیا توسعه داد.^(۱) یک قرن پس از ماجرای مغنسیا ارمنستان موفق شد یک چند دولت واحد مقتدری بوجود آورد که به دست تیگران اول، (۵۶-۹۶ ق.م) پادشاه ارمنستان بزرگ این امر تحقق یافت. این تیگران که داماد و متحد مهرداد ششم پادشاه پونتوس نیز بود، از اعقاب آرتاکیسیاس شاه بود. او نه تنها هر دو ارمنستان را تحت لوای واحدی در آورد بلکه با توسعه قلمرو خود در خارج تا حدی عظمت دوران امپراطوری قدیم اورارتو را نیز در این سرزمین احیاء کرد. وی که خود در جوانی یک زمانی همچون گروگان در دربار پادشاهان بالنسبه نخواستۀ پارت می‌زیست، بعد از نیل به سلطنت به کمک مهرداد ششم پادشاه پونتوس، که وی کلئوپاترا دختر او را در حباله نکاح داشت، موفق شد

۱- راثین: ایرانیان ارمنی، ص ۸-۹.

سرزمین پدران خود را که مدتها پیش تحت نفوذ اشکانیان درآمده بود مستقل سازد. همکاری او با پادشاه پونتوس روم را هم مثل پارت از توسعه قدرت او نگران ساخت. تیگران هم با دولت پارت که خود به آن مدیون بود و هم با سلوکیها درگیری داشت. با افزایش قدرت تیگران و توسعه آن در سوریه رومیان بوسیله لوکولوس و در سال ۶۶ قبل از میلاد پومپه در خاک ارمنستان را مورد تجاوز قرار دادند و در اثر نداشتن نیرو و امکانات کافی برای دفاع، ارمنستان کوچک از قلمرو تیگران جدا شد و جزء یک ولایت از ولایات روم شد، ولی او ارمنستان بزرگ را برای خویش حفظ کرد.^(۱)

تیگران پس از چندی مقهور اتحاد رومیها و پارتیها شد و به اراضی ارمنستان اصلی توسعه نیافته و غیر امپراطوری بازگشت و ده سال دیگر در آنجا به عنوان یکی از خرجگزاران رومیها حکومت کرد. وی در سال ۵۵ پیش از میلاد در سن هشتاد و پنج سالگی در آرتاکساتا در خواب مرد.^(۲) بعد از تیگران ارمنستان بی آنکه قدرت و استقلال عهد او را داشته باشد همچون یک حایل بین دولت روم و پارت باقی ماند.^(۳) تیگران مظهر ترکیب عجیبی بود از یک مستبد خودکامه شرقی که در آن نفوذ آسیایی احساس می شد با موجودی ساخته فکر یونانی. او با زبان یونانی آشنا بود و خوب می توانست حرف بزند در اطرافش همیشه یونانیان بودند. تئاتری در پایتختش درست کرد و خطیب معروف آتنی به نام آمفی کراتی را به دربار خویش آورد. در دور و بر او شاهزادگان و نجبای بزرگ ارمنی به زبان یونانی حرف می زدند و می نوشتند. پسرش آرتاوازد که جانشین او شد نمایشنامه های تراژدی و شعرها و خطابه هایی به زبان یونانی می نوشت. با وجود همه اینها نفوذ فکر یونانی در تیگران چیزی ظاهری و سطحی بود و ویژگیهای اخلاقی او در برخورد با زیردستان و شیوه مملکت داری

۱- زرین کوب: تاریخ مردم ایران، ص ۷-۳۰۶.

۳- آرلن: سفر به آارات، ص ۸-۳۷.

۲- همان، ص ۳۰۸.

او بیشتر به یک خودکامه شرقی شباهت داشت.^(۱)

تییگران که در تاریخ ارمنستان از او با عنوان شاه شاهان یاد شده، پس از چهل سال سلطنت در ۸۵ سالگی درگذشت. تاریخ فوت او درست پنجاه و چهار سال قبل از میلاد مسیح است^(۲). جانشینان تییگران نتوانستند مرزهای وسیع ارمنستان را حفظ کنند و پس از مرگ او تاخت و تاز همسایگان شرقی و غربی به ارمنستان آغاز شد و تا سال چهارده میلادی استقلال ارمنستان ادامه داشت. از سال چهارده تا شصت و شش میلادی ارمنستان دستخوش هرج و مرج بود. تا اینکه اشکانیان و رومیان توافق کردند که پادشاه ارمنستان از اشکانیان باشد. در نتیجه این سازش در سال شصت و شش میلادی برادر پادشاه اشکانی بلاش بنام تیرداد به پادشاهی ارمنستان رسید و سلسله آرشاکونی که همان اشکانیان است تا سال چهار صد و بیست و هشت میلادی دوام داشت و در این سال سلسله مذکور به دست ساسانیان منقرض شد و ساسانیان یکبار دیگر ارمنستان را جزو قلمرو ایران در آوردند. البته قسمتی از این سرزمین در تصرف رومیان باقی ماند. در این زمان ارمنستان از خود پادشاهی داشت ولی در عین حال جزو قلمرو ایران بود.^(۳)

اشکانیان از سال دویست پیش از میلاد تا سال ۲۲۵ پس از میلاد بر سرزمین ایران و بین‌النهرین فرمانروایی داشتند. سیاست اشکانیان در برابر ارمنستان را می‌توان به دو دوره متمایز از هم تقسیم نمود. در آغاز امر متوقع بودند که ارمنستان را نیز مانند بین‌النهرین به امپراطوری خود ضمیمه کنند. ارامنه که در ایشان به چشم دشمنان بزرگ کشورشان نگریستند، در یک رشته جنگهای سخت به فرماندهی آرتاکسیاس در قرن دوم و در اوایل قرن اول پیش از میلاد توانستند از استقلال خود دفاع کنند و آن را حفظ نمایند. سپس به هنگام ظهور

۱- همان، ص ۴۶.

۲- راثین: *ایرانیان ارمنی*، ص ۸-۹.

۳- همان، ص ۱۰-۱۱.

قدرت روم در خاورمیانه و تهدیدی که آنان از آن نسبت احساس می‌کردند، سیاست اشکانیان نسبت به ارمنستان تغییر کرد و همه تلاشهایشان در این راه بکار رفت که وجود ارمنستان را نه برای ضمیمه کردن به کشور خود بلکه به عنوان حایلی بین خود و روم حفظ نمایند و به هر قیمتی شده نگذارند روم آن را به امپراطوری خود ضمیمه کند و یا حتی فرمانروایی نسبی بر آن پیدا کند.

اغلب جنگهای طولانی اشکانیان با روم در قرن اول میلادی بر مبنای همین تلاش مداوم بود که هرگونه آثار فرمانروایی روم بر ارمنستان را محو کنند. نقشه ایشان این بود که نگذارند رومیان از ارمنستان یک زرادخانه برای تهدید متصرفاتشان بسازند. حتی در دوره‌هایی که فرمانروایی روم بر ارمنستان اسمی و ظاهری بود و واقعیتهای نداشت اشکانیان به همان تلاشهای مداوم خود ادامه می‌دادند و ارمنیان در آغاز امر از متحدین رومیان بر ضد دشمنان قدیم خویش شدند. لیکن، پس از معامله‌ای که در سیاست کورکورانه مارک آنتوان و حرص و آز ملکه کلویا ترا با کشور ایشان کردند مهر و علاقه‌شان بیشتر و قتها به طرف اشکانیان تغییر جهت داد، چون قدرتی بودند نسبتاً ضعیف‌تر از روم و در نتیجه کم‌خطرتر و سیاستشان هم از آن پس بر مبنای فتح ارمنستان متکی بود بلکه بطور ساده بر حفظ استقلال آن کشور بود.^(۱)

پس از فوت تیگران در سال ۵۶ پیش از میلاد یکی از پسرانش به نام آرتاوازد به تخت نشست. او از مخالفان روابط روم و ارمنستان بود و در زمان سلطنت همین شاه بود که روم احياناً امکان تبدیل ارمنستان به یک متحد دائمی خود بر ضد اشکانیان را از دست داد. پس از شکست کراسوس سردار رومی در جنگ و عقب‌نشینی سپاهیان رومی به سوریه، آرتاوازد مجبور شد با اشکانیان قرارداد ببندد و به موجب آن قسمت جنوبی ارمنستان را به ایران واگذاشت و بعلاوه با پادشاه اشکانی هم پیمان اتحاد بست. ضمناً این ریسمان اتحاد با ازدواج خواهر پادشاه ارمنستان با یکی از پسران پادشاه اشکانی تحکیم شد. در

۱- باسدرماجیان: تاریخ ارمنستان، ص ۷۸-۹.

سال ۳۶ پیش از میلاد مارک آنتوان و کلئوپاترا پس از شکست از اشکانیان به ارمنستان عقب‌نشینی کردند و در آنجا توانستند تأمین خوارباری بکنند و به راحتی نفسی بکشند. علیرغم همکاری آرتاوازد، وی و ملکه و دو تن از پسرانش توسط رومیان به زندان افتادند و همه ارمنستان بوسیله پادشاهان روم غارت شد و خزاین سلطنتی به مصر برده شد و از آن پس و به دنبال آن فجایع قسمت عمده نجبای فتوالد ارمنی، تشکیل دهنده گروهی که می‌توان نام «حزب ملی» بر آن نهاد، مدام رو به سوی اشکانیان می‌گردانیدند، چون در ایشان تضمینی طبیعی برای استقلال ارمنستان می‌دیدند.^(۱)

پس از مارک آنتوان، اسکندر به زور بر تخت سلطنت ارمنستان نشست که در زمان وی شورش بزرگی رخ داد و او را از مملکت بیرون کردند و بر جای او آرتاوازد سوم بر تخت نشست که پس از اطلاع از بریدن سر پدرش توسط رومیان در زندان، فرمان قتل عام تمام رومیان ارمنستان را صادر کرد. پس از او تیگران سوم و تیگران چهارم بر تخت نشستند که از اینان آخرین فرمانروایان سلسله آرتاشس‌ها بودند. پس از این دوره نسل و تبار اشکانیان ایران به مدتی بیش از سه قرن بر ارمنستان حکومت کردند و حتی دو‌یست سال پس از انقراض شاخه اصلی این خانواده که بر ایران سلطنت می‌کردند پایدار ماندند. تیرداد اولین فرمانروای سلسله آرساسیدها یا آرشاکانیها از نسل و تبار اشکانیان ایران بود. تسلط اشکانیان بر ارمنستان سبب بروز جنگهای متعددی بین ایران و روم بر سر ارمنستان شد.^(۲)

در سال ۶۶ میلادی که تیرداد، شاهزاده اشکانی پارت، تاج ارمنستان را از دست نرون گرفت فصل تازه‌ای در تاریخ ارمنستان گشوده شد. از آن پس سرنوشت ارمنستان پیوند نزدیکی با سرنوشت خاندان شاهی اشکانی یافت. در واقع، در طی سده‌های ۱ و ۲ میلادی تاج و تخت ارمنستان بدون گسیختگی در دست نزدیکترین خویشاوند شاهنشاه پارت که به «شاه بزرگ ارمنستان» معروف

۱- همان، ص ۶-۸۲.

۲- همان، ص ۲-۹۰.

بود باقی ماند و این رسم که اوضاع سیاسی پذیرفته شده بود، تا اوایل دوره ساسانی دوام آورد.^(۱)

در صلح آپامیا (افامیه) که بر پیروزی رومیها قطعیت زد، سنای روم به ارمنستان و فرمانروایان آن پایگاهی مستقل بخشید. این نخستین برخورد حقوقی ارمنستان با سنای روم بود که در آن استقلال آنان به رسمیت شناخته شده بود و سرزمینشان جز روم ضمیمه نگردیده بود. در نتیجه دو پادشاهی ارمنستان بزرگ و سوفنه با برخورداری از حمایت و پشتیبانی نویافته روم فعالانه به سیاست توسعه طلبی روی آوردند.

یکی از نتایج این گسترش ارضی یکپارچگی فرهنگی و زبانی مردم ارمنستان بود. زبان ارمنی زبان گویشی رایج توده‌های روستایی، شکارچیان و قبایل، شهریان به جز یهودیان و مردم یونانی تبار گردید. اما باید یادآور شد که تا پیش از اختراع الفبای ملی ارمنی، پس از ۴۰۰ میلادی، همه آثار ادبی، متون دینی و فرمانهای حکومتی را یا به خط ایرانی که برگرفته از الفبای آرامی بود و یا به خط یونانی می‌نوشتند و انتقال می‌دادند. خاندان شاهی و اشرافیت ارمنی دو زبانه بودند و گذشته از زبان ارمنی یکی از زبانهای فارسی و یونانی را نیز می‌دانستند - تا اندازه‌ای شبیه دربار روسیه پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ که سخن گفتن به زبانهای انگلیسی و فرانسه را به روسی ترجیح می‌دادند.^(۲) پس از شاه میترادات امپراطور پونتوس (۶۳-۱۱۳ ق. م)، دامادش تیگران کبیر پادشاه ارمنستان (۵۵-۹۵ ق. م) چند سالی را به نوادر دربار مهرداد دوم پارتی به سرآورد. او امپراطوری بزرگی را پدید آورد که متصرفات آن از دریای خزر تا مدیترانه و از بین‌النهرین تا آلپهای پونتیک می‌رسید. این امپراطوری پهناور از آمیزه گوناگونی از قبایل تشکیل می‌یافت که هر یک گویش و فرهنگ جداگانه‌ای داشتند و

۱- لانگ: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ص ۶۲۹.

۲- همان، ص ۶-۶۲۵.

ممکن نبود که باعث گردد که ساختار سیاسی منسجم و پایداری نداشته باشد. لذا اوضاع این نواحی باعث شد که یک رشته حملات از جانب روم به این نواحی صورت گیرد که این حملات با تهاجم لوکولوس در ۶۸-۶۹ ق. م آغاز گشت و در سفرهای جنگی پومپیوس به ارمنستان، ایبریا و کولخیس در ۶۵-۶۶ ق. م به اوج خود رسید. سقوط تیگران کبیر با فرار پسرش تیگران کهرت به دربار فرهاد سوم، پادشاه پارتی تسریع شد. فرهاد، تیگران را به سپاهی تجهیز کرده او با آن بر ارمنستان تاخت و به نیروهای رومیان پیروزمند پیوست. در سده‌های بعد که ماورای قفقاز مایهٔ ستیزه میان دو امپراطوری جنگجو ایران و روم گردید و این گونه فروپاشی در ارمنستان نمونه‌وار بوده است. هنگامی که رومیان در جلب خرسندی ارمنستان می‌کوشیدند و به عنوان کشوری دست نشانده نیروهای تقویتی به آنجا می‌فرستادند منافعشان بهتر تأمین می‌گشت. کوششهای متناوب رومیان برای الحاق و بلعیدن ارمنستان در نهایت موجب کشاکشهای مصیبت‌بار پارتیان و ساسانیان سبکبار و جنگاور شد که رومیان به ندرت می‌توانستند در نبرد دشتها ایشان را بشکنند.^(۱) رومیانی که به ارمنستان یورش آوردند تنها شمار اندکی از رهبران رومی بودند که به نتایج متفاوتی از پیروزی تا شکست مصیبت‌بار رسیدند. یکی از لحظات فراموش ناشدنی در این جنگهای بی‌رحمانه و در نهایت بی‌فایده، پس از نبرد حران در ۵۳ ق. م اتفاق افتاد که در این نبردها کراسوس و شریونیهایش به کلی نابود شدند. آرتاوازد پادشاه ارمنستان به کراسوس اصرار کرد که از طریق بلندیهای ارمنستان به پارت حمله کند، اما کراسوس توصیه او را نادیده گرفت. ازاین رو، آرتاوازد از او برگشته با آرد دوم پادشاه پارت متحد گردید و در آرتاکساتا، تختگاه ارمنستان سرگرم پذیرایی از او شد که پیکی در رسید و سر سردار نگون‌بخت روم را پیش پای شاه افکند. گرچه آرتاوازد پیوند شخصی و سیاسی نزدیکی با پارتیان داشت، اما در ادبیات یونانی چندان چیره دست بود که نمایشنامه‌هایی به یونانی

نوشت و این نمایشنامه‌ها را در دربار ارمنستان به اجرا می‌گذاشتند. هنگامی که سرکراسوس را آوردند، نمایشنامه با کانتها اثر *اُتورپیید* را به افتخار پادشاه پارت نمایش می‌دادند. سرکراسوس را در میان تماشاگران انداختند و بازیگر اول سر او را برداشت و در شوریدگی، هیجانی مستانه به رقص درآمد و با فریاد می‌سرود که: «امروز ما شکار بزرگی را به دام افکنده‌ایم و از کوهستانها شکاری عالی آورده‌ایم».

چنین بود آداب و رسوم فرهنگ ناهمگن ارمنستانی که میان تأثیرات غربی و پیچیده یونان، روم و جهان شرقی پارت تقسیم شده بود.^(۱) از ادبیات ایرانی این دوره اطلاعات زیادی در دست نیست، ولی با این وجود، تأثیری که دوران پارت در ادبیات ارمنی عصر خویش داشته و آنچه به عنوان میراث این عصر بعدها به دوران ساسانی انتقال یافته است، نشان می‌دهد که ادبیات این عصر لااقل در شکل عامیانه و غیر مکتوب خویش می‌بایست از اهمیت خالی نبوده باشد. در بین قرآینی که این اهمیت را می‌رساند داستانهای «ویس و رامین»، «سندبادنامه» و تعداد دیگری از کتابهاست که در مآخذ اسلامی به این دوره منسوب شده است. داستان «ویس و رامین» را *حمدالله مستوفی* و دیگران به دوران اشکانی منسوب دانسته‌اند، اما این انتساب نه امکان وقوع پاره‌ایی تصرفات عهد سامانی را در آن متباعد می‌سازد نه احتمال آن را که بعضی از عناصر و اجزا داستان مربوط به ادوار قبل از اشکانیان یا فرهنگ غیر ایرانی هم بوده باشد نفی می‌کند.

داستان «سندباد - هفت‌وزیر» هم که *حمزه اصفهانی* و دیگران به این دوران اشکانی منسوب کرده‌اند، پاره‌ای از نشانیهای مربوط به عصر اشکانی را دارد و ممکن است داستان «بوذاسف و بلوهر» هم در همین ادوار یعنی قبل از دوره ساسانی که در طی آن برخی شاهزادگان اشکانی در نشر و ترویج آیین بودا اهتمام داشته و محیط پارت به وجود آمده باشد.

قسمتی از این داستانها به نظر می‌آید نخست از طریق قصه‌های شفاهی و

عامیانه در نقاط مختلف قلمرو پارت نشر شده باشد. این فرهنگ شفاهی و عامیانه در آن ادوار ظاهراً منشأ قسمتی از ادبیات حماسی هم بوده است و از روایت معروف پلوتارک دربارهٔ داستان نمایشی تقلیدآمیز فتح رومی در دنبال شکست کراسوس نیز بر می آید که در این دوره تصنیف‌های عامیانه هم در ایجاد تصویرهای هجوآمیز مربوط به اوضاع سیاسی عصر نقش قابل ملاحظه‌ای داشته است. محتمل است یک نمونه از این تصنیف‌های عاشقانه و سادهٔ عامیانه همان داستان «زردیاس و اوداتیس» باشد که خارس می‌تیلنی از شهرت و رواج آن در ایران اوایل عهد اسکندر یاد می‌کند. این داستان ممکن است در دورهٔ اشکانی منشأ پیدایش منظومهٔ پهلوی ایاتکا زیران شده باشد. منظومه کوتاه درخت آسوریک هم ظاهراً از مقوله لغزهای عامیانه است و باید به ادبیات عامه مربوط باشد. طبقهٔ «گوسان» که در روایت مجمل‌التواریخ و القصص شامل خنیاگران بوده است، آنگونه که از مقایسه با مآخذ ارمنی باستانی برمی آید، می‌بایست در همین دوران، معرف شاعران تصنیف‌ساز و مقلدان حرفه‌ای عصر پارت - عصر ویس و رامین - بوده باشد.^(۱)

در دورهٔ اشکانیان به رغم تسامح اخلاقی و تنوع فکر دینی پادشاهان اشکانی ادبیات پرمایه‌ایی در تمام این دوران در ایران به وجود نیامد. بدون شک آنچه در زمینه فرهنگ و هنر از دنیای پارت باقی ماند برای عمر سلسله‌ایی که پنج قرن فرمانروایی کرد اندک مایه است. اما از همین اندک مایه می‌توان عناصر اصلی این فرهنگ اختلاطی که رنگ فرهنگ فیل هلنی و امپراطوری را دارد دریافت. خاصیت یونانی‌گرایی که معرف تقلید از لحظه‌های انحطاط هنر یونانی به نظر می‌آید نشانش پیداست که این تأثیر در هنر طبقات اشراف جلوه‌گر شد و نمایان است. البته این نفوذ در هنر عامه و ملی برکنار مانده است. که این نفوذ هنر عامه و ملی تدریجاً در هنر ارمنستان تأثیر گذارد. یک نشانهٔ این نفوذ ذوق ملی، توجه و علاقهٔ قوم به بنای «ایوان» است همچنین معماری این دوره، بعدها در دورهٔ

۱- زرین کوب: تاریخ مردم ایران، ص ۴-۳۹۳.

ساسانی اهمیت بیشتری یافت و هنر مجسمه‌سازی و نقاشی هم در این دوره با سنتهای ملی ارتباط داشته است.

ارتباط ارد و پادشاه ایران با آرتاوازد در ارمنستان باعث شد که زبان و نمایشهای یونانی در دربار ارمنستان و ایران رواج یابد و این مهم را می‌توان از تأثیر و عمق نسبی این یونانی‌گرایی در آن عصر را به خوبی دید. در عین حال حیثیت فرهنگ ایرانی در آن زمان سبب می‌شد که اشارتهایی به فرهنگ ایران یا اقتباسهایی از آن در آثار نویسندگان غیر ایرانی در اعصار گذشته راه یابد.^(۱)

تیرداد اول دوران سلطنتی طولانی داشت. وی در سال ۱۰۰ میلادی وفات یافت و این خود دوران رفاه و عزت و تقویت برای ارمنستان شد. به نظر می‌رسد ملت ارمنی به این پادشاه علاقه‌مند شده بود و نسبت به او احترام و اعتماد داشت. پادشاهانی که به جای تیرداد اول بر تخت سلطنت ارمنستان نشستند عبارت بودند از: آکسیدارس از ۱۰۰ تا ۱۱۳، فارتاماسیریس از ۱۱۳ تا ۱۱۴، پارتاماسپاتس از ۱۱۶ تا ۱۱۷، بلاش یا لوگز از ۱۱۷ تا ۱۴۰، سوهه موس از ۱۴۰ تا ۱۷۸، ساماتروکس از ۱۷۸ تا ۲۱۶، ولوگز دوم از ۲۱۶ تا ۲۱۷ و تیرداد دوم یا خسرو از ۲۱۷ تا ۲۳۸ میلادی.

در طول این مدت، ارمنستان در مناقشات بین روم و اشکانیان دخیل بود و بدیهی است که چون سلسله جدید پادشاهی آن کشور خویشاوند اشکانیان بود اغلب اوقات قهراً به هواداری اشکانیان بر می‌خواست. وضع کلی ارمنستان در دورانی که تحت سلطه رومیان بسر می‌برد همیشه وضع کشوری بود خودمختار و حتی مستقل که امور خود را بر طبق قوانین خویش اداره می‌کرد و دارای ارتش خاص خود بود. ارمنستان هرگز ضمیمه نظام گمرکی و مالیاتی امپراطوری روم نبود سربازگیری اجباری نفرات ارمنی برای خدمت در سپاه رومیان هرگز به موقع اجرا در نیامد و همیشه داوطلبانه و یا به امر سرداران ارمنی بود. مالیات منحصر به تأمین تجهیز نفرات و نگهداری واحدهای ارمنی بود که در اختیار روم

قرار می‌دادند و یا در بعضی موارد پرداخت سهمی از هزینه‌های اشغال بود.^(۱) از زمان روی کار آمدن آرساسیدها (اشکها)، ارمنستان تأسیسات زیادی به همان شکل که در نزد اشکانیان وجود داشت پذیرا شد و نفوذ تمدن ایرانی به نحوی کاملاً آشکار روی تمدن ارمنی آن دوران احساس می‌شد. ارمنستان در این دوران کشوری مرفه باقی ماند و این به دلیل موقعیت جغرافیایی آن بود که از یک خط رابط بین شرق و غرب بود و نیز بخاطر روح سوداگری و سودجویی بازرگانانش. ارمنیان با مغرب زمین و بازارهای بزرگ آن در کلیکیه و کاپادوکیه روابط تجاری مداوم داشتند و از طریق دریای خزر با آسیای مرکزی و چین هم در ارتباط بودند. در زمان جنگ روم با اشکانیان اهمیت اقتصادی ارمنستان باز هم بیشتر می‌شد زیرا در آن موقع روابط تجاری بین کشورهای حوزه مدیترانه و آسیای مرکزی و همچنین خاور دور بجز از طریق ارمنستان که تنها راه مبادله بود که آزاد می‌ماند و یا لاقفل تا وقتی که ارمنستان منافع مشترک با اشکانیان نمی‌داشت آزاد بود، از طریق دیگری امکان پذیر نبود.

□ روابط ایران و ارمنستان در عهد ساسانی

از سال ۲۲۸ به بعد ساسانیان نخستین حمله را به خاک ارمنستان آغاز کردند. لیکن عقب رانده شدند. در سال ۲۳۰ جنگ بزرگ ساسانیان با روم آغاز شد و خسرو (تیرداد دوم) پادشاه ارمنستان در کنار رومیان قرار گرفت. در سال ۲۳۲ میلادی امپراطور روم الکساندر سه‌ورگرد اول سپاهیانش را به ارمنستان فرستاد تا از آنجا به ایران حمله‌ور شوند که به پیشروی در خاک ایران پرداختند. ارمنستان با این سیاست سالها پیروزمندانه در مقابل ساسانیان به مقاومت پرداخت.^(۲) در سال ۲۶۶ میلادی که دولت پارتیان به دست ساسانیان بر افتاد،

۱- پاسدروماجیان: تاریخ ارمنستان، ص ۹۸.

۲- همان، ص ۵-۱۱۴.

خاندان شاهی ارمنی که از دیرباز در این سرزمین فرمان می‌راند دشمن سرسخت شاهنشاه تازه ایران شد که این به ما کمک می‌کند تا بتوانیم علت تشنج در مناسبات میان ارمنستان اشکانی و ایران ساسانی را که تا براندازی دودمان اشکانی ارمنستان در ۴۲۸ میلادی و حتی پس از آن ادامه یافت، روشن سازیم. **تیرداد سوم** پادشاه پارتی مسیحیت را آیین رسمی کشور ارمنستان ساخت در سال (۳۰۱ میلادی) در سال ۲۴۴ میلادی ارتش رومی امپراطور **گوردیانوس سوم** در شیک نزدیک تیسفون به شدت از **شاپور یکم** شکست خورد و امپراطور تازه **فیلیپ عرب**، ناگزیر شد حقوق سیادت ارمنستان را به شاهنشاه ایران واگذارد. هشت سال بعد در ۲۵۲ م شاپور به ارمنستان تاخت. **تیرداد دوم** پادشاه این سرزمین ناگزیر شد به امپراطوری روم بگریزد اما پسرانش پدر را فرو گذاشته به ایرانیان پیوستند. **اوج پیروزی شاپور** در شکست و اسارت امپراطور **والریانوس** در ۲۶۰ میلادی برای سرنوشت سرزمین ارمنستان از اهمیت زیادی برخوردار بود.

پادشاهان ساسانی، خود را در ارمنستان در برابر نجبای نیرومندی یافتند که هر کدام دارای زمینهای وسیعی بودند. این نجبا در قلعه‌های مستحکمی مقیم بودند که بر فراز کوههای تقریباً دست‌نایافتنی بنا شده بودند و هرکدام سپاهیان ویژه خود را در اختیار داشتند. از این گذشته، ساسانیان از این خانواده و از روح استقلال‌طلبی و بی‌انطباقی ایشان در قبال قدرت پادشاهی برای تضعیف و تجزیه کشور ارمنستان استفاده کرده بودند. پس از زیر سلطه آوردن ارمنستان توسط ایران این خانواده‌ها همچنان از قدرت زیادی برخوردار بودند که ساسانیان ناگزیر شدند با ایشان مدارا کنند و امتیازات و اختیارات سابق را در اختیار آنان قرار دادند. ایرانیها تنها به این اکتفا کردند که فرماندار یا مرزبانی بر ایشان بگمارند و تازه او هم از میان خانواده‌های ارمنی انتخاب می‌شد. فرمانداران یا مرزبانان ارمنی تنها تعهدشان این بود که فرمانروایی ساسانیان را بر خود به رسمیت بشناسند و در هنگام جنگ به یاری آنان بشتابند و نیز خراجگاهی را به آنان پرداخت کنند.

تنها اختلاف بزرگ ایران ساسانی و ارمنستان مذهب بود. ساسانیان در ترویج و اشاعه در مذهب زرتشتی همه جا موفق بودند جز در ارمنستان که توفیق چندانی نیافتند. چنانکه در زمان سلطنت یزدگرد دوم او از همه مسیحیان قلمرو خویش مؤکداً خواست که به دین زرتشتی درآیند. همین امر سبب وقوع شورش بزرگ در ارمنستان شد که باعث شد ارمنیان ایرانیان را از ارمنستان بیرون برانند و پادگانهایشان را جارو کنند، مغهایشان را بکشند، آتشکده‌هایشان را خراب کنند و ملت ارمنی در مقابل ساسانیان مسلح گردند که سرانجام ارتش ایران وارد ارمنستان شد و پس از تحمل تلفات و خسارات زیادی هر چند که فاتح بودند ناگزیر به توقف شده و به ترمیم خرابیها و زیانهای خود پرداختند و علیرغم تمام تلاش خود موفق به زرتشتی کردن ارمنیان نشدند. ارمنستان در طول قرنهای ششم و هفتم میلادی به سبب جنگهای ایران و بیزانس در وضع دشواری قرار گرفت زیرا بیشتر این جنگها در داخل خاک ارمنستان بود. ارمنستان در این دوران همچنان به حفظ و حراست نشانه‌های ظاهری ملیت خویش یعنی زبان و نجبای بزرگ خودمختار و سربازان و وظیفه متمایز از سربازان دیگر و بالاخره به حفظ چیزی که از همه برایش مهمتر بود یعنی به حفظ مذهب مسیحیت پرداخت.

شکوفایی قابل ستایش هنر معماری ارمنستان در بین قرنهای پنجم و هفتم این فرصت را به ارمنیان داد تا حیات ملی خود را حفظ کنند و به نبوغ فطری خویش میدان بدهند. از این گذشته ارمنستان با موقعیت جغرافیایی خود تبدیل به یکی از نقطه‌های تماس بین تمدنهای روم شرقی و ایران ساسانی شد و محتمل است که در برخی زمینه‌های معماری^(۱) هنر این دو فرهنگ بزرگ در هم ریخته و ذوب شده باشد. در دوران ساسانیان، ارمنستان همچنان اهمیت خود را در تاریخ ایران حفظ کرد. هنگامیکه اردشیر اول سلسله ساسانی را بنیاد نهاد، سلطنت ارمنستان با خسرو اول (خسرو کیبیر) پسر بلاش بود که از سال ۱۹۸

میلادی بر این سرزمین حکومت می‌کرد. از ۲۳۲ تا ۲۵۹ میلادی سلطنت ارمنستان مستقلاً با اردشیر ساسانی و پسرش شاپور اول بود، ولی بعداً تیرداد دوم و پس از وی خسرو کبیر به پادشاهی ارمنستان رسید. پس از بهرام چهارم ساسانی، پادشاهی به نام خسرو سوم بر ارمنستان حکومت می‌کرد و بعد از او برادرش به نام ورهام شاپور (بهرام شاپور) پادشاه شد (۳۹۲ میلادی). اندکی پیش از این تاریخ یعنی در سال ۳۰۱ میلادی، با کوشش «گریگوری مقدس» معروف به نوربخش که اصلاً از تیره اشکانی بود آئین مسیحی مذهب رسمی ارمنستان شد. دولت ساسانی در آغاز با این امر مخالفتی نکرد. ولی چون همبستگی مذهبی ارمنستان با امپراطوری روم در اختلافات ایران و روم عاملی بر زبان ایران بود، ساسانیان تدریجاً با بدبینی بدان نگرستند، بطوریکه در زمان یزدگرد دوم مهر نرسی نامه‌ای برای روحانیان و اشراف ارمنستان فرستاد و آنها را به ترک آئین مسیح ترغیب کرد. متن این نامه که بوسیله «یقیشه» مورخ ارمنی نقل شده هنوز در دست است. دیاکونوف مورخ و محقق معاصر شوروی می‌نویسد: که در آن زمان بسیاری از خانواده‌های اشرافی ارمنستان آئین زرنشتی را پذیرفتند و حتی «واساک» مرزبان ارمنستان که سردسته یکی از قبایل بزرگ ارمنی بود بدین آئین گروید.^(۱)

در سال ۴۲۹ میلادی، بهرام پنجم شاهنشاه ساسانی، خاندان اشکانی ارمنستان را که تا آنوقت بر سرکار بودند، خلع کرد و از آن پس اداره امور این سرزمین را بدست مرزبانی سپرد که مستقیماً از طرف تیسفون تعیین می‌شد و این وضع تا هنگام سقوط ساسانیان و استیلای اعراب ادامه داشت. همین پادشاه در سال ۵۰۱ میلادی فرمانی صادر کرد که بموجب آن کلیسای ارمنستان بصورت کلیسای مستقلی درآمد که مورد تأیید ایران بود. از روابط ایران و

۱- شجاع‌الدین شفا، جهان ایران‌شناسی، جلد اول (تهران: انتشارات افست کیهان، ۱۳۴۸)،

ارمنستان در دوره‌های اشکانی و ساسانی اطلاعات زیادی توسط مورخان ارمنی در دست است که از بهترین مدارک تاریخی در این زمینه بشمار می‌رود از زمره این مورخان می‌توان از مارآپاس کاتینا^(۱) که اصلاً یونانی و ساکن ارمنستان بود و از طرف واغارشاک نخستین شاهزاده اشکانی ارمنستان مأمور نوشتن تاریخ ارمنستان شد، و بردیسا^(۲) روحانی، و آگاتان گقوش^(۳) منشی تیرداد دوم پادشاه ارمنستان که تاریخ وقایع سالهای ۲۲۶ تا ۳۳۰ میلادی را به دو زبان ارمنی و یونانی نوشته است، و پاوستوس بیزانسی^(۴) که وقایع سالهای ۳۴۴ تا ۳۹۰ را نقل کرده و نوشته‌های او به عنوان سند تاریخی معتبری در قرن پنجم به ارمنی ترجمه شده و زنوب^(۵) و الیزا وارتاپت^(۶) و لازار^(۷) و ییزنیک^(۸) و مخصوصاً از موسی خورنی^(۹) معروفترین مورخ و جغرافی‌دان ارمنی نام برد. موسی خورنی که او را هرودوت ارمنستان نامیده‌اند در سالهای ۴۰۷ تا ۴۹۲ میلادی می‌زیست و شاگرد قدیس مسروپ مخترع خط ارمنی بود. وی پس از سفرهای متعدد به کشورهای مختلف عصر خود تاریخ و جغرافیای مفصلی نوشت که از مهمترین مدارک باستانی بشمار می‌رود و قسمت مهمی از آن به نام ایرانشهر توسط مارکوارت ایرانشناس برجسته به آلمانی ترجمه شده است. تاریخ موسی خورنی حاوی اطلاعات زیادی نه تنها درباره روابط تاریخی ایران و ارمنستان بلکه درباره سازمان شاهنشاهی ساسانی است و این اطلاعات بارها مورد استناد محققان غربی در تدوین تاریخ ایران قرار گرفته است.^(۱۰)

1-Mar Apas Catina

2-Bardesae

3-Agathangughos

4-Pavstos Byuzand

5- Zenob

6-Elisa Vartapet

7- Lazare

8- Eznik

9-Movses Xorenatsi

۱۰- شفا: جهان ایرانشناسی، ص ۵-۷۳۴.

بنا به نوشته این مورخ، بدستور وارشاگ پادشاه ارمنستان و اجازه اشک اول شاهنشاه اشکانی، مارآباس کاتینا (که فوقاً بدو اشاره شد) آرشیو سلطنتی نینوا پایتخت آشور را مورد بررسی قرار داد و ترجمه نخستین کتابی را که درباره تاریخ باستانی ارمنستان نوشته شده بود در آنجا به دست آورد. خود موسی خورنی، بطوریکه می نویسد در نوشتن تاریخ ارمنستان از کتابی بنام «راست هوسون» (راست سخن) تألیف مورخ ایرانی برسوما و ترجمه فوروهبود (فرهبد) از آن استفاده کرده است. بگفته وی فوروهبود که منشی شاپور شهریار ایران بود، طی یکی از جنگهای ایران و روم به اسارت بیزانس درآمد و در آنجا زبان یونانی را آموخت و تاریخ شاپور یولیانوس (امپراطور بیزانس) را تألیف کرد، و در همان هنگام کتاب خطی «راست سخن» تألیف برسوما را که تاریخ شاهان قدیم ایران است از پهلوی به نام یونانی ترجمه نمود. متأسفانه از اصل پهلوی و ترجمه یونانی این کتاب که مورد استفاده موسی خورنی قرار گرفته، اثری باقی نمانده است.

موسی خورنی نخستین مورخی است که داستان اژدهاک (ضحاک) را که فردوسی پنج قرن بعد از او در شاهنامه به نظم درآورده نقل کرده است. مراجعه به نوشته‌های این مورخ نشان می دهد که وی در این مورد از منابعی استفاده کرده است که بعدها در دسترس نویسندگان خدای نامک و فردوسی نبوده است. قدیمی ترین شرح مربوط به رستم قهرمان داستانی ایران را نیز در نوشته‌های موسی خورنی می توان یافت. وی این پهلوان را رستم ساگچیک (رستم سیستانی) نامیده و می نویسد که او «زور ۱۲۰ پیل داشته است». اخیراً چوخاسیان عضو مرکز خاورشناسی آکادمی علوم ارمنستان، گزارش تحقیقی جالبی در این زمینه بنام تشریح مدارک موسی خورنی درباره حماسه گرشاسپ و ضحاک ایرانی انتشار داده است.

در مورد آئین زرتشتی و تعلیمات مذهبی زرتشت نیز اطلاعات زیادی در نوشته‌های موسی خورنی و در آثار چندین تن از مورخان ارمنی معاصر او از قبیل یزینیک کوقباتسی، یقیشه، قازار راپتسی که هر سه در حدود پانصد سال

پیش از فردوسی می‌زیسته‌اند می‌توان یافت.^(۱)

یقیشه در کتاب تاریخ خود ماهیت آئین زرتشتی و تاریخ پیدایش آن را بر مبنای نامه‌ای تشریح می‌کند که میهن‌نرسه (مهرنرسی) سردار ایرانی خطاب به ملت ارمنستان نوشته است و طبعاً می‌باید آن را از منابع مهم تاریخ ایران به شمار آورد. یزینیک کوقباتسی نیز در کتاب «یقتس آقاندست» در این باره اطلاعات زیادی بدست داده است.

یک مورخ دیگر ارمنی معاصر خورنی بنام آگاتان گقوش (که قبلاً بدو اشاره شد) در کتاب خود بنام «تاریخ ارمنستان» اطلاعات جامعی دربارهٔ اردشیر بنیانگذار سلسله ساسانی بدست داده که مفاد کلی آنها همان‌ها است که بعدها در شاهنامه می‌توان یافت، ولی اطلاعات مورخ ارمنی قدری مبسوط‌تر است.

مورخ دیگری معاصر با این دو نفر بنام پیاوستوس بوزاند (بیزانسی) اطلاعات جامعی دربارهٔ اردشیر بابکان بدست داده است.

وقایع‌نگار ارمنی بنام الیزا واردپت از دست خطی یاد می‌کند که توسط شاپور شاهنشاه ساسانی صدور یافته و در آن اعلام شده است که مغان و یهودیان و پیروان سایر مذاهب در هر نقطه از ایران که باشند در اجرای مراسم مذهبی خود آزادند و کسی حق مزاحمت ایشان را ندارد.

در قرن ششم کتابی بنام «مرتدان» توسط یزینیک کوقباتسی^(۲) تألیف شده که در آن از آئین ایرانی زروانی انتقاد شده بود. این کتاب حاوی اطلاعات ارزنده‌ای دربارهٔ سنن و عقاید مذهبی ایران زمان ساسانی است.

در آثار مورخان ارمنی قرن هفتم میلادی که در زمان سقوط شاهنشاه ساسانی می‌زیسته‌اند، از قبیل آنانیا شیراکتسی (مورخ تاریخ جهان‌نما)، سیه‌اوس، قوند، کانساکتسی، کاقان کاتواتسی، ایریوانکسی، آسومیک، داوریزتسی و غیره،

۱- همان، ص ۶-۷۳۵.

اطلاعات جالبی دربارهٔ مخزن «ماتناداران» نگاهداری می‌شود. سبب اوس (سبثوس) مورخ ارمنی شخصاً مدتی در دربار خسرو پرویز بوده و شیرین شاهدخت ارمنی را از نزدیک دیده است و می‌نویسد که به امر این شاهزاده خانم کاروانسراها و منزلگاهها و کلیساهای متعدد در ایران ساخته شده بود. هم او چندین بار از یک دلاور ایرانی بنام آسپانندیات (که قطعاً نام ارمنی اسفندیار است) یاد می‌کند.^(۱)

در اواسط قرن هفتم میلادی، از نظر مذهبی در جامعه مسیحی ارمنستان انشعاب بزرگی حاصل شد و فرقه‌ای از پیروان آئین مانوی^(۲) بنام پولیسین‌ها (طرفداران پائولوس) پدید آمدند که به شیوهٔ آئین ایرانی طرفدار اصل ثنویت بودند. پیروان این فرقه به صورت دسته‌جمعی از ارمنستان به ترکیه تبعید شدند و در سرزمینهای کنونی بلغارستان و یوگسلاوی استقرار یافتند و در آنجا در ربع اول قرن دهم عقاید ایشان با معتقدات تازه‌ای درآمیخت و آئین «بوگومیل» را پدید آورد که تا چند قرن مهمترین نمایندهٔ فکر و فلسفه ایرانی در اروپا بود.^(۳)

کتیبه‌های معروف شاپور یکم و موبد بزرگش کرتیر مجوس به کعبه زرتشت در نقش رستم مطالب بسیار جالبی دربارهٔ ارمنستان به دست می‌دهند. از کتیبهٔ کرتیر آگاهی می‌یابیم که سلسله زرتشتی می‌کوشید تا بت‌پرستی و دیگر الحادات را در سراسر امپراطوری از میان بردارد و باورهای رسمی و شعایر اوستایی ناب و خالص را جانشین آنها کند. با سنت دینی پیچیده‌ای که آیین زرتشتی در یک کاسه کردن باورها و عقاید گوناگون داشت ارمنستان می‌بایست هدف اصلی تعصب کرتیر و همدستانش قرار گیرد. این تجاوز دینی را پیروزیهای نظامی شاپور امکان‌پذیر ساخت و او خود در کتیبه‌اش بر کعبه

۱ - شفا: جهان‌پژوه‌شناسی، ص ۸-۷۳۷.

2-Neo- Manichaeism

۳- شفا: جهان‌پژوه‌شناسی، ص ۸۳۸.

زرتشت که دعوی سیادت بر ارمنستان می‌کند این نکته را یادآور می‌شود. کتیبه پایکولی نیز برای تاریخ ارمنستان از اهمیت فراوانی برخوردار است. از این سند که هر تسفلد در ۱۹۲۴ میلادی آن را منتشر ساخت در تحقیقات مربوط به تاریخ ارمنستان کمتر بهره‌برداری شده است. ارزش کتیبه پایکولی برای تاریخ ارمنستان در این است که قالب سالشماری موثقی درباره رویدادها به دست می‌دهد که به جلوس نرسه بر تخت شاهنشاهی ایران در سال ۲۹۳ میلادی می‌رسد و نیز از تیرداد شاه نامی یاد می‌کند که در میان فرمانروایانی قرار دارد که پیروزی نرسه نایب السلطنه پیشین ارمنستان را به او شادباش می‌گویند. اینکه آیا این تیرداد همان نخستین شاه مسیحی ارمنستان یا شاهی قدیمتر با همان نام است نکته‌ای است که ناگشوده مانده و بحث درباره آن هنوز ادامه دارد.^(۱)

درآمدن ارمنیان به آیین مسیحی یک حرکت سیاسی بود که به منظور قراردادن کشور در مدار تمدن یونانی سریانی و در ایستادن در برابر جذب و ادغام فرهنگی و دینی ایرانیان انجام گرفته بود. مدت سه سده تا فروپاشی ایران ساسانی به دست نیروهای اسلام، تاریخ ارمنستان سال‌شماری غم‌انگیز تبعیدها، تغییر آیینهای اجباری و شهادتهای بی‌رحمانه بوده است. در ۳۶۵ م شاپور دوم منظمأ هر یک از شهرهای بزرگ ارمنستان را ویران کرد و سکنه آنها را به جای دیگر کوچ داد. یزدگرد دوم در فرمانی که در ۴۴۹ م صادر کرد درصدد تحمیل آیین زرتشت به مردم ارمنستان برآمد. این اقدام با مقاومت شدید ارمنی‌ها مواجه شد. در نبرد آوارایر که در ۲ ژوئن ۴۵۱ م در گرفت، ۶۶۰۰۰ ارمنی به فرماندهی قهرمان ملی، شاهزاده واردان مامیکونیان با سپاه ۲۲۰۰۰۰ نفری ایرانیان پیکار کردند واردان و چندین هزار تن از یارانش در میدان نبردی از پای درآمدند و مرگ این افراد را تا به امروز در تقویم ارمنی به نام پنجشنبه آمرزیده یادآوری می‌کنند.

امپراطور موریس (۶۰۲-۵۸۲ م) حاکم قسطنطنیه در ۵۹۱ پیمان صلحی با

۱- لانگ: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ص ۲-۶۳۰.

ایران بست که مرز بیزانس را تقریباً تا دریاچه‌های وان و سوان پیش برد. او تدبیری اندیشید تا با همدستی شاه ایران بزرگان مهم ارمنی و اتباع ایشان را از زاد و بومشان بیرون کند. به روایت *سبه‌اوس*، وقایع نگار ارمنی موریس به شاهنشاه ایران نوشت:

«ارمنیان ملتی فرومایه و نافرمان هستند. آنان میان ما نشیمن دارند و مایه دردسرنده من بر سر آنم تا آن دسته از ارمنیانی را که در قلمرو من زندگی می‌کنند گردآورده به تراکیا بفرستم؛ تو نیز ارمنیان قلمرو خود را به مشرق بفرست. اگر در آنجا بمیرند بسیاری از دشمنان ما خواهند مرد. اما، برعکس اگر بکشند بسیاری از دشمنان ما را خواهند کشت. اما در این میان، ما در صلح و آرامش زندگی خواهیم کرد ولی اگر ایشان در سرزمین خود بمانند، هرگز روی آرامش نخواهیم دید.»^(۱)

دو فرمانروا ظاهراً به اجرای این نقشه موافقت کردند اما ایرانیان نتوانستند کاملاً در این زمینه همکاری کنند. هنگامی که بیزانس شروع به اجرای فرمان تبعید کردند بسیاری از آرامنه به ایران که آن را کمتر از بیزانس مسیحی ستمگر یافتند گریختند. دلایل فراوانی در دست است که بگوئیم ارمنیان نیز مانند پارسیان در شمار وارثان معنوی راستین تمدن پارتی و ساسانی قرار دارند. اما اگر با گزارشهای سالنامه‌نویسان ارمنی در سده ششم میلادی و سده‌های آینده مانند *سبه‌اوس* و *فاوستوس یوزاندایی* به دشواری می‌توان کلیت زمانی رویدادهایی را که در ایران و سرزمینهای همسایه‌اش در خاور نزدیک اتفاق افتاده بازسازی کرد. نویسندگان عهد باستان بارها به همانندیهای جامه‌دان و آداب میان ارمنیان و مادها، پارسیان و پارتیان اشاره کرده‌اند و منبع بسیار خوب ما *استرابون* است که وی با اینکه به درستی داستان نامحتمل خود که نیای ارمنیان مردی از سرزمین تسالی به نام *آرمونوس* بوده که در سفر *جاسون* و *آرگونائوتها* به کولخیس آنها را همراهی می‌کرده پای می‌فشارد، با این همه بر جهاتی از شباهت ظاهری میان

ارامنه و مادها نیز تأکید می‌کند.

شواهدی از پیکرتراشی ارمنیان دوره باستان و پارتیان و به ویژه سکه‌ها که شباهتهایی با نمونه‌های سکه‌های مادی دارند، شباهت رسمی را که استرابون یادآور می‌شود تأیید می‌کنند. اشاره به احترام ایزدگونه‌ای که به پادشاهان رسمی می‌نهادند جالب است، زیرا هم تیگران کبیر، پادشاه ارمنستان هم پسرش آرتاوازد مدعی لقب تتوس بودند که گهگاه بر سکه‌های سیمین آنها نقش می‌شود. استرابون می‌گوید که در شیوه زندگی ارمنیان و مادها و شیوه جامعه پوشیدن و واژگان عاریتی نیز شباهتهایی وجود دارد:

«... این تأثیر و نفوذ ایرانی در هیچ کجا به اندازه واژگان عاریتی فراوان که از زبانهای مادی، فارسی کهن و پارتی گرفته شده و حتی تا امروز نیز در زبان ارمنی و بسیار کمتر از آن در زبان گرجی وجود دارد، آشکارا به چشم نمی‌خورد. شمار زیادی از اعداد و اسامی و ضروریات بنیاد زندگی در زبان ارمنی برگرفته از فارسی میانه هستند و قطعاً حکایت از آن دارند که تأثیرات زبانی محدود به بخش اشرافیت اندک جامعه نبوده است.»

نامهای اشخاص ارمنی تا اندازه زیادی ریشه ایرانی، به ویژه پارتی دارند. از نامهای پادشاهان و بزرگانی که در این بخش از ایشان نام رفته این امر بخوبی آشکار است. در بسیاری موارد نامها ترکیبات ایزدان هستند. رایج‌ترین آنها البته میتراوات و تیرداد است. (تیر معادل عطارد و هرمس ارمنی است). آناهیت، ایزد بانوی مادر ارمنی که در پارت نیز حرمتش می‌نهادند هنوز در نام آناهیت که نام مسیحی ارمنی رایج است زنده است. نامهای ارمنی رایج مانند تیگران، وهرام، سورن، بابکن، خورن و آرشاک ریشه پارتی دارند. جاثلیق بزرگ همه ارمنیان از سال ۱۹۵۵ و از کنیکم نامی دارد که سابقه آن به دوره پارتیان می‌رسد و نیز گفتن این نکته جالب است که در سده‌های هشتم و نهم میلادی در قسطنطنیه که گروههای آرامنه جاه طلب عادتاً برای دوره‌های کوتاه و بلند به ضبط تاج و تخت می‌پرداختند تقریباً همواره دارای نامهای ارمنی باستانی بودند که به دوره پارتی تعلق داشتند، باردانس یا واردان از ۷۱۱ تا ۷۱۳ م عملاً

امپراطور بود چنانکه در میان دیگر سرداران و دولتمردان برجسته بیزانسی نیز یک تیرتیداتس چندین واردان، سه شخص به نام آرتاوازدوس و حتی یک اردشیر وجود داشت. نظامهای سیاسی ارمنستان وجوه اشتراک فراوانی با سلطنتهای بزرگ ایران داشت. بدیهی است که چنین انتظاری باید داشت. زیرا اشکانیان ارمنستان شاهزادگان پارتی بودند و پیوستگیهای نزدیکی با یکی از ۷ خاندان بزرگ ایرانی داشتند.

از این پیوستگیها به آسانی می‌توان پی‌برد که چگونه این مناطق نظام اقتصادی و اجتماعی نعیمه قبیله‌ای و پدرسالاری و نیمه‌برده‌داری را پشت سر گذاشته، وارد مرحله مناسبات فئودالی کامل و تمام‌عیار گردیدند. ملک طلق و تیول، خلعت پوشان و بندگی، آزادی و رعیتی که همگی مفاهیمی آشنا هستند معادلهایی در پارت و قفقاز داشتند.^(۱)

در ارمنستان نفوذ ساسانی در بسیاری از جزئیات کلیسا و معماری غیر دینی آشکار است. در واقع حتی کوششهای قانع‌کننده‌ای انجام گرفته تا طرح کلیسای گنبددار چلیپایی را که خاص ارمنستان و گرجستان است با آتشکده‌های زرتشتی پیوند دهد. گذشته از این طرح چلیپایی کلیساهای گنبددار مدور نیز یافت می‌شود. بی‌گمان نقش و نگارهای شیر و جانوران وحشی که در آرایش بیشتر کتیبه‌ها و سرستونهای کلیساهای نخستین و کاخهای ارمنی به چشم می‌خورند برگرفته از نمونه‌های ساسانی هستند.

ارمنستان به واسطه موقعیت جغرافیایی خود، به ویژه مناسب آن بود که پل میان دنیای گائاها و اوستا و ایزدان یونانی و آسیایی باشد. در اینجا تندیس بزرگی از آناهیتا، نگهبان و پشتیبان ارمنستان که در سراسر جهان ایران به ایزد بانوی آبها و باروری شهرت داشت برپا بود و پدر آناهیت آرمازاد، اهورا مزدا، بزرگ ایرانیان، میترا، ایزد میثاقها و روشنایی (بعدها میترا در شکل مهر در حماسه ملی ارمنی و داوید ساسونی به عنوان مهر بزرگ پدیدار گشت)،

نمونه‌های این تشابه در دین و پرستش بوده است.

مانویت که یکی از اصیل‌ترین جنبشهای دینی ایران بود، پیروان زیادی در ارمنستان داشته است، ارمنستان دژ و سنگر پولیسینها، پیروان یکی از فرق متأخر مانوی بود که بعدها موجب شورش توندراکیان گردیدند. یکی از رسانه‌های تعالیم مانوی در ارمنستان افسانه «برلام و یوسامت» یا «بلوهر و بوذاسف» بود که به عنوان تهذیب‌کننده رساله‌ای بودایی آغاز گشت، اما چندین سیما و ویژگی مانوی به دست آورد.^(۱)

در دیگر حوزه‌های فرهنگی نیز غنابخشی دو جانبه فراوانی وجود داشته که از تماسهای میان ایران و ارمنستان در دوره‌های سلوکی، پارتی و ساسانی پدید آمده بود. تنها کافی است به جاودانه کردن واژه‌گوسان ایران باستان با خنیاگر در گوسنهای ارمنی بیندیشیم که تا دوره‌های اخیر به شاد کردن بینندگان عامه ادامه داده‌اند و در دوره‌گردیها شعر و موسیقی را به هم درآمیختند. در اوایل سده پنجم میلادی جاثلیق قدیس یوحنا (هووهانس) مانداکونی رساله‌ای به نام «تئاتر و گوسانهای» تألیف کرد که نسخه‌ای از آن را می‌توان در ماتناداران یا کتابخانه ملی دستنویسها در ایروان مشاهده کرد.^(۲)

مسئله ارمنستان، شاپور دومین شاه ساسانی ایران را با روم درگیر کرد. روم که تعهد کرده بود در امور ارمنستان دخالت نکند نمی‌توانست شاهد الحاق این سرزمین به قلمرو حریف دیرینه خویش باشد. به هر حال خسرو بزرگ پادشاه ارمنستان که در ماجرای گوردیانوس بر ضد ایران با روم همکاری کرده بود، بر اثر یک توطئه داخلی که ظاهراً شاپور هم در آن دستی نامرئی داشت هلاک شد. بعد از وی شاهزادگان و بزرگان ارمنستان ظاهراً با میل و خرسندی خود را فرمانبردار شاپور خواندند و شاپور پسر خود هرمز اردشیر را به نام ارمن شاه فرمانروای

۱- لانگ: ایران سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ص ۸-۶۳۶.

۲- همان، ص ۸-۶۴۶.

ارمنستان کرد و بدین وسیله او ضمن جلب استمالت مخالفان محلی در صدد بسط و توسعه حدود ارمنستان نیز برآمد. اما اقدام رومیان در پناه دادن به تیرداد پسر خردسال خسرو مایه ناخرسندی شاپور شد و شاپور ارمنستان را به طور ضمنی عامل شروع جنگ با روم می‌شمرد. از این روی، به کشور روم حمله کرد. او در ارمنستان سیاست تسامح دینی را در پیش گرفت. از یک مأخذ ارمنی چنین بر می‌آید که حتی زمانی هم فرمان داده است تا مغان و جهودان و ترسایان و دیگران در تمام قلمرو وی به آسودگی به آیین خود بپردازند و از هرگونه تعرض و آزار مصون باشند.^(۱) پس از مرگ شاپور پسرش هرمز اردشیر (هرمز اول) نیز سیاستهای او را در مورد ارمنستان ادامه داد و با تسامح با ساکنان آن برخورد کرد. در زمان بهرام دوم به تیرداد عنوان پادشاه دست‌نشانده ایران در بخش کوچکی از ارمنستان داده شد.

در سال ۴۲۹ میلادی بهرام پنجم سلطه ایران را بر ارمنستان اعاده کرد و ارمنستان را به یک ایالت تابع تبدیل کرد ولی حکام ایرانی بعد از آن که به این ولایت می‌آمدند همواره با استقلال طلبان کشمکش داشتند. با مرگ بهرام پنجم پسرش یزدگرد دوم (۴۵۷-۴۳۸ م) به سلطنت رسید. وی با ارمنی‌ها بسیار برخورد خشن و سختی را در پیش گرفت. وی که تحت نفوذ موبدان بود الزام آرامنه را به قبول آیین زرتشتی لازم می‌شمرد ولی با مقاومت شدید مسیحی‌ها روبرو شد. یزدگرد دوم در مسأله ارمنستان تعقیب و آزار مسیحی‌ها را همچون وسیله‌ای برای از بین بردن داعیه استقلال ارمنستان تلقی کرده است.^(۲)

در زمان خسرو انوشیروان مذهب مزدک در ارمنستان مسیحی نفوذ یافت و پیروانی بدان گرویدند. در ارمنستان مردم به دو فرقه مزدکی و غیر مزدکی تقسیم

۱- زرین‌کوب: تاریخ مردم ایران، ص ۴۳۲-۵.

۲- همان، ص ۴۶۰-۲.

می‌شدند و با هم در منازعه شده بودند.^(۱) در دوره *خسرو انوشیروان* با روم نبردهایی بر سر ارمنستان به وقوع پیوست. *انوشیروان* خود در این دوره به ارمنستان رفت، آن را مطیع نمود و بعد به ارمنستان روم داخل شده و در آنجا از *کوروش سکایی* که با عده‌ی زیادی از سکاها در خدمت *قیصر روم* بود شکست خورد، ولی بزودی این شکست را جبران کرد.^(۲)

پس از آن، یعنی در زمان سلطنت *بهرام چوین*، *خسرو پرویز* با حمایت *موریس امپراطور روم* به شرط اینکه او در ازای حمایت رومیان برای کسب پادشاهی با وی جنگید. ایران، ارمنستان را به دولت *بیزانس* واگذار کند *خسرو* در نبرد با *بهرام پرویز* گردید. پس از مرگ *موریس* فرزند او به *خسرو پرویز* پناهنده شد و او به پاس حقوق *امپراطور مقتول فکاس* پسر وی را به رسمیت شناخت و با روم وارد جنگ گردید و از جانب ارمنستان دست به حمله زد. در زمان *هراکلیوس (هرقل)* در سال ۶۲۲ م در نزدیکی ارمنستان جنگی بین او و شهر *براز* روی داد که به فتح رومی‌ها انجامید. *خسرو* به ارمنستان دستور مقابله با روم را داد که با پیشدستی رومیها، ارمنستان به وسیله آنان اشغال شد.^(۳)

□ عهدنامه ایران و روم درباره ارمنستان

در سال ۳۶۳ میلادی، عهدنامه‌ای بین ایران و ارمنستان منعقد شد که برای ایران بسیار مفید بود. این عهدنامه باعث شد که *شاپور رومیان* را وادار کند که در آن اعتراف کنند که ارمنستان خارج از منطقه نفوذ روم است. در باب این عهدنامه *شاپور* عجله داشت که عهدنامه اجرا شود. این بود که بر سر ارمنستان باز منازعه و خصومت بین روم و ایران شروع شد و چند سال *شاپور* و *والن سین* با هم

۱- حسین پیرنیا، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان (تهران: انتشارات کتابخانه خیام،

۲- همان، ص ۷-۲۱۶.

بی‌تا)، ص ۲۱۰.

۳- همان، ص ۴-۲۲۳.

بی‌نتیجه قطعی جنگیدند و بالاخره در سال ۳۷۶ میلادی طرفین خسته شده راجع به ارمنستان قرار گذاشتند که هیچکدام در امور این دو مملکت دخالت ننموده و هر دو را بخود واگذارند.^(۱)

در زمان شاپور ارمنستان تقسیم گردید. پس از فوت شاپور رومیها از سستی اردشیر استفاده کرده یکی از شاهزادگان اشکانی را موسوم به *ورزادات* به تخت ارمنستان نشاندند. در سال ۳۸۴ م قسمت اعظم ارمنستان جزو ایران و قسمت کوچکتر (غربی) جزو امپراطوری روم گردید. ولی در هر دو قسمت شاهزادگان اشکانی از طرف ایران و روم به حکومت معین شدند.^(۲) چه در دوران سلطنت آخرین پادشاهان سلسله آرساسید (اشکها) و چه در طول مدت سلطه ساسانیان بر ارمنستان، این کشور همچنان به ایفای نقش بسیار مهم اقتصادی خود به عنوان رابط تجاری بین شرق و غرب ادامه داد. بر طبق مفاد قراردادی که بین دولت روم شرقی و ساسانیان پس از تقسیم ارمنستان امضاء شده بود شهرهای آرتاکساتا و تئودوزیوپولسیس (ارزروم) و نصیبین بایستی مرکز داد و ستد باشند و از نوعی انحصار برای تجارت ابریشم برخوردار گردند. در آن دوران تنها خاور دور و آسیای مرکزی این کالای مهم را تولید می‌کردند و این کالا از طریق جاده معروف ابریشم که از ورای خاک ترکستان و ایران بر ارمنستان منتهی می‌شد به اروپا حمل می‌گردید (جاده اکباتان، گنجه، آرتاکساتا، تئودوزیوپولیس، قیصریه) به این وضع ممتاز ارمنستان به عنوان مخزن و مرکز بزرگ تجارت ابریشم خللی وارد نیامد مگر وقتی که صنعت پرورش کرم ابریشم در سوریه نیز دایر گردید و بسط و گسترش تولید ابریشم در خاورمیانه موجب کاهش مبادلات آن بین اروپا و آسیا شد. به هنگام جنگهای بزرگ ارمنستان با شاپور پادشاه ساسانی در نیمه دوم قرن چهارم تغییر فاحشی در اوضاع روی داد و باعث شد که به علت تخلیه و

۱- پیرنیا: *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان*، ص ۵-۱۹۴.

۲- همان، ص ۱۹۶.

ویرانی شهرها از اهمیت تجاری شهرهای مورد نظر کاسته شود و حتی از لحاظ داد و ستد داخلی و محلی نیز اهمیت خود را از دست بدهند. و از آن پس هر شهر ناگزیر شد که از لحاظ اقتصادی خودکفا باشد.^(۱)

▣ نفوذ مسیحیت در ارمنستان

طبق روایات و افسانه‌های ارمنی به دعوت آپکار پادشاه ارمنستان (احتمالاً حدود ۴۰ میلادی) فردی به نام قاتووس برای تبلیغ دین مسیح به ارمنستان رفت و در این امر توفیق بسیاری بدست آورد. پادشاهی که پس از آپکار به تخت نشست سانادروک نام داشت. او و دخترش ساندوخت در ابتدا مسیحی شدند ولی پس از اندک زمانی سانادروک دین جدید را ترک گفت و به دین پیشین خود برگشت و قاتووس را مجبور به ترک تبلیغ دین جدید کرد. قاتووس دستور او را اطاعت نکرد و به همین علت سانادورک فرمان قتل او را صادر کرد. چون قاتووس به قتل رسید او را در محل کنونی کلیسای قاتووس به خاک سپردند و بعداً بر روی گور او کلیسایی ساختند. سانادورک پس از آن دختر خویش را که به دین مسیحی گرویده بود وادار به ترک این آیین کرد ولی او امتناع کرد و به همین علت فرمان قتل او نیز صادر شد و او را در جوار قاتووس به خاک سپردند.

پس از این واقعه مبلغان بسیاری به ارمنستان آمدند و در خفا مردم را دعوت به قبول دین مسیحیت کردند. پس از آن در بین خاندان سلطنتی و درباریان آیین مسیحیت رواج یافت و در نتیجه تیرداد پادشاه ارمنستان خود به آیین مسیحیت گروید و با یاری گریگور ارمنیان را مسیحی گردانیده. بدین ترتیب دین مسیحیت از سال ۳۰۱ میلادی دین رسمی ارمنستان شناخته شد و از این تاریخ در نقاط مختلف ارمنستان کلیساهایی بنا گردید.

چون با کوششهای گریگور ارمنیان مسیحی شده بودند، مذهب ارمنیان را گریگوری، گریگورین و گرگواری می‌نامند. آنان تا سال ۴۳۱ میلادی در مجامع

۱- باسدرماجیان: تاریخ ارمنستان، ص ۴-۱۶۳.

مسیحیان جهان شرکت می‌کردند ولی پس از آن تاریخ ارمنیان از هیچیک از مجامع مذهبی غیر ارمنی پیروی نکردند و برای خود مرکزی پدید آوردند (در اچمیادزین اوچ کلیسا) که مرجع تقلید آنان گردید.^(۱)

با پیدایش مسیحیت، یکی از اولین اقدامات آرامنه این بود که تعلیمات دین جدید را پذیرفتند. گرایش سریع و دست جمعی آرامنه به مسیحیت یکی از مسائلی است که برای آگاهی بر آن یادآوری چند نکته ضروری است. حضرت عیسی (مسیح) در زمان سلطنت فرهاد چهارم پادشاه اشکانی در فلسطین متولد شد و از قرن بعد مذهب مسیح به خاک ایران سرایت کرد. بنا به روایات تاریخی و مذهبی یهودا معروف به توماس که از حواریون عیسی بود برای تبلیغ مسیح مأمور مسافرت به شرق شد. ارمنستان یکی از مناطقی بود که قبل از همه بلاد به دین مسیح درآمد. در این زمان مبلغی ایرانی بنام گریگوار که پسر شاهزاده اشکانی و بنام آناک بود مسیحیت را در این دیار ترویج می‌کرد و با گسترش آن مذاهب زرتشتی و مهرپرستی در آنجا منسوخ گردید. یکی از پادشاهان ارمنی بنام تیرداد سوم (متوفی به سال ۳۰۳ میلادی) دین تازه را پذیرفت و کتب مقدسی که در زمان او به زبان ارمنی ترجمه و به خط پهلوی نگاشته شده غالباً باقی است، سرانجام در سال ۳۰۱ بعد از میلاد این مذهب بعنوان مذهب رسمی ارمنستان پذیرفته شد.^(۲)

در طول دو قرنی که به دنبال مسیحی شدن ارمنستان سپری شد، یعنی در قرنهای چهارم و پنجم میلادی، ارمنستان به پیشرفت عظیمی در زمینه حیات فرهنگی دست یافت. در لوای تأثیر کلیسا ما شاهد شکوفایی فرهنگ ارمنی هستیم و می‌بینیم که آن فرهنگ تبدیل به یک فرهنگ اساساً مسیحی می‌شود. دو روحانی بزرگ سراسقف نرسس اول و دیگری پسرش اسقف ساهاک اول

۱- آندرانیک هویان، «قره کلیسا»، بررسیهای تاریخی، س ۲، ش ۵، دی ۱۳۴۶، ص ۹-۱۹۷.

۲- راین: ایرانیان ارمنی، ص ۱۱-۱۰.

نقش بسیار مهمی در این شکوفایی حیات فرهنگی و هنری ارمنستان بازی کرده‌اند. حیات فرهنگی ارمنستان، پیش از پذیرش دین مسیح تابع فرهنگ بیگانگانی مانند یونان و روم و بویژه ایران بود. مظهر فرهنگ اصلی ارمنستان آوازهای عامیانه و اشعار حماسی ساده‌ای بود که شاعران ملی حماسه سرا سروده بودند و چند قطعه‌ای از آنها را موسی خورنی، گریگوری و ماژسیتروس نقل کرده‌اند. این اشعار حماسی در ستایش خدایان و قهرمانان (هایک) بودند و بدرستی معلوم نیست که این آثار به صورت اشعار پراکنده بودند و یا برعکس اثر حماسی کاملی را تشکیل می‌داده‌اند.

تحقق مهمترین مظهر فرهنگی مسیحیت که همه مظاهر دیگر از آن سرچشمه گرفتند، ابداع الفبای ارمنی بود. این مهم به وسیله اسقف اعظم ساهاک اول انجام گرفت که یکی از مهمترین و موثرترین رویدادهای تاریخ ارمنستان بود که به ادبیات ارمنی حیات بخشید و در حفظ شخصیت و ویژگیهای اخلاقی ملت ارمنی نیز سهم عمده‌ای داشت.^(۱) ارمنستان از سال ۴۳۰ تا ۶۳۴ میلادی به صورت چند امیرنشین بزرگ تحت قیمومیت ایران ساسانی قرار گرفت.

فصل دوم

روابط ایران و ارمنستان در دوره اسلامی

پس از ظهور اسلام و قدرت گرفتن اعراب، این کشور به تصرف مسلمانان درآمد و حدود دو قرن تحت استیلای خلفای اسلامی بود. در هنگامی که عربها پس از تسلط بر خاک ایران به ارمنستان حمله ور شده بودند، در این سرزمین پادشاهی نبود و فقط چند وزیر که از دوران پادشاهی پیشین باقیمانده بود مملکت را اداره می‌کردند. پس از تسلط اعراب نیز تا مدتی همین وضع ادامه داشت تا اینکه در قرن نهم میلادی به امر خلیفه مسلمین پادشاهی از بین ارامنه انتخاب شد به نام آشوت باگرادونی که به نام سلسله باگرادونی معروف شد. در تاریخ، پادشاهان این سلسله را به نام پاگراتی یا بقراطی می‌شناسیم. البته این پادشاه انتخابی بر سراسر ارمنستان تسلط نداشت و پادشاهان کوچک دیگری به نام سمباد، آشوت، کاگیک، و آوانس در ارمنستان حکومت می‌کردند. سلطنت سلسله باگرادونی تا ۱۶۰ سال ادامه داشت تا آنکه در سال ۱۰۴۵ میلادی برابر با ۴۳۶ هجری قمری منقرض گردید. علت انقراض این سلسله حمله سلجوقیان و تاتارها به خاک ایران و ارمنستان بود.^(۱)

۱-اکرم بهرامی، تاریخ ایران از ظهور اسلام تا سقوط بغداد (تهران: انتشارات دانشسرای عالی، ش

در دوران تسلط اعراب وضعیت اجتماعی ارمنستان همانند دوره اشکها و ساسانیان بود و دستخوش تغییرات زیادی شد، زمینها غیر از املاک وسیعی که به کلیسا تعلق داشت از آن نجبا بود و دهقانان بی آنکه خود مالک چیزی باشند به حالت «سرف» وابسته به زمین بودند. ساختار کشور فئودالی و ملوک الطوائفی بود و زمینها به طور غیرعادلانه بین مالکان آن تقسیم شده بود.^(۱)

در نیمه دوم قرن نهم و حدود سال ۸۵۰ باگراتونیان از خانواده‌های بسیار قدیمی نجبای ارمنی تمام سرزمین ارمنستان را در تصرف گرفتند و ملت یکپارچه‌ای بوجود آوردند و خویش را از سلطه اعراب رهانیدند. سرآغاز این حرکت با شورش سمبات (سنباد) باگراتیان علیه اعراب آغاز شد که به دستگیری و اسارت او انجامید. آشوست پسر سمبات در سال ۸۶۲ به عنوان امیرالامرای ارمنستان از سوی اعراب به رسمیت شناخته شد و اعراب پذیرفتند که حکومت به طور موروثی در خانواده باگراتونی باقی بماند. در این زمان پرداخت خراج به خلفای بغداد همچنان از سوی امرای ارمنستان صورت می‌گرفت. پایتخت باگراتونیها شهر باشکوه «آنی» بود که به آن، شهر «چهل دروازه» و «هزار و یک کلیسا» نیز می‌گفتند.^(۲)

در عهد عثمان، ارمنستان به ممالک مفتوحه عهد عمر ضمیمه شد.^(۳) در زمان امارت معاویه، حوزه متصرفات وی با ارمنستان مجاور بود. معاویه چندین بار به عنوان جهاد به این کشور لشکر کشید.^(۴)

سفاح اولین خلیفه عباسی در زمان خلافت خویش اداره امور ارمنستان را به ابوجعفر منصور محول نمود.^(۵) بعد از فوت سفاح، منصور برادرش ابوجعفر

۱- همان، ص ۹-۱۶۸.

۲- همان، ص ۱۹۰.

۳- همان، ص ۶۶.

۴- همان، ص ۸۰.

۵- همان، ص ۱۲۴.

ملقب به منصور به جای او نشست. در زمان منصور نفوذ ایرانیان در دربار خلافت روز بروز بیشتر شد.^(۱) از زمان منصور غزوات خارجی تاستانی مرتباً ادامه داشت. از ارمنستان و سایر نقاط لشکرها برای جنگ با کفار حرکت می‌کردند و با غنائم بسیار باز می‌گشتند. در سال ۱۷۶ هجری از طرف هارون، فضل برادر رضاعی هارون حکومت ارمنستان را بدست گرفت.

در زمان مأمون و در سال ۲۰۵ هجری، عیسی بن محمد بن ابی خالد حکومت ارمنستان را به عهده داشت. در آن زمان در آذربایجان بابک خرمدین قیام کرد که این قیام به نواحی دیگر از جمله ارمنستان سرایت کرد.^(۲) پس از مأمون معتصم به خلافت نشست، در عهد خلافت او سرداری ایرانی به نام افشین از سوی معتصم مأمور دفع بابک شد. بابک مدت بیست سال بر ارمنستان مستولی بود. در طی بیست سال، نفوذ او در ارمنستان بسیار زیاد بود و برانداختن او کاری ساده نبود. این افشین برای براندازی بابک عرصه را بر او تنگ کرد. بابک به ارمنستان گریخت ولی در آنجا گرفتار شد.^(۳) بعد از معتصم تا سال ۶۵۶ که هلاکو آخرین فروغ خلافت عباسی را خاموش کرد. قلمرو ارمنستان در تحت سیطره ترکان، دیلمیان و سلجوقیان بود.^(۴)

تسلط سلجوقیان بر ارمنستان

در زمان سلجوقیان و حکومت طغرل، امیر ابومنصور و هسوردان روادی حاکم ارمنیان تحت امر وی درآمد، خطبه و سکه بنام طغرل می‌کردند. طغرل ابوالسوار را فرمانبردار خود در جنگ با ارمنیان و رومیان کرد. در جنگی که در اطراف «آنی»^(۵) در گرفت عده زیادی به اسارت مسلمانان درآمدند. در سال ۴۵۶

۱- همان، ص ۱۲۸.

۲- همان، ص ۱۵۴.

۳- همان، ص ۲۵۹.

۴- همان، ص ۸-۱۵۷.

۵- در مغرب ایروان بر سر راه ارمنستان.

آلب ارسلان به ارمنستان لشکر کشید و توانست شهر معروف و مستحکم آنی را تصرف نماید. آلب ارسلان حکومت ارمنستان را به ابوالسوار سپرد. ابوالسوار پسر کوچکش فضلون را حکمران آن شهر نمود.^(۱) پس از دستگیری فضلون توسط امیربوزان بنیاد سلسله شدادیان از ارمنستان برکنده شد و منوچهر و پسرانش تا صد و سی سال بر آنجا حکومت کردند. منوچهر ملقب به ابوشجاع با ارامنه به خوبی رفتار کرد و ارمنیان را دلجویی می نمود. دلیل خوش رفتاری منوچهر با ارمنیان وجود مادر مسیحی اش دختر آشور بوده است. در زمان حکومت او مسیحیان و مسلمانان هر دو دسته آسوده بودند. منوچهر در زمان حکومت سلاجقه، خود را مجبور به اطاعت از سلاجقه و ترکان می دید ولی پس از مرگ ملکشاه سلجوقی و اختلاف جانشینان او بر سر حکومت، با ترکان به مقابله برخاست و از تهاجم آنان بر ارمنستان جلوگیری نمود.

بعد از منوچهر پسرش شاپور دوم که کنیه ابوالسوار داشت به حکومت رسید. او تعصب دینی داشت و بر خلاف پدرش با ارمنیان بخوبی رفتار نکرد. او بر عکس پدرش منوچهر در مقابل حملات ترکان پایداری نکرد و این امر باعث شد که با یاری ارمنیان و همدستی پادشاه گرجستان، ابوالسوار و کسانش دستگیر و حکومت در اختیار ارمنیان قرار گیرد. ولی بعدها فضلون دوم با موافقت ارمنیان به حکومت رسید و با خوش رفتاری با ارمنیان بنیان حکومت خود را مستحکم گردانید؛ در زمان حکمرانی فضلون چهارم بدلیل سوء رفتار او گریگور پادشاه گرجستان کلیه بازماندگان شدادیان را دستگیر و سپهسالار خود سعدون را به حکومت آنی گماشت و آنی تا سال ۵۹۹ هجری در دست گرجیان باقی بود. در این سال ایلدگنر حکمران آذربایجان گرجیان را شکست داد و حکومت آنجا را به شاهنشاه بن محمود بزرگ خاندان شدادیان سپرد.^(۲) در

۱- بهرامی: تاریخ ایران از آغاز اسلام تا سقوط بغداد، ص ۴-۵۰۳.

۲- همان، ص ۸-۵۰۷.

نوشته‌های ارمنیان که در خرابه‌های آنی دیده می‌شود او را امیرسلطان پسر امیر محمود نوّه منوچهر نوشته‌اند و در نوشته‌های پارسی در خرابه‌های مزبور او را سلطان خوانده‌اند.^(۱)

ایلدگزیان در پایان عصر سلجوقیه حکومت و امارت ارمنستان را داشتند و اتابکان محلی تا زمان خوارزمشاهیان و حمله مغول در آنجا حکومت می‌کردند. جلال‌الدین خوارزمشاه چندین بار خیال حمله به ارمنستان و فتح قلعه اخلاط را داشت که طغیان براق حاجب، وی را مجبور به حرکت به جانب کرمان کرد. مقابله جلال‌الدین با مغولان سبب گردید که امراء و سلاطین شام و روم و گرجستان و ارمنستان و ترکان قیجاقی و ابخاز با یکدیگر متحد شوند و برای مقابله با سپاه جلال‌الدین سپاه متحد بزرگی تشکیل دهند. جلال‌الدین متحدین را شکست داد و پس از فتح تفلیس عازم ارمنستان شد و اخلاط را تسخیر کرد. حاکم اخلاط در این موقع عزالدین آیبک بود جلال‌الدین فرستادگانی را نزد او فرستاد تا بدون خونریزی تسلیم شود ولی او تسلیم نشد. جلال‌الدین در سال ۶۲۷ هجری وارد اخلاط شد و خرابیهای زیادی به بار آورد و به قتل مردم و غارت اموال آنان پرداخت.^(۲)

▣ ارمنی‌ها و ایلخانان مغول

ارمنی‌ها در سیاست ایلخانان مغول جایگاه ویژه‌ای داشتند و این امر از بدو فتح ایران توسط مغولان تا دهه‌های بعد صورت می‌گرفت. آنان علی‌رغم کشتارهای اولیه مغولان خیلی زود دریافتند که حضور مغولان به منزله تحولی است که به حاکمیت مسلمانان خاتمه خواهد داد. تأسیس دولت ایلخانی خود در این راه نقطه عطفی به شمار آمده است. ضربه‌ای که از رهگذر سقوط بغداد بر جهان اسلام وارد شد، موجب مسرت و قوت قلب عالم مسیحیت شد بخصوص برای ارمنه که چندین قرن کشمکش مداوم با جهان اسلام را پشت سر

گذاشته بودند.^(۱)

سقوط بغداد و ضربه بر جهان اسلام و به دنبال آن تأسیس دولت ایلخانان در ایران اگر چه بدو با رضایت خاطر ارامنه همراه بود اما بزودی آشکار شد که بر دامنه مشکلات آنان افزوده شده است. زیرا با تأسیس دولت ایلخانان، نظارتی که مغولان از دور دست بر ارمنستان اعمال و اجرا می‌کردند تبدیل به حاکمیتی نزدیکتر و قویتر شد. آنچنان که از آن پس دخالت‌های مغولان در امور این دولت مسیحی به نحو چشمگیری افزایش یافت. همچنین از آنجا که تأسیس دولت ایلخانان همراه با پیدایش دو دشمن نیرومند برای آنان، یکی در شمال (دولت مغولان دشت قبچاق) از خاندان جوچی موسوم به اردوی زرین و دیگری در غرب (دولت مملوکان مصر) بود، دولت ارمنستان صغیر تبدیل به متحد مرزی و سرزمین خط مقدم ایلخانان در برابر آنها شد. ایلخانان مغول می‌خواستند به وسیله ارمنستان صغیر با مملوکان مصر مقابله کنند و با کمک گرجی‌ها از دست اندازی اولوس جوچی بر قفقاز ممانعت به عمل آورند. این خود موجب فراز و فرودهای بسیار در حفظ امنیت و تمامیت قلمرو کشور ارمنستان صغیر گردید. فراز و فرودی که تا پایان دولت ایلخانان ادامه یافت و به جدایی این کشور تا بعد از دولت ایلخانان انجامید.^(۲)

هیچ یک از سلاطین مغول به اندازه هلاکو مورد عنایت و التفات مسیحیان قرار نگرفته است. مادر و همسر هلاکو هر دو مسیحی بودند و تعدادی از سردارانش نیز عقاید مسیحی داشتند. بدین جهت در زمان او ظواهر و شعائر مسیحیت رعایت می‌شد و مسیحیان عزت و حرمت داشتند. هنگامیکه هلاکو قصد بغداد و سرنگونی عباسیان را کرد، ارمنی‌ها با او همراهی کردند و قبل از

۱- عبدالرسول خیراندیش، «موقعیت مسیحیان آسیای غربی در دولت ایلخانان»،

ایران‌شناخت، ش ۴، بهار ۱۳۷۶، ص ۱-۲.

۲- همان، ص ۲-۳.

حمله هلاکو به بغداد، هتیوم پادشاه ارمنستان نزد منکوقاآن شتافت و بطور مسلم در آنجا در جریان مسائل کلی حمله به جهان اسلام قرار گرفته است. او در آنجا متعهد شد که نیرو در اختیار هلاکو بگذارد و در عوض امتیازاتی از مغولان دریافت کرد. همچنین از جمله کسانی که با ورود هلاکو به شرق ایران به استقبال او شتافتند، هتیوم و برادرش سنباد بود. اعتماد و اطمینان هلاکو به هتیوم تا آن اندازه بود که در جریان محاصره الموت مقرر شد علوفه لازم برای چهارپایان لشکر مغول از ارمنستان تهیه شود. همچنین بنا به نوشته دکتر مرتضوی، هلاکو مشاور ارمنی به نام وارطان داشته است. در اوایل لشکرکشی هلاکو به ایران عامل مغول در ارمنستان جولکان نام داشت و چون وی در گذشت پسرش به نام میتان به جای او منصوب شد. نقل شده است که جولکان بر مردمان سختگیری می‌کرد.

منکو، حکومت ارمنستان را نیز مانند بسیاری از بلاد غربی به نام هلاکو نوشته بود. هلاکو نیز به خاطر همکاری خوب هتیوم، در اداره ارمنستان امتیازات خاصی به وی داد. چنان که او را مجاز داشت تا بتواند علیه کسانی که امنیت قلمرو او را به مخاطره می‌افکنند، نزد محاکمه (بارغو) شکایت برد، شاه ارمنستان نیز در مقابل کمال همراهی را با هلاکو نمود. بخصوص در جریان محاصره میافارتین سپاهیان ارمنی حضور فعالی داشتند و هنگامی که این محاصره با ناکامی مواجه شد هلاکو به دشت موش در ارمنستان عقب‌نشینی کرد. همچنین در جریان لشکرکشی هلاکو به شام، او و هتیوم سپاهیان خود را در ادسا برای فتح بیت‌المقدس علیه ممالیک مصر، متحد ساختند. علاوه بر این در جریان تهاجم مغول به شام هتیوم داماد خود بوهموند ششم پادشاه انطاکیه را نیز همراه ساخته بود. در ازاء این خدمات، هلاکو از بین تمام فرق مسیحی به ارامنه اعتماد نمود چنانکه در سال ۶۵۷ هـ ق / ۱۲۵۹ م سرگیوس اسقف ارمنستان را مأمور اداره بعضی از نواحی شرقی آسیای صغیر کرد.

دلیل همراهی بی‌شائبه و تمام عیار هتیوم با مغولان آن بود که می‌خواست در برابر تهاجم سلجوقیان روم و گرجیان، متحد نیرومندی در کنار خود داشته

باشد. بعلاوه او حتی از فرانکهای جنگهای صلیبی نیز بیمناک بود. زیرا در سال ۱۲۲۶ م صلیبیون از طریق انطاکیه به خاک ارمنستان صغیر حمله کرده و کشتار و خرابی بسیاری نموده بودند. اگر چه پیوستن به مغولان شر همه این دشمنان را از سر ارمنستان کوتاه نمود، اما هتیوم از یک نکته غفلت کرد و آن اینکه توسعه مرزهای ایلخانان در عراق و آسیای صغیر آنان را در شام با مملوکان، مجاور ساخته بود. در چنین حالتی ارمنستان صغیر به صورت دولت متحد و مرزدار مغولان در شام درآمد بود و این خود سبب به وجود آمدن دشمنی جدید و بسیار خطرناک برای آرامنه شده بود.

اباقاخان دومین ایلخان مغول (۶۶۳-۹۸ هـ/۱۲۶۵-۱۲۸۱ م) مانند پدرش دارای مادر و همسری مسیحی بود. در زمان او نیز روابط با ارمنستان گسترش بسیار یافت. وضع مسیحیان در دوره هلاکو بهتر از این زمان بود. شاید بتوان علت این امر را در صمیمیت کمتر و سیاست‌بازی بیشتر **اباقاخان** دانست. در نتیجه فقدان این صمیمیت و صداقت، اوضاع ارمنستان سخت آسیب‌پذیر و نابسامان گردید.^(۱)

چنانکه گفته شد علت اصلی گرایش هتیوم پادشاه ارمنستان صغیر به سوی مغولان، نگرانی دایمی او از هجوم سلجوقیان روم بود. اما تهاجم مغولان به غرب آسیا سرانجام دولت سلجوقیان روم را به سمت انحلال و اضمحلال سوق داد. این امر با به قدرت رسیدن عامل دست‌نشانده مغولان یعنی **معین‌الدین پروانه** شتاب بیشتری به خود گرفت. او سلطان سلجوقی را کشت و پسر دو ساله وی به نام **غیاث‌الدین کیخسرو سوم** را بر تخت نشاند. بدین ترتیب **معین‌الدین پروانه** در قلمرو سلجوقیان روم فعال مایشاء گردید. **معین‌الدین** در مرزهای شمالی قلمرو خود سینوب را که دارای سکنه‌ای مسیحی بود به نفع مغولان فتح کرد. اما در سمت جنوب اوضاع بر وفق مراد نبود. زیرا **بیبیرس** سلطان مصر، همچنان که به ارمنستان لشکر می‌کشید در قلمرو سلجوقیان روم نیز تاخت و تاز

می‌کرد و بویژه ارمنه را به قتل می‌رساند. پس از چندی معین‌الدین پروانه با اطمینان از موقعیت خود نزد اباقاخان شروع به مداخله در امور ارمنستان کرد و این امر که موجب اختلاف او با ارمنه شده بود سرانجام باعث گردید پای مصریان به آسیای صغیر باز شود. نتیجه این کار تاخت و تاز مملوکان در ارمنستان و آسیای صغیر بود. اما چون راز معین‌الدین فاش شد جان خود را از دست داد. صرف نظر از خیانتی که معین‌الدین مرتکب شده بود، اعدام معین‌الدین تا حدودی برای راضی کردن ارمنه نیز بود.

ارمنستان صغیر به خاطر پیشروی مملوکان در شام عملاً سنگر اول مقابله مغولان با آنان شده بود. در حقیقت شاه ارمنستان مرزدار مغولان به شمار می‌آمد. هتیوم نیز شخصاً بارها همراهی و وفاداری خود را به مغولان نشان داده بود که طبیعتاً دشمنی بیشتر مملوکان را به دنبال داشت. در سال ۶۶۴ هـ ق / ۱۲۶۶ م بیبرس سلطان مملوکان، به ارمنستان صغیر لشکر کشید و از هتیوم خواستار قبول اطاعت و پرداخت خراج شد. پادشاه ارمنستان صغیر که به حمایت مغولان امیدوار بود تمکین نمود، در نتیجه بیبرس به سرزمین او حمله ور گشت. سپاهیان مملوکان در ارمنستان صغیر کشتار و خرابی بسیار می‌کردند. هتیوم فرار کرد. یکی از پسرانش کشته شد و ولیعهدش نیز اسیر گردید که بواسطه دخالت مغولان بعدها فرزندش از قید اسارت نجات یافت. این حملات مملوکان به ارمنستان صغیر بتدریج امری مکرر شده بود. به همین جهت شاه ارمنستان جز ادامه راه گذشته چاره‌ای نمی‌دید و در عملیات مغولان علیه مملوکان شرکت می‌جست به این امید که انتقام شکستهای گذشته را بگیرد.^(۱)

در فاصله ۱۵ سال یعنی پس از مرگ اباقاخان و به سلطنت رسیدن غازان (۶۸۰-۶۹۵ هـ ق / ۱۲۹۵-۱۲۸۱ م) چهارتن به مقام ایلخانی رسیدند. قلمرو ایلخانان در این دوره دچار اوضاع ناآرامی گردید و از نظر دینی، اقتصادی و

۱- خیراندیش: موقعیت مسیحیان آسیای غربی در دولت ایلخانان، ص ۴-۱۱.

سیاسی اوضاع نابسامانی را گذراند که سبب بروز آشفتگی در سیاست خارجی و روابط با ارمنستان گردید. در زمان سلطنت ارغون، پادشاهی ارمنستان دچار نابسامانی و آشفتگی گردید. تنها تحول مهمی که در این دوران در ارمنستان صورت گرفت به سلطنت رسیدن تکفور دوم پسر لئون سوم در سال ۶۸۸ هـ ق / ۱۲۸۹ م بود. در دوران ارغون و گیخاتو مصریان بارها به ارمنستان هجوم آوردند. با توجه به تمایل ارغون به اتحاد با اروپا و نیز با توجه به اینکه در آخرین مراحل جنگهای صلیبی، ارامنه در کنار صلیبیون جنگیدند، ممکن است به خاطر حملات شدید مصریان به ارمنستان، ارغون و گیخاتو چنین مصلحت دیدند که همکاری آشکاری با ارامنه نداشته باشند. کمترین نتیجه این سیاست تنهایی ارامنه در مقابل هجوم مملوکان بود.

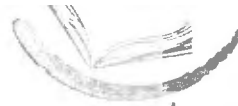
دوره حکومت غازان خان (۷۰۳-۶۹۵ هـ ق / ۱۳۰۴-۱۲۹۵ م) از ادوار مهم حکومت ایلخانان در رابطه با ارمنستان است. دلیل اصلی این اهمیت، اسلام آوردن غازان و دیگر مغولان ایران است. این امر باعث شد که در سیاست خارجی مغولان، روابط با کشورهای اروپایی و مسیحی کاهش فراوان یابد. به همین دلیل ارمنستان دیگر موقعیت سابق خود را در دولت ایلخانان از دست داد و ارامنه مجبور شدند بخاطر بی‌اعتنایی دولت ایلخانان از سلاطین مملوک اطاعت کنند.^(۱)

در دوره غازان خان ارمنیان کمتر به مغولان متکی شدند که این امر بخاطر تضعیف موقعیت مغولان در برابر مصریان و نیز برطرف شدن خطر سلجوقیان روم بود. در سال ۷۰۱ هجری بار دیگر مملوکان به ارمنستان حمله ور شدند. وقایع این دوره نشان می‌دهد که مغولان تا چه اندازه از اعمال سلطه بر ارمنستان ناتوان و در دفاع از متحد خود عاجز بوده‌اند.

در زمان دو ایلخان آخر یعنی الجایتو و ابوسعید بهادر (۷۳۵-۷۱۶ هـ ق) دولت ایلخانان در گردابی از مشکلات و مسائل داخلی فرو رفت. تعارضات

سرداران مغول، نابخردی ایلخانان، نوسانات مذهبی و... موجب شد تا مسیحیت و مسیحیان مسئله‌ای کم اهمیت برای دولت ایلخانان گردد و سیاست خارجی اعم از دوستی با اروپا یا جدال با مملوکان و بازماندگان جوچی از شدت سابق خود بیفتد. در نتیجه این وضع ارمنستان به صورت متحد فراموش شده درآمد و پس از چندی طریق استقلال پیمود.^(۱)

در دوره سلطنت ابوسعید بهادرخان توانایی دولت ایلخانان در تسلط بر ارمنستان کاهش یافت. در این زمان تیمورتاش فرزند امیرچوپان فرمانروای آسیای صغیر بود. او با اتکا به نفوذ پر قدرت پدر و برادرانش در دستگاه سلطنت، امور آسیای صغیر را مطابق خواست خود اداره می‌کرد. از جمله اقدام به گسترش قلمرو تحت امر خویش نمود. یکی از مناطقی که او بدان هجوم آورد خاک ارمنستان بود که این امر در ابتدا مورد تأیید ابوسعید بود. اما طولی نکشید که تیمورتاش خود بر ابوسعید طاعی شد. طغیان تیمورتاش موقعیت ایلخانان را در ارمنستان به خطر انداخت و توانایی و تسلط ایلخانان بر ارمنستان تنزل یافت. تیمورتاش پس از شکست از ابوسعید به مصر گریخت و این ماجرا برای دولت مملوکان فرصتی مناسب جهت گسترش نفوذ در ارمنستان صغیر بود. در سال ۱۳۰۵ م / ۷۰۵ ه ق مملوکان یورش خود را بر ارمنستان صغیر از سر گرفتند و پایتخت آن شهر را غارت نمودند. از آنجا که هدف مملوکان تحمیل سلطه سیاسی بر ارمنستان بود، هتیموم دوم پادشاه وقت ارمنستان صغیر استعفا داد و برادرزاده‌اش لئون چهارم به جای او بر تخت نشست. در زمان سلطنت این پادشاه و جانشینانش ارمنستان از دست مغولان خارج شد. اقدام یولارغی در قتل لئون چهارم به مخاصمه مغولان و آرامنه دامن زد و حتی برکناری وی از سوی الجایتو نیز نتوانست به این مخاصمه پایان بخشد. در زمان ابوسعید، دولت ایلخانان دست از دشمنی با مملوکان کشید و به همین نحو از ارمنستان صغیر چشم پوشید. در نتیجه، سال ۱۳۲۰ م / ۷۲۰ ه ق که مملوکان بار دیگر به



ارمنستان حمله ور شدند، سپاهیان ایلخانی در برابر آنان حضور نداشتند. به همین جهت پاپ طی نامه‌ای که بسیار گله‌مندانه بود، ضمن یادآوری دوپستی‌های گذشته از ابوسعید خواست که به کمک آرامنه بشتابد، اما او هیچ اقدامی نکرد. دو سال بعد مملوکان بار دیگر به ارمنستان حمله کردند. باز هم ابوسعید اقدامی نکرد. بدین ترتیب، پیش از آنکه دولت ایلخانی سرآید تسلط آنان بر ارمنستان صغیر خاتمه یافت و آرامنه اطاعت از مملوکان را گردن نهادند.^(۱)

در ایام سلطه گورکانیان، امیر تیمور بلاد ارمنستان را در آخر تابستان ۷۸۸ هجری قمری گرفت و ارزنة الروم و ارزنجان تسخیر شد. وی میرانشاه را به تعقیب قرامحمد قراقویونلو رئیس ترکمانان نواحی امیرنشین فرستاد و قرامحمد گریخت و تیمور شهر وان را پس از ۲۷ روز محاصره گشود. در این دوران پس از امیر تیمور گورکانی، ارمنستان در قلمرو ممالک تیموری بود و تحت تسلط دولت میرانشاه و پسران او ابوبکر و محمد بود. دولت میرانشاه در اثر سفاهت او و قیام پسرانش و قدرت آل جلایر و ترکمانان قراقویونلو پس از مدتی از میان رفت و ارمنستان تحت سلطه قرایوسف از امرای قراقویونلو و پسرانش افتاد. پس از مرگ قرایوسف، امیر اسکندر در ارمنستان به فتوحاتی نایل آمد. مؤسس سلسله امرای آق قویونلو ابوالنصر حسن بیگ (اوزون حسن) در حمله به ارمنستان غربی بر این ناحیه مسلط شد. در این زمان در سال ۸۵۷ هجری پادشاه عثمانی محمد ثانی استانبول را فتح و به تدریج بر مناطق دیگری نیز دست یافت. در ربیع الاول ۸۷۷ هجری سپاهیان سلطان محمد ثانی پادشاه عثمانی با ۱۰۰/۰۰۰ سپاهی تا حدود ارزنجان پیش آمدند و در مغرب این شهر با اردوی اوزون حسن روبرو شدند و موفق به شکست وی شدند.^(۲)

۱ - همان، ص ۸-۲۵.

۲-عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه (تهران: انتشارات

کتابخانه قیام).

باری، سرزمین ارمنستان به دنبال طوفان تیموری از سازمانهای جدیدی بهره نیافت سرتاسر این سرزمین به تصرف امیر تیمور درآمد. گویی علاقه تیمور در این سرزمین فقط شکستن گردن مردمان زورمند و تاراج شهرها و بر جا نهادن هرج و مرج و ویرانی بود. جانشینان وی نیز ترمیم خرابیهای دور را دشوار دیدند و یا هیچگونه توجهی به متصرفات دور افتاده نداشتند.^(۱)

در آغاز قرن هیجدهم و به دنبال ضعف صفویان، ارمنیان در کشور ایران زیر سلطه افغانها و بیشتر از آن نادر قلیخان (نادرشاه افشار) قرار گرفتند در همین دوران است که ارامنه کاملاً تحت حمایت حکومت ایران بودند.

در آغاز قرن هیجدهم، در طول جنگ دراز مدتی که بین عثمانی و ایران روی داد، ارمنیان قراباغ توانستند طی یک دوره کوتاه هشت ساله (از ۱۷۲۲ تا ۱۷۳۰) استقلال کامل خود را دوباره به دست بیاورند. ارمنیان قراباغ که مورد حمله ترکان قرار گرفته بودند نبردهای سختی به فرماندهی قهرمان ملی خود داوودیگ انجام دادند، اما لیکن سرانجام قراباغ به تصرف ترکان درآمد وقتی نادرشاه قدر را بدست گرفت و ترکان را از مناطقی که اشغال کرده بودند بیرون راند قراباغ دوباره وضع سابق خود را بازیافت. با این وصف جانشینان نادرشاه کوشیدند تا دوباره امتیاز شاهزادگان قراباغ را از ایشان بازپس گیرند.

در پایان قرن هیجدهم قراباغ بر اثر یک رشته مبارزات متوالی بین دو غاصب تورانی و دربار ایران دستخوش ویرانی شد. ارامنه قراباغ از آن پس توجه خود را به سمت قدرت بزرگ شمالی که قدرتش رو به جنوب بسط و توسعه می یافت متمایل شدند که سرانجام این قدرت در آغاز قرن نوزدهم بر قراباغ دست

۱- ابرالقاسم طاهری، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس

(تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۴۹)، ص ۱۴.

یافت. (۱)

□ **منازعات ترکان عثمانی و صفویه برای تسلط بر ارمنستان**

همزمان با قدرت گرفتن صفویان در ایران، ارمنستان در دست ترکمانان بود. با ظهور شاه اسماعیل صفوی و غلبه بر ترکمانان وی موفق شد که ارمنستان را از وجود آنان پاکسازی کند و آنان را در سال ۱۴۷۲ از ارمنستان بیرون راند. با این وصف مقدر بود که سلطه ایرانیان بر ارمنستان کوتاه مدت باشد. چرا که از آغاز قرن شانزدهم سلطان سلیم به ایران حمله ور شد، شاه اسماعیل را شکست داد و در یک جنگ بزرگ (۱۵۱۶-۱۵۱۴) قسمت اعظم ارمنستان را به تصرف در آورد و بعدها در ۱۵۸۵ ترکان عثمانی بر تمامی سرزمین ارمنستان استیلا یافتند.

شاه عباس اول در آغاز قرن هفدهم کوشید تا ارمنستان را بازپس گیرد و جنگ بین دو دولت عثمانی و ایران از ۱۶۰۰ تا ۱۶۲۰ میلادی به طول انجامید. در آغاز امر، ایرانیان توانستند قسمت شرقی ارمنستان را متصرف شوند. اما بزودی ناگزیر شدند در برابر تعرض مجدد ترکان عقب نشینند و سرانجام با پیمان صلحی که در ۱۶۲۰ بین آن دو کشور بسته شد، دولت عثمانی قسمت اعظم ارمنستان را برای خود نگاه داشت و مناطق مهم ایروان، نخجوان، و قراباغ را به دولت ایران واگذار کرد.

بدین ترتیب، ارمنستان در طول مدتی بیش از یک قرن میدان تاخت و تاز و جنگ و ستیز سپاهیان امپراطوری عثمانی و ایران بود و بی اندازه از ویرانگریها، مصادره‌ها، سرقتها و غارتها که پیامد اجتناب‌ناپذیر جنگ است آسیب دید. (۲)

با قدرت گرفتن امپراطوری عثمانی در آسیای صغیر از یک سو و حاکم شدن

۱- پاسدرماجیان: تاریخ ارمنستان، ص ۵-۲۹۴.

۲- همان، ص ۹۰-۲۸۸.

صفویه بر فلات ایران از سوی دیگر ارمنستان به دو بخش تقسیم گردید و این مهم باعث شد که در سال ۱۶۳۹ م فصل جدیدی در تاریخ ارمنه آغاز شود.^(۱)

▣ نزدیکی ارمنه به صفویان

تسلط عثمانیها و وجود دولت «آل عثمان» در غرب ایران باعث شد که یکبار دیگر صمیمیت و محبت فوق‌العاده‌ای که از هزاران سال پیش بینی ایرانیان قدیم و ارمنه وجود داشت و فقط پس از پیدایش مسیحیت به خصومت گرائیده بود خود نمایی کند. دوره نفاق بین ایرانی‌ها و ارمنه تا زمانی که دولت آل عثمان در غرب ایران تشکیل شد وجود داشت، اما چون عثمانی‌ها به ارمنه جور و ظلم می‌کردند، آنها مجدداً به سوی ایران پناه آوردند. یکی از وزرای مختار بلژیک در عثمانی کتابی درباره قتل عام ارمنه توسط عثمانیها نگاشته و از جمله می‌نویسد:

«در پاره‌ای مجالس رسمی دیپلمات کوتاه اندامی با ریش بور و موی خرمائی خیلی مؤدب و کم حرف گاهگاهی در بین نمایندگان خارجی دیده می‌شود. به عنوان جنرال قنصل ایران، چون زبان فرانسه هم درست حرف نمی‌زد کمتر طرف محاوره و معاشرت واقع می‌شود. مثل این بود که ترکی را هم خوب نمی‌دانست. باری در روز قتل عام ارمنه شخص موصوف یک بیرق سه رنگ ایران در بالای کارونسرای بزرگی برافراشت و دو نفر قزلباش با لباس مخصوص در جلو در گماشت و به عنوان اینکه اینجا ملک ایران است و پناهندگان تبعه دولت ایران می‌باشند، جان ده‌هزار تن ارمنی را در آن روز با یک چنین فکر بکر نجات داد، در صورتیکه در تمام سفارت خانه بلژیک یک تن ارمنی آشپز بود و من نتوانستم این مرد را فرار دهم و در نتیجه ترکها او را

۱- جلیل روشندل و رافیک قلی‌پور، ارمنستان (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷)، ص ۱۸.

در مقابل سفارت مانند جوجه و بره که آن مقتول هر روز برای ما ذبح می‌کرد
کشند.»

نمونه‌ای دیگر ذکر می‌کنیم:

در زمان شاه سلطان حسین یکی از ارامنه به نام اسیرائیل اری برای اینکه حقوق و امتیازاتی جهت ارامنه بدست آورد به دربارهای روسیه و اطریش رفت. او در روسیه توانست پطرکیبر را مجبور کند که هیأتی به ایران فرستاده از شاه ایران رعایت حال ارامنه و رفاه و آسایش آنان را بخواهد. پطرکیبر پس از چندی خود اری را مأمور دربار ایران کرد (۱۷۰۷ م) ایرانیان ابتدا از او استقبال نکردند، چه نمایندگان دول اروپایی و میسونرهای پاپ از یک طرف و ایرانیان و نزدیکان شاه از طرف دیگر می‌کوشیدند که شاه او را نپذیرد.

اما با همه وسائلی که برانگیختند اسیرائیل اری به ایران آمد و شاه سلطان حسین از او به گرمی پذیرایی کرد. خود ارامنه نیز به این مسئله معترفند که ارامنه همیشه مورد احترام ایرانیان بوده‌اند.

در زمان شاه طهماسب دومین پادشاه سلسله صفوی نیز میان عثمانی و صفویه درگیریها و جنگهایی رخ داد که در نتیجه آن ارمنستان و شهرهای آن آماج حملات دو طرف قرار گرفت.

پس از فوت شاه اسماعیل و سلطان سلیم، سلطان جدید عثمانی یعنی سلیمان با ارسال نامه‌ای به شاه طهماسب که در آن پس از ذکر فتوحات خود در اروپا، پادشاه ایران را تهدید به لشکرکشی کرد.

در سال ۹۵۵ هجری قمری و به دنبال لشکرکشی سلیمان عثمانی به مناطق ارمنی نشین، شاه طهماسب در تعقیب دشمن تا شهر ارزنجان پیش رفت. در سال ۹۶۱ هجری سلطان عثمانی در جنگ با ایران تا حوالی نخجوان پیش آمد و برخوردهای کوچکی رخ داد. این جنگها و لشکرکشی‌ها در اثنای بیست و یکسال در دوران حکومت و پادشاهی شاه طهماسب به طول انجامید.^(۱)

۱- محمدرضا نصیری، «چند سند تاریخی از دوران زندیه و قاجاریه»، بررسیهای

تاریخی، ش ۶، س ۱۰، بهمن و اسفند ۵۴، ص ۱۷۰-۱۳۳.

□ مهاجرت ارمنه به ایران در زمان شاه عباس

با آغاز سلطنت صفویان و به علت لطف و محبت فوق‌العاده‌ای که شاه اسماعیل صفوی نسبت به ارمنه نشان می‌داد، گروه کثیری از ارمنه نقاط مرزی کشور؛ خود و مناطقی را که دائماً در خطر هجوم و قتل عام عثمانیها بود رها کرده به قسمت دیگر ارمنستان و از آنجا به آذربایجان و مناطق مرکزی ایران آمده و در شهرها و دهات مختلف ساکن شدند.

در سال ۱۵۸۷ میلادی و در دوران سلطنت شاه عباس کبیر جنگ بزرگ ایران و عثمانی آغاز شد و مهاجرت بزرگ ارمنه به داخل خاک ایران صورت گرفت.

و اینک شرح دقیق و مفصل ماجرای مهاجرت:

ولایات ارمنستان و شروان از سال ۱۵۸۷/۶ / ۹۸۶ هـ در زمان پادشاهی سلطان محمد خدا بنده - پدر شاه عباس عرصهٔ تاخت و تاز سپاهیان ترک شد و از سال ۹۹۹ هجری بنا بر پیمانی که میان نمایندگان شاه عباس و سلطان مرادخان سوم - سلطان عثمانی در شهر استانبول به امضا رسید، شهر تبریز با قسمت غربی آذربایجان و ولایات ارمنستان و شکی و شروان و گرجستان و قراباغ و قسمتی از لرستان با قلعهٔ نهاوند از طرف آن پادشاه رسماً به دولت عثمانی تسلیم شد. این ولایات تا سال ۱۶۰۳ م / ۱۰۱۲ هـ همچنان در تصرف ترکان عثمانی بود. در این سال شاه عباس مصمم شد که لشکر به آذربایجان بفرستد و ولایات از دست رفته را باز پس گیرد.

شاه عباس در روز هفتم ربیع‌الثانی همان سال به عنوان اینکه برای سیر و شکار هوس مازندران و گیلان دارد، از اصفهان بیرون آمد و چون به قزوین رسید قصد حقیقی خویش را آشکار کرد و از آنجا شش روزه خود را به تبریز رسانید و با گرفتن آن شهر جنگ‌های خونین ایران و عثمانی را آغاز کرد.

پادشاه صفوی تا زمستان سال ۱۶۰۴ م / ۱۰۱۳ هـ قسمت بزرگی از

آذربایجان و قراباغ و ارمنستان را با قلعه‌های بزرگ ایروان و نخجوان از ترکان باز گرفت و چون در این تاریخ خبر یافت که سلطان عثمانی **سنان پاشا** یکی از سرداران بزرگ خویش را - که به **چغفال اوغلی** معروف بود با سپاه بسیار روانه ایران کرده و آن سردار از شهر وان به سوی شهر قارص و آذربایجان پیش می‌آید، به تقلید از جدش **شاه طهماسب اول** فرمان داد که شهرهای آباد ارمنستان را ویران کنند و از غلات و آذوقه چیزی بر جای نگذارند و تمام مردم آن نواحی را نیز به خاک ایران کوچ دهند، تا کمپابی آب و آذوقه مانع پیشرفت سردار ترک و سپاهیان دشمن گردد. متأسفانه این فرمان **شاه عباس** با توجه به تعصب شدید مذهبی سربازان قزلباش و دشواری امر کنترل آنان باعث بروز حوادثی شد که در تاریخ چندهزار ساله دولتی ایرانیان و ارامنه سابقه نداشت و جمعی از مورخان مسیحی نیز فرصتی یافتند تا با تکیه به این حوادث و افزودن شاخ و برگ به آن، نسبت به ایران کینه‌توزی کنند. از جمله یکی از معاصران اروپائی **شاه عباس** در این باره می‌نویسد:

«**شاه عباس** چون آگاه شد که **چغفال اوغلی** از «وان» به جانب «قارص» پیش می‌آید، از نزدیکی این شهر عقب نشست و از رود ارس - که ارمنستان کبیر را در نزدیکی شهر نخجوان به دو قسمت می‌سازد - گذشت و در این سوی رودخانه به انتظار تصمیم **چغفال اوغلی** اردو زد، زیرا اگر سردار ترک از رودخانه می‌گذشت شاه با او می‌جنگید و بی‌گفتگو شکستش می‌داد. چنانکه یک ترک هم زنده نمی‌ماند، و اگر از رود ارس نمی‌گذشت گرفتار سرمای سخت زمستان، که تازه آغاز شده بود می‌شد و بر سپاهش آسیب فراوان می‌رسید. ولی شاه برای آنکه شهرهای آباد ارمنستان را که غالباً خود تسلیم وی شده بودند در اختیار ترکان نگذارد، تصمیم سخت و حشیانه‌ای گرفت و اخطار کرد که همه اهالی ارمنستان که در آن سوی ارس هستند، باید شهرها و خانه‌ها و دهکده‌های خود را دو روز پس از فرمان شاه ترک کنند و بدین سوی رودخانه منتقل گردند و گرنه کشته خواهند شد. پس از آن مأمورانی فرستاد تا سراسر ارمنستان را ویران کنند و آنچه آذوقه در آنجا هست بسوزانند و مزارع

را آتش زنند و چاههای آب و چشمه‌ها را پرکنند و آب انبارها را ویران سازند، تا چغفال اوغلی و سپاهیان وی گرفتار قحط و غلا شوند... مأموران او آرامنه را به ضرب چوب از شهرها و دهکده‌ها و خانه‌هایشان بیرون کردند و در این نقل و انتقال بر آن بیچارگان صدمات بسیار رسید...»^(۱).

نویسنده درباره حمله شاه عباس در سالهای ۱۰۱۲ و ۱۰۱۳ هـ (۱۶۱۳-۱۶۰۴م) در همین زمینه می‌نویسد: «... بیش از بیست شهر زیبا و پرجمعیت از کوچک و بزرگ به باد یغما رفت... تنها در ولایت ایروان بیش از هزار و پانصد قریه آباد بود که هر یک از چهارصد تا پانصد نفر جمعیت داشت. شهرهای بزرگی که ویران شد: ایروان، نخجوان، شروان و قارص بود این شهرها را خراب و غارت کردند. کلیساها را به اصطبل مبدل ساختند. صور مقدس را شکستند و در آتش افکندند و به مقدسات کلیسا توهین بسیار روا داشتند پس از آن زنان و مردان و کودکان را به بردگی بردند.^(۲) دیده شد که چهار سرباز به خانه‌ای داخل می‌شدند و پس از غارت هر چیز کودکان دختران و زنان را میان خود قسمت می‌کردند. پس از آن بیچارگان را که بیشتر برهنه و ناتوان بودند برای ساختن دیوار و سنگر و کارهایی از اینگونه به بیگاری می‌گماشتند. چنانکه در محاصره قلعه ایروان دوازده هزار تن را به بیگاری مجبور کردند و از این عده بسیاری از سرما و باران گلوله دشمن مردند...».

طبیعی است که همه این وقایع و اقدامات ستمگرانه با نظر و نیت حقیقی شاه عباس که هدف اصلیش گذشته از پیروزی بر دشمنان - نجات آرامنه از قتل عام مداوم و ظلم و جور عثمانیها بود، مغایرت کامل داشت و حتی بسیاری از مورخان مسیحی نیز اقدام شاه عباس را مورد تأیید و تحسین قرار داده‌اند چنانکه «ژان بابتیست تاورینه» در سفرنامه خود خطاب به آرامنه می‌گوید: «با توجه به زندگی نکبت‌باری که زیر سلطه شوم عثمانیها داشتید حق ندارید از ترک گفتن اوطان خود متأثر باشید».

۲- همان، ص ۲۱-۱۹.

۱- رابین: ایرانیان ارمنی، ص ۹-۱۸.

همچنین گروهی دیگر از مورخان غربی متن فرمان شاه عباس را مبنی بر اینکه «هیچ مسلمانی حق ندارد آرامنه را آزار دهد و هرگز نسبت به افراد ارمنی بدرفتاری کند به سختی کیفر خواهد دید منعکس کرده و از کسانی اسم برده‌اند که به علت بدرفتاری نسبت به آرامنه به دستور شاه عباس شدیداً مجازات شده‌اند. در کتابهای مورخان و وقایع نگاران ایرانی ماجرای مهاجرت آرامنه از ارمنستان به داخل ایران، چنین آمده است:

«... مقرر شد چند روزه راه که عبور لشکر روم از آنجا خواهد بود، خراب و ویران ساخته در صحراها از غله و علف و آبادانی آثار نگذارند و رعایای آن حوالی را که غیر ملتند، به این طرف کوچانند و مردم هر محل که شعاع دولتخواهی رومیان ظاهر ساخته، در کوچ کردن به این طرف کاهل باشند، تاخت و غارت کرده، دقیقه‌ای فرو نگذارند و عساکر نصرت نشان پذیرای فرمان گشته تا حسن قلعه‌سی که ما بین قارص و ارزنة الروم است تاخت و غارت کرده در لوازم خرابی و سوزانیدن علفزارها و غلات تقصیر نکردند، و تا دو سه هزار خانوار از آرامنه و الوس و احشام، که در آن ولایت ییلاق و قشلاق داشته‌اند، کوچانیده به این طرف آورده، به طرق فرستادند و مواشی و اغنام بسیار به دست عساکر ظفر شعار افتاد و تا قریب بیست هزار غیر ملت آوردند که در میان قزلباش شرف اسلام دریافتند...»^(۱)

جلال‌الدین محمد یزدی منجم‌باشی شاه عباس درباره تاریخ این فرمان شاه عباس نوشته است:

«در غره رجب ۱۶۰۱۴ / ۱۰۱۳ هـ نزول نواب کلب آستان علی به نخجوان واقع شد، و امر به سوختن شهر و دهات و صحرا کردند و در سوم رجب حکم شد به کوچاندن آرامنه جلفا، با زن و اسباب و عبث آن جمع از آب ارس بامداد قزلباش واقع شد.»

□ شاه عباس کبیر؛ یار و مدافع ارمنه

بدین ترتیب، مهاجرت ارمنه از ناحیه ارمنستان به داخل ایران انجام شد و دهها هزار زن و مرد و کودک ارمنی در آذربایجان، اصفهان، گیلان و مازندران مستقر شدند. چنانکه اشاره شد و از مجموع نوشته‌های مورخان ایرانی و اروپائی بر می‌آید، رفتار سپاهیان قزلباش هنگام حمله شاه عباس به ارمنستان و شروان - بر خلاف نظر شخص شاه - در اغلب موارد با مردم آن سامان به علت تعصبات مذهبی و نقائص اخلاقی بسیار ناپسند و حتی ستمگرانه بوده است. پس از آن که شهرهای ارمنستان به تصرف قوای ایران درآمد و کار قتل و غارت به پایان رسید، مأموران شاه هنگام کوچ دادن ارمنه به ایران نیز نسبت بدیشان بدرفتاری بسیار کردند، بطوری که شاه عباس نیز از رفتار ناپسندیده آنان متأثر شد و برای تأمین آسایش ارمنه در ایران فرمانهای زیادی^(۱) صادر کرد.

شاه عباس عده‌ای از مهاجران ارمنی و اهالی جلفای ارس و ایروان را به اصفهان فرستاد و در کنار زاینده رود و ولایات مرکزی و جنوبی ایران جای داد و دیگران را که در حدود بیست و چهار یا بیست و هفت هزار خانوار بودند به گیلان و مازندران روانه کرد، تا در آنجا به کار زراعت و تربیت کرم ابریشم (که در این کار تخصص داشتند) مشغول شوند، اما بیشتر این مردم به علت ناسازگار بودن آب و هوا شاید از بیماری مالاریا که ظاهراً در گیلان و مازندران موجب مرگ بسیاری از اهالی بود تلف شدند و از ایشان بیش از پنج یا شش هزار خانوار باقی نماند.

شاه عباس با ارمنه جلفای ارس - خواه به سبب آنکه زودتر از دیگران اطاعت کرده بودند، یا به سبب ثروتمند بودن آنان - مهربانتر بود به همین جهت مخصوصاً ایشان را به اصفهان فرستاد و برای این که اثاثیه و دارایی خود را از آذربایجان آسانتر به پایتخت ببرند، پنجهزار تومان از خزانه سلطنتی به آنها اعطاء کرد و از اردوی شاهی اسب و استر و چهارپایان دیگر در اختیارشان نهاد.

ارامنه جلقا در مدت چند ماه به اصفهان منتقل شدند و در کنار زاینده رود به نام شهر قدیم خود، شهری ساخته که جمعیت آن به پنجهزار تن می‌رسید. ارامنه ایروان را نیز در محلی نزدیک اصفهان که زمینهای زراعتی خوب داشت، مسکن دادند و آن محل را نیز ایروان نامیدند. بقیه ارامنه را هم که از نواحی مختلف گرد آمده بودند در دهکده‌های بزرگ دیگری خارج از قلعه اصفهان بنام «شیخ بنا» جای دادند. دسته‌های دیگری بنام تبریزیان و نخجوانیان نیز در محلاتی که بنام ایشان موسوم شد یا در شمس‌آباد ساکن شدند و بدین ترتیب زندگی ارامنه در سرزمین جدیدشان آغاز شد.

آنان به تدریج از ثروت، رفاه و آسایش کامل برخوردار شدند. چنانکه ژان باتیست تاورنیه تاجر و جهانگرد فرانسوی که در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم و شاه سلیمان در ایران بوده است، در سفرنامه خود می‌نویسد:

«... نباید تصور کرد که شاه عباس در کوچانیدن ارامنه از وطن ایشان نسبت به آنان ظلمی کرده باشد، زیرا وقتی که در ولایات سرحدی مسکن داشتند غالباً طرف تاخت و تاز و اجحاف و تعدی ترکان و ایرانیان واقع می‌شوند و در جنگ‌های متوالی این دو دولت به ایشان صدمات بسیار می‌رسید ایشان از مختصر زراعت می‌گذشتند، و در کمال فقر و بدبختی به سر می‌بردند... ارامنه جلقا حق ندارند هرگز از وطن اصلی خود یاد کنند و از ترک گفتن آنها متأثر باشند...».

جمعیت جلقای اصفهان روز به روز زیادتر می‌شد، زیرا گروهی از عیسویان دیگر ایران هم از فرق مختلف - به حکم اشتراک مذهب در آن شهر کوچک منزل گزیدند. شاه عباس نیز برای ارامنه جلقا حقوق و امتیازات خاصی قائل شده بود چنانکه می‌توانستند بر خلاف سایر عیسویان به آزادی، خانه و ملک و هر چه بخواهند بخرند و برای خود حاکم و قاضی و کلانتر ارمنی انتخاب نمایند. شاه عباس برای اینکه ارامنه در شهر خود آزاد و آسوده باشند، فرمان داده بود که هیچ مسلمانی در آنجا منزل نگیرد و هرگاه یکی از مسلمانان با افراد ارمنی بدرفتاری کند، او را به سختی کیفر دهند. او همچنین اجازه داده بود که ارمنیان جلقا اعم از

زن یا مرد مثل سایر ایرانیان لباس بپوشند و سران ارامنه مانند بزرگان و اعیان ایرانی در اسب سواری خود زین و لگام زرین و سیمین به کار برند.^(۱) کلانتر یا حکمران جلفا را نیز ارامنه خود انتخاب می‌کردند که با موافقت شاه به کار حکومت مشغول می‌شد که تعیین کدخدایان محلات و ریش سفیدان اصناف و رسیدگی به اختلافات کسبه و اصناف و شکایت رعایا و برزگران در مسائل حقوقی و جزائی و نیز جمع‌آوری مالیات‌ها و عوارض دیوانی از جمله وظایف وی بود.

گذشته از جلفا، در شهرهای مازندران نیز تدریجاً بر جمعیت ارامنه‌ای که از ارمنستان بدانجا کوچ داده شده بودند افزوده شد و به چندین هزار خانوار رسید. ولی پیترو دل‌واله جهانگرد ایتالیائی که پانزده سال پس از کوچ دادن ارامنه به سواحل دریای خزر، در اصفهان می‌زیسته است در سفرنامه خود می‌گوید:

«... از دیگران شنیده بودم و مردی ارمنی هم که در روز ۱۳ ماه فوریه سال ۱۶۱۹ م (ربیع‌الاول ۱۰۲۸ م) از فرح‌آباد مازنداران آمده بود، بمن گفت که در آن شهر چهل هزار ارمنی زندگی می‌کنند... علاوه بر این عده زیادی از ارامنه گرجیان نیز در گیلان و نواحی دیگر به سر می‌برند...».

بدین ترتیب ارامنه پس از سالها که در بیم و اضطراب جنگ‌های مداوم ایران و روم و هجوم‌های پیاپی اقوام متجاوز و یا در زیر سلطه هولناک اشغالگران عثمانی به سر می‌بردند، با تدبیر و کیاست شاه عباس کبیر زندگی نوینی را در سرزمین نو آغاز کردند. نکته شگفت‌انگیزی که از نبوغ شهریار صفوی حکایت می‌کند، این است که شاه عباس مخصوصاً دستور داده بود که هر یک از اقوام ارمنی، گرجی و شروانی را در ولایاتی از ایران که از نظر آب و هوا و مقتضیات زندگانی به اوطان اصلی ایشان شبیه و نزدیک باشد سکنی دهند. مثلاً ارامنه جلفا در کرانه ارس را به اصفهان در ساحل زاینده رود، ارامنه ایروان و نخجوان و مردم گرجستان و شروان را به ولایت گیلان و مازندران که نزدیک دریا و در آب و

هوا مانند زادگاه ایشان بود روانه کردند. پس از آن هم در سال ۱۰۲۰ هـ (۱۶۱۲ م) شهر فرح‌آباد را در محل قدیم «طاهان» مازندران در ساحل دریای خزر بنیان نهاد و مخصوصاً گروهی از ارامنه و گرجیان را بدانجا منتقل ساخت. **شهریار صفوی** مخصوصاً به ارامنه جلفا بیش از پیش محبت می‌کرد و خود را پدر ارامنه ایران می‌شمرد.

رفاه کامل و عزت و امنیت ارامنه تا پایان دوران سلطنت شاه عباس ادامه داشت. ولی پس از مرگ شاه عباس به تدریج این آزادی و قرب و منزلت را ارامنه از دست دادند، تا اینکه در سال ۱۷۲۲ فتنه افغان پدیدار شد و شهر اصفهان به تصرف افغانه در آمد. در این هنگام افغانها سخت به آزار و اذیت ارامنه پرداختند.

قبل از اینکه افغانه وارد اصفهان شوند ارامنه که زندگی و امنیت خود را در خطر می‌دیدند و از طرفی با عطوفتی که از شاه عباس دیده بودند، پادشاهان صفوی را پشت و پناه خود می‌دانستند. بدین خاطر، چندین بار از سلطان حسین صفوی تقاضا کردند که لاقلاً به آنها اجازه داده شود که از اصفهان دفاع نمایند ولی شاه ضعیف‌النفس به تقاضای ارامنه توجهی ننمود.

در دوران شاه عباس دوم، توسعه جلفا ایجاد ناحیه «مهاجر نشین» جدیدی را ایجاد نمود. در کنار ارمنیان «گبرها» و «فرنگی»‌هایی که در کارگاههای سلطنتی اشتغال به کار داشتند استقرار یافتند. در مانگه «ژوزوئیت» هم در همان شهرک دائر شده بود و آن زمان برای آنکه یک نفر مسیحی بتواند در اصفهان ساکن گردد، اجازه شخص شاه لازم بود.^(۱)

دوره انحطاط و زوال جلفا از دوران سلطنت شاه عباس دوم آغاز گردید. این شهرک با سه هزار و پانصد خانه، دارای ساکنان بسیار متمول و غنی شده بود. به این علت بر میزان مالیاتها افزوده شد و عایدات حاصل از این برای هزینه‌های کفش و جوراب مادر شاه اختصاص یافت.

شاه سلیمان برای کلیساهای گریگوری مالیات سالیانه‌ای بست. تعصب مذهبی شدید شاه سلطان حسین، امتیازاتی را که از سوی شاه عباس اختصاصاً به ارمنیان داده شده بود، به کلی ملغی ساخت. هجوم افغانها به ویرانی کامل جلفا انجامید و ارمنیان به اجبار در جاهای مختلفی متفرق شدند. عده‌ای از آنان به روسیه، لهستان و ترانسیلوانی مهاجرت نمودند. عده زیادی نیز راهی ایتالیا شدند. بعضی‌ها هم به گجرات یا بغداد و بصره کوچ کردند. در زمان سلطنت نادر، عده‌ای از آنان باز هم به تحلیل رفت. با روی کار آمدن قاجاریان، حومه مسیحی نشین اصفهان از نو کم رنگ و حیات تازه‌ای پیدا نمود. کلیسای گریگوری جلفا، اسقف‌نشین مسیحیان هندی و ایرانی، بر امور مذهبی کلیه مسیحیانی که از مهاجرت بزرگ ارمنیان در قرن هفدهم بر جای مانده بود و مجموعاً شامل سی هزار مسیحی معتقد که در شهرهای عمده ایران از جمله مازندران و در روستاهای عراق عجم متفرق بودند، نظارت داشت. عده زیادی از آنان طبعاً در همین شهرک تاریخی زندگی می‌کردند. در اوائل قرن بیستم بالغ بر سه هزار و دویست نفر ساکن جلفا بودند. اما در این میان این شهرک فقط متعلق به مسیحیان نبود بلکه مسلمانان نیز در این شهرک اسکان یافتند و تمامی مغازه‌های زیر طاقهای میدان را به تصرف خود در آوردند. در این زمان روزنامه‌ای به زبان ارمنی با عنوان *لر ابر خبرنگار* چاپ می‌شد.^(۱)

یکی از ارامنه مهاجر به شیراز که منشأ خدمات فراوانی در باب زبان و ادبیات فارسی شد *تاغیادیان* بود.

تاغیادیان یکی از بزرگترین نویسندگان تاریخ ادبیات ارامنه در قرن نوزدهم است. وی در سال ۱۸۰۳ میلادی/۱۲۱۷ هجری در شهر ایروان در ارمنستان متولد شد، دوران کودکی خود را در باغها و در کنار رودخانه زندگی که به زبان ارمنی هرازدان خوانده می‌شود گذراند. او کودکی بود بسیار با استعداد و جسور بود و در سن دوازده سالگی به اوچ کلیسا یا اجمیادزین برای تعلیم نزد فردی به

نام آرانس آسکاریان مراجعه کرد و پس از مدتی به همین منظور مجدداً نزد شخص دیگری به نام کردآوانس ورتابت رفت. این مرد که بسیار جسور و روشن ضمیر بود و از علم و دانش بهره فراوان داشت با موسیقی کلیسایی بسیار آشنا بود، اما مردی بود بی‌رحم و خشن... تاغیادیان در مدت یک سالی که با او بود خواندن و نوشتن را به خوبی آموخت و در سال ۱۸۱۶/ ۱۲۳۱ هـ برای بار سوم به شخص دیگری بنام یوغوس ورتابت قراداقی مراجعه کرد و نزد او دستور زبان ارمنی را به خوبی یاد گرفت. در سال ۱۸۱۷/ ۱۲۳۲ هـ به عنوان منشی در کلیسای وانک اچمیادزین مشغول کار شد و در سال ۱۸۲۱/ م/ ۱۲۳۶ خلیفه اعظم ارامنه به نام (پیرم) موقعی که می‌خواست به قراباغ برود، تاغیادیان را نیز همراه خود برد و در آنوقت سفیر کبیر ایران در پاریس شخصی به نام دکتر داویدخان مگرتیجیان بود. داویدخان از زیبایی‌های پاریس و علم و دانش آن برای تاغیادین حکایت‌های فراوان کرد و در نتیجه وی مایل شد که پاریس را ببیند و از سفیر خواهش کرد او را برای ادامه تحصیل به دانشگاه پاریس بفرستند. تاغیادیان موقعی که به ارمنستان رسید به مناسبت پیش آمدن جنگ و خطرناک بودن جاده‌ها از سفر منصرف شد و به ایران بازگشت. در خرداد ماه سال ۱۲۳۸/۱۸۲۳ بعد از گذشتن از رود ارس به تبریز رسید. بعد از این تاریخ او را در هندوستان می‌بینند و در کلکته با شخصی به نام هیبرپروفوسور به تعلیم پرداخت و بعد از آن مدرسه‌ای به نام سورپ ساندوخت تأسیس کرد و سپس مدتی چاپخانه خود را به چحیرا برد و مدرسه‌ای نیز در آنجا افتتاح کرد. او همچنین مجله ده روزه‌ای به نام آزگا سرآراتیان در کلکته منتشر ساخت و در فاصله سالهای ۱۸۴۵ تا سال ۱۸۵۳/ ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۹ به این فکر افتاد که مجله‌اش را مرتباً ماهی سه بار منتشر سازد. ولی او موفق به این کار نشد. تاغیادیان در کلکته ۱۸ جلد کتاب نوشت و ترجمه کرد. او شاعر، نویسنده، مورخ و مترجم زبردستی بوده و به زبانهای ارمنی، فارسی، یونانی، انگلیسی، لاتین و هندی تسلط کامل داشت. وی توانست با کمک مردم خیرخواه کتابهای خود را به چاپ برساند. که به ترتیب عبارتند از:

- ۱ - حقیقت در مذهب مسیح ترجمه از لاتین
- ۲ - تاریخ و جغرافیای فلسطین ترجمه از زبان انگلیسی
- ۳ - الفبای مسروبیان که برای مدرسه مسروبیان تهیه شده است
- ۴ - خودآموز مسروبیان به زبانهای ارمنی و انگلیسی
- ۵ - تاریخ قدیم هندوستان (این کتاب با خرج هارطون آبکاریان^(۱) به چاپ رسیده است)
- ۶ - روزنامه آزگا سراراتیان که شعارش این جمله بود: علم و دانش خوشبختی و سعادت می آورد.
- ۷ - تاریخ ایران: این کتابی است با ارزش که جلد اول آن به قطع متوسط در ۲۸۱ صفحه به خرج شخصی از اهل سلماس بنام آوانس سرکیسیان^(۲) به چاپ رسیده است. ولی متأسفانه جلد دوم این کتاب که درباره وضع جغرافیائی زبان و مذهب مخصوصاً مذهب زرتشت و اسلام و شهرهای همدان و شیراز و خلیج فارس و مسائل اقتصادی و نظامی به چاپ نرسیده است.
- ۸ - امثله ایران، ترجمه شده از زبانهای مختلف، در هشتاد و چهار صفحه کوچک که از لحاظ تربیت بسیار مفید است
- ۹ - رمان وار تکس - به زبان ارمنی
- ۱۰ - رمان وارسنیک به زبان ارمنی
- ۱۱ - خودآموز مسروبیان برای کودکان دبستانی. این کتاب توسط شوشان زن دوم تاغیادیان به چاپ رسیده و جالب اینجاست که اسامی به کار برده در این کتاب برای درختها و سبزیجات و صنعتگران در فرهنگ وجود ندارد و خود وی آنها را اختراع کرده است.
- ۱۲ - سوس و سوندیبی^(۳) که رمانی است ملی و مربوط به تاریخ ارمنه.

1-Haroutioun Abcarian

2-Hovhannes - Sarkissian

3-Sos Ev Sondibi

- ۱۳ - سخنرانی‌هایی راجع به آموزش و پرورش دختران که هوسپ آقابگیان آنرا به چاپ رسانده است.
- ۱۴ - شهادت دختر ساندوخت
- ۱۵ - نظامنامه و برنامه دبستان ساندوخت
- ۱۶ - سفرنامه ارمنستان. متأسفانه از این کتاب نفیس فقط جلد اولش به چاپ رسیده است آن هم به خرج ارامنه هندوستان.^(۱)

□ عکس‌العمل ارامنه مهاجر در مقابل گرایش به اسلام

در آغاز که ارامنه به ایران مهاجرت کرده بودند، چون از تظاهر و ریا به مذهب و معتقدات خویش خودداری می‌کردند چنین پنداشته می‌شد که به اسلام گرویده‌اند ولی آنان به معتقدات مذهبی خود بسیار پای‌بند بودند و در این مورد تعصب کامل داشتند و همین تعصب‌گاه موجب بروز حوادث ناگواری برای آنان می‌شد.

چنانچه در زمان شاه عباس کبیر مقرر شده بود هر کدام از ارامنه که نتواند دیون خود را به دولت بپردازند باید مذهب خود را ترک گفته و به دین حنیف اسلام درآیند. اما در مهلت مقرر ارامنه با جمع‌آوری مقادیر معتناهی پول از میان ثروتمندان ارمنی، همه دیون خود را می‌پرداختند تا هیچکدام مذهب خود را تغییر ندهند.

چند بار نیز که بر اثر سوء تفاهماتی شاه عباس دستور داد گروهی از ارامنه مسلمان شوند این افراد به آسودگی مرگ را استقبال کرده و حاضر به تغییر مذهب خود نشدند.^(۲)

نظیر این ماجرا چندین بار در تاریخ ارامنه تکرار شده است. چنانکه در زمان آغامحمدخان قاجار، هنگامیکه در سال ۱۷۹۵ میلادی سپاهیان این پادشاه سایات نووا بزرگترین شاعر ارمنی را وادار کردند که از مذهب خود برگردد او نه

۱- رایین: ایرانیان ارمنی، ص ۸۸-۹۰. ۲- همان، ص ۲-۹۱.

تنها از مسیحیت روی برتافت، بلکه در آستانه کلیسای تفلیس به آغوش مرگ رفت و بدینگونه آرامه یکی از درخشانترین چهره‌های ادبی خود را از دست دادند.

فصل سوم

□ رولبط ایران و ارمنستان از عصر نادرشاه تا دوران معاصر

پس از شکست صفویه از افغانها، شاه طهماسب که پس از شکست اشرف افغان به پادشاهی رسیده بود از غیبت سرکرده و فرمانده قوای خود نادر استفاده کرده، به سوی ایروان و نخجوان براه افتاد. در این زمان، ارمنستان و مرکز آن ایروان در دست ترکان عثمانی بود. عثمانی‌ها نخجوان را رها کرده و به ایروان عقب‌نشینی کردند. شاه طهماسب به سوی اچمیادزین حرکت کرد و نیروهای ترک را در آنجا شکست داد، ولی در ایروان با مقاومت عثمانی‌ها مواجه شد. او پس از چند روز محاصره ایروان به تبریز عقب نشست. متعاقب آن علی‌پاشا که فرمانده ترک‌ها در ایروان بود به تبریز لشکر کشید و شاه طهماسب از تبریز گریخت. پس از آن به موجب پیمان صلحی که بین طهماسب و ترک‌ها به امضاء رسید، ایروان به عثمانیان واگذار شد. هم‌زمان با آن پیمانی با روسیه بسته شد که بخشی از آن مربوط به ناحیه ارمنی‌نشین آن روز بود. این مناطق که شمال رود کور و ارس واقع بود به این شرط به روسها واگذار شد که تا زمانی که ارمنستان تحت تسلط ترکان عثمانی است این مناطق نیز تحت اختیار روسها باشد.^(۱)

۱- سیروس ابراهیم‌زاده، «پیوندهای تاریخی میان ایران و ارمنستان»، ره‌آورد، ش ۳۳،

ارامنه در پایان دوران صفویه و همچنین در زمان افغانها دوران بسیار سختی را گذراندند. ولی در دوران نادرشاه افشار اندکی وضع تغییر کرد و آرامنه بتدریج اهمیت سابق خود را باز یافتند و شاه افشار علاقه مخصوصی نسبت به آنها نشان داد. نادر یک بار دیگر تجارت آرامنه را مانند گذشته آزاد کرد و آنان را از پرداخت حقوق گمرکی مانند دوران شاه عباس معاف کرد. وی با ارمنیان بسیار مدارا می‌کرد و آنها را در انجام مراسم دینی آزاد می‌گذاشت.

یکی از اقدامات نادرشاه کوچ دادن گروهی از آرامنه به خراسان، به منظور رونق و توسعه تجارت در این منطقه بود که ارمنی‌ها به آن رضایت نمی‌دادند، ولی نادرشاه آنان را وادار به مهاجرت ساخت.

هنگام تاجگذاری نادر که در دشت مغان انجام گرفت، او ابراهام جاثلیق خلیفه بزرگ آرامنه را که ساکن ارمنستان بود به دشت مغان دعوت کرد. خلیفه بزرگ به سال ۱۷۳۵ / ۱۱۴۸ هجری از ارمنستان به طرف دشت مغان حرکت کرد و ده شتر، ده اسب و ده قاطر را به عنوان هدیه در موقع تاجگذاری تقدیم شاه نمود.^(۱)

در سال ۱۷۴۲/۱۱۵۵ هجری نادرشاه افشار کشته شد و سلطنت به کریم‌خان زند وکیل‌الرعایا رسید. کریم‌خان نیز مانند دو پادشاه صفوی و افشار نسبت به آرامنه مهر می‌ورزید و آنان را گرامی می‌داشت و تسهیلات زیادی در کارهایشان فراهم می‌ساخت.^(۲)

ولایت ایروان تا اوایل قاجاریه، نام چخور سعد داشت.

پس از قتل نادرشاه حکومت ولایت چخور سعد به حسینعلی خان قاجار ایروانی یا قجر افشار رسید که از بزرگان طوایف قاجار ایروان بود. وی تا سالهای آخر سلطنت کریم‌خان بر حکومت باقی بود. پس از وی، میرزا محمدخان قاجار ایروانی که نسبش با حسینعلی خان روشن نیست، به حکومت ایروان رسید. وی تا سالهای جنگ اول ایران و روسیه حاکم ایروان بود. پس از پیروزی

۱ - رایین: ایرانیان ارمنی، ص ۸-۳۶. ۲ - همان، ص ۳۸.

دولت روسیه، ولایت ایروان در اختیار دولت روسیه قرار گرفت و با انعقاد قرارداد ترکمنچای برای همیشه از ایران جدا شد.^(۱)

□ حسینعلی خان قاجار لیرولنی

آنگونه که از شواهد موجود برمی آید حسینعلی خان تا پیش از امارت ایروان، یکی از بزرگان آن سرزمین بود. وی پس از حکومت نادری همچون دیگر بزرگان نواحی پیرامونی ایران به تأسیس حکومتی مستقل پرداخت. در سال ۱۱۶۲ قمری هراکلیوس پادشاه گرجستان که در صدد براندازی امراء محلی شروان و آذربایجان بود، با توطئه، بسیاری از امراء آن سامان و از جمله حاکم ایروان حسینعلی خان را به دام افکند. امراء دستگیر شده تنها با مساعی حاجی چلبی حاکم شکی و آقارضی بیگ آل سرکار حاکم شماخی از قید اسارت رهایی یافتند و هر یک به محل حکومت خود بازگشتند. به نظر می رسد که حسینعلی خان در سالهای اقتدار آزاد خان افغان و فتحعلی خان افشار ارومی از محبت آنان برخوردار بود. هنگامی که کریم خان زند برای مبارزه با آزادخان و فتحعلی خان به آذربایجان تاخت، حاکم ایروان به خواست کریم خان به قوای زندیه ملحق شد و در تصرف شهر ارومیه و براندازی حکومت افشار شرکت جست. کریم خان پس از تأمین اطاعت امراء آذربایجان با شورش زکی خان زند مواجه شد. بنابراین، با تمام قوا به سوی عراق عجم تاخت. وی در این سفر جنگی، بسیاری از امراء محلی آذربایجان و شروان و یابستگان نزدیک آنان را به همراه خود آورد. طبق نوشته تاریخ گیتی گشا، برادرزادگان حسینعلی خان از جمله همراهان اجباری سفر جنگی کریم خان زند بودند. مدرس رضوی در تعلیقات خود بر مجمل التواریخ گلستانه، حسینعلی خان را از جمله همراهان

۱- علی پورصفر، حکومت‌های محلی قفقاز در عصر قاجار (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ

اجباری کریم خان زند نوشته است. پس از مرگ کریم خان زند و اعاده وضعیت ملوک الطوائفی، هراکلیوس پادشاه گرجستان به متصرفات حسینعلی خان حمله آورد و از حسینعلی خان خواست که به اطاعت او در آید. حسینعلی خان ناچار دست به دامن نجفقلی خان دنبلی بیگلربیگی تبریز شد. قوای مشترک ایروان و تبریز به مقابل هراکلیوس شتافت و هراکلیوس که از مقابله با آنان عاجز بود، ناچار به گرجستان بازگشت.

□ محمدخان قاجار لیروانی

حاکم ایروان پس از حسینعلی خان به نوشته اعتمادالسلطنه، پسر حسینقلی خان بود. مؤلف تاریخ افشار ضمن وقایع سال ۱۲۰۱ قمری از وی به عنوان متحد صدیق محمدقلی خان بیگلربیگی ارومیه یاد کرده است. در این سال، محمدقلی خان که خودداری حسینقلی خان دنبلی حاکم خوی از پرداخت مالیات وی را خشمگین ساخته بود، امرآذربایجان و از جمله محمدخان قاجار لیروانی را فراخواند و به خوی و سلماس حمله برد. در سالهای ۱۲۰۷-۱۲۰۶ قمری، آغامحمدخان قاجار به آذربایجان لشکر کشید و از امرای محلی آذربایجان خواست که به اطاعت او درآیند. وی نیز همانند بسیاری از امرآذربایجان و شروان بنا بر مصالح روز به حلقه یاران آغامحمدخان پیوسته بود و هرگاه که فرصتی می یافت به جستجوی حامیان دیگر شتافته و از آنان مدد می جست. وی در سالهای ۱۲۰۹ و ۱۲۱۱ قمری به دولت عثمانی روی آورد و ضمن نامه هایی که برای سلطان سلیم سوم خلیفه عثمانی و یوسف پاشا والی ارزروم ارسال داشت، لشکرکشی دوباره آغامحمدخان را گزارش داده و خواست که از حکومت او به مثابه دست نشانده و عامل خلافت عثمانی حمایت به عمل آید. آغامحمدخان که ظاهراً از گرایش محمدخان به دولت عثمانی بی خبر بود، در سال ۱۲۱۱ قمری، وی را دوباره مورد التفات قرار داده و حکومت او را همچنان ابقا کرد. حکومت ایروان در اوایل سلطنت فتحعلی شاه همچنان در دست میرزا محمدخان قاجار بود. وی که از پیشرفتهای سریع ارتش

روسیه نیرویی یافته بود درصدد برآمد که بااستفاده از حمایت ارتش روسیه، بند اطاعت دولت ایران را از گردن خود بردارد. پس به مذاکره پنهانی با سیسیانف پرداخت و جمعی از سربازان روسی را به ایروان دعوت کرد. وی هم چنین به توصیه سیسیانف جمع کثیری از چادرنشینان ولایت ایروان را که احتمالاً دوستدار دولت ایران و یکی از منابع تأمین پول و سرباز دولت ایران بشمار می آمدند به نواحی اطراف فرستاد. در جنگهایی که پس از این صورت گرفت، ارتش ایران به پیروزیهایی دست یافت و نظامیان روسی ناچار از کنار ایروان عقب نشستند. محمدخان که از پیروزیهای ارتش ایران هراسان شده بود، از کرده خود پشیمان شد و با توسل به میرزا شفیع صدراعظم از پادشاه ایران تقاضای بخشش کرد و همراه با آن، پسرش حسنعلی خان را با هدایای فراوان به حضور شاه و نایب السلطنه گسیل داشت. شاه نیز به شفاعت میرزا شفیع صدراعظم، خواسته او را پذیرفت و حکومتش را ابقا کرد. در سال ۱۲۱۹ قمری محمدخان قاجار ایروانی بار دیگر به دولت روسیه متمایل شد و در پنهان از سیسیانف تقاضای حمایت کرد. عباس میرزا که از قبل نسبت به وفاداری او تردید داشت پس از مشاهده بعضی اعمال ناخوشایند از او، مهدیقلی خان دولو قاجار، سردار جنگی معروف خود را به ایروان گسیل داشت تا مانع از تحقق نیت محمدخان گردد. مهدیقلی خان پس از وصول به شهر، به ترتیبی که از چشم محمدخان مخفی مانده بود، نظامیان خود را در نقاط مهم و حساس قلعه و شهر ایروان جای داد و در زمانی مناسب محمدخان را بازداشت کرد و ماجرای بازداشت او را به عباس میرزا گزارش کرد. به دستور عباس میرزا و همچنین فتحعلی شاه، حاکم بازداشت شده ایروان و کلیه اعضای خانواده اش به تهران تبعید شدند و حکومت ایروان به شخص مهدیقلی خان دولو قاجار سپرده شد.

مهدیقلی خان قریب دو سال بر این مقام باقی بود. پس از وی احمدخان مقدم بیگلریگی تبریز به حکومت ایروان نشست. وی نیز در سال ۱۲۲۲ قمری برکنار شد و حسین خان قاجار قزوینی سردار سابق خراسان و برادر حسن خان قاجار قزوینی ملقب به سارو اصلان و معروف به سردار ایروان، حاکم این

ولایت شد. این دو برادر که بر اساس نظرات رایج، پسران بزرگ **محمدخان قاجار ایروانی** بشمار می‌آیند، تا پایان جنگهای دوم ایران و روسیه و انعقاد قرارداد ترکمن‌چای حاکم ایروان بودند و به دلیل منافع فراوانی حکومت ایروان و نفوذ فراوان بر بزرگان دولت قاجاریه، همواره مشوق دولت ایران بر ادامهٔ خصومت و جنگ با دولت روسیه بودند. اینان پس از قرارداد ترکمن‌چای از کلیهٔ حقوق و امتیازاتی که در خاک ایروان داشتند محروم شدند و از جانب دولت ایران هر یک به مأموریتها و مناصب بزرگ دست یافتند.^(۱)

▣ ارمنه در توپخانهٔ آقامحمدخان

چنانکه می‌دانیم جنگ دوم روس و ایران در پایان سلطنت ملکه کاترین دوم روی داد. این جنگ به تحریک **آغامحمدخان قاجار** پادشاه ایران بود که به گرجستان حمله‌ور شد و شهر تفلیس را ویران نمود. ملکه کاترین دوم لشکری به فرماندهی **الرین زویف** به کمک گرجیان فرستاد. این جنگ موجب شد که در چند سال بعد یعنی در سال ۱۸۰۱ گرجستان به امپراطوری روس ضمیمه شود. جنگ سوم روس و ایران که از سال ۱۸۰۳ تا ۱۸۰۷ دوام یافت در نتیجهٔ تلاش ایرانیان درگرفت که می‌خواستند دوباره گرجستان را به تصرف خود در آورند. لشکریان روس به فرماندهی سردار گرجی به نام **تسی تسیانف**؛ سپاهیان ایران به فرماندهی **عباس میرزا** ولیعهد را پس راندند. **تسی تسیانف** با فتح شهر گنجه به جنگ ادامه داد و سپس به ایروان حمله‌ور شد. او موفق شد که قوای ایران را بر ساحل رود ارس و در نزدیکی نخجوان درهم بشکند (ژوئن ۱۸۰۴)، ولی نتوانست دژ ایروان را که ایرانیها و تاتارها مردانه از آن دفاع کردند به تصرف در آورد.

در ۱۸۰۵، روسها دو نقطهٔ شوشه و نوخا را تقریباً بدون جنگ و پیرو مذاکراتی با خوانین قراباغ و شکی متصرف شدند. در ۱۸۰۶ **تسی تسیانف** خود

۱- پورصفر: حکومتهای محلی قفقاز در عصر قاجار، ص ۳-۹۲.

را آماده می‌کرد تا همان بلا را بر سر باکو هم بیاورد، لیکن خان آن منطقه ظاهراً به عنوان اینکه با او وارد مذاکراتی در این زمینه شود به کمینگاهش کشانید و او را به قتل رسانید.^(۱)

در ۲۴ اکتبر ۱۸۱۳، ایران معاهده گلستان را امضا کرد که به موجب آن از حقوق خود بر گرجستان چشم می‌پوشید و شمال آذربایجان و قراباغ را به روسها وا می‌گذاشت.

روسیه قبلاً در حین پیشروی به سمت جنوب، چند مهاجر نشین ارمنی را در کریمه و در قفقاز شمالی و هسترخان به دست آورده بود، لیکن با ضمیمه کردن گرجستان و قراباغ به مستملکات خود اکنون قسمتی از ارمنستان شرقی (مناطق لوری و دیلیجان و قسمت کوهستانی قراباغ) را نیز متصرف می‌شد. معاهده قسمت اعظم ارمنستان شرقی شامل ایالات ایروان و نخجوان هنوز در تصرف ایران باقی مانده بود.

این شهرستانها نیز در طول جنگ روس و ایران در سالهای ۱۸۲۶-۱۸۲۷ به وسیله روسها فتح گردید. این جنگ با پیشروی سریع لشکریان ایرانی به فرماندهی شاهزاده خستگی‌ناپذیر عباس میرزا ولیعهد آغاز شد که تعداد نفرات آن در حدود ۳۵۰۰۰ نفری می‌شد و به سرعت بر شهرهای گومری (الکساندروپل) و گنجه (الیزاوت پل) تاختند. این هر دو شهر در اسرع وقت به اشغال نیروهای ایران درآمدند. بادی از وحشت بر سر تفلیس می‌وزید و هر آن انتظار می‌رفت که آنجا نیز سقوط کند. لیکن وضع با شش هفته مقاومت قهرمانانه قلعه شوشه که ساکنان ارمنی خود شهر همراه با یک پادگان معدود ۳۵۰ نفری به فرماندهی سرهنگ رثوت از آن دفاع می‌کردند و با پیروزی درخشانی که در ۲ دسامبر ۱۸۲۶ در شمخور نصیب ژنرال ماد/تیان شد ترمیم گردید. این ژنرال با قوایی دو هزار نفری یک لشکر ایرانی ده هزار نفری را شکست داد و گنجه را پس گرفت.

۱- پاسدرماجیان: تاریخ ارمنستان، ص ۴-۳۶۲.

سپس، ژنرال پاسکیه‌ویچ که بجای یرمولف پیر به سر فرماندهی قوای روس منصوب شده بود با لشکری در حدود هشت هزار نفر و سپاهیان ارمنی شکست تازه‌ای در حوالی گنجه بر قوای ایران وارد آورد.

سال بعد، یعنی در سال ۱۸۲۷ پاسکیه‌ویچ اچمیازین را اشغال کرد و ایروان را در محاصره گرفت. سپس به سمت نخجوان پیشروی کرد و آنجا را در ماه ژوئن متصرف شد. در ماه اوت، ایرانیان به فرماندهی عباس میرزا ولیعهد وارد دشت ایروان شدند تا روسها را وادار به ترک محاصره آنجا کنند، لیکن در نبردی در آشتاراک شکست خوردند. بالاخره، در دوم اکتبر، پادگان ایروان (شامل چهار هزار سرباز و پنجاه توپ) تسلیم شد. گروهانهای پیاده و سواره داوطلب ارمنی در تمام این عملیات شرکت داشتند و دوش به دوش سربازان روسی می‌جنگیدند.

پس از سقوط ایروان پاسکیه‌ویچ به سمت تبریز پیشروی کرد و آماده می‌شد که به پیشروی خود تا تهران هم ادامه بدهد، لیکن شاه ایران حاضر به امضای معاهده ترکمن‌چای گردید (فوریه ۱۸۲۸). به موجب این پیمان ایران شهرستانهای ارمنی‌نشین ایروان و نخجوان را نیز به روسیه وا می‌گذاشت و مبلغی معادل بیست میلیون روبل هم غرامت جنگی می‌پرداخت.

مضمون یکی از مواد معاهده ترکمن‌چای این بود که ارمنیان ساکن سرزمینهایی که در تسلط ایران باقی مانده است حق دارند در صورت تمایل به سرزمینهایی که به تازگی به روسیه ملحق شده است مهاجرت کنند. به موجب همین ماده در حدود سی و پنج هزار ارمنی که بیشترشان از نواحی سلماس و ارومیه آمده بودند به ارمنستان کوچ کردند و در آنجا مقیم شدند.

▣ سفرهای ایرانیان به لرهنستان در دوره قاجار

میرزا ابوالحسن خان شیرازی یکی از رجال بنام عهد فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار بود. او در جریان جنگهای ایران و روسیه بر سر قضیه امضای معاهدات مرزی به ایروان سفر کرد. او پس از ۹ روز مذاکره و کسب اجازه و

دستورات از عباس میرزا عازم ایروان شد. او از طرف فتحعلی شاه عهده‌دار وزارت امور خارجه شد. نخستین دوره وزارت او از سال ۱۲۳۹ تا ۱۲۵۰ هجری قمری به مدت ۱۱ سال ادامه داشت و در همین دوره معاهده ننگین ترکمانچای منعقد گردید.

میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک نائب اول وزارت امور خارجه قاجار در محرم ۱۲۸۰ هجری قمری نیز از ارمنستان دیدن کرد. او پس از عبور از مرز آبی ارس و رسیدن به نخجوان از آنجا طی سه منزل به ایروان مرکز ارمنستان رسید. او بعضی از ارباب مناصب آنجا، از قبیل کلانتر از او استقبال کردند. میرزا خانلرخان با ورود به ایروان حاکم شهر را در صف مستقبلین نیافت و این امر او را آزرده کرد.^(۱) او پس از ورود به این شهر روز شنبه بیست و چهارم محرم به اوچ کلیسا که آن زمان در سه فرسخی ایروان بوده رفت.

چنانکه می‌دانیم ممتحن‌الدوله از دیگر کسانی است که در دوره قاجاریه به ارمنستان رفت اولین مهندس معمار ایرانی است که به دستور ناصرالدین شاه با اولین هیأت محصلین به پاریس رفت. او که خاطرات خود را ضمن این سفر به رشته تحریر در آورده، در ایروان مرکز ارمنستان مدتی درنگ کرده است. او در روز اول یا دوم محرم ۱۲۸۴ هجری قمری/۱۲۴۴ هجری شمسی/۱۸۶۵ میلادی وارد شهر ایروان شد و در کاروانسرای منزل گرفت. او در ایروان مدعو چند تن از نجبای ایروان قرار گرفت و دعوت آنان را پذیرفت و به منازل آنان رفت و در ضیافت‌هایی که برای او ترتیب دادند شرکت کرد. او در دهه عاشورای محرم این سال نیز با اصرار نجبای ایروان در این شهر ماند و در مراسم عزاداری در مسجد معروف به «گی مسجدی» که در آن چادر زده و تعزیه می‌خواندند شرکت کرد.

۱- منوچهر محمودی، سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک (تهران: منوچهر

□ ناصرالدین شاه و سفرای ارمنی

منابع تاریخی گواهی می‌دهند که ناصرالدین شاه سفرای خود را در دربارهای اروپا، از بین ارامنه انتخاب می‌کرد و در آن زمان سفرای ایران در لندن، سوییس و پاریس بودند. میرزا ملکم خان، نریمان خان، آوانس خان ماسحیان و ایران خان گلگسیان همه ارمنی بودند.

هنگامی که پایتخت از اصفهان و شیراز به تهران منتقل شد، گروه کثیری از ارامنه نیز - بخصوص آنها که با قشون و کارهای دیوانی سروکار داشتند - به تهران روی آوردند. روزهای نخست، ارامنه در کوچه‌ای به نام کوچه ارمنی‌ها واقع در بین گذر غربیان و بازارچه حضرت عبدالعظیم سکونت گزیدند، ولی بعدها به نقاط شمالی تهران نقل مکان کردند. بطوری که جز چند خانوار که فعلاً در کوچه ارمنی‌ها ساکن هستند، بقیه در نقاط دیگر شهر زندگی می‌کنند.

بطور کلی در دوران قاجاریه، ارامنه بیش از پیش در امور قشونی و اجتماعی وارد شدند. مخصوصاً امیرکمیسر آنها را در همه امور مهم مملکتی شرکت می‌داد و در سال ۱۲۶۸/۱۸۵۱ فوجی از ارامنه سلماس و ارومیه تشکیل داد. او می‌خواست که دسته‌ای هم از ارامنه جلفا را نیز متشکل کند، ولی چون ثروتمندان عموماً به تهران سفر کرده و اکثریت ارامنه آن دیار از مردم فقیر و تهیدست بودند، آنها را از خدمت نظام معاف کرد تا به کار و زندگی خود برسند.^(۱)

□ سفر ناصرالدین شاه به ارمنستان

ناصرالدین شاه در سفر سوم خویش به فرنگستان از ایروان مرکز جمهوری ارمنستان دیداری داشت. وی و همراهانش در ایروان از دیدنیهای این شهرمانند پل روی رودخانه زمکی و قلعه قدیمی ایروان، باغهای شهر، ده شیرآباد، ده اوچ

و کلیسا^(۱) دیدن کرده و از کلیسا توصیف مفصّلی کرده که در سفرنامه‌اش آورده است.

ناصرالدین شاه در ادامه پاره‌ای از خصوصیات و آمار و ارقام، وسعت خاک، جمعیت، حدود و مرزهای حکومت، اسامی شهرهای بزرگ و تعداد جمعیت هر شهر و مذاهب مختلف و عایدات و انواع مالیات حکومت ایروان را شرح داده است.^(۲)

□ سفر امیرکبیر به ارمنستان

این سفر که در سال ۱۲۵۳ هجری قمری انجام گرفت به دستور محمدشاه قاجار صورت گرفت. در این سال به شاه خبر رسید که نیکلای اول به قصد دیدار شهرهای جنوب قفقاز یعنی شهرهایی که در جنگهای ایران و روسیه مطابق معاهدات گلستان و ترکمانچای از ایران منتزع شده می‌آید.

فرهاد میرزای معتمدالدوله از طرف محمدشاه مأموریت یافت که تحف و هدایایی به امیرنظام محمدخان زنگنه ارسال داشته و به وی مأموریت دهد که در رکاب ناصرالدین میرزای ولیعهد که در آن موقع هشت ساله بود از جانب محمدشاه به استقبال امپراطور عازم ایروان گردد. محمدخان امیرنظام پس از رسیدن تحف و هدایا به دستور محمدشاه در رکاب ولیعهد و همراهان در ماه رجب ۱۲۵۳ وارد ایروان شدند. همراهان محمدخان امیرنظام در این سفر عبارت بودند از: حاجی ملامحمود نظام‌العلماء، اعتضادالدوله دولو برادر مهد علیا، محمد طاهرخان قزوینی حامل نامه محمدشاه و تحف و هدایا، میرزا محمدتقی خان فراهانی (امیرکبیر)، میرزا محمد حکیم‌باشی و میرزا علی‌اکبر تبریزی که سمت مترجمی داشتند.^(۳)

۱- منطقه‌ای در دو فرسنگی ایروان. ۲- رایین: ایرانیان ارمنی، ص ۶۹-۷۰.

۳- علی‌اکبر بینا، تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، جلد دوم (تهران: دانشگاه تهران،

▣ تدریس ادبیات فارسی توسط لرامنه در ایرلن

در سال ۱۸۲۸ میلادی تعداد ۷۰۰ خانوار ارمنی از مراغه و اطراف آن به قفقاز مهاجرت کردند و تعداد زیادی از دهات ارمنی نشین نیز در اثر حملات کردها و همزمان با مهاجرت بزرگ ارامنه از سکنه خالی شد.

ارامنه در سال ۱۸۹۹ در مراغه دست به احداث مدرسه زدند. در این سال اولین مدرسه ارامنه در ایران تأسیس و ساختمان آن با هزینه شخصی دو نفر از ارامنه نیکوکار به نامهای ملکم خالاحیان و هارکوپ خاچاطوریان احداث و در اختیار مسئولین مدرسه گذاشته شد.^(۱)

در سال ۱۹۰۲ هیأت امنایی مرکب از پنج نفر به شرح زیر اداره مدرسه را به عهده داشتند: پرویز رانه گولوبیان، ملکم خالاحیان، آراداشیس نظریان، مهران باغداساریان و آوادیس تمرازیان.

در سالهای اولیه کشیشهای مقیم مراغه ضمن انجام مراسم، مذهبی تدریس کلاسها را عهده دار بودند. در این مدرسه ضمن تدریس ادبیات ارمنی، ادبیات فارسی نیز تدریس و به دانش آموزان یاد داده می شد. دانش آموزان پس از پایان کلاس پنجم ابتدایی جهت ادامه تحصیل به تبریز یا سایر شهرها اعزام می شدند. از معلمین این دوره، می توان مالکیست و درواریان و الکساندر وارطانیان را نام برد.

مدارس ملی ارامنه تا سال ۱۹۲۵-۱۹۲۴ مستقیماً زیر نظر ارامنه و بدون دخالت دولت اداره می شد تا اینکه در سال ۱۹۲۴ مدارس زیر نظر دولت قرار گرفته و برنامه آموزشی آنها مطابق با سایر مدارس گردید و دبستان جدیدی به نام دبستان ادب تأسیس و فرزندان ارامنه در آن به تحصیل مشغول شدند. از دیگر معلمین ارامنه می توان بوغوس خودیان، اواس حسرتیان، رزا باباخانیان و وارطان مناچکانیان را نام برد.

از شخصیت‌های مهم ارامنه مقیم مراغه می توان درگارگین بدروسیان

۱- یونس مروارید، مراغه «افزازه رود» (تهران: علمی، ۱۳۷۱)، ص ۷۰۰-۶۹۷.

(کشیش)، **اوانس بدلیان** (معروف به ملت‌باشی)، **مقدس اوانس آوتیس** **میکائیلیان** (سلطان‌زاده) و **دردهرسپ کاتاگوس** خلیفه را نام برد.

□ **تأسیس حزب دانشاکیون**

این حزب که در ایران شهرتی به هم رساند مرام اصلی خود را استقلال ارمنستان اعلام کرده بود و اداره آن بوسیله ارامنه بود. از افراد برجسته و مهم این حزب **کاسپارا پیکان** بود. وی از کارمندان مسئول حزب و مردی ادیب و نویسنده بود که در جنگ بین‌الملل اول در قتل عام ارامنه از ترکیه فرار کرده و مدتها بود تا اینکه بوسیله ارامنه تهران برای انجام خدماتی به ایران دعوت شد. وی از جمله مشاورین **سیدضیاءالدین طباطبایی** بود که در زمان کودتا با وی همکاری می‌کرد و بعدها از طرف وی به شهرداری تهران منصوب شد. حزب دانشاکیون ارامنه در انقلاب مشروطه ایران رل مهمی را بازی کرده و **پیرم خان** و **پطروس خان** هر دو از اعضای فعال این حزب بودند. این حزب در تبریز هفته نامه آرواد را به زبان ارمنی منتشر می‌کرد که به مدیریت **یوسف** در سالهای ۱۹۱۲-۱۹۰۹ منتشر می‌شد.^(۱)

در دوران مشروطیت، ارامنه با همکاری مسلمانان ایرانی کمیته ستار را تشکیل دادند. ارامنه‌ای که از طرف حزب دانشاکیون در آن کمیته بودند عبارت بودند از:

۱- **پیرم داویدیان** (بعدها به نام **پیرم خان** معروف شد)

۲- **نرسس سانساریان**

در آن روزها تصمیم کمیته، ترور عناصر ضد مشروطه بود. از جمله **حاجی خمایی** که یک روحانی ضد مشروطه بود. در این دوران **میرزا کوچک خان** به

۱- عقیقی بخشایشی، **مفاخر آذربایجان**، جلد سوم (تبریز: نشر آذربایجان، ۱۳۷۵)،

قوای روس که در حال عقب‌نشینی از ایران بودند حمله و آنها را خلع سلاح کرد. در این زمان انگلیسیها به تبلیغات علیه میرزا کوچک‌خان پرداختند و شایع کردند که او قصد قتل عام ارامنه را دارد که این شایعه را ارامنه باور نکردند ولی با این وجود در شب موعود که این خبر اعلام شد ارامنه رشت در حال آماده باش بودند اما خبری از حمله میرزا کوچک‌خان نشد و دومین شب نیز ارامنه به حالت انتظار بودند. در ماه مه ۱۹۱۸ میرزا کوچک‌خان به رشت حمله کرد. نیروهای جنگلی بعضاً بدون اطلاع وی به تاراج و غارت اموال برخی از ارامنه پرداختند. از خانه‌هایی که به تاراج رفت می‌توان منزل بنیانگذار مدرسه مریم آقاولی هوسپیان، همچنین منازل اوهان هاکوپیان، تیگران زادوریان، سرکیس درسرکیسیان و غیره را نام برد. غیر از اینها برخی افراد را از منازل خارج کرده به عنوان گروگان نزد میرزا کوچک‌خان بردند. کوچک‌خان با مطلع شدن از اینکه اینها ارامنه هستند از کار مجاهدین خشمگین شد. این امر را با کمال احترام یک شب نزد خود نگه می‌دارد و روز بعد در کمال امنیت آنها را نزد بستگانشان بر می‌گرداند. برای اینکه دیگر چنین سوء تفاهم‌هایی رخ ندهد به فرمان میرزا کوچک‌خان تمامی ارامنه را در مدرسه و خانه آوادیس هوردانائیان جمع می‌کنند و آنها را تحت مراقبت شدید قرار می‌دهند.

اقدام علیه ارامنه در روزهای اول قیام جنگلی، برخلاف میل میرزا کوچک‌خان توسط اکراد و ترکهای عثمانی که در صفوف کوچک‌خان رخنه کرده بودند صورت گرفت و از جمله دست به قتل شامیر درگاسپاریان و مان تسی پطروسیان زدند که از ارامنه متولد گیلان بود.

کوچک‌خان حکومت خود را تا اواخر سال ۱۹۲۱ ادامه داد و سپاهیان او روز بروز متشکل تر و محبوبتر می‌شدند. در این زمان ارتش او عبارت بود از: کردهای خالو قربان و خالو حیدر با سوارکارانشان. سوسیال دمکراتهای ترک حیدر عمواغلی به همراه رزمندگان، احسان‌الله خان که شخصی بود تحصیلکرده، باسواد، آگاه و از دوستان پیرم‌خان بود، سردار محیی گیلانی و شخصی که در میان همه آنها می‌درخشید دکتر حشمت. به این ترتیب با این

افراد کوچک خان حکومت سیاسی و رزمی گیلان را تشکیل داده بود. در ماه مه ۱۹۲۰ ارتش سرخ وارد باکو شد. سپس از دریای خزر گذشته به بندر انزلی، که در آن زمان تحت اشغال انگلیسیها بود حمله کرد. بعد از درگیری‌های مختصری انگلیسیها انزلی و رشت را تخلیه کرده به قزوین عقب نشستند و دره منجیل را به عنوان نقطه استراتژیک برای خود نگه داشتند. بلشویکها قبل از اینکه وارد رشت شوند، نزد کوچک خان رفته با او توافقاتی به عمل آوردند.

از زمان انگلیسیها و حتی بعد از عقب‌نشینی آنها حدود پانصد سرباز قزاق در رشت وجود داشت، کوچک خان و بلشویکها بعد از ورود به شهر به آنها اخطار کردند که خود را خلع سلاح کنند، قزاقها سرباز زدند و آنها به قزاقها حمله کردند و بعد از سه ساعت مقابله و جنگ قزاقها تسلیم شدند.

قبل از اینکه بلشویکها به انزلی برسند، ثروتمندان ارمنی و مسلمان رشت و انزلی ناراحت و مشوش بودند و همگی سراسیمه به این فکر افتاده بودند که به سوی تهران مهاجرت کنند. بخشی از ثروتمندان مسلمان از محل دور شدند، اما آرامنه برخلاف تبلیغات حزب هنجاکیان و حزب خلقی آرامنه، به فرامین حزب داشناکسیون مبنی بر اینکه محل سکونت خود را ترک نکنند، گوش داده در گیلان ماندند. رفتار و اعمال آرامنه در آن زمان خیلی عاقبت اندیشانه بود و کوچک خان و مسلمانان از موضع آرامنه پشتیبانی می‌کردند، خود کوچک خان برخلاف توافقش با بلشویکها از آرامنه و عناصر ضد بلشویک پشتیبانی می‌کرد. ارتش سرخ در حدود شانزده ماه در رشت و انزلی ماند. در این مدت برخوردارهایی بین ارتش دولتی که از تهران فرستاده شده بود، با ارتش سرخ صورت می‌گرفت و رشت دست به دست می‌گشت، اما در تمام این مدت آرامنه موضعی هوشیارانه اتخاذ کرده بودند که باعث خشنودی مسلمانان شده بود. در این برخوردارها، فرمانده ارتش روس استراسیتسکی بود. تعداد آرامنه‌ای که به قزاقهای در حال عقب‌نشینی دارو و مواد غذایی می‌رساندند کم نبود. در دوران

اخیر، روابط بلشویکها با کوچک خان تیره شد، البته این وضع از همان ابتدا نیز وجود داشت. کوچک خان مخالف ضبط و مصادرهٔ دارائیهای مردم بود که توسط بلشویکها انجام می‌شد، غیر از این، اختلاف ایدئولوژیکی نیز وجود داشت. کوچک خان یک انقلابی ناسیونالیست بود، اما بلشویکها انترناسیونالیست بودند. وضع تا آنجا پیش رفت که متحدین گذشته در مقابل هم قرار گرفتند.^(۱)

از آنجا که شهر در دست هر دو متحد بود، شروع به سنگر بندی در نقاط مختلف شهر کردند، جنگ حدود چند روز بطول انجامید. بعد از این مدت، برخی از هم‌زمان کوچک خان از مانند خالوقریان، خالو حیدر، احسان‌الله خان، حیدرخان عمواغلی با افرادشان به طرف بلشویکها رفتند. کوچک خان بالاجبار مواضع خود را خالی کرده و به جنگل رفت و از آنجا مبارزهٔ خود علیه بلشویکها را ادامه داد.

حال که سخن به نهضت جنگل رسید، لازم است از دکتر یوسف میر یکی از مهاجرین ارمنی که در این دوره منشاء خدمات مفیدی بود. ذکری به میان آوریم. وی که در ایروان متولد شد، تحصیلات ابتدایی را در شهر ایروان به زبان روسی به پایان رساند. و در سوئیس تحصیلات پزشکی را به پایان رساند و در سال ۱۳۰۰ شمسی به تهران بازگشت. یوسف میر به کمک علی اکبر داور سمت جراح را در بیمارستان نظامی احمدیه بدست آورد و سپس در بیمارستان شماره ۲ ارتش و بعد در بیمارستان شماره ۱ ارتش به عنوان متصدی بخش جراحی به کار پرداخت. در سال ۱۳۲۱ رسماً به دانشگاه تهران انتقال یافت و سالهای سال تا فرارسیدن بازنشستگی در سال ۱۳۴۰ به کار خود در این رشته ادامه داد.

دکتر میر به زبان روسی و فرانسه تسلط داشت و به کمک این دو زبان زنده‌از

دوران جوانی به ادبیات و فلسفه غرب علاقه‌مند شده بود. به علت شغل پزشکی با اغلب رجال دوران خود آشنا می‌شد و به همین روال با بیشتر اهل علم و ادب فارسی زمان خود مروده داشت. **علی اکبر دهخدا**، **دکتر قاسم غنی**، **علی دشتی**، **محمد قزوینی**، **ذبیح بهروز**، **محمدعلی فرزین**، **علی اکبر سیاسی**، **صمصام‌الملک بیات**، **علینقی وزیر**، **محمدعلی جمالزاده** و **علی اکبر فیاض** از دوستان صمیمی و نزدیک او بودند. از میان شعرای معاصر به **فریدون تولّی** ارادت می‌ورزید و بسیاری از اشعار او را محفوظ داشت. وی در سال ۱۳۴۷ در تهران درگذشت.^(۱)

█ نخستین مدرسه لیرلنی در لیرولن

یکی از کسانی که در رشد فرهنگ و معارف ایران در ارمنستان اقدامات شایسته‌ای کرد مرحوم **حاج میرزا حسن رشديه** است که یکی از روحانی‌زادگان تبریز بود که در حال و هوای مکاتب قدیمی درس خوانده بود. او پس از خواندن مقاله‌ای که در روزنامه اختر نگاشته شده بود متحول گردید و سبک کار را عوض کرد. وی برای فراگیری طرز تعلیم الفبا به استانبول ترکیه و بیروت مسافرت کرد. او سپس به قفقاز و مصر رفت و مطالعات خود را در مورد الفبا تکمیل نمود. علت انتخاب این رشته همان موضوع مقاله روزنامه بود: «در کشورهای خارج از هزار تن، ده نفر بیسوادند ولی در ایران از هر هزار تن ده نفر باسوادند. علت این امر عقب ماندگی، سختی شیوه فراگرفتن زبان فارسی است». مقاله مزبور تأثیر عمیقی در روحیه رشديه گذاشت و انقلابی در افکار او پدید آورد. وی اقدام به رفع اشکالات تدریس در زبان فارسی و اختراع «الفبای صوتی» در این زبان پرداخت و پس از آشنایی کامل با اسلوب و طرز تعلیم الفبای به روش جدید،

۱- محمدعلی و علی محمد میر، «دیدارها و یادگارها»، آینده، ش ۱۰۴، فروردین - تیر

نخست به ایروان که اهالی آنجا به مناسبت دیدن مدارس روس در استقبال از فرهنگ ایرانی آماده‌تر و مشتاق‌تر بودند، رفت و به کمک برادر مادری خود، حاج آخوند در سال ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ هجری قمری نخستین مدرسه (دبستان) ایرانی به سبک جدید برای کودکان مسلمان و قفقاز تأسیس کرد و با اصول «الفبای صوتی» که از اختراعات خودش بود، شروع به تدریس نمود و کتاب «وطن دلیلی» (زبان وطنی) را به ترکی با اصول خویش چاپ و با اجرای این روش موفق شد تا در مدت ۶۰ ساعت نوآموزان را خواندن و نوشتن بیاموزد.

مسلمانان ایروان از روش او استقبال شایانی نمودند و روزبروز بر تعداد شاگردان مدرسه افزوده می‌شد. این مدرسه «رشدیه» نام گرفت زیرا اختصاص به تحصیلات ابتدایی داشت و در خاک عثمانی مدرسه ابتدایی را رشدیه می‌نامیدند. گفته‌اند کتاب «وطن دلیلی» تا سال ۱۹۱۷ یا ۱۹۱۸ تقریباً در تمام مدارس مسلمانان قفقاز و ترکستان به نام «کتاب اول» تدریس می‌گردید.^(۱)

این مدرسه مدت چهار سال تحت نظر مدیریت خود رشدیه در ایروان دایر بود و زمانی که ناصرالدین شاه از سفر سوم خود از فرنگستان به ایران مراجعت می‌کرد از ایروان گذشت، رشدیه در مسیر حرکت شاه طاق نصرتی از طرف مدرسه برپا نمود و شاگردان را با لباس همشکل در صف منظمی در دو طرف طاق نصرت قرار داد. به محض ورود شاه، دانش‌آموزان برای وی ابراز احساسات نمودند. شاه توجه‌اش به این رویداد جلب شد و پرسید اینها کیستند؟ ملتزمین وی اظهار داشتند که این یک مدرسه ایرانی است که در اینجا بوسیله یک نفر ایرانی به نام میرزا حسن رشدیه تأسیس گردیده است. شاه ابراز تمایل کرد که تشکیلات مدرسه را ببیند. به همین دلیل پیاده شد. رشدیه هم که قبلاً چنین وضعی را پیش‌بینی کرده بود، خطابه‌ای ایراد کرد. شاه به داخل مدرسه وارد گردید و با رشدیه صحبت کرد. رشدیه از موقعیت استفاده کرده از شاه استدعا نمود که اجازه دهد در ایران نیز اینگونه مدارس دایر و کودکان ایرانی از نعمت

۱- عقیقی بخشایشی: مفاخر آذربایجان، جلد سوم، ص ۶-۱۵۹۵.

سواد برخوردار شوند. شاه در آنجا گفت: «با ما بیایید». رشديه با خوشحالی مدرسه را به برادرش سپرد و خود جزء ملتزمین شاه، عازم ایران شد. ولی اطرافیان شاه از این که رشديه مورد توجه واقع شده بود، وحشت زده شدند و با دسایس و نیرنگهای مختلف خدمات صادقانه او را طور دیگری جلوه می‌دادند و به شاه تفهیم می‌کردند که او می‌خواهد با تأسیس دبستان جدید، قانون اروپایی را در ایران رواج دهد که برای سلطنت وی خطرناک خواهد بود. بدین ترتیب، شاه را وادار کردند که از حمایت او چشم‌پوشد و لذا در نخجوان، به رئیس چاپارخانه دستور می‌دهد که به بهانه‌ای مانع حرکت رشديه به تهران گردد و چون رشديه به امید کمک شاه و اعطای تسهیلاتی توسط ناصرالدین شاه مدرسه خود را در ایروان تعطیل کرده بود، دو باره اجازه باز کردن مدرسه را به او ندادند و او پس از ورود شاه به تهران در اثر اقدامات بعضی از خیراندیشان اجازه یافت که در تبریز مدرسه‌ای باز کند که عمر آن به بهانه‌های واهی بیشتر از یک سال نبود و تعطیل شد.^(۱)

□ روابط ایران و ارمنستان در اواخر دوره قاجاریه

در زمان سلطنت آخرین شاه قاجار، احمدشاه از سوی وثوق‌الدوله، سیدضیاءالدین طباطبایی برای گفتگو با مقامات جمهوری ارمنستان به عنوان نماینده فوق‌العاده، با اختیارات تام، در رأس هیأتی روز دوم آذر ماه رهسپار بادکوبه شد. هدف او حفظ حقوق ایرانیان مقیم آن دیار، جلوگیری از گسترش خطر بلشویزم در گیلان و ایجاد رابطه با جمهوری جدیدالتأسیس بود. پس از بازگشت سیدضیاءالدین و هیأت همراه او، نماینده سیاسی جمهوری ارمنستان به نام پرنس ارغوتیان به تهران آمد. این نماینده سیاسی به همراه خود چند کارمند همراه داشتند. هیأت ارمنی هر کدام ساختمان کوچکی اجاره کردند و دفتر سیاسی کشور خود را گشودند و با مقامات ایرانی برای تنظیم قرارداد

بازرگانی و رفت و آمد اتباع دو کشور به گفتگو پرداختند.^(۱)

پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ توسط رضاشاه و سیر تحولات ارمنستان روتشتاین در ۱۹ خرداد به وزارت امور خارجه نوشت: «چون حکومت ارمنستان دیگر وجود ندارد نماینده آن حکومت را به رسمیت نشناسید».^(۲)

در پی این اخطار در ۲۲ خرداد از سوی بکزاریان کمیسر امور خارجه سابق ارمنستان به پرنس ارغوتیان نماینده سیاسی اسبق ارمنستان تلگرافی دستور داده شد که سفارت را تحویل نماینده مختار جمهوری شوروی بدهد. روتشتاین با قوام و وزیر امور خارجه دیدار کرد و به تقاضای او و دستور قوام روز ۲۲ تیرماه با حضور ساعدالملک رئیس تشریفات وزارت امور خارجه اسناد و آرشیو سفارت ارمنستان به نیکلاویچ دبیر اول سفارت شوروی تحویل گردید.

در سال ۱۹۲۰ و اواخر حکومت قاجار دو تن از بزرگترین هنرمندان ارمنستان به ایران سفر کردند. این دو الکساندر تامانیان (۱۸۷۸-۱۹۳۶) مهندس معمار و هاکوب کوچویان (۱۸۸۳-۱۹۵۹) نقاش مشهور ارمنستان بودند. آنان پس از رسیدن به تبریز در این شهر مستقر شدند. کوچویان در هنرکده‌ای که تامانیان گشوده بود به تدریس پرداخت. کوچویان با آداب و رسوم ایرانیان که سنتهای دیرین در آنها حفظ شده بود آشنا شد و به بررسی فرهنگ غنی این مرز و بوم پرداخت. کوچویان که از اوان نوجوانی در کارگاه پدرش با هنرهای تزئینی شرق و بخصوص ایران آشنا شده بود در تبریز به دنیای غنی نقوش تزئینی ایرانی گام نهاد و با فراگیری اصول آن به مطالعه در نگارگری و نقاشی سده‌های میانی ایران پرداخت.^(۳)

۱- علی اکبر ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران؛ دوره مشروطه (تهران: دفتر مطالعات

سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۱)، ص ۶۶-۷. ۲- همان، ص ۳-۱۱۱.

۳- نلی آراکلیان، «هاکوب کوچویان و ایران»، ترجمه آئی بابایان، ایران‌نامه، ابوان، ۱۹۹۶،

ش ۲-۳، ص ۹۴-۶.

کوجویان در عین حال، با ارمنیان ایران که از زندگی فرهنگی - اقتصادی پویایی برخوردار بودند ارتباط بسیار نزدیکی برقرار کرد. قالبیابی، طلاکاری و سفالگری از حرفه‌های متداول ارمنیان بود. در میان آنها نقاشانی نیز وجود داشتند که آثار آنان آمیزه‌ای خاص از هنر ارمنی و ایرانی بود. کوجویان با بررسی آثار آنان و به بکارگیری سنتهای هنری غربی، به شیوه هنری تازه و سبک جدیدی دست یافت. «زن خفته ایرانی»، «منادی ارمنی»، «شیوه‌پردازی ارمنی»، «زنان آخالس خایی» نمونه‌هایی از این دست آثار او هستند. سه اثر نخست در نگارخانه‌های ملی جمهوری ارمنستان نگهداری می‌شوند. کوجویان در این آثار جهان را به گونه یک نقش تزئینی گسترده مجسم می‌کند. در «زن خفته ایرانی» زن در وسط قرار گرفته و اطراف او را باغ جادویی احاطه کرده است. بید مجنون، گل‌های رنگارنگ و پرندگان خیال‌انگیز در پرتو خورشید که چشم و ابروی زن بر آن نقش بسته‌اند، جان گرفته‌اند. در این نقش‌پردازیها مهارت نقاش و تسلط او به فنون صنعت طلاکاری و نقره‌کاری مشهود است.^(۱)

پس از پایان جنگ جهانی اول و استقلال ارمنستان در ۲۸ مه ۱۹۱۸، روابط ارمنستان با ایران وارد مرحله نوینی شد. ارمنستان در این زمان از ناحیه غرب مورد تهدید ترکیه قرار داشت و در شرق بر سر مناطق قراباغ و زنگه‌زور در جنگ با آذربایجان بود. در مرزهای شمالی، ارمنستان و گرجستان بر سر مناطق آخال کلک و لوری اختلافاتی داشتند و در داخل ارمنستان نیز بلشویکها تلاشهایی را برای ساقط کردن حکومت جمهوری آغاز نموده بودند. به همین دلیل تنها مرز امن ارمنستان، مرز جنوبی خود با ایران بود و به همین دلیل جمهوری ارمنستان اهمیت ویژه‌ای را به روابط خود با ایران می‌داد و انتخاب و اعزام پرنس هوسپ ارغوتیان به تهران به عنوان سفیر ارمنستان در ایران، نشان از اهمیتی داشت که ایروان به روابط خود با تهران می‌داد.

اما در این سوی مرز، ایران سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۸ سالهای بی‌ثباتی بود و

ایران در آنچنان وضعیت سیاسی و اقتصادی متشنجی قرار داشت که حتی قادر نبود اوضاع داخلی خود را سر و سامان بخشد. در آن روزها، دولتها یکی پس از دیگری سقوط می‌کرد و بیشتر نگاهها متوجه درگیریهای گیلان و خراسان و قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق‌الدوله - کاکس و سایر مشکلات داخلی بود و کمتر کسی به فکر روابط خارجی و استفاده از اوضاع سیاسی پیش آمده قفقاز بود. با این وجود دولت ایران در پاییز سال ۱۹۱۹ هیأتی را به سرپرستی سیدضیاءالدین طباطبایی که از نزدیکان وثوق‌الدوله (صدراعظم) بود به باکو فرستاد تا در مرحله نخست زمینه انعقاد قرارداد مودت و همکاری بین ایران و جمهوری آذربایجان و در مرحله بعدی ایران با ارمنستان و گرجستان را فراهم سازد که به علت سرعت روند تحولات در این منطقه و سقوط جمهوریهای سه‌گانه قفقاز نتیجه‌ای از این سفر عاید نشد. در ارمنستان نیز اوضاع نابسامان سیاسی و اقتصادی مانع بزرگی بر سر راه گسترش روابط این کشور با ایران بود و تنها قراردادی که در این دوران پیش‌نویس آن توسط دولت ارمنستان تهیه شد و باید مورد مذاکره ایران و ارمنستان قرار می‌گرفت قرارداد تأسیس خط آهن باطوم - قارص - ایروان - تبریز بود که به علت سقوط جمهوری ارمنستان، این مذاکرات هیچوقت شروع نشد. پس از سقوط جمهوری ارمنستان در سال ۱۹۲۰ نیز روابط این کشور با ایران در چهارچوب روابط ایران و شوروی قرار گرفت.^(۱)

□ روابط فرهنگی ایران و ارمنستان در دوره پهلوی

در نیمه اول سال ۱۳۴۲ هیأت فرهنگی از ایران به ارمنستان عزیمت کردند. این هیأت مرکب از آقایان خالقی، دکتر بیانی، فروشانی و بانو مهرانگیز دولتشاهی و سهبید جهانبانی بود. این هیأت در طی این سفر از شهرهای این جمهوری بازدید بعمل آورد و گنجینه گرانبهای «ماتناداران» که در آن هزارها رساله و کتاب نفیس خطی جمع‌آوری شده که هزار نسخه آن به زبان فارسی و

۱- همان، ص ۴-۲۱۳.

مربوط به فرهنگ و تاریخ ایران است مورد بازدید قرار داد. همچنین آثار تاریخی و کلیسای اچمیازین که در نزدیکی ایروان و به سال ۳۰۳ میلادی ساخته شده و مرکز روحانیان ارمنه است مورد بازدید هیأت ایرانی قرار گرفت.^(۱)

در آبان ماه ۱۳۴۲ رئیس انجمن دوستی و روابط فرهنگی ارمنستان با کشورهای خارجی بانو برسابه گریگوریان برای شرکت در جشن بیستمین سال تأسیس انجمن فرهنگی ایران و شوروی به تهران آمد. وی در این جلسه به مناسبت سالگرد انقلاب اکتبر سخنانی ایراد کرد. در این سفر همچنین ایشان با نمایندگان مطبوعات مصاحبه و مذاکره کردند و با مقامات فرهنگی ایران تماس گرفتند. ایشان سفری نیز به اصفهان کردند.^(۲)

در تاریخ ۱۲ تا ۱۸ فروردین ۱۳۴۷ پ.آ مرادیان رئیس شورای وزیران جمهوری ارمنستان به همراه نخست‌وزیر شوروی (سابق) از ایران بازدید کردند و با مقامات ایرانی دیدارهایی داشتند. در این سفر شهرهای اصفهان و شیراز مورد بازدید قرار گرفت و هیأت مدعو با علاقه‌مندی بسیار مؤسسات صنعتی و بنگاههای علمی و آثار برجسته فرهنگ ایران را مورد توجه قرار دادند و با زندگی و فرهنگ مردم ایران و موفقیت‌های آنان در پی افکندن بنای اقتصادی و فرهنگی کشور آشنا شدند. در این دیدار عزم طرفین برای گسترش مناسبات فرهنگی و سایر مناسبات مورد تأکید قرار گرفت.

در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۳، انجمن روابط فرهنگی ارمنستان با کشورهای خارجه جشن یادبودی در باره هنرهای شعر، نقاشی و موسیقی ایران مربوط به قرنهای ۱۸-۱۹ ترتیب داد. آکادمیسین لئون خاچیکیان رئیس وقت روابط فرهنگی ایروان و مدیر «ماتناداران» (موزه تاریخی) ارمنستان این جشن را رسماً

۱- امان‌الله جهانبانی، «سفر هیأت فرهنگی ایران به شوروی»، پیام نوین، ش ۸۹۹، خرداد و

تیر ۱۳۴۲، ص ۶۰ و ۸-۶۶.

۲- «گزارش انجمن»، پیام نوین، س ششم، ش ۲۱، آذر ۱۳۴۲، ص ۷-۱۰۴.

افتتاح نمود. سپس مدیر علوم هنری ارمنستان و هنرمند با سابقه بانو مانیای غازاریان سخنرانی کرده و در باره هنر پر ارزش ایران مربوط به قرنهای ۱۸-۱۷ در دوره صفویه و قاجاریه مطالبی ایراد کردند و اهمیت و خدمات گرانبهای هنرهای معماری و نقاشی و هنرهای دستی از قبیل قالی بافی، ابریشم‌دوزی و قلمزنی روی نقره و برنج اصفهان و تأثیر آنها را در تاریخ فرهنگ ایران ستودند. مانیای غازاریان در باره هنرمند شایسته، رضا عباسی سخن گفت و تأثیر هنر او را در آثار نقاشان نسلهای بعدی ایران یادآور شد و از آثار هنرمند نابغه حسین بهزاد یاد کرد. پس از آن، چند تن از دانشجویان دانشکده زبان فارسی وابسته به دانشگاه ایروان، آشوت استپانیان و نوارد آواکیان، چند قطعه از اشعار خیام و حافظ را برای حضرات دکلمه نمودند. در پایان این مراسم یک حلقه فیلم ایرانی که نمایشگر مناظر تخت جمشید، اصفهان و تهران بود به معرض نمایش گذارده شد.^(۱)

در دی و بهمن ۱۳۵۳ هیأت فرهنگی مرکب از ۱۴ نفر از نمایندگان جمهوریهای ارمنستان، گرجستان، اوکراین و روسیه به ایران آمدند که از مؤسسات فرهنگی و آثار تاریخی تهران، اصفهان و شیراز بازدید نمودند.^(۲)

۱- «اخبار فرهنگی»، پیام نوین، دوره دهم، ش ۱۱، شهریور - مهر ۱۳۵۳، ص ۴-۹۳.

۲- «اخبار فرهنگی»، پیام نوین، ش ۱۲، آبان و بهمن ۱۳۵۳، ص ۹۸.

فصل چہارم

ایران‌شناسان و استادان زبان و ادب فارسی

▣ آگاتان گقوس^(۱)

قدیمی‌ترین مورخ ارمنی آگاتان گقوس (قرن پنجم) است. وی یونانی الاصل و ساکن یکی از نواحی غربی ارمنستان، مجاور روم شرقی بود. نام یونانی او آگاتاگ گئلس بوده است. منشی تیرداد دوم اشکانی - پادشاه ارمنستان - بود و رویدادهای تاریخی این سرزمین را از ۲۲۶ تا ۳۳۰ میلادی به زبان ارمنی و یونانی نوشته است. وی تاریخ ارامنه را که قدیمترین یادگار تاریخی و سرچشمه تاریخ ارمنستان است و به نامهای گریگوریس مقدس یا تاریخ و اعمال گریگوریس مقدس نیز معروف است، به رشته تحریر درآورد. این نوشته شامل تاریخ ارمنستان در دوران سلطنت تیرداد سوم و خسرو کبیر است و اطلاعات جالبی درباره غلبه مسیحیت بر کفر در اختیار خواننده قرار می‌دهد. نوشته‌های او به زبانهای یونانی، عربی، گرجی، حبشی و لاتینی ترجمه و چاپ شده است. در مورد نام اصلی آگاتان گقوس و معنی اسمی که به آن معروف بود و همچنین دوران زندگی و زبان نوشته‌های او بین دانشمندان و مورخان اختلاف نظر است.

1- Agatangeäos [ägätängeqos]

آثار او:

- ۱ - تاریخ ارمنه، ۱۹۰۹. ^(۱) حاوی اسطوره سقوط اشکانیان و پیروزی ساسانیان و دارای اطلاعات ارزشمندی در باره این رویداد مهم ایران است. ^(۲)
- ۲ - تاریخ وقایع سالهای ۱۶۲۳-۱۷۳۳ در ارتباط با سکونت کار ملیتها، ۱۹۲۷. ^(۳)

□ پاورستوس بیوزاند

پاورستوس بیوزاند معاصر آگاتان گقوس است. کتاب وی موسوم به «تاریخ ارمنستان» در برگرفته رویدادهای تاریخی بین سالهای ۳۸۷-۳۳۰ میلادی یعنی از آغاز حکومت خسرو، شاه ارمنستان تا تقسیم ارمنستان بین ایران دوره ساسانی و بیزانس است. این کتاب منبع مهمی، هم برای تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارمنستان و هم برای تاریخ کشورهای خاورمیانه و نزدیک، بویژه تاریخ ایران محسوب می‌گردد.

پاورستوس به عنوان شاهد عینی، اطلاعاتی موثق در باره رویدادهای تاریخی ارمنستان و کشورهای همجوار ارائه می‌کند. کتاب وی بویژه برای بررسی تاریخ قرن چهارم میلادی ایران منبعی منحصر بفرد است. در این کتاب اطلاعات مهمی نیز در باره مناسبات ارمنستان - ایران و بیزانس - ایران در قرن چهارم موجود است. «تاریخ ارمنستان» اثر پاورستوس بیوزاند به زبانهای فرانسه،

1- Putnmutyun Haioc (History of Armenian). Tiflis: 1909

۲- واهان بابیوردیان، «ایرانشناسی در منابع ارمنی»، ترجمه گریگور آراکلیان، پیمان، ش ۵-۶، بهار - تابستان ۱۳۷۶، ص ۷۲-۴۴.

3- Chronicle of events between the Years 1623 and 1733 Relating to the Settlement of the Order of Carmelites in Mesopotamia (Bassora), London: 1927

آلمانی و روسی و دیگر زبانهای اروپایی برگردانده شده است.

□ قازار پاربی

آثار قازار پاربی مورخ ارمنی قرن پنجم موسوم به «تاریخ ارمنستان» و «نامه به واهان مامیکونیان» مشتمل بر شرح وقایع تاریخی سالهای ۴۸۶-۳۸۷ میلادی است و در آنها رویدادهای تاریخی ایران، بیزانس، گرجستان، اران و غیره ذکر گردیده است. کتاب تاریخ پاربی به عنوان یکی از بهترین و موثق ترین مآخذ تاریخ‌شناسی ایران شهرت یافته است. این اثر بویژه برای بررسی روابط ارمنستان و ایران بسیار ارزشمند است.^(۱)

□ یقیشه

یکی دیگر از مورخان ارمنی در قرن پنجم میلادی یقیشه است. «تاریخ وارتان و جنگ ارمنیان» اثر یقیشه، یکی دیگر از بهترین مآخذ تاریخ‌شناسی مربوط به مناسبات ارمنستان و ایران در اواسط قرن پنجم است. در این کتاب، علاوه بر اطلاعات متنوع در باره حیات سیاسی ایران، مطالب بسیار ارزشمندی نیز در مورد اعتقادات مذهبی، بویژه دین زرتشت، آداب و رسوم ایرانیان قدیم، جغرافیای ایران و بسیاری از مسائل مربوط به این کشور و مردم آن وجود دارد. اثر یقیشه بیش از چهل بار به زبانهای مختلف ترجمه شده است و این امر حاکی از توجه خاص محافل شرق‌شناسی جهان نسبت به این اثر است.

□ موسی خورنی

اولین اثر تاریخ‌نگاری علمی ارمنی مشتمل بر تاریخ دوران باستان تا سقوط سلسله اشکانی و از بین بردن استقلال سیاسی ارمنستان به قلم موسی خورنی مورخ قرن پنجم است که بعدها ملقب به پدر تاریخ‌نگاری ارمنی گردید. در عین

۱- بایبوردیان: «ایرانشناسی در منابع ارمنی»، ص ۴۹.

حال اثر مهم او موسوم به «تاریخ ارمنستان» منبع منحصر به فردی برای مطالعه تاریخ کشورهای خاورمیانه و نزدیک است. تعدد وقایع تاریخی و سندیت رویدادها ارزش این اثر را دو چندان کرده است.

اثر **موسی خورنی** بویژه برای تاریخ ایران دارای ارزش بسزایی است. این اثر بخصوص در باره اسطوره‌های ایران دارای اطلاعات ارزنده‌ای است. تاریخ **موسی خورنی** به زبان فارسی نیز برگردانده شده است (این کتاب با ترجمه پروفیسور گئورگی نعلبندیان در ارمنستان انتشار یافته است).

بیش از دو قرن است که این اثر معروف جهانی را تاریخ‌شناسان و پژوهندگان خارجی نیز تحت مطالعه قرار می‌دهند. این اثر، به علت داشتن اطلاعات منحصر بفرد در باره مسائل گوناگون تاریخ ایران، اخیراً مورد توجه تاریخ‌نگاران ایرانی نیز قرار گرفته است. گفتنی است که در این اثر در مورد ایدئولوژی دینی - فلسفی زرتشتیان و ماهیت و ویژگی‌های فِرَق مختلف آن اطلاعات اندکی موجود است.^(۱)

□ سپه‌لوس

منابع ارمنی قرن هفتم نیز برای تاریخ ایران دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. این دوره از تاریخ، بطور کلی، از لحاظ رویدادهای مهم تاریخی از دیگر دوره‌ها متمایز می‌گردد، از آن جمله می‌توان به جنگهای ایران و بیزانس، پیدایش اعراب در عرصه سیاسی جهان و اولین حملات آنان، سقوط ایران ساسانی و استیلای اعراب بر ممالک زیر سلطه بیزانس اشاره کرد. ولی با وجود این، هیچیک از مؤلفین قرن هفتم در آثار خود، چه به زبان فارسی و چه به زبانهای یونانی، لاتینی، آشوری و عربی به رویدادهای تاریخی یاد شده نپرداخته‌اند. بازتاب این رویدادها بیشتر در آثار مؤلفین متأخر دیده می‌شود. از این دیدگاه «تاریخ» **سپه‌لوس** مورخ ارمنی قرن هفتم در علم تاریخ‌نگاری جهانی اثری استثنایی

است.

در این اثر *سبّه‌اوس*، همزمان با رویدادهای تاریخی ارمنستان در قرون ۷-۶ میلادی، شرح مفصل وقایع تاریخی خاورمیانه و نزدیک نیز ارائه گردیده است. مؤلف در این کتاب به تفصیل به شرح حملات *هراکلیوس* امپراطور بیزانس به ایران و نخستین حملات اعراب به ارمنستان، ایران، بین‌النهرین و نواحی بیزانس می‌پردازد. در این اثر، بخشهای مربوط به تاریخ ایران با غنای فوق‌العاده خود از دیگر بخشهای کتاب متمایز می‌گردند. در این کتاب، به تفصیل در باره اقتدار و سقوط پارتها، تاریخ سیاسی دوره ساسانی، اوضاع داخلی، نظام حکومتی، بنیه نظامی و دیگر مسائل آن دوران مطالبی وجود دارد.

تاریخ *سبّه‌اوس* بویژه برای بررسی مسائل تاریخی مربوط به آخرین دوره حکومت سلسله ساسانی و آغاز حملات اعراب که مصادف با حیات مورخ بوده، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

اطلاعات *سبّه‌اوس* در باره کوشانیان که همه اقوام مشرق زمین و شمال تحت تبعیت آنها قرار داشتند به نوبه خود، بسیار ارزشمند است. در تاریخ *سبّه‌اوس* در باره افسانه خسرو و شیرین که در میان مردم مشرق زمین شهرت بسزایی دارد نیز سخن به میان آمده و همچنین به *اسفندیار*، یکی از قهرمانان حماسی ایران زمین اشاراتی شده است.

■ آنانیا شیراکی

در اثر *آنانیا شیراکی* دانشمند و متفکر بزرگ ارمنی قرن هفتم که «آشخارهاستوتس» (جهان نما) نامیده می‌شود، از ارمنستان و کشورهای همسایه مانند ایران، گرجستان، اران، شهرهای قفقاز شمالی و نیز در باره تقسیمات اداری، رودخانه‌ها، کوهها و جاده‌های این مناطق سخن به میان آمده است.

اطلاعاتی که *شیراکی* در مورد تقسیمات اداری ایران دوره ساسانی و اوضاع کشاورزی و محصولات زراعی در آن زمان ارائه کرده است بسیار ارزشمند

می‌باشد. مؤلف «آشخارها تسویتس» همچنین شرح حال سلاطین ایران را به رشته تحریر درآورده و در باره اقوام ایران، محل سکونت آنها، شیوه زندگی، اشتغالات و اعتقادات مذهبی آنان اطلاعاتی ارزشمند ارائه کرده است. بدین ترتیب، می‌توان گفت که اثر شیراکی مأخذ مهمی هم برای تحقیق در مسائل جغرافیایی و هم در مسائل تاریخ ایران بشمار می‌رود. شیراکی اثر دیگری نیز از خود به یادگار گذاشته است که هنوز به صورت دستنویس است و در انستیتوی نسخ خطی ماتناداران ایروان نگهداری می‌شود. عنوان این اثر «مقوناچاپک» است که در آن مؤلف در باره جاده‌های کاروانرو شهرهای تجاری سخن گفته است. در این اثر در باره جاده‌های بازرگانی که ارمنستان را به خلیج فارس پیوند می‌داد و مراکز عمده تجاری واقع در مسیر این جاده‌ها و نیز فواصل بین این مراکز، اطلاعات بسیار پرارزشی ارائه شده است.^(۱)

□ آوتیک دیگران اگرتسی^(۲)

وی در دیگرانگرد ارمنستان به دنیا آمده و به نامهای آمدتسی و باغدا ساریان نیز معروف بوده است. او سالها در نقاط مختلف ارمنستان غربی تحصیل کرد و به منظور تکمیل تحقیقات خود مدتی در ایران و عربستان به سر برد. او همچنین به زبانهای عربی، فارسی، آشوری، گرجی، عبری، ترکی، یونانی، لاتین و فرانسه تسلط کامل داشت. به جغرافیا و تاریخ علاقه‌مند بود و به دلیل آزاداندیشی بارها از جانب کلیسا مورد طعن و لعن قرار گرفت. نمونه‌هایی از دست نوشته‌های آثار او در کتابخانه (ماتناداران) مخیتاریان و سه نمونه در کتابخانه «ماتناداران» ایروان نگهداری می‌شود.

۱- همان، ص ۱-۵۰.

▣ استپانوس تارونی

استپانوس تارونی مشهور به آسوقیک که اثر او موسوم به «تاریخ جهان» منبع مهمی برای بررسی تاریخ عمومی محسوب می‌شود، یکی از مورخان صاحب نام ارمنی در قرن یازدهم است. وی در اثر خود اساساً به شرح وقایع تاریخی مربوط به قفقاز، ایران و بعضی از کشورهای آسیای صغیر، خاورمیانه و نزدیک پرداخته است.^(۱)

▣ گریگور هاگیستروس

اثر ماگیستروس مورخ قرن یازدهم حاوی مطالب جالبی در باره اسطوره‌های ایرانی است و می‌تواند برای بررسی یک سلسله از مسائل فرهنگی ایران مفید واقع شود.

▣ ساموئل آنته‌تسی

آنته‌تسی تذکره‌نویس نامی ارمنی قرن دوازدهم در اثر خود موسوم به «کرونیکون» جدول زمانی تاریخ سلطنت شاهان ایران، بیزانس و ارمنستان را تنظیم کرده است که امکان تطبیق و تصحیح زمان وقوع حوادث تاریخی را میسر می‌سازد.

▣ گیراگوس گانزاکسی

گیراگوس گانزاکسی از مورخین نامی ارمنی قرن سیزدهم است که اثر وی تحت عنوان «تاریخ ارمنستان» برای مطالعه و بررسی تاریخ تهاجمات مغولها در خاورمیانه و نزدیک و همچنین بررسی دولت هلاکوخان دارای اهمیت

است. (۱)

▣ ایرانشناسان قرون ۱۲-۱۴

آریستاکس لاستیوردی (قرن ۱۲)، ماتئوس اورهای (قرن ۱۲)، وارتان آرولی (قرن ۱۳)، استپان اوریلیان (۱۳۰۴-۱۲۵۸) و دیگران از جمله مورخین ارمنی قرنهای ۱۲-۱۴ میلادی می‌باشند که در آثار آنها در مورد تاریخ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و حیات فرهنگی ایران و بطور کلی کشورهای خاورمیانه و نزدیک مطالب جالبی درج شده است.

▣ ایرانشناسان قرون ۱۴-۱۵

در قرون ۱۴-۱۵ میلادی که تیره‌ترین دوران تاریخ ارمنستان بشمار می‌آید، برخلاف دوره بعد از قرن پنجم تا قرن سیزدهم مورخین برجسته‌ای در ارمنستان پا به عرصه وجود نگذاشتند. آثار تاریخ‌نویسی و وقایع‌نگاریهای تألیف شده یا نسخه‌برداری شده در کانونهای فرهنگی مختلف ارمنستان در قرون میانی، مآخذ تاریخی مهمی، هم برای بررسی و تحقیق مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تاریخ ارمنستان و هم برای مطالعه وقایع تاریخی کشورهای خاورمیانه و در وهله اول ایران، بین‌النهرین و آسیای صغیر می‌باشند. از آنجا که این مآخذ به دست شاهدان عینی و مؤلفین معاصر نگاشته شده‌اند و انعکاس دهنده واقعیات آن دوره می‌باشند، دارای ارزش زیادی هستند. مآخذ مذکور ما را در تصحیح بسیاری از نکته‌های سؤال‌برانگیز و مسائل مبهم مربوط به تاریخ قرنهای ۱۴-۱۵ میلادی ایران و دوره بعد یاری می‌دهند.

▣ ایرانشناسان قرون ۱۶ تا ۱۷

تاریخ نگاران و دانشمندان ارمنی که در اواخر قرون میانی و در آستانه عصر

جدید می‌زیستند همچنان با علاقه و اشتیاق به مطالعه و تحقیق مسائل تاریخ ایران و فرهنگ مادی و معنوی این سرزمین می‌پرداختند.

همچنین یکی از مورخان برجسته سیمون آپارانی است که کتاب «فاجعه تصرف تبریز» را که ماخذ پرارزشی برای مطالعه تاریخ روابط ایران و عثمانی است نگاشته است. سیمون آپارانی خود از شاهدان عینی تصرف تبریز توسط عثمانیان در سال ۱۵۸۵ میلادی بوده و در باره این رویداد اطلاعاتی موثق ارائه کرده است.^(۱)

گفتنی است که از قرن هفدهم منابع ارمنی فراوانی برجای مانده است که در آنها اطلاعات قابل توجهی در باره ایران وجود دارد. علاوه بر آثار مربوط به تاریخ ولایات مختلف و آثاری که حکم تاریخ عمومی را دارند و در آنها به موازات پرداختن به تاریخ کشورهای اسلامی، جایگاه خاصی نیز برای تاریخ ایران در نظر گرفته شده است.

بطور کلی، قرن هفدهم از لحاظ کثرت منابع تاریخ‌شناسی قرن‌پربار برای ارمنستان بوده است. همزمان با آغاز نهضت روشنگری که با چهارمین دهه قرن هفدهم مقارن بود، تعدادی آثار تاریخ‌نگاری در ارمنستان نیز پدید آمد. در این آثار اکثریت قریب به اتفاق مؤلفین همچنان به مسائل مختلف تاریخ ایران پرداخته‌اند. این امر تصادفی نبود، زیرا در دوره مورد نظر، تاریخ بخش شرقی ارمنستان بطور ناگسستنی با تاریخ دولت صفوی وابستگی داشت و مؤلفین ارمنی طبیعتاً نمی‌توانستند وقایعی را که در کشور همسایه رخ می‌داد از نظر دور بدارند.

آراکل داوریتی بی‌شک برجسته‌ترین چهره تاریخ‌نگاری ارمنستان بشمار می‌رود. وی در اثر خود موسوم به «تاریخ» وقایع سالهای ۱۶۶۲-۱۶۰۱ را نوشته است.

با آنکه داوریتی اثر خود را به تاریخ ارمنستان اختصاص داده است ولی

بطرزی گسترده به شرح رویدادهای تاریخی ایران، دولت عثمانی و دیگر کشورهای همجوار نیز پرداخته است. در این اثر اطلاعات مفصلی در باره آتورپاتکان و عراق و ایران ذکر شده است.

بی شک «تاریخ» داوریزی بهترین منبع برای بررسی مسائل تاریخی قرن هفدهم ایران بشمار می رود. به همین علت در تاریخ نگاری ایران و علوم اروپایی جایگاه خاصی به آراکل داوریزی اختصاص داده شده است. به عنوان مثال نصرالله فلسفی تاریخ نگار ایرانی در اثر چهار جلدی خود موسوم به «زندگی شاه عباس اول» بطور گسترده از «تاریخ» داوریزی بهره گرفته و آن را منبعی غنی و موثق برای تاریخ قرن هفدهم ایران بشمار آورده است.^(۱)

در آثار تاریخ نگاری گریگور داراناقی و زاکاریا سارکاواگ یادداشت های زاکاریا آگولسی و همچنین سفرنامه آوگوستینیوس باجی که از مورخین قرن هفدهم ارمنی محسوب می شوند در باره حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران، جغرافی، مسائل نژادشناسی، شیوه زندگی، جنگهای ایران و عثمانی، روابط بازرگانی بین المللی ارمنه ایران و در نتیجه روابط اقتصاد خارجی ایران و همچنین در باره مناطق ارمنی نشین ایران و دیگر مسائل اطلاعات ارزشمندی ارائه شده است.

اثر دستنویس کوستاند جوقایی (جلفایی) موسوم به «آشخارهاژوقوو» که در انستیتوی نسخ خطی ماتناداران ایروان نگهداری می شود حاوی اطلاعات جالبی در مورد مسائل تاریخی و اقتصادی ایران در قرن هفدهم است. این منبع دارای مطالب متنوعی، بویژه در باره فعالیت های تجاری ارمنه ایران و نقش آنها در حیات اقتصادی و سیاسی دولت صفویه است.

در ارتباط با یادبودنویسی های نویسندگان و نسخه برداران آثار ارمنی قرن هفدهم باید گفت که در این نسخ خطی اطلاعات فراوانی در باره جنگهای پی در پی ایران و عثمانی، ویرانی و نابسامانی های اقتصادی ناشی از این جنگها و

اوضاع کشورهایی که تحت تبعیت سیاسی آن دو قرار داشتند درج شده است. پیشرفت اقتصادی ایران که در قرن هفدهم آغاز شده بود در اواخر آن سده و اوایل سده هجدهم، همراه با حیات سیاسی و فرهنگی کشور رو به زوال گرایید. ایران به صحنه درگیریهای مداوم بین خوانین میدل گردید. کار تجار و صنعتگران از رونق افتاد و در حیات فرهنگی رکودی طولانی برقرار شد.

ناهنجاریهای کلی در قرن هجدهم، تاریخ‌نگاری را نیز تحت تأثیر قرار داد. هر چند در این سده آثار متعددی از مورخین برجای مانده است، لیکن در آنها بیشتر به شرح رویدادها پرداخته شده است. بدیهی است که با در نظر گرفتن چنین شرایطی برای بررسی‌های علمی مسائل تاریخی ایران باید از منابع تاریخی دیگر ملتها از جمله منابع ارمنی بهره گرفت و باید گفت که منابع ارمنی در این میان جای ویژه‌ای دارند.

در این دوره مورخین ارمنی آثاری بوجود آورده‌اند که عمدتاً به ایران اختصاص دارد. اثر موسوم به «تاریخ ایرانیان» نوشته خاچاتور جوقایی (جلفایی) از جمله این آثار است. مؤلف در این اثر به شرح وقایع تاریخی از زمان کوروش تا عصر خود، یعنی تا مرگ کریمخان زند پرداخته و برای تألیف آن از نوشته‌های مورخین و تذکره‌نویسان ارمنی و همچنین از آثار وقایع‌نگاران و دیگر منابع ایرانی استفاده کرده است.

بخش دوم کتاب خاچاتور جوقایی که به تاریخ سلطنت کریمخان زند (۱۷۷۹-۱۷۵۸) اختصاص دارد از دیدگاه ایران‌شناسی دارای اهمیت ویژه‌ای است. مؤلف که خود در آن دوره می‌زیسته در باره این برهه از تاریخ پرآشوب ایران اطلاعاتی دقیق ارائه می‌کند.

یادداشتهای پتروس دی سارگیس گیلانی که از تاریخ‌نگاران جلفای اصفهان می‌باشد به شرح کامل رویدادهای تاریخی سقوط سلسله صفوی و اشغال ایران توسط افغانها اختصاص دارد. این اثر پرارزش گیلانی از لحاظ کثرت موارد مربوط به رویدادهای یاد شده و مستند بودن آنها شهرت بسزایی کسب کرده

است. (۱)

اثر **یسایی حسن جلالیان** جاثلیق آلبانیای قفقاز برای تحقیق در تاریخ قرن هجدهم ایران از اعتبار خاصی برخوردار است. این اثر بویژه می‌تواند برای بررسی علل از هم پاشیدگی اقتصاد ایران و سقوط سلسله صفوی مورد استفاده تاریخ‌شناسان قرار گیرد.

در آثار تاریخ‌نگاری ایران در قرن هجدهم مآخذ مربوط به تاریخ دوره حکومت نادرشاه و لشکرکشی‌های او از لحاظ کیفی و کمی، نسبتاً غنی است. از میان آنها دو اثر معروف به «تاریخ نادری» تألیف **میرزا محمد مهدی‌خان استرآبادی** و «تاریخ عالم‌آرای نادری» تألیف **محمد کاظم** از ارزش بیشتری برخوردارند. در کنار این آثار منابع ارمنی نیز حائز اهمیت می‌باشند. این منابع از لحاظ تنوع و مستند بودن وقایع همسنگ منابع ایرانی هستند.

کتاب **موسوم** به «تاریخ‌نگاری» نوشته **آبراهام کیرتی** جاثلیق ارمنه در صدر این گونه آثار قرار دارد. اطلاعات فراوانی که در این اثر وجود دارد بازگوکننده رویدادهای ارمنستان و ایران در سومین دهه قرن هجدهم است.

کیرتی همه آن مناطقی را که در اثر بحران اقتصادی، تجاوزات عثمانیان و جنگ ایران و عثمانی در اوایل سومین دهه قرن هجدهم، اوضاع آنها به وخامت گراییده بود یک به یک برشمرده و به تفصیل گزارشهایی از وضع این نواحی ارائه کرده است. مؤلف با ذکر موارد گوناگونی در باره قحطی، امراض و آگیردار، خودکامگی‌های حکام محلی و اوضاع نابسامان روستاییان، با موشکافی خاص به قیمت بعضی از محصولات کشاورزی اشاره می‌کند.

در اثر یاد شده، علاوه بر اطلاعات مربوط به اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران، در مورد شکل‌گیری ارتش فتودالی نادر و انواع سلاحهای مختلفی که ترکها و ایرانیها بکار می‌بردند اطلاعات ارزشمندی گزارش شده است. **نادرقلی خان** که درصدد بود حمایت روحانیون عالیرتبه و تجار ثروتمند

ارمنی را جلب کند، عنایت خاصی نسبت به جاثلیق ارامنه نشان می‌داد. آمده است که **آبراهام کِرتی** برای شرکت در گورولتای (مجمع) دشت مغان دعوت شده بود. جزئیات این گورولتای در کتاب **کِرتی** نقل شده است.

وقایع ذکر شده در اثر **کِرتی** به تاریخ‌نگاران کمک می‌کند تا به بررسی مسائل مهمی در ارتباط با **گرایش نادرشاه** نسبت به اقشار مختلف و تغییراتی که وی در نحوه توزیع مناصب عالی ایجاد کرده بود بپردازند و از مراسم درباری ایران و سلسله مراتب مقامات مختلف موجود در دستگاه دولتی اطلاعات ارزشمندی کسب کنند. گزارشهای **کِرتی** در مورد انتخاب **نادرشاه** مکملی است بر فرضیات گوناگونی که مؤلفین ایرانی و اروپایی ارائه کرده‌اند.

از دیگر آثار مورخین ارمنی در باره حکومت **نادرشاه** «تاریخ جنگها» تألیف **آبراهام ایروانی** و «لشکرکشی‌های **طهماسب‌قلی خان** و به سلطنت رسیدن وی» نوشته **هاکوب شاماخی** را می‌توان نام برد.

«دفتر خاطرات **آبراهام ایروانی**» که حاوی شرح ملاقاتهای جاثلیق ارامنه با **نادرشاه** در اچمیادزین است حائز ارزش خاصی است.^(۱)

همچنین کتابهای موسوم به «**جمیر**» نوشته **سیمئون ایروانی**، «**دیوان**» تألیف **یقیا کارینی موشقیان** و اثری به قلم **وارتان اوزنی** در باره لشکرکشی‌های ایران به **ماورای قفقاز** در سالهای ۱۷۹۷-۱۷۹۵ از منابع مهم تاریخ‌شناسی در زمینه بررسی وقایع مربوط به حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران در قرن هجدهم محسوب می‌شوند.

مطالب متعددی نیز در باره حیات اجتماعی، اقتصادی و تا حدودی حیات سیاسی قرن هجدهم ایران در اسناد آرشیوی ارمنی موجود است. بخشی از این اسناد انتشار یافته و در دسترس محققین گذاشته شده است.

در قرن هجدهم مترجمان ارمنی تعدادی از آثار شرق‌شناسان اروپای غربی در مورد **نادرشاه** و دولت او و بطور کلی در باره تاریخ ایران را به زبان ارمنی

برگرداندند که این امر گویای توجه خاص محافل علمی ارمنی نسبت به رویدادهای سیاسی کشور همسایه بوده است.

در قرنهای هفدهم و هجدهم، یعنی زمانی که تجار ارمنی با کشورهای جهان روابط گسترده‌ای داشتند و در واقع بین شرق و غرب به عنوان بازرگانان واسطه عمل می‌کردند، کشورهای اروپایی برای کسب اطلاعات دقیق در باره کشورهای شرق، می‌کوشیدند تا از گزارشهای تجار ارمنی استفاده کنند. برای مثال آمده است که تجار ارمنی تبار ایران که با کشور روسیه مناسبات تجاری فعالی داشتند در باره اقتصاد، تجارت، اوضاع سیاسی، آداب و رسوم محلی کشورهای ایران، هندوستان، آسیای جنوب شرقی و ترکیه عثمانی اطلاعاتی غنی در اختیار «پوسولسکی پریکاز» که هسته اولیه وزارت خارجه روسیه بود می‌گذاشتند.

بدین ترتیب، با ارزیابی جایگاه و نقش منابع و مآخذ ارمنی در بررسی مسائل دوره‌های مختلف تاریخ ایران می‌توان به اهمیت انکارناپذیر این گونه آثار پی برد. دانشمندان اروپایی و محققین ایرانی که از آغاز قرن نوزدهم به مطالعه و بررسی منابع ارمنی پرداخته‌اند پذیرای این واقعیت شده‌اند.

در نظر دانشمندان خارجی ارزش منابع ارمنی تنها در تنوع مطالب آن نیست بلکه علت واقعی توجه خاص آنان نسبت به آثار مورخین و تذکره‌نویسان ارمنی آن است که منابع ارمنی در مورد بعضی از مسائل تاریخی کشورهای مشرق زمین منحصر به فرد می‌باشند. علاوه بر این، نتیجه بررسی‌های متعددی که به شیوه تحقیق تطبیقی صورت پذیرفته، نشانگر آن است که اکثریت قریب به اتفاق منابع ارمنی معتبر و مستند هستند.

بنابر این، به جرأت می‌توان مدعی شد که ایران‌شناسی در بین ارامنه از اعماق قرون سرچشمه گرفته و منابع ارمنی مطالبی بسیار مستند و موثق در اختیار شرق‌شناسان عصر حاضر قرار می‌دهند.^(۱)

▣ آبراهام یروانتسی^(۱)

تاریخ‌نگار ارمنی که وقایع تاریخی سالهای ۱۷۲۱ - ۱۷۳۶ را، که در برگیرنده شورش افاغنه تا به سلطنت رسیدن نادرشاه بود، نگاشته است. این اثر منبع با ارزشی در زمینه تاریخ مناسبات ترکیه و ایران و تاریخ کشورهای ارمنستان، گرجستان و آذربایجان است. نسخه دستنویس این کتاب در کتابخانه مختاریان - بخش ماتاداران - و شهر ونیز محفوظ است. این اثر را اول بار بخش مطالعات ارمنی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی به چاپ رساند.

▣ آبراهام کرناتسی

در سال ۱۷۳۷ در شهر گاندی در جزیره کُرت به دنیا آمد. از ۱۷۳۴ تا پایان عمر اسقف اعظم ارامنه بود. وی از ادبای بزرگ ارمنی و از معتمدان و مشاوران نادرشاه افشار بود و در دشت مغان و قفقاز همیشه با وی و رجال بزرگ ایران ارتباط داشت. او خاطرات خود را درباره شخص نادر و دربار ایران و شجاعت سربازان ایرانی به تفصیل نوشته است. این یادداشتها با عنوان تاریخ‌نگاری، حاوی اسناد و مطالب معتبری درباره جنگهای ایران و عثمانی، شرایط سیاسی و اقتصادی ارمنستان، سفر به کشورهای همجوار طی سالهای ۱۷۳۴-۱۷۳۶ و ملاقاتهای مکرر او با نادرشاه است. این اثر نخستین بار در سال ۱۷۹۶ در کلکته و سپس در سال ۱۸۷۰ در ارمنستان و دیگر بار در سال ۱۹۷۳ با ترجمه روسی به چاپ رسیده است. همچنین به همت استیفان ماناتیان و عبدالحسین سپنتا شاعر و روزنامه نویس اصفهان به فارسی و به همت برسن به فرانسه ترجمه و منتشر شده است.

1- Abraham, Yerevantsi [Yerevantsi äbrähäm]

□ گئورگ ترهوانسیان (گئورگ دبیر پالاتی)

گئورگ ترهوانسیان (گئورگ دبیر پالاتی) (۱۸۱۲-۱۷۳۷) از پیشگامان علم شرق‌شناسی و ایرانشناسی در ارمنستان است. گنجینه ادبی پر ارزشی که از او بر جای مانده در تاریخ شرق‌شناسی ارمنی منحصر بفرد است. از جمله آثار علمی ارزشمند گئورگ ترهوانسیان فرهنگ فارسی - ارمنی است که در نوع خود اولین و اثرنامه محسوب می‌شود. از خصوصیات این فرهنگ آن است که در آن در مورد خدایان باستان، افسانه‌ها، امثال و حکم و قهرمانان اساطیری ایران اطلاعات فراوانی درج شده است. در این اثرنامه برای هر واژه مفاهیم مختلف داده شده است. افزون بر آن، نمونه‌هایی نیز از اشعار شاعران کلاسیک ایران به زبان فارسی و با حروف ارمنی معرفی گردیده که در نوع خود بی‌نظیر است. به عنوان مثال، در این اثرنامه برای اولین بار ترجمه آثاری از سعدی به زبان ارمنی عرضه شده است.

گئورگ ترهوانسیان همچنین به تدوین کتابهای درسی زبانهای فارسی و عربی، کتاب دستور زبان فارسی و یک رشته کتابهای تاریخ‌شناسی همت گماشته است. او به کار ترجمه نیز پرداخته است. «کتاب سنگهای قیمتی» یکی از ترجمه‌های اوست که حاوی اطلاعات فراوان در باره واحدهای اندازه‌گیری و اوزان در ایران، سنگهای قیمتی و سکه‌ها و غیره می‌باشد. مؤلف کتاب حسین بن طوسی است. ترجمه دیگر او «کلید ستارگان» نام دارد که تألیف عبدالعزیز بن عبدالرحمن تبریزی ستاره‌شناس و تقویم‌شناس ایرانی در قرن پانزدهم است.

بدین سان، گئورگ ترهوانسیان در اواخر قرن هجدهم، ایرانشناسی نوین را در میان ارمنیان پایه‌گذاری کرد و زمینه را برای پیشرفت آن در قرن نوزدهم آماده ساخت.

در سده نوزدهم یعنی هنگامی که شرق‌شناسی و از آن جمله ایرانشناسی در اروپا به نحوی بی‌سابقه سیر صعودی داشت، ایرانشناسی ارمنی نیز همگام با این اوج‌گیری، با تکیه بر گنجینه غنی دوره‌های گذشته، تعدادی آثار پرارزش را که

در عرصه بررسی‌های تاریخی، ادبی و فرهنگی ایران سهمی بارز داشته‌اند، منتشر کرد.

پیشرفت بی‌سابقهٔ ارمنی‌شناسی نیز به امر توسعه و گسترش ایران‌شناسی ارمنی کمک شایانی کرد. علت این امر وجود پیوندهای تنگاتنگ بین تاریخ ارمنستان و تاریخ همسایهٔ دیرین خود، ایران بود که در نتیجه، در زمینهٔ مطالعهٔ مراحل مختلف حیات تاریخی این دو کشور می‌بایستی مشترکات ارمنستان و ایران در نظر گرفته می‌شد. تصادفی نیست که در قرن نوزدهم به دنبال پیشرفت شرق‌شناسی جهانی، شرق‌شناسان اروپایی نیز به مطالعه و بررسی تاریخ ارمنستان و منابع ارمنی علاقهٔ خاصی نشان دادند.^(۱)

■ مسروپ تاقیادیان

مسروپ تاقیادیان (۱۸۵۸-۱۸۰۳) روشنفکر و دانشمند برجستهٔ ارمنی یکی دیگر از پیشگامان ایران‌شناسی ارمنی است. آثار پرارزشی که از این دانشمند به ارث رسیده جایگاه ویژه‌ای در پیشرفت علم و فرهنگ ملی ارامنه در نیمهٔ اول قرن نوزدهم دارد. **تاقیادیان** به عنوان شرق‌شناس نسبت به تاریخ و فرهنگ ایران و هندوستان توجه خاص داشت. اثر او موسوم به «تاریخ ایران» نخستین تجربهٔ یک محقق ارمنی در راستای بررسی تحلیلی تاریخ ایران محسوب می‌شود. این کتاب مبسوط در برگرفتهٔ دورهٔ اسطوره‌ای تا عصر جدید تاریخ ایران است. **تاقیادیان** در این کتاب علاوه بر بهره‌گیری از منابعی که در اختیار داشته نظریات شخصی خود را نیز همراه با جمع‌بندیهای همه‌جانبه به تاریخ‌شناسان ارائه کرده است. وی در اثر دیگری موسوم به «خاطراتی از سفر به ایران زمین» نظریاتی کاملاً بدیع و جالب در بارهٔ خدایان باستان ایرانی ارائه می‌دهد و سعی می‌کند تا به عمق بعضی از مسائل اجتماعی - سیاسی، نژادشناسی و فرهنگی ایران راه یابد.

۱- بایوردیان: «ایران‌شناسی در منابع ارمنی»، ص ۶۱-۵۹.

در اوایل قرن نوزدهم یعنی زمانی که تزار روسیه سیاست گسترش در شرق را فعالتر کرد، توجه محافل روسی نسبت به شرق‌شناسی و مشرق‌زمین ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. بی‌شک آن عده از روشنفکران ارمنی نیز که در مراکز علمی و فرهنگی روسیه فعالیت می‌کردند به جرگه بانیان این جنبش نو پیوستند. عده زیادی از متفکرینی که ارمنی‌شناسی را پیشه خود کرده بودند هر کدام به فراخور امکانات خویش به مسائل ایران‌شناسی، ترک‌شناسی و غیره می‌پرداختند. در عین حال کسانی هم بودند که صرفاً به تحقیق و بررسی در زمینه مسائل مختلف شرق‌شناسی اشتغال می‌ورزیدند.

لازم به ذکر است که ایران‌شناسان ارمنی از همان بدو کار بهترین سستهای شرق‌شناسی روسی را به ارث بردند.

مدرسه عالی لازاریان که در سال ۱۸۱۵ در مسکو تأسیس شده بود نقش عمده‌ای در پیشرفت شرق‌شناسی ارمنی ایفا کرده است. نقش بارز این کانون علمی در پیشرفت شرق‌شناسی روسی نیز غیرقابل انکار است.

در قرن نوزدهم ایران‌شناسان برجسته‌ای چون *استپانوس نازاریان*، *کرویه پاتکانیان*، *کاراپت یزیان*، *گریگور خالاتیان*، *مکرتیچ امین* و دیگران پا به عرصه وجود گذاشتند. آثار این ایران‌شناسان ارمنی، دیگر جنبه تشریحی نداشت، بلکه آنان در نگارش آثار خود از شیوه تطبیقی استفاده می‌کردند.^(۱)

▣ استپانوس نازاریان

او در دهه چهارم قرن نوزدهم ریاست یکی از مراکز عمده شرق‌شناسی روسیه یعنی کرسی شرق‌شناسی دانشگاه غازان را به عهده داشت. زمانی که *استپانوس نازاریان* در دانشگاه غازان و مدرسه عالی لازاریان روسیه به تدریس زبانهای شرقی می‌پرداخت، به امر تعلیم و تربیت کادرهای شرق‌شناسی روسی نیز توجه خاصی نشان می‌داد.

وی در طول سالهای درازی که دست‌اندرکار فعالیت‌های علمی بود، به تحقیق و مطالعه در زمینه مسائلی مختلف ایرانشناسی نیز پرداخت و کتبی را به زیور طبع آراست که از میان آنها می‌توان به رساله‌ی وی برای دریافت درجه‌ی استادی در زبان و ادبیات ارمنی و فارسی و رساله‌ی دکترای او در زمینه‌ی شاهنامه‌فردوسی و اثر عملی‌اش در مورد گلستان سعدی اشاره کرد.

از ویژگی‌های استپانوس نازاریان در عرصه‌ی ایرانشناسی دیدگاه‌های مترقیانه و جمع‌بندی‌های عمیق علمی اوست. نازاریان با انتشار نتایج مطالعات خود در باره‌ی شاهنامه‌فردوسی، در واقع فردوسی‌شناسی علمی را در میان ارمنیان پایه‌گذاری کرد. این اثر گامی مهم در عرصه‌ی ایرانشناسی روسی نیز محسوب می‌شود. در حقیقت این اثر اولین کتابی بود که برای محافل علمی روسیه امکان آشنایی با آثار فردوسی را فراهم آورد و تا مدت‌های مدید بهترین اثر تحقیقاتی در باره‌ی شاهکار شاعر ایرانی بشمار می‌رفت.

نازاریان اولین مُبلِّغ نظم کلاسیک فارسی در محافل روسی بوده است. او اولین ترجمه‌ی روسی گلستان را به زبان فارسی و حواشی مربوط به آن را به زبان ترکی مورد مطالعه قرار داده و مدت‌ها وقت خود را صرف تألیف این اثر کرده بود. وی بهترین نمونه از نسخه‌های متعدد گلستان سعدی را برای مطالعه برگزیده بود و بدین جهت ترجمه‌ی او به متن اصلی نزدیکتر و اصیل‌تر است.

وی همچنین در مجله‌ی «هیوسیساپایل» که به اهتمام خود او منتشر می‌شد مقالاتی در باره‌ی آثار شعرای کلاسیک ایران مانند جامی، سعدی، جلال‌الدین رومی و دیگران انتشار داده است.^(۱)

□ مکر تیچ ایمن

مکر تیچ ایمن (۱۸۹۰-۱۸۱۵) یکی دیگر از ارمنی‌شناسان و شرق‌شناسان ارمنی است که در عرصه‌ی ایرانشناسی خدمات ارزنده‌ای انجام داده است. وی که

عمر خود را عمدتاً وقف پیشرفت ارمنی‌شناسی کرده در بعضی از آثار خود که به تاریخ و ادبیات کهن ارمنی اختصاص دارند مسائل متعددی را نیز که با تاریخ و فرهنگ عهد کهن ایران ارتباط حاصل می‌کنند مورد بررسی قرار داده است. برای مثال، امین در اثر خود موسوم به «اساطیر ارمنستان کهن» بخشی از کتاب «تاریخ ارمنستان» موسی خورنی را تحت عنوان «افسانه‌های ایرانی» و همچنین بخش مربوط به ضحاک از شاهنامه فردوسی را از دیدگاه زیان‌شناسی مقایسه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. مؤلف با مقایسه این آثار به یک رشته جمع‌بندی‌های علمی دست یافته است.

مقاله «مادها در ارمنستان باستان» نیز که به قلم امین است از نظر ایران‌شناسی دارای اهمیت بسیار است. نامبرده در این مقاله با اشاره به تفسیر واژه «اژدها» که توسط ژول اوپرتی خاورشناس فرانسوی ارائه شده به تحلیل مناسبات و تأثیرات متقابل مادها و آرامنه پرداخته است. مؤلف همچنین تاریخ مناطق مادشین ارمنستان را تحت بررسی قرار داده و بدین ترتیب سندیت اطلاعاتی را که موسی خورنی نقل کرده به اثبات رسانده است.^(۱)

▣ گروه پاتکانیان

پاتکانیان (۱۸۸۹-۱۸۳۳) نیز از برجسته‌ترین چهره‌های ایران‌شناسی در بین ارمنیان محسوب می‌شود. انتشار اثر او موسوم به «نگاهی بر تاریخ سلسله ساسانی بر اساس منابع ارمنی» در محافل شرق‌شناسی روسیه با استقبال بی‌نظیری روبرو شد و شهرت زیادی برای وی به ارمغان آورد. این اثر که بعدها به زبان فرانسه نیز ترجمه شد، توجه شرق‌شناسان اروپایی را به خود جلب کرد. پاتکانیان نه تنها تاریخ ایران در دوره ساسانی را با ارزیابی‌ها و تحلیل‌های ویژه خود تقدیم شرق‌شناسان اروپایی کرد، بلکه گنجینه‌ای از منابع بسیار جالب یعنی اسناد قرون میانی ارمنی را در مورد تاریخ ساسانیان که تا آن موقع برای

اروپاییان غیرقابل حصول بود، در دسترس آنان قرار داد. مؤلف قبل از انتشار این اثر (که در ضمن رساله علمی وی برای کسب درجه استادی هم بود) در اروپا به عنوان متخصصی ماهر و با تجربه در معرفی منابع ارمنی شهرت بسزایی داشت. وی در سال ۱۸۶۰ در سفر به اروپا و بازدید از شهرهای ونیز، مونیخ، پاریس و وین دستنویسهای زیادی را به زبان ارمنی گردآوری کرده و با ارمنی‌شناسان و شرق‌شناسان نامی اروپا آشنا شده بود.

پاتکانیان پس از بازگشت از این سفر علمی به انتشار فهرست منابع ارمنی به زبان فرانسه همت گماشت و با این عمل محافل علمی را با ادبیات کهن ارمنی آشنا کرد. وی به پژوهشهای خود در این زمینه ادامه می‌داد. بعدها نیز آثار پسرارزشی را که حاوی اطلاعات جالب و ارزنده برای شرق‌شناسان و ارمنی‌شناسان اروپایی بود منتشر کرد.

بطور کلی باید گفت که پاتکانیان در آثار علمی خود بیشتر به معرفی منابع ارمنی و ارائه ترجمه‌های روسی آنها توجه خاص نشان داده است. این ایران‌شناس نامی در سال ۱۸۷۰ خاطرات پطروس دی‌سارگیسی گیلانی را به زبان روسی انتشار داد که این اثر بهترین مأخذ برای بررسی تاریخ لشکرکشی‌های افغانها به اصفهان و سقوط شهر در سال ۱۷۲۲ بشمار می‌رود.

اثر پاتکانیان تحت عنوان «نظری اجمالی به تاریخ ایران تا حمله اعراب» از نظر عمق و محتوای مسائل و تنوع مطالب از آثار مهم وی بشمار می‌رود. مطالب مستند این اثر امروز هم مورد استفاده محققین قرار می‌گیرد. با ارزیابی خدمات پاتکانیان در عرصه ایران‌شناسی باید گفت که این تاریخ‌نگار به پیشرفت شرق‌شناسی و بویژه ایران‌شناسی نوین در میان ارمنیان کمکهای شایانی کرده است و به جرأت می‌توان او را برجسته‌ترین چهره ایران‌شناسی ارمنی در قرن نوزدهم نامید.

این ارمنی‌شناس و شرق‌شناس شهیر در سال ۱۸۸۴ به عنوان عضو وابسته آکادمی علوم روسیه انتخاب شد. گفتنی است که در روسیه تزاری تنها عده معدودی از اقلیتهای ملی می‌توانستند به عضویت آکادمی علوم درآیند. نامبرده

سالها در دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه پترزبورگ به تدریس تاریخ ایران مشغول بود. شرق‌شناسان معاصر از خدمات ارزنده وی در این عرصه تقدیر به عمل آوردند. *بارتولد* ایرانشناس مشهور روس به همین مناسبت چنین نوشته است: «پس از مرگ *پاتکانیان* مدت زیادی در کار تدریس تاریخ ایران در دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه پترزبورگ وقفه حاصل شد».

به دنبال مرگ او و پس از وقفه‌ای که در کار تدریس تاریخ ایران بوجود آمده بود سرانجام *بارتولد* در سال ۱۹۰۱ تدریس تاریخ و جغرافیای نظری ایران را در دانشگاه پترزبورگ تقبل کرد.^(۱)

□ کارپیت یزیان

انتشار اثر موسوم به «مناسبات پتر کبیر با ملت ارمنی» به قلم *کارپیت یزیان* (۱۹۰۵-۱۸۳۵) پدیده‌ای چشمگیر در عرصه ایرانشناسی محسوب گردید. انتشار این اثر گامی مهم، هم در زمینه مطالعه روابط بین ارمنستان و روسیه و هم در زمینه بررسی مناسبات سیاسی میان روسها و ایرانیان در قرنهای ۱۸-۱۷ بشمار می‌رود. اثر تحقیقی یاد شده بر اساس اسناد و مطالب آرشیوی غنی روسیه و اروپای غربی نگاشته شده است، لذا در مورد موضوع مورد نظر مطالب بسیار جالب و مستند ارائه می‌کند. اهمیت این اثر از دیدگاه ایرانشناسی در آن است که مؤلف به تفصیل به بررسی مسائل سیاست داخلی و خارجی دولت صفویان از آغاز حکومت *شاه عباس اول* تا سلطنت *شاه سلطان حسین* و به تحلیل جنگهای عثمانی و ایران در قرن هفدهم پرداخته و به سیاست دول اروپای غربی در کشورهای خاورمیانه و نزدیک، بویژه ایران اشاره کرده است. از سوی دیگر این اثر به صورت همه جانبه و با عمق هر چه بیشتر سیاست شرقی *پتر اول* و مناسبات بین روسیه و ایران را بازگو می‌کند.

کتاب *کارپیت یزیان* از لحاظ بررسی‌های مسائل یاد شده پدیده‌ای مهم در

عرصهٔ ایران‌شناسی روسی و جهانی محسوب می‌شود. این کتاب بلافاصله پس از انتشار به محافل علمی جهانی راه یافت و تا مدتی مدید به عنوان بهترین اثر در مورد روابط بین روسیه و ایران، مورد استفاده محققین قرار می‌گرفت. این اثر با وجود نارسایی‌هایی که در آن وجود دارد هنوز هم ارزش خود را حفظ کرده است.

کاراپت یزیان که سالیان درازی در وزارتخانه آموزش عمومی امپراطوری روسیه مشغول به کار بود در منصب‌های حساسی انجام وظیفه می‌کرد. وی به پیشرفت ایران‌شناسی در مؤسسات آموزش عالی روسیه کمک شایان کرده است. نامبرده در عرصه‌های شرق‌شناسی روشی نیز مشارکت فعال داشته است. **کاراپت یزیان** در کنفرانس‌های بین‌المللی به نمایندگی از سوی دولت روسیه شرکت جسته و گزارش‌های ارزشمندی را ارائه کرده است.

■ **گریگور خالاتیان**

خالاتیان (۱۹۱۲-۱۸۵۸) ارمنی‌شناس و شرق‌شناس معروف در مدرسهٔ عالی لازاریان تحصیل کرد و سپس از دانشکدهٔ تاریخ و فیلولوژی مسکو فارغ‌التحصیل گردید. وی در آثار ارمنی‌شناسی خود به تاریخ ایران و مسائل مربوط به مناسبات ارمنیان و ایرانیان نیز توجه خاصی معطوف داشته است. برای مثال **خالاتیان** در اثر خود موسوم به «قهرمانان ایرانی در بین آرامنه» به صورتی همه‌جانبه این مسئله را که تا چه اندازه حماسه‌ای ایران بر اساطیر ارمنی تأثیرگذار بوده‌اند و تا چه حد ارمنیان حماسه‌های خود را از ایرانیان اقتباس کرده‌اند مورد بررسی قرار داده است. **خالاتیان** برای نیل به این منظور مطالب فولکلوریک بعضی از بخش‌های ارمنستان مانند آپاران، کوقب و وان را گردآوری کرده و پس از یک رشته تحلیل‌های علمی جالب، تأثیر حماسه‌های ایرانی بر فولکلور بخش‌های یاد شدهٔ ارمنستان را نشان داده است.

خالاتیان با اشاره به روابط ادبی - فرهنگی بین ارمنیان و ایرانیان و تأثیرات متقابل این دو ملت چنین می‌نویسد:

«همسایگی دیرینه با ایران تأثیرات عمیقی بر ارمنیان داشته است. این تأثیرات در زبان ارمنی قدیم (گرابار) و بویژه در زبان معاصر ارمنی محسوس است. از طرف دیگر مشرق زمین از طریق ایران دروازه‌های باغ اسرارآمیز خود را بر روی ارمنیان گشوده و آنان را به دنیای قصه‌ها که تخیلات بشری در دامن طبیعت پربار شرقی آن به صورتی معجزه‌آسا شکوفا می‌شوند، فرا می‌خواند. حماسه‌های قهرمانان نامی ایران بر تخیلات ارمنیان که نزدیکترین همسایگان ایرانیان بودند به سهولت می‌توانست تأثیر بگذارد.»

کتاب **خالاتیان** تحت عنوان «نظری اجمالی به تاریخ ارمنستان در ارتباط با جریان‌ات کلی رویدادهای آسیای مقدم» از دیدگاه ایرانشناسی دارای اهمیت ویژه‌ای است. از دیگر آثار او تحقیقی است در زمینه اساطیر و حماسه‌های ایرانی بر مبنای نوشته‌های گریگور ماگیستروس مورخ نامی ارمنی در قرن یازدهم.

بدین ترتیب، شرق‌شناسان ارمنی که در مراکز علمی روسیه مشغول بکار بودند نه تنها به امر پیشرفت علم شرق‌شناسی ارمنی کمک می‌کردند بلکه زمینه مساعدی را نیز جهت پیشرفت خاورشناسی برای خود روسیه فراهم می‌کردند. بارتولد در این باره چنین نوشته است: «در امر اشاعه نظریات علمی در روسیه و بعدها در امر تصحیح و تطبیق مسائل علمی بر اساس روشهای موجود در اروپا، دانش روسیه مدیون دانشمندانی است که اصل و نسب ارمنی و گرجی داشته‌اند.»^(۱)

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم پژوهندگان، دایره مطالعات ایرانشناسی را هر چه بیشتر گسترش دادند و بویژه به تحقیق و تتبع در مسائل مشخص تاریخ و حیات معنوی و مادی ملت ایران توجه خاص مبذول داشتند. ایرانشناسان ارمنی نیز از این قاعده کلی مستثنی نبودند، بطوری که آثار تحقیقی آنان بتدریج کیفیت تازه‌ای بدست آورد. آنان با سود جستن از تجربه ایرانشناسان

روسی که از ربع آخر قرن نوزدهم در راستای مطالعات روابط اجتماعی - اقتصادی و تعالیم عقیدتی ایران به پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای دست یافته بودند، با جدیت خاصی به تحقیق در مسائل مربوط به حیات داخلی ایران، پیشرفت اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و ایدئولوژی فلسفی - عقیدتی این کشور همت گماشتند. اثر موسوم به «روابط اجتماعی - اقتصادی در ایران» تألیف تیگراف نمونه بارزی از این قبیل مطالعات است. مؤلف این کتاب شخصاً به ایران سفر کرده و در باره روابط اجتماعی و اقتصادی این کشور مطالبی را جمع‌آوری کرده بود. وی فرآیندهای اساسی پیشرفت و دورنمای اوضاع اقتصادی ایران را در اواخر قرن نوزدهم بخوبی تشریح کرده و تصویر جامعی از ساختارهای اجتماعی - اقتصادی ایران ارائه داده است. این کتاب حاوی اطلاعات ارزشمندی در مورد وضع کشاورزی ایران در قرن نوزدهم می‌باشد. کتاب موسوم به «منافع اقتصادی روسیه در ایران» اثر تیرفوکاسیان نیز از نقطه نظر مطالعات روابط تجاری و اقتصادی ایران دارای ارزش بسزایی است. این کتاب به ماهیت مناسبات اقتصادی روسیه و ایران و قانونمندیهای پیشرفت مناسبات تجارت خارجی ایران در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اختصاص یافته است.

□ سرکیس جانبازیان

سرکیس جانبازیان به سال ۱۲۹۱ در شهر «باتوم» پا به عرصه وجود گذاشت. وی بعدها به لنینگراد رفت و دوره آموزشی تربیت بدنی را تحصیل نمود و همزمان با آن به آموزش باله و رقص‌های ملی پرداخت. او در حدود سال ۱۳۱۵ به ایران آمد و بعد از چندی هنرستان باله را افتتاح کرد. وی یکی از اولین پایه‌گذاران هنر باله و رقص در ایران می‌باشد.

از آغاز تأسیس انجمن فرهنگی ایران و شوروی (سابق) از اعضای وفادار آن بود و مکرر در مراسم جشنها و سالگردهای بزرگ برنامه‌های مخصوص ترتیب می‌داد. وی چندین بار در انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی سابق در

برنامه‌های هنری شرکت کرد. او در سال ۱۳۴۲ در اثر سگته قلبی دنیا را وداع گفت.^(۱)

▣ خاچاتور آبودیان

او در ۱۶ اکتبر سال ۱۸۰۵ در دهکده کاناگیر (ارمنستان) به دنیا آمد و از سال ۱۸۱۹ تا ۱۸۲۲ در مدرسه کلیسای اچمیادزین و از سال ۱۸۲۴ تا ۱۸۲۶ در مدرسه فرسیسیان تفلیس به تحصیل پرداخت و زبان فارسی را در این مدرسه آموخت. وی در سال ۱۸۳۶ از دانشگاه دورپات فارغ التحصیل شد. او به زبانهای آلمانی، فرانسه، انگلیسی، روسی و لاتینی آشنایی داشت. وی در سال ۱۸۳۷ سرپرست مدرسه تفلیس گردید و در ۱۸۴۳ با همین سمت به ایروان منتقل شد. آثارش در ادبیات ملی ارمنی دارای اهمیت بود و به همین لحاظ این آثار پس از چندی به ایروان منتقل شد. آبودیان جنگهای آزادیخواهانه ارامنه را در دوران جنگهای ایران و روس (۱۸۲۶-۱۸۲۸) در آثار خود به تصویر کشیده است. سرانجام آبودیان در سال ۱۸۴۸ دارفانی را وداع گفت.

▣ آوتیک ایسهاکیان

شاعر و داستانسرای توانای ارمنی که بر ادبیات فارسی ایران و شاعران ایرانی اشراف داشته است. وی متولد ۱۸۷۵ در شهر الکساندرآپل ارمنستان (گومری کنونی) بود. در عرصه ادبیات ارمنی، آوتیک ایسهاکیان بیش از همه مجذوب فلسفه، فرهنگ و ادیان شرق بود. شرق کهن برای او چشمه پایان‌ناپذیر حکمت و آیین جادویی هستی انسان بود. آیین بودا، فلسفه چین باستان و هند و فرهنگ لطیف مردمی آنها، آثار و اندیشه‌های اندیشمندان بزرگ جهان و سرنوشت غالباً تلخ آنان مضامین بسیاری از افسانه‌ها، حکایات و منظومه‌های ایسهاکیان را تشکیل می‌دهند. در این آثار او با استادی تمام به تجسم موضوعات مورد

۱- «سرکیس جانبازیان» پیام نوین، س ششم، ش ۳، دی ۱۳۴۲، ص ۹۶.

علاقه‌اش یعنی انساندوستی، از خودگذشتگی، همدردی با بینوایان و نیز نجات بشر از طریق خودشناسی و رسیدن به درجات متعالی تکامل انسانی پرداخته است. **ایساک‌کیان** در منظومه معروف خود به نام «ابوالعلا معری» اعتراض پراحساس و شاعرانه خود را به جهانیان اعلام داشته است.

فرهنگ پربرابر ایران و چهره‌های جاویدان آن در روح و قلب وی، انعکاس عمیق یافته است. شاعر، در حکایات «مناظره عمر خیام با پروردگار» و «آخرین بهار سعدی» با برداشت از زندگی شاعران بزرگ ایرانی، تفکرات، اندیشه‌ها و فراز و نشیب‌های احوال خود را بیان داشته است.

آوتیک ایساک‌کیان در باره تاریخ، اساطیر و ادیان شرق باستان تفکر بسیار کرده است. وی در یکی از یادداشتهای خود که در حدود یکصد سال پیش به سال ۱۸۹۶ نگاشته اشاره‌هایی دارد به اینکه **حضرت عیسی (ع)**، زرتشت، بودا، **لائوتسه و کنفوسیوس، موسی (ع) و سقراط** مورد ستایش عمیق او هستند. او در همان سال نوشته است: «محمد (ص)، عیسی (ع) و موسی (ع) همانا یک نفرند».

در مطالعات شرقی **ایساک‌کیان**، قرآن، کتاب مقدس مسلمانان دارای مقام ممتازی بوده است. این موضوع را وی در یک نقد کوتاه، به مناسبت ترجمه قرآن به زبان ارمنی، در شماره ۲۳۴ نشریه هوریزون (افق) به تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۱۰ مطرح کرده است. این مقاله که در حدود هشت دهه پیش به چاپ رسیده گمان می‌رود هنوز هم تازگی خود را حفظ کرده است و بیانگر نظر متفکر بزرگ ارمنی در مورد کتاب مقدس مسلمانان است.^(۱)

▣ آرشاک آتایان^(۱)

وی در ۲۰ ژوئن سال ۱۸۷۷ در دهکدهٔ تاقلار برزگ^(۲) (ارمنستان) به دنیا آمد. آقای آتایان تحصیلات خود را در اچمیادزین و تفلیس به پایان رسانید. وی از سال ۱۸۹۵ سرودن شعر را نیز آغاز کرد سپس به سلماس و نواحی اطراف آن سفر کرد و حاصل مطالعات خود را در سال ۱۹۰۶ به رشتهٔ تحریر در آورد. آقای آتایان در همدان و جلفای نو به تدریس پرداخت و در سال ۱۹۲۲ به ارمنستان بازگشت، ایشان همچنین ترجمه‌هایی از آثار ماکسیسم‌گورکی به زبان ارمنی دارد و یکی از تألیفاتش در سال ۱۹۲۱ در تهران و در سال ۱۹۲۲ در اسکندریه به صورت تئاتر به روی صحنه آمد. دو اثر عمدهٔ این ایرانشناس «سلماس» در سال ۱۹۰۶^(۳) و «رباعیات عمرخیام» در سال ۱۹۲۱^(۴) است. وی سرانجام در سال ۱۹۳۷ دارفانی را وداع گفت.

▣ روبن آبرلمیان^(۵)

او در ۲۱ فوریه ۱۸۸۱ در ارمنستان تولد یافت و در سال ۱۹۱۱ از دانشکدهٔ زبانهای شرقی دانشگاه پترزبورگ فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۹۲۵ با نگارش پایان‌نامه‌ای تحت عنوان گویشهای فارسی یهودیان اصفهان و همدان، به دریافت درجهٔ دکتری علوم زبان‌شناسی نایل آمد. از ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۰ در تفلیس و از ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۶ در ایران به تدریس اشتغال داشت. آبرامیان در سال ۱۹۳۵ کرسی زبانهای باستانی ایران و زبان پهلوی را در

1-Arshak Atayan

۲- هم اکنون در قراباغ کوهستانی در حومهٔ هادروت قرار دارد.

3- «Salmast», 1906

۴- فرهنگ خاورشناسان، جلد ۱، ص ۶۰-۵۹.

5- Abramian, Rouben [ruben äbräniyän]

دانشگاه تهران پایه‌گذاری کرد و در ۱۹۴۶ به ارمنستان بازگشت. وی سالها استاد دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه ایروان و کارمند علمی دانشگاه زبان ارمنستان شوروی بود و در زمینه ایران‌شناسی، تاریخ، زبان‌شناسی ایرانی و تدوین فرهنگ به تحقیق پرداخت و به ترجمه متون پهلوی به زبان ارمنی و نیز به ترجمه برخی از اشعار باباطاهر و فردوسی از فارسی به ارمنی همت گماشت. این ایران‌شناس برجسته در ۲۶ اکتبر ۱۹۵۱ در ارمنستان درگذشت.
از آثار وی:

- رباعیات باباطاهر عریان همدانی (به زبان ارمنی)، ۱۹۳۰.
- فردوسی و شاهنامه او (به زبان ارمنی)، ۱۹۳۴.
- گویشهای فارسی یهودیان اصفهان و همدان (پایان نامه دکتري)، ۱۹۳۵. (۱)
- کتاب آموزش زبان پهلوی (به زبان فارسی)، ۱۹۳۷. (۲)
- اشعار سایات نوا (مقدمه، تحقیق در زبان، واژگان و حاشیه نویسی؛ به زبان ارمنی)، ۱۹۴۳. (۳)
- روش خواندن کلمات ناشناخته ارمنی گرفته شده از زبان پهلوی (به زبان ارمنی)، ۱۹۴۸. (۴)

1-Dokt. diss.: Perskie dialekty isfaganskikh ikhoma-danskikh

evreev. parizh: 1935.

2-Uchebnik pekhleviiskogo iazyka. Tegeran: 1937. (Na pers.

iaz.)

3-Predisl. issledovanie iazyka, slovar', primech., V kn.:

Stikhotvoreniia saiat novy. Tegeran: 1943. (Na arm. iaz.)

4- V «Chtenie neizvestnykh armianskikh slov, zainetvovannykh v pekhleviiskon iazyke Erevan:» kn.: Sbornik Trudov AN Arm. SSR.

T. 3., 1948. (Na arm. iaz.)

- دین قدیم ارمنیان، ۱۹۴۶ م / ۱۳۲۵ هـ (۱)
- ارداویراف نامک (ترجمه از زبان پهلوی، تفسیر)، ۱۹۵۸. (۲)
- فرهنگ پهلوی - فارسی، ارمنی، روسی، انگلیسی، ۱۹۶۵. (۳)
- یوشت فریا. (۴)
- راهنمای زبان پهلوی. (۵)
- مقایسه داستانهای حماسی ایران با داستانهای حماسی ارمنی و یونانی و آلمانی، مهر ۲-۱۳۱۳، ۶۸۵-۶۸۸.
- پایکولی یا میراث سرهانری راولینسن، سخن، (بهمن و اسفند ۱۳۲۲)، ۳۷۴-۳۷۶.

▣ آثریت

آثریت یکی دیگر از چهره‌های برجسته ایرانشناسی ارمنی در اوایل قرن بیستم محسوب می‌شود. آثار این محقق در محافل علمی و شرق‌شناسی روسیه از شهرت بسزایی برخوردار بوده است.

آثریت آثار متعددی را در مورد تاریخ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران و

1- «Din-e Qadim-e Armanian», : PDMVI, Tehran: 1325/1946,

100-110

2- Per. s pekhleviiskogo iazyka, komment. V kn.: Arta viraf

nmak. Iush ti fran. Erevan: AN Arm. SSR, 1958, AN Arm SSR.,

In-t literary im. Abegiana

3-Pekhleviisko-persidsko, armiansko, russko, angliiskii slovar'

Erevan: Mitk, 1965

4-Iushti Fria

5-Rahnemaye Zaban-e pahlavi. Tehran

همچنین در مورد مسائل فرهنگی و عقیدتی این کشور از خود به یادگار گذاشته است که هنوز هم مورد توجه محققین معاصر است. به عنوان مثال در اثر خود موسوم به «امامت» به تحقیق در باره ایدئولوژی و جهان بینی تشیع در ایران پرداخته است. وی در آثار خود موسوم به «مناسبات ملوک الطوائفی و مالیاتها در آذربایجان»، «ساختار اداری آذربایجان»، «نظام اداری در آذربایجان» جوانب مختلف حیات اجتماعی - اقتصادی، مناسبات کشاورزی، نظام مالیاتی ایران را به تفصیل مورد بررسی قرار داده است. کتاب موسوم به «محمدعلی شاه، جنبش مردمی در کشور شیر و خورشید» یکی از بهترین آثار آثریت است. مؤلف کتاب، زمینه‌ها و مقدمات انقلاب مشروطه ایران را با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور با زبانی زنده و گویا ارائه کرده است. وی در بیان افکار خود به شیوه تشریحی متوسل نشده، بلکه با بهره‌گیری از اطلاعات غنی خود در باره حیات داخلی ایران در مقام توضیح علل پدیده‌ها برآمده است. گفتنی است که این اثر، زمانی در بین کتب منتشر شده در روسیه که به انقلاب ایران اختصاص داشتند در نوع خود بهترین کتاب محسوب می‌شد. لئون تولستوی نویسنده روس پس از دریافت نسخه‌ای از این کتاب در سال ۱۹۰۹ در پاسخ به نامه مؤلف چنین می‌نویسد:

«بخاطر ارسال این کتاب سپاسگزاری می‌کنم، من در این کتاب اطلاعات جدید و جالبی را یافتم. دیگر کتابهای شما نیز که در اطلاعیه ذکر کردی از عناوین آنها به میان آمده، مانند «روحانیون شیعه»، «نظام مالیاتی در ایران»، «جنبش ترکان جوان» توجه مرا به خود جلب کرده‌اند.»

کتاب دیگر وی تحت عنوان «سردار رحیم خان، جنبش مردمی در کشور شیر و خورشید» نیز به رویدادهای انقلاب ایران اختصاص یافته است. مؤلف در این اثر بویژه به شرح جنبش مشروطیت در آذربایجان ایران پرداخته است. وی با احترام خاصی در باره انقلابیون ایران و مدافعین تبریز سخن می‌گوید.

□ هامبارتسوم آراکلیان

وی (۱۹۱۸-۱۸۵۵) نیز به مطالعه مسائل گوناگون تاریخ ایران پرداخته و بویژه به مسائل مربوط به اقلیت‌های ملی ایران و مسائل مربوط به زندگی آرامنه مقیم ایران توجه خاصی مبذول داشته است. سفرنامه‌ها، یادداشتها و دیگر نوشتارهای آراکلیان نیز حاوی مطالب ارزشمند ایرانشناسی می‌باشد. رمان «جهود کوشان» نیز که یکی از آثار داستانی او می‌باشد به وقایع مربوط به ایران اختصاص دارد. وی در مورد مسائل زندگی داخلی ایران، روابط بین‌المللی، فرهنگ و دیگر مسائل در مطبوعات ارمنی زبان و بویژه در شماره‌های مختلف مجله «مشاک» مقالات متعددی را به چاپ رسانیده است. نامبرده مقالات مشابهی را نیز در مطبوعات روسی منتشر کرده است.^(۱)

□ هاروتیون تیریاکیان

در اوایل قرن بیستم هاروتیون تیریاکیان فیلولوژیست و تاریخ‌شناس معروف به انتشار آثار پرارزش ایرانشناسی پرداخت. به پاس فعالیت‌های علمی پرثمر، وی پهلوی‌شناسی در بین ارمنیان به پیشرفت قابل ملاحظه‌ای رسید. تیریاکیان علاوه بر مطالعات پهلوی‌شناسی به ترجمه کتیبه‌هایی از زبان پهلوی پرداخته و مقدمه و حواشی علمی بر آنها نگاشته است. وی به ترجمه آثار شاعران کلاسیک ایران نیز پرداخته است. تیریاکیان پس از گولزادیان دومین مترجم شاهنامه فردوسی است.

□ هراچیا آجاریان

آجاریان (۱۹۵۳-۱۸۷۶) دانشمند بزرگ و زبان‌شناس برجسته ارمنی در شهر استانبول ترکیه پا به عرصه وجود نهاد. او تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به اتمام رساند و در سال ۱۸۹۳ در آموزشگاه مرکزی آرامنه در شهر استانبول

تحصیلات دوره متوسطه را به پایان برد. آجاریان در سال ۱۸۹۵ تحصیلات عالی خود را در دانشگاه سوربن فرانسه شروع کرد و در همین دانشگاه زیر نظر استادان بزرگی چون آنتوان میه تعلیم یافت و دو سال بعد، یعنی در سال ۱۸۹۷ بخاطر تحقیق جامع‌اش در زمینه زبان «لاز» زبان یکی از اقوام در قفقاز، به عضویت «انجمن زبان‌شناسی پاریس» پذیرفته شد.

در همان سال، در یازدهمین کنگره شرق‌شناسان که در پاریس تشکیل شده بود، شرکت کرد و پژوهش جامع خود را در باره زبان ارمنی به کنگره ارائه داد که توجه بسیاری را برانگیخت. به همین سبب هوبشمان زبان‌شناس آلمانی و رئیس کنگره، آجاریان را به استراسبورگ دعوت کرد و او در سال ۱۸۹۸ برای حضور در جلسات سخنرانی این زبان‌شناس در دانشگاه، به استراسبورگ سفر کرد.

از آن پس، سراسر زندگی این دانشمند بزرگ ارمنی صرف تحقیق و تألیف آثار پرارزش علمی، بویژه در باره زبان ارمنی شد و تمام استعداد علمی و توان کاری‌اش را در راه شناخت و تحقیق ریشه‌ای در زمینه زبان ارمنی بر پایه زبان‌شناسی علمی بکار برد.

آجاریان یکی از مشهورترین ادبا و زبان‌شناسان ارمنی است که بعدها به عنوان عضو اصلی آکادمی علوم ارمنستان انتخاب شد (۱۹۴۳). او دارای کرسی استادی زبانهای شرقی در دانشگاه دولتی ایروان و عضو برجسته فرهنگستان علوم ارمنستان بود. آثار پرارزش او در جهان بخصوص در بین زبان‌شناسان ارمنی از اهمیت و اعتبار والایی برخوردار است.

این دانشمند در مجامع علمی بیشتر به عنوان زبان‌شناس معروف است. حال آنکه در رشته‌های دیگر علمی از جمله تاریخ، ادبیات، قوم‌شناسی و غیره نیز پژوهش‌های گسترده‌ای دارد. در باره آن بخش از پژوهش‌ها و تألیفات آجاریان که به شرق‌شناسی و بخصوص ایران‌شناسی مربوط است، باید گفت که میراث بجای مانده از او بسیار متنوع است و ارزش و اهمیت این پژوهش‌ها کمتر از تحقیقات زبان‌شناسی او نیست.

بسیاری از پژوهش‌ها و تألیفات آجاریان در زمینه شناخت زبانهای باستانی

و پهلوی است، همچنین آثار او در باره قوم‌شناسی ایرانی، جوامع ارمنیان ایران، زبان کردی و پژوهش در مذاهب ایرانی نیز از اهمیت خاصی برخوردار هستند. برای مثال می‌توان از پژوهش‌های وی در زمینه مذهب طوماری‌ها و گوران‌ها که در کتاب خاطرات او جای گرفته است، نام برد. البته پیش از او شرق‌شناس مشهور روس ولادیمیر مینورسکی نیز در مورد آنها اشاره‌ای دارد. ولی با اطمینان می‌توان گفت نوشته آجاریان تنها تحقیقی است که در باره مذهب بسیار جالب طوماری‌ها صورت گرفته است. به نظر می‌رسد این گروه شاخه‌ای از طریقت اهل «حق یا علی‌اللهی» بوده‌اند و اکنون از بین رفته‌اند.

برای آنکه نشان دهیم که آجاریان در کنار زبان‌شناسی، به پژوهش‌های ایران‌شناسی نیز پرداخته و ایران‌شناس نیز بوده است، در اینجا به چند نمونه دیگر از آثار او اشاره می‌کنیم:

۱ - تحقیق او به نام «فرهنگ گویش کردی بایزید نو» که در سال ۱۹۱۱ در مجله انجمن زبان‌شناسی پاریس به چاپ رسید دارای بیش از هزار مدخل کردی است. اهمیت این پژوهش در ریشه‌شناسی مدخل‌هاست. آجاریان و فردیناند یوستی ایران‌شناس نامی از پیشگامانی هستند که به واژه‌شناسی تاریخی زبان کردی توجه خاص مبذول داشته‌اند. آگاهی کامل از آوانگاری تطبیقی ایرانی و کردی امکان آن را به مؤلف داده که به ریشه‌یابی‌های بسیار جالب و همه‌جانبه دست یابد. در این اثر به وام واژه‌های ارمنی در کردی نیز اشاره‌هایی شده است.

۲ - مقاله‌ای به نام «هاکوپ مقدس در میان کردهای آارات» که به منابع ادبی کردها مربوط می‌شود.

۳ - «فرهنگ ریشه‌شناسی زبان ارمنی» در این فرهنگ بسیاری از وام‌واژه‌هایی که زبان ارمنی از زبانهای دیگر از جمله زبانهای ایرانی گرفته است بطور کامل تشریح و ریشه‌یابی شده است.

۴ - آرامنه و ارمنستان در شاهنامه فردوسی. در این مجموعه تمام اشعار شاهنامه که به گونه‌ای واژه‌های ارمن و ارمنستان در آنها بکار رفته است جمع‌آوری شده و با ترجمه ارمنی آنها به چاپ رسیده است.

- ۵ - «فرهنگ نامهای ارمنی» تألیفی دیگر از این دانشمند است.
- ۶ - نظر «ابن بطوطه در باره آرامنه» این کتاب بر پایه اطلاعاتی نگاشته شده که جغرافی‌دان و سیاح عرب در باره ارمنیان و ارمنستان بدست داده است. در این سفرنامه موضوع‌های مربوط به ایران نیز مورد بررسی قرار گرفته است. **آجاریان** سفرنامه **ابن بطوطه** را به گونه‌ای دقیق مورد بررسی قرار داده و بخشهایی از آن را با ترجمه ارمنی و حواشی و تعلیقات و ملاحظات خویش، در اختیار خوانندگان گذاشته است.
- ۷ - «اسامی ماههای ارمنی» در این تألیف **آجاریان** شرحی در باره سال و تقسیم‌بندی ماههای دوازده و سیزده‌گانه آن، سال کیسه و چگونگی محاسبه روزهای ماه و انواع تاریخ از قبیل سیار و ثابت و غیره ارائه داده است و ماههای ارمنی را با معادل‌های خارجی آنها آورده است. همچنین نام شش ماه ارمنی را که ریشه ایرانی دارند با توضیحات لازم ذکر کرده است.
- ۸ - «اسنادی در باره روابط ارمنستان - ایران».
- ۹ - «گلچین فارسی».
- ۱۰ - «وام واژه‌های ارمنی در زبان فارسی».
- ۱۱ - «تاریخچه حل مسئله کتیبه‌های ایرانی».
- ۱۲ - پیشگفتار «فرهنگ فارسی - ارمنی» تألیف کشیش گارگین.
- ۱۳ - نقد «ولایت فریدن اصفهان».
- ۱۴ - نقد «کتیبه‌هایی به خط میخی، آشوری و ایرانی مربوط به تاریخ نائیری و اورارتو».
- گذشته از مقاله‌ها و کتابهایی که ذکر شد، هنگام بررسی دیگر آثار و پژوهش‌های این دانشمند باز هم به نشانه‌هایی در زمینه زبانهای ایرانی و ایران‌شناسی برخورد می‌کنیم.

▣ بابکن چوگاسزریان

چوگاسزریان در سال ۱۹۲۳ میلادی/ ۱۳۰۲ هجری شمسی در تبریز متولد

شد. دوره ابتدایی را در مدرسه ارمنه هایکازیان - تاماریان تبریز گذراند و دوره متوسطه را در دبیرستانهای ابن سینا، سعدی و فردوسی به پایان برد. وی در سال ۱۹۴۶ همراه با خانواده خود به ارمنستان مهاجرت کرد. در همان سال وارد دانشگاه دولتی ایروان شد و رشته زبان و ادبیات ارمنی را در سال ۱۹۵۱ به پایان رسانید و دوره نامزدی علوم را در فاصله سالهای ۱۹۵۴-۱۹۵۷ در آکادمی علوم ارمنستان سپری کرد. او از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۴ قائم مقام ریاست ماتناداران ایروان بود و تا پایان عمر به عنوان پژوهشگر و عضو هیأت علمی در آنجا به کار و تحقیق پرداخت و آثار فراوانی از خود بجای نهاد، از آن جمله می‌توان از «پیوندهای ادبی ارمنیان و ایرانیان از قرن پنجم تا هجدهم» (۱۹۶۳)، «پندنامه نوشیروان» (۱۹۶۶) و «گئورگ دبیر پالاتی» (۱۹۹۴) نام برد. کتاب اخیر شرح احوال و آثار یکی از پیشگامان علم خاورشناسی و ایران‌شناسی در ارمنستان است که در فاصله سالهای ۱۷۳۷ تا ۱۸۱۳ می‌زیست. **چوگاسزیان** در سفر به کشورهای دیگر، در راستای گردآوری و بازگردانی دستنوشته‌های نادر ادبیات ارمنی به ماتناداران ایروان کوشش فراوان بکار می‌بست و دو اثر خود به نامهای «در جستجوی دستنوشته‌ها» (۱۹۸۲) و «در جهان دستنوشته‌ها» (۱۹۸۵) را در همین زمینه به رشته تحریر درآورد. در سالهای اخیر با تلاش فراوان، در کار تنظیم و انتشار «فرهنگنامه ارمنیان ایران» بود که متأسفانه به اتمام نرسید. «ایرانی تباران بنام ارمنستان» آخرین اثر او بود که به سال ۱۹۹۷ در ایروان منتشر گردید. **بابکن چوگاسزیان** در دوم نوامبر ۱۹۹۷/۱۱ آبان ۱۳۷۶ پس از یک دوره بیماری طولانی چشم از جهان فروبست.

□ گارنیک آساتوریان

آساتوریان در سال ۱۹۵۳ میلادی در تهران به دنیا آمد. او در سال ۱۹۶۷ با خانواده‌اش به شهر لنیناکان (گیومری کنونی) مهاجرت کرد و تحصیلات متوسطه را در سال ۱۹۷۱ به اتمام رساند. گارنیک در سال ۱۹۷۱ به بخش کردی

دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان وارد شد و در سال ۱۹۷۶ پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی در دوره PHD فرهنگستان علوم پذیرفته شد و پس از پایان این دوره در بخش کردشناسی فرهنگستان علوم ارمنستان مشغول به کار شد. او در سال ۱۹۸۴ در دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه لنینگراد از رساله خود دفاع کرد و از فوریه ۱۹۸۹ نیز دانشیار دانشگاه دولتی ایروان گردید.

گارنیک در سال ۱۹۹۱ از رساله دکترای خود دفاع نمود. او از فوریه ۱۹۹۱ رییس بخش ادبیات شرق در انستیتو شرق‌شناسی آکادمی علوم ایروان شد و از ماه مه ۱۹۹۳ سر دبیر نشریه ایران‌نامه گردید. یکی از مهمترین آثار ایشان مقاله ارزشمند «گروه لهجه‌های سواحل جنوبی دریای خزر» می‌باشد.

□ هاکوپ دلویدوویچ پاپازیان^(۱)

پاپازیان در سال ۱۹۱۹ میلادی / ۱۲۹۸ هجری شمسی در تبریز متولد شد. او دوره ابتدایی را در دبستان هایکازیان - تاماریان تبریز و دوره متوسطه را در دبیرستان فردوسی همان شهر به پایان رسانید. وی در سال ۱۹۴۶ به ارمنستان مهاجرت کرد و در همان سال در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده خاورشناسی دانشگاه دولتی ایروان مشغول به تحصیل شد. پاپازیان از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۴ در دوره نامزدی علوم تاریخ، در آکادمی علوم ارمنستان به ادامه تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۶۸ با دفاع از پایان‌نامه خود تحت عنوان «مناسبات ارضی در ارمنستان شرقی در سده‌های ۱۵ تا ۱۷ میلادی» به دریافت درجه دکتری نایل شد. پروفیسور پاپازیان از سال ۱۹۵۹ تا پایان عمر در پژوهشگاه نسخ خطی قدیمی در ماتناداران ایروان (گنجینه متون خطی) در مقام ریاست بخش تحقیق در متون سده‌های میانه و اسناد حقوقی بکار و تحقیق پرداخت.

زمینه اصلی پژوهش‌های علمی پروفیسور هاکوپ پاپازیان که وی دهها سال

1- Hakap Dawidowich papazian

از عمر خود را وقف آن کرد، متون بررسی نشده به زبانهای فارسی، ترکی و عربی بود که از سال ۱۹۵۶ با عنوان کلی «اسناد فارسی ماتناداران» حاوی فرمانهای شاهان و حکام محلی ایرانی است که به عنوان جوامع ارمنی و کلیساها صادر شده‌اند. جلد سوم به نام «قبالجات فارسی ماتناداران» (۱۹۶۸) به اسناد مالکیت اختصاص دارد که به زبانهای فارسی، ارمنی و روسی انتشار یافته‌اند.

در پرتو پژوهش ارزشمندی که پروفسور پایازیان انجام داد، بسیاری از مدارک و اسناد گمنام و ناشناس شامل اسناد و مدارک سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مربوط به ایران، ارمنستان و منطقه قفقاز، از اوایل سده میانه تا دهه‌های اول سده نوزدهم، در مجامع علمی مطرح شدند و این مجموعه توجه بسیاری از خاورشناسان را به خود جلب کرد. روبرت رومر دانشمند آلمانی جلد اول فرمانها را «مهمترین انتشارات سالهای اخیر» ارزیابی و عنوان کرد. دانشمندان ایرانشناس دیگر همچون مینورسکی، بوآیه، آپر و دیگران نیز این مجموعه را بسیار ارزشمند خواندند.

از دیگر آثار هاکوب پایازیان «ارزش تاریخ‌شناسی دستنوشته‌های فارسی ماتناداران» و «اسناد رسمی سده‌های ۱۹-۱۴ ماتناداران به زبانهای فارسی، عربی و ترکی» را می‌توان نام برد. وی آثار و تألیفات فراوانی نیز دارد که به مسائل تاریخ سیاسی و اجتماعی - اقتصادی سده‌های میانه ارمنستان و مآخذشناسی تاریخی روابط ایران و ارمنستان مربوط است.

یکی از آثار بسیار ارزشمند و مهم پروفسور پایازیان که با همکاری آکادمیسین لئون خاچیکیان به رشته تحریر درآمده، پژوهشی در باره «دفتر روزنامه» یا یادداشت‌های روزانه هوهانس تر - داوتیان تاجر ارمنی سده هفدهم است که در زمینه بررسی تاریخ اجتماعی - اقتصادی چندین کشور شرقی از جمله ایران، هند، تبت و نیپال حاوی اطلاعات فراوانی است. وی همچنین سنگنبشته‌های عربی مقبره‌های روستای آرگاواند در نزدیکی ایروان را که مربوط به امیران ترکمن در سال ۱۴۱۳ است بررسی و در مسکو منتشر کرد. او براساس مدارک و اسناد نویافته زبانهای فارسی و ترکی نیز سلسله مقالاتی را تحت عنوان

«حکومت بیگانه در سرزمین آزارات، سده ۱۵-۱۷» منتشر کرد که حاوی نکات فراوانی است که در پژوهش‌های نوین تاریخی در بارهٔ ارمنستان شرقی بسیار ارزنده است.

پروفسور پاپازیان به استناد اسناد موجود به زبان فارسی و دیگر زبانها بیش از صد مقاله و گزارش مربوط به اوضاع سیاسی و اقتصادی ارمنستان و جنبش‌های آزادیخواهانه ارمنیان، در سده‌های پانزدهم تا هجدهم در ارمنستان شرقی، انتشار داده است. وی همچنین در نگارش مجلدات «تاریخ ارمنستان» از انتشارات بخش تاریخ فرهنگستان علوم ارمنستان مشارکت داشته است.

مسائل کردشناسی نیز از دیدگاه او دور نمانده است. به اهتمام او دو نسخهٔ دستنویس از آثار رستم‌خان دومبلی برای پژوهش‌های علمی ارائه شده است. به سبب اشتها فراوان او در خاورشناسی، دانشمندان ایران‌شناس از مراکز علمی شوروی سابق و دیگر کشورها، برای تبادل نظر و آگاهی از دیدگاههای وی به او مراجعه می‌کردند.

پروفسور پاپازیان در سال ۱۹۶۲ به عضویت هیأت شناخت متون شرقی آکادمی علوم شوروی برگزیده شد. وی با ارائه گزارش و مقاله در بسیاری از مجامع علمی و خاورشناسی شوروی و مراکز بین‌المللی شرکت داشته است. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که برادر وی یرواند پاپازیان از متفکران بنام جامعه ارمنیان ایران بود که ترجمه‌های چندی از او بجا مانده، از آن جمله ترجمهٔ کتاب «چشمهٔ هقنار» اثر مکرتمیج آرمن که براساس آن فیلمی نیز در ایران ساخته شد و ترجمه ارمنی کتاب «آذربایجان و اران، آلبانیای قفقاز» تألیف دکتر عنایت‌الله رضا که در سال ۱۹۹۴ در ایروان انتشار یافت.

به هر روی، هاکوب پاپازیان مدرسی سرشناس بود و سالهای متوالی در دانشکدهٔ خاورشناسی دانشگاه ایروان به تدریس «تاریخ سده‌های میانه ایران» و «شناخت نسخ خطی ایرانی» پرداخت.

سرانجام، در ۲۸ اکتبر ۱۹۹۷ / ۶ آبان ۱۳۷۶ پروفسور هاکوب پاپازیان، ایران‌شناس، ارمنی‌شناس و پژوهشگر ارزندهٔ تاریخ چشم از جهان فروبست. وی

در زمینه شناخت، قرائت، تفسیر و شرح مآخذ و متون قدیمی به خط عربی، تجربه و مهارت فراوان داشت. او از طریق تلفیق دستاوردهای خود با منابع و مآخذ ارمنی و دیگر زبانها به شرح و بیان بسیاری از صفحات از یاد رفته و توجیه نشده تاریخ ایران، ارمنستان و کشورهای همجوار پرداخت و آثار علمی ارزشمندی را که در ایرانشناسی، ارمنی‌شناسی و خاورشناسی نادر و ماندگار هستند از خود بر جای گذاشت.

از تألیفات علمی وی می‌توان آثار ذیل را نام برد:

- «فرامین فارسی استادان قرون ۱۷-۱۵» (دو جلد، متن فارسی ترجمه ارمنی و روسی).
- «قبالجات فارسی استادان قرون ۱۶-۱۵» (متن فارسی ترجمه ارمنی و روسی).
- «تاریخ سیاسی و اقتصادی شرقی قرن ۱۷» (به زبان روسی)
- «دفتر حسابداری هوانس در داودیان تاجر جلفای قرن ۱۷»
- «پاپازیان بیش از صد مقاله و گزارش علمی در زمینه تاریخ سیاسی و اقتصادی ارمنستان (قرون ۱۵ و ۱۸ میلادی) دارد.

▣ آرمانوش کزموریان

کزموریان متولد سال ۱۹۴۵ میلادی است. وی در سال ۱۹۷۷ میلادی مدرک دکتری در رشته ادبیات فارسی قرون وسطی را از آکادمی مسکو دریافت کرد. ایشان هم اکنون عضو آکادمی ایرانشناسی ارمنستان و علوم انستیتوی شرق‌شناسی است. شماری از مهمترین آثار کزموریان مانند:

- «رباعی در شعر فارسی».
- «مرواریدهای منتخب ۵۰۰ رباعیات از رودکی تا جامی».
- «منتخبات شعر رودکی با مقدمه حواشی».
- «۲۰ مقاله علمی درباره ادبیات دینی در قرون وسطی».

▣ لاروا شیفویان

وی عضو انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم ایروان است. فعالیت‌های علمی او عبارت از آثار تألیفی در زمینه داستان کوتاه در ادبیات معاصر فارسی است. شماری از این آثار مانند:

- «روابط ادبی ایران و ارمنستان».
- «مسایل ادبی در ایران» (مقاله).
- «ملک الشعراى بهار» (مقاله).

▣ الگا آقاجانوا آرزومانیان^(۱)

آقای آرزومانیان در ۵ ژوئیه سال ۱۹۲۸ در ارمنستان به دنیا آمد. وی در سال ۱۹۵۳ رشته زبان‌شناسی شرقی را در دانشگاه ارمنستان به پایان رساند و در سال ۱۹۶۵ موفق به اخذ مدرک دکتری علوم زبان‌شناسی گردید و سپس در بخش زبان‌شناسی فارسی آکادمی علوم ارمنستان مشغول به کار شد. ایشان عضو هیأت علمی دانشکده شرق‌شناسی ارمنستان نیز به شمار می‌روند.
از آثار وی:

- «جمله پرسشی در زبان فارسی معاصر» (رساله دکتری)، ۱۹۶۵. (۲)
- «چکیده رساله علمی»، ۱۹۶۵. (۳)
- «دربارۀ انواع ساختاری - معنایی جمله‌های پرسشی در زبان فارسی معاصر»، ۱۹۶۶. (۴)

1-Olga Aghajanora Arzumanian

2-Voprositel'noe predlozhenie V sorremennom

Moskva, 1965, IV a, pri MGU.(iazyke. persidskom)

3- «Avtorey», moskva, 1965

4- «O Struktumo- Sematicheskikh tipakh voprositel'nykh

predlozhenii V persidskom iazyke» 1965, 81-92

- «نتایج پژوهشهای تجربی درباره آهنگ جمله‌های پرسشی در زبان فارسی معاصر»، ۱۹۶۵. (۱)
- «درباره آداب پرسشی در زبان فارسی معاصر»، ۱۹۶۹. (۲)

■ گئورگی نعلبندیان

خانواده وی که در سال ۱۹۲۰ میلادی از ارزنة الروم به روسیه مهاجرت کردند، ابتدا در شهر چیستا (سیبری) اقامت گزیدند. گئورگی در سال ۱۹۲۶ در چیستا متولد شد. خانواده او که تابعیت ایران را پذیرفته بودند، در سال ۱۹۳۰ از مسکو به تهران تبعید شدند. گئورگی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدارس تمدن، البرز و فیروز بهرام در تهران به پایان رساند و در سال ۱۹۴۶ میلادی به همراه خانواده‌اش به ارمنستان مهاجرت کرد.

گئورگی در سال ۱۹۵۱ موفق به اخذ لیسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه دولتی ایروان شد و در همان دانشگاه دوره فوق لیسانس و دکتری را گذراند و موفق به اخذ درجه علمی دکتری در فقه‌اللغه ایرانی گردید و در سال ۱۹۷۲ میلادی به درجه استادی دانشگاه رسید.

گئورگی از سال ۱۹۵۲ تدریس زبان و تاریخ زبان فارسی، فقه‌اللغه ایرانی، فرس قدیم در دانشگاه دولتی ایروان به او واگذار گردید. وی در سال ۱۹۶۳ به ریاست کرسی فقه‌اللغه ایرانی دانشگاه برگزیده شد و سالها در این سمت انجام وظیفه کرد. گئورگی از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۸ معاون رییس دانشکده زبان و ادبیات ارمنی بود و در آغاز تأسیس دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه از سال ۱۹۶۸ تا پایان سال ۱۹۷۳ ریاست دانشکده را به عهده داشت. وی از سال

۱- فرهنگ خاورشناسان، جلد ۱، ص ۸۳-۸۲.

2- «O voprositelnykh chastitsakh v sovremennom persidskom

iazzyke» Erevan, 1969.

۱۹۶۰ تا زمان مرگ عضو شورای علمی دانشگاه دولتی ایروان بود و ریاست انجمن دوستی و روابط فرهنگی ارمنستان و ایران را بر عهده داشت. سرانجام وی در سال ۱۹۹۷ دارفانی را وداع گفت.

آثار او عبارتند از:

- «زبانها و لهجه‌های ایرانی»، ۱۹۶۰.
- «احیای واژه‌های مبهم و مفقود شدهٔ زبان فارسی به کمک زبان ارمنی»، ۱۹۶۲.
- «فرس قدیم»، ۱۹۶۳.
- «فارسی میانه»، ۱۹۶۵.
- «اسامی خاص [شخصی] ارمنی مأخوذ از ایرانی (در چهار جزوه)، ۱۹۷۰.
- «دستور زبان فارسی»، ۱۹۸۰.
- «واژه‌نامه فرس قدیم به ارمنی»، ۱۹۶۳.
- «فرهنگ فارسی - ارمنی» مشتمل بر ۳۰ هزار واژه، (۱۹۷۸) در تهران تجدید چاپ شده است.
- ترجمه فارسی «مقدمه و حواشی تاریخ ارمنستان» موسی خورنی، ۱۹۸۴.
- مترجم فارسی «مقدمه و حواشی تکذیب و ردّ فرق دینی» لیزنیک قلبی، ۱۹۸۹.
- «تألیف کتب درسی زبان فارسی برای دبیرستانها و بیش از ۵۰ مقاله و گزارش علمی در رشتهٔ زبان‌شناسی».

■ آکیمرشکن آلک فدروویچ

او در شهر ینزا در جمهوری مرکزی شوروی به دنیا آمد. وی در ۱۹۵۳ دانشکدهٔ شرق‌شناسی دانشگاه دولتی لنینگراد را به پایان رساند و در ۱۹۷۰ نامزد (دکتر) علوم زبان‌شناسی شد. او در سال ۱۹۵۴ کارمند علمی انستیتو شرق‌شناسی آکادمی علوم شوروی شعبهٔ لنینگراد بود و در سال ۱۹۶۸ در کنگرهٔ بین‌المللی هنر باستان ایران در تهران و ۱۹۹۰ در کنفرانس احیای تمدن شرق در

تاجیکستان شوروی شرکت داشت.

□ ولراند

واراند شاعر ارمنی تبار ایرانی است که به زبان ارمنی شعر می‌سراید در اسفندماه ۱۳۳۲ در تهران به دنیا آمده است. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس ارامنه تهران به پایان رسانید و سپس به فراگیری نقاشی و ادامه تحصیل در دانشکده زبانهای خارجه پرداخت.

او سرودن شعر را از نوجوانی آغاز کرد و نخستین مجموعه اشعارش را به نام «در راه آفتاب» در هجده سالگی انتشار داد. تاکنون دوازده مجموعه از اشعار **واراند** انتشار یافته است. «نجوهای فراسو» نخستین مجموعه فارسی اشعار اوست که از شش دفتر او گلچین و به فارسی برگردانده شده است. برگردان اشعار ارمنی **س. کورکچیان** است. این مجموعه را انتشارات نکته‌پردازان در سال ۱۳۶۸ منتشر کرده است.

وی از چهره‌های مشهور ادبیات معاصر ارمنی است و آثار او در مجموعه‌ها و نشریات ادبی ارمنستان و دیگر نقاط جهان به چاپ رسیده است. او در سالهای ۱۳۷۳-۱۳۷۴ به مناسبت بیست و پنجمین سال فعالیت ادبی **واراند** مراسمی در چند شهر ایران و ایروان برگزار شد و وی به دریافت نشان فرهنگی «مسروپ ماشتوتس» نائل گردید. این نشان از سوی جاثلیق ارامنه حوزه سلیسی به وی اعطا شد. **واراند** از سال ۱۳۷۳ ریاست انجمن نویسندگان ارمنی ایران را به عهده دارد. وی عضو شورای نویسندگان روزنامه «آلیک» و دبیر زبان و ادبیات ارمنی در مدارس ارامنه تهران است. او به بازگردانی آثاری از شعرای کلاسیک فارسی زبان به شعر ارمنی همت گماشته است. همچنین آثاری از **فروغ فرخزاد**، **احمد شاملو**، **منوچهر آتش**، **فریدون مشیری**، **کیومرث منشی‌زاده** و برخی از شاعران معاصر را به شعر ارمنی برگردانده است.

واراند اشعاری نیز با بهره‌گیری از میراث کهن ادب فارسی و با درونمایه‌های ایرانی سروده است. از آن جمله می‌توان به منظومه «درویش» او اشاره کرد که در

آن به زندگی شیخ فریدالدین عطار شاعر و عارف مشهور پرداخته است.

□ واهان بایوردیان

بایوردیان در سال ۱۹۳۳ در شهر «آخال سخا»ی گرجستان چشم به جهان گشود. در سال ۱۹۵۷ از بخش ایران‌شناسی دانشکده خاورشناسی دانشگاه ایروان فارغ‌التحصیل شد. او در سالهای ۱۹۶۵-۱۹۶۲ در انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم مسکو دوره فوق‌لیسانس را گذراند و با ارائه پایان‌نامه، تحت عنوان «منطقه ارمنی‌نشین جلفای اصفهان در قرن هفدهم» موفق به اخذ درجه علمی نامزدی علوم تاریخ گردید. وی سپس در سال ۱۹۷۴ در ایروان با ارائه رساله علمی تحت عنوان «روابط ترکیه و ایران در اوایل قرن بیستم» به دریافت درجه علمی دکتری علوم تاریخ نایل شد.

واهان بایوردیان سالها در انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم ارمنستان به عنوان کارمند علمی ارشد، دبیر علمی و رئیس بخش انتشار منابع تاریخی فعالیت کرده و سپس در دانشکده علوم تربیتی «خاچاتور آبوویان» ایروان، ریاست کرسی تاریخ عمومی و سمت معاونت علمی دانشکده را عهده‌دار بوده و همزمان به تدریس نیز اشتغال ورزیده است.

وی تعدادی کتاب و بیش از یکصد مقاله در زمینه‌های مختلف تاریخ معاصر ایران، در باره مناطق ارمنی‌نشین ایران، تاریخ ارمنستان غربی و مسائل گوناگون روابط بین‌المللی، خاورمیانه و خاور نزدیک منتشر کرده است. او در سال ۱۹۹۲ میلادی / ۱۳۷۱ هجری شمسی به عنوان سفیر تام‌الاختیار جمهوری ارمنستان در جمهوری اسلامی ایران تعیین گردید و اقدامات مهمی در جهت بسط و تقویت روابط فی‌مابین به سامان آورد.

□ آنوئن استامبولستیان

وی در سال ۱۹۳۹ متولد شده و دارای مدرک دکترا در رشته ایران‌شناسی از دانشگاه دولتی ارمنستان در سال ۱۹۸۲ می‌باشد. ایشان همچنین کارمند آکادمی

- علوم انستیتوی شرق‌شناسی و استاد دانشگاه دولتی ایروان هستند.
- برخی از آثار استامبولستیان عبارتند از:
- «سیاست داخلی حکومت بورژوازی ملی ایران».
 - «جبهه ملی در زمان انقلاب اسلامی».
 - «تاریخ نویسی غرب درباره انقلاب ایران».

▣ ادولرد آقاپیان^(۱)

وی در سال ۱۹۳۸ دانشکده ادبیات و زبان دانشگاه دولتی ایروان را به پایان رساند و در سال ۱۹۵۳ درجهٔ پروفیسوری دریافت کرد. ایشان سپس از سال ۱۹۳۹ تدریس در دانشگاه دولتی ایروان را شروع کرد و پس از آن به ریاست دانشکده زبان‌شناسی تطبیقی آچاریان برگزیده شد. تحقیقات او در زمینه زبان‌شناسی همگانی، تاریخ زبان‌شناسی ارمنی، گویش‌شناسی، دستور تطبیقی زبان ارمنی، زبان ارمنی کنونی و مراحل تاریخ ادبیات مشرق زمین است. وی در سال ۱۹۴۸ تحقیقاتی درباره «نظامی گنجوی» نیز انجام داده است.

از آثار وی:

- «نظامی گنجوی»، ۱۹۴۳.^(۲)
- «واژه‌های دخیل در زبان‌شناسی»، ۱۹۵۲.^(۳)
- «درآمدی بر ادبیات فارسی»، نشریه آکادمی علوم ارمنستان، ایروان، ۱۹۴۶.
- «بخشهایی از تاریخ ادبیات»، ۱۹۷۱.^(۴)

1-Edward Aghaian

2- «Nizami Gianjevi», 1943

3- «Lezvabanutyun neracut'jun», 1952

۴- فرهنگ خاورشناسان، جلد ۱، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۱۱۷.

▣ رافیک آبرامیان^(۱)

او که در ۱۲ نوامبر ۱۹۲۹ در ارمنستان به دنیا آمد، در ۱۹۵۲ دانشکده تاریخ دانشگاه دولتی ایروان را به پایان رسانید و در ۱۹۶۳ نامزد (دکتر) علوم تاریخی گردید.

وی از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۹ کارمند علمی مرکز اسناد ماتناداران^(۲) شد و از ۱۹۶۳ همان سمت را در انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم ارمنستان شوروی عهده‌دار بود و در همان سال، استاد دانشگاه دولتی ایروان شد و در ۱۹۷۰ به مقام کارمند ارشد علمی رسید. وی به دریافت مدال اتحاد جماهیر شوروی نایل آمده است.

از آثار وی:

- «سرکوبی متجاوزان ترک به دست مردم قفقاز در گنجه در سال ۱۷۲۳»، ۱۹۵۳.^(۳)

- «درباره مفاهیم فلسفه عالم هستی در نزد آنانیاشیراکاتسی، دانشمند ارمنی سده هفتم» (با همکاری)، ۱۹۵۶.^(۴)

1- Abramian, Rafik [Rāfik ābrāmiyān]

2-Matenadaran

3- «Razgrom Zakavkazkimi narodami turetskikh agressorov

Gandzhe v 1723 g. Obshchestv.» Izv.,6, Erevan: AN Arm. SSR, nauki, 1953, 48-59.

4- Sui Concetti Cosmologici dello scienziato armemo del secolo

vii , Actes du vii conges international d'histoire des

Anani-Scirakazi sciences, Firenze: 1956 1-30, Autors: B. E.»

Jumanian, R.A.Abramiam

- «کتاب ارمنی راهنمای هند در سده دوازدهم»، ۱۹۵۸. (۱)
 - «درباره تاریخ روابط هند و ارمنستان»، ۱۹۵۸. (۲)
 - «قیام مردم هند علیه استعمارگران انگلیس در سال ۱۷۶۰-۱۷۶۳ و اقلیت (مهاجرین) ارمنی در هند» (به زبان ارمنی)، ۱۹۰۶. (۳)
 - رساله دکتری (نامزدی علوم): مآخذ ارمنی سده هجدهم درباره هند و روابط متقابل ارمنستان - هند: الف - تاریخ هند (خوجه مالیان) ب) شرح زندگی **حیدر علی** (سیمونیان)، ۱۹۶۳. (۴)
 - چکیده رساله علمی، ۱۹۶۳. (۵)
 - «مآخذ و اسناد ارمنی درباره هند و رابطه هند - ارمنستان»، ۱۹۶۴. (۶)

1- Armianskii putevoditel' po Indii XII, VM 4, Erevan: 1958,

veka 317-328.

2- «Iz istorii armiano- indiiskikh sviazei», IFZ 2, Erevan: 1958,

162-172. (Reziume na arm. iaz).

3- «Vosstanie indiiskogo naroda protiv angliiskikh kolonizatorov

1760-1763 godakh i armianskaia kolonija v Indii», IFZ 3 (10),

Erevan: 1960, 111-123. (Na arm. iaz; Reziume na rus. iaz).

4- Kand. diss.: Armianskie istochniki XVIII v. po indii i

armiano- indiiskim vzaimootnosheniiam: a (Isto-riia indii. T.

khodzamaliana. b) Zhizneopisanie khaidara Ali. A.

Simoniana. Moskva: AN SSSR. in - t Narodov Azii, 1963

5- Avtoref: Moskva: 1963

6- «Armianskie istochniki i dokumenty ob indii i armiano -

indiiskikh otnosheniakh, 149-165.» VAA 3 (9), Erevan: 1964,

(Reziume na arm. iaz.)

- «کانونهای مهاجران ارمنی در هند» (به زبان ارمنی)، ۱۹۶۴. (۱)
- «جماعت‌های ارمنی در اتیوپی»؛ «ارامنه در دیگر کشورهای آفریقا»؛ «ارامنه در افغانستان»؛ «کانونهای مهاجران ارمنی در هند در دوران معاصر»؛ «ارامنه برمه»؛ «ارامنه اندونزی»؛ «ارامنه در جزایر فیلیپین و نیوزیلند»؛ «ارامنه چین»؛ «ارامنه استرالیا» (با همکاری)، ۱۹۶۷. (۲)
- «دربارهٔ یک مآخذ ارمنی پیرامون تاریخ هند»، ۱۹۶۷. (۳)
- «مآخذ ارمنی در سدهٔ هجدهم دربارهٔ هند، ۱۹۶۸. (۴)

- 1-«Armianskie pereselencheskie ochagi v Indii», V kn.: A. G. Abramian. *Kratkii ocherk istorii armianskikh pereselencheskikh ochagov*. Erevan: 1964, 436-485. (Na arm. iaz.)
- 2-«Armianskie obshchiny v Efiopii», 88-95; «Armiane v drugikh stranakh Afriki », 97-100: «Armiane v Afganistane» 244-245; «Armianskie peresele- ncheslie ochagi v Inkii v novoe vremia» 255-279; «Armiane Birmi», 280-292; «Armiane Indo-nezii», 313-321; , «Armiane na Filipinskikh ostro-vakh i Novoi Zelandii», 322-325. V «Armiane kitaia», 326-333; «Armiane Avstralii» 334-341, kn.: A.G.Abramian *Kratkii ocherkistorii armia - nskikh pereselenchekikh ochagov*. Erevan: 1967.
- 3-«Ob odnom armianskom istochnike po istorii indii», VEU 2, 1967, 212-219. (Reziume na arm. iaz.)
- 4- *Armianskie istochniki XVIII v. ob Indii*. Erevan: AN Arm.SSR., 1968, AN ARM SSR., Sektor Vostokovedeniia.

فصل پنجم

مراکز مطالعات ایرانی و آموزش زبان فارسی

□ آکادمی علوم ارمنستان^(۱)

بطور کلی مطالعات ایران‌شناسی ارمنستان در سه مرکز مجزا فرهنگستان علوم جمهوری ارمنستان، دانشگاه ایروان و مخزن دولتی نسخه‌های خطی «ماتناداران» صورت می‌گیرد.

آکادمی علوم ارمنستان که مهمترین مرجع علمی این جمهوری است، در سال ۱۹۴۳ در ایروان تأسیس شده است و دارای پنج شعبه با ۲۷ انستیتو و شورای علمی است. مطالعات مربوط به فرهنگ و ادبیات در شعبه «علوم اجتماعی» آکادمی صورت می‌گیرد و مراکز علمی این شعبه که کار آنها با تاریخ و فرهنگ ایران ارتباط دارد عبارتند از: بخش خاورشناسی (به ریاست ا.گ. اینجیکیان^(۲))، انستیتوی باستانشناسی و مردم‌شناسی (به ریاست ب. ن.

1-Akademii Nauk Armyanskoy SSR

2-O. G. Indzikiyan

آراکلیان^(۱) انستیتوی زبانشناسی «آچاریان» (به ریاست گ. ب. جاوکیان^(۲))، انستیتوی ادبیات «آبگیان» (به ریاست و. س. نعلبندیان^(۳))، انستیتوی هنر (به ریاست ر. و. زاریان^(۴))، دائره فلسفه و حقوق (به ریاست گ. گ. اصلانیان^(۵))، رئیس شعبه علوم اجتماعی آکادمی که بر این مراکز نظارت دارد آکادمیسین س. ت. یرمیان^(۶) و دبیر علمی آن ک. س. خداوردیان^(۷) هستند. نشریه رسمی این شعبه «پیک علوم اجتماعی فرهنگستان علوم ارمنستان»^(۸) نام دارد، نشریه دیگری در زمینه زبان‌شناسی به نام «مجله تاریخ و زبانشناسی»^(۹) از طرف این شعبه منتشر می‌شود^(۱۰). موزه تاریخ ارمنستان نیز وابسته به آکادمی علوم جمهوری است.

□ بخش خاورشناسی آکادمی علوم^(۱۱)

بخش خاورشناسی که مرکز اصلی مطالعات ایران‌شناسی آکادمی علوم است در سال ۱۹۵۸ تأسیس شده و در آن بیش از چهل تن از کارشناسان مطالعات

1-B. N. Arakelyan

2- G. B. Dzhaukian

3- V. S. Nalbandyan

4- R. V. Zaryan

5- G.G Aslanyan

6- S. T. Eremyan

7- K. S. Khudaverdyan

8-Vestnik obshches tvennykh nauk Akademiia Nauk

Armyanskoy SSR

9-Istoriko- Filologicheskyy zhurnal

۱۰- شفاء: جهان ایران‌شناسی، جلد اول، ص ۶-۹۹۵.

11-Sektor Vostokovedenia Akademii Nauk Arssr

ایرانی و مطالعات عربی، ترکی، کردی و سایر زبانها مشغول کارند که شعبه ایرانی مهمترین و گسترده‌ترین آنها است. کار علمی این بخش رشته‌های تاریخ، زبان‌شناسی، ادبیات و تاریخ تحول اقتصادی و سیاسی ایران را شامل می‌شود. از مهمترین کارهایی که در سالهای اخیر در این زمینه توسط کارمندان علمی این دائره انجام گرفته، انتشار کتاب «تاریخ صفویه» بر اساس نوشته‌های مورخان ارمنی قرن هفدهم، تدوین و چاپ چند فرهنگ ارمنی به فارسی و فارسی به ارمنی، تدوین و چاپ فرهنگ مفصل و عالی «پهلوی، فارسی، ارمنی، روسی، انگلیسی» توسط پروفیسور ر. آبرامیان، تألیف و انتشار چندین اثر درباره روابط ادبی ایران و ارمنستان، انتشار چند اثر تحقیقی درباره تحولات فرهنگی و اقتصادی ایران از قرن هفدهم تا قرن بیستم و ترجمه آثار مختلف ادبیات کلاسیک فارسی به زبان ارمنی است. بخش خاورشناسی سلسله انتشارات منظمی بنام «منابع ارمنی درباره کشورها و ملل شرق» دارد که قسمت مهمی از آنها مربوط به منابع ارمنی تاریخ ایران است.

از نشریات مهم این بخش، سلسله کتابهایی بنام «مجموعه مقالات خاورشناسی آکادمی علوم ارمنستان» است که سالی یک جلد از آن منتشر می‌شده و تاکنون پنج مجلد (سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۹) از این مجموعه به چاپ رسیده است. هر جلد از این دوره حاوی مقالات دانشمندان ایران‌شناس ارمنی و روسیه به زبانهای ارمنی و روسی و گاه زبانهای دیگر است. گزارش کارهای جاری بخش خاورشناسی در مجله «پیک علوم اجتماعی فرهنگستان علوم ارمنستان» به چاپ می‌رسد. دو نشریه علمی و ادبی دیگر ارمنستان نیز بنام «مجله تاریخ و ادبیات فرهنگستان علوم» و «مجله ادبیات ارمنی» که هر دو در ایروان چاپ می‌شوند با بخش خاورشناسی آکادمی در نشر این آثار همکاری دارند.^(۱)

در حال حاضر گروهی از دانشمندان این بخش در رشته‌های تاریخ، ادبیات، زبان‌شناسی و مسائل اجتماعی و اقتصادی ایران کار می‌کنند که از جمله آنها می‌توان از افراد ذیل نام برد:

۱- گ. اینجیکیان^(۱) که فعالیت‌های ایران‌شناسی این مرکز را پی می‌گیرد.

۲- ه. م. یگانیان^(۲) رئیس بخش ایران‌شناسی و کارشناس مسائل اقتصادی و اجتماعی، مؤلف کتابهای «مناسبات ارضی در ایران در نیمه اول قرن نوزدهم»، «مناسبات ارضی در ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم»، «سیر تحول اجتماعی و سیاسی در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم»، «کشاورزی در ایران معاصر»، «مختصری از تاریخ مالکیت وقف در ایران» که همه به زبان ارمنی تألیف شده است.

۳- ب. بالایان^(۳) در رشته تاریخ معاصر ایران، مؤلف کتاب «روابط بین‌المللی ایران در سالهای ۱۸۱۳ تا ۱۸۲۸ میلادی» (دوره فتح‌علیشاه قاجار) و مقالات تحقیقی درباره ایلات لر و شاهسون و قشقایی که در «مجموعه مقالات شرق‌شناسی» آکادمی علوم ارمنستان به چاپ رسیده است.

۴- و. بایبوردیان^(۴) در رشته تاریخ قرون اخیر ایران، مؤلف اثر جالب «ارامنه جلفای اصفهان و روابط اقتصادی و سیاسی ایران و اروپا در زمان صفویه» که به زبان روسی در ایروان به چاپ رسید. از وی در همین زمینه مقالات تحقیقی متعدد دیگری انتشار یافته است که از جمله آن مقالات: «نقش میانجیگری بازرگانان جلفای اصفهان در روابط سیاسی ایران و ممالک اروپا در دوران صفوی»، «بازرگانان جلفای اصفهان و روابط اقتصادی ایران با کشورهای اروپا» و «سیاست دولت عثمانی نسبت به ایران در سالهای انقلاب مشروطیت» است که در مجلدات مختلف «مجموعه مقالات شرق‌شناسی» آکادمی به چاپ رسیده

1-O. G. Indzikyan

2- G. M. Eganyan

3-B. Balayan

4-V. Baybverdyan

است. (۱)

- آ. بوداغیان^(۲) در رشته ادبیات معاصر ایران، مؤلف آثار تحقیقی به نام «انعکاس مسائل اجتماعی در نثر معاصر ایران»، «رنالیسم صادق هدایت»، «پیشرفت ادبیات ایران در اوائل قرن بیستم» و «اولین نمایشنامه در ایران».

- ا. آرزومانیان^(۳) در رشته زبان‌شناسی فارسی، مؤلف آثار «ترکیبات و مفاهیم جملات استفهامی در زبان فارسی» و «ادات استفهامی در زبان فارسی معاصر».

- ل. شخویان^(۴) در رشته ادبیات معاصر فارسی، صاحب آثار تحقیقاتی «نثر جدید فارسی»، «تأثیر مقالات فکاهی مطبوعات اوائل قرن حاضر ایران در تجدد نثر فارسی» و «انعکاس مسائل اجتماعی در نثر معاصر ایران».

- ه. موسسیان^(۵) در رشته ادبیات و زبان‌شناسی فارسی، مؤلف کتاب «پند و امثال فارسی» که به زبان فارسی توسط دانشگاه ایروان چاپ شده است و مقالات تحقیقی متعدد به زبان ارمنی از قبیل «پیشرفت نظم فارسی در اوائل قرن بیستم»، «بررسی کوتاهی در تاریخ تئاتر ایران»، «نثر فارسی در سالهای پس از جنگ دوم جهانی» و «نظرات شعرای ایران درباره ادبیات ارمنی».

گروه کارکنان این بخش در سالهای اخیر در تألیف اثری به نام «کشورها و مردم خاور نزدیک و خاورمیانه» در چند جلد شرکت داشته‌اند که یک جلد آن بطور کامل به ایران اختصاص دارد. در تألیف مقالات و تنظیم مطالب این مجموعه علاوه بر کسانی که در بالا نام برده شده‌اند، ن. ه. هوانسیان^(۶)، ا. ا. بهرامیان^(۷)، ن. ا. یوهانسیان^(۸)، ا. ک. سرکیسیان^(۹) و عده‌ای دیگر نیز شرکت

۱- شفاء: جهان‌ایرانشناسی، ص ۹-۹۹۸.

2- A. Budagyan

3- O. Arzumanyan

4- L. Shekhovyan

5-G. Movsesyan

6- N. H. Hovanessyan

7- A.A. Bairamyan

8- N.O. Ohanessyan

9- E.K. Sarkissyan

داشته‌اند.

از سایر دانشمندان کنونی ارمنستان که در رشته فرهنگ ایران کار می‌کنند و با بخش خاورشناسی آکادمی علوم همکاری دارند، می‌باید از: گ. م. نعلبندیان^(۱) (مؤلف رساله «شرحی درباره‌ی زبان فارسی باستانی»)، ا.ا. شهبوریان^(۲) (مؤلف رساله‌ی ابوعلی سینا و ادبیات جهانی)، گ. س. هاروتونیان^(۳) (مؤلف کتاب انقلاب مشروطیت ایران)، ب. ل. چوخاسیان^(۴) (مؤلف رساله‌ی روابط ادبی ایران و ارمنستان در قرون پنجم تا هجدهم میلادی)، ا.م. میناسیان^(۵) (مؤلف رساله‌ی گلستان سعدی و ترجمه‌های ارمنی آن)، نام برد.

در رشته‌ی مطالعات مربوط به زبان و فرهنگ کردی نیز که پیوستگی کامل با مطالعات ایران‌شناسی دارد، کارهای جالبی در «بخش خاورشناسی» آکادمی انجام گرفته است که از آن جمله می‌توان از تألیف کتاب «کردها و یزیدی‌ها» توسط خ. آبوویان^(۶)، کتاب «یزیدی‌های کرمانشاه» توسط ترماتولیانیان^(۷) و کتاب «منشاء و تاریخ کردها» توسط ارشاک صفرستیان^(۸) نام برد.^(۹)

فرهنگستان علوم ارمنستان ترجمه کتاب «ارداویراف نامک» را به زبان ارمنی طبع و منتشر کرد که نخستین ترجمه کامل از ادبیات پهلوی مربوط به قرن پنجم و ششم میلادی است. این کتاب دارای اطلاعات بسیاری از مناسبات اجتماعی و راه و رسم زندگی و امور حقوقی و مذهبی آئین زرتشت است.

پروفسور روین آبرامنیان مترجم کتاب، بر آن تفسیری نیز نوشته است. ترجمه کامل این اثر جالب ادبی ایران از کارهای مهمی است که در رشته

1- G.M. Nalbandyan

2-A.A.Shakhsavaryan

3-G.S. Arutunyan

4-B.L. Chukaszyan

5-A.M.Minasyan

6-Kh. Abovyan

7-Ter- Manueilyan

8-A. Safrastyan

۹- شفاء: جهان ایران‌شناسی، ص ۹۹۹-۱۰۰۱.

ایران‌شناسی شده است. تا قبل از ترجمه این کتاب به زبان ارمنی، دو بار این کتاب به زبانهای انگلیسی و فرانسه ترجمه شده بود ولی کامل نبود. ترجمه ارمنی این اثر که به اصل آن بسیار نزدیک است و خواص و سبک هنری کتاب اصلی کاملاً در نظر گرفته شده است، محفوظ مانده است.^(۱)

□ دانشگاه دولتی ایروان^(۲)

دانشگاه ایروان در سال ۱۹۲۰ تأسیس شده است و در حال حاضر دارای یازده دانشکده، ۳۸۴ استاد و دانشیار و ۷۰۰۰ دانشجو است. این دانشگاه از بدو تأسیس خود دارای برنامه‌هایی در زمینه تدریس زبان فارسی و تاریخ ادبیات ایران و تاریخ ایران بوده است. بعلاوه در کرسی زبان و ادبیات ارمنی برای تحصیل دکترا، زبان فارسی به عنوان یکی از دروس الزامی منظور شده است.

در سال ۱۹۴۰ کرسی خاصی به نام «زبان‌شناسی شرقی» در این دانشگاه تأسیس شد و پس از چند سال این کرسی جزو «دانشکده خاورشناسی» شد که در آن هنگام تأسیس شده بود. در این دانشکده در حال حاضر تدریس مواد مربوط به ایران در سه بخش مختلف بدین شرح صورت می‌گیرد:

زبان و ادبیات فارسی، در بخش زبان‌شناسی شرقی؛ تاریخ ایران در بخش تاریخ خاور زمین و زبان کردی در بخش کردشناسی.

دروس کرسی زبان و ادبیات فارسی شامل زبان فارسی باستانی، زبان پهلوی و زبان فارسی امروزی است. این دروس بدین ترتیب تقسیم‌بندی شده است: زبان‌شناسی ایران، تاریخ ادبیات ایران، تاریخ زبان فارسی، دستور تطبیقی و تاریخی زبانهای ایرانی و کتیبه‌شناسی فارسی.

دروس کرسی تاریخ خاور زمین نیز شامل مواد ذیل است: تاریخ ایران،

۱- «کتابی از دوره ساسانیان»، پیام نوین، س اول، ش ۲، مهر ۱۳۷۷، ص ۶۹.

جغرافیای طبیعی و اقتصادی ایران، تاریخ هنر ایران و ایران معاصر. یکی از آثار نعلبندیان که برای استفاده دانشجویان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایروان تهیه شده، منتخباتی از نشر مجلات و روزنامه‌های فارسی است که در سال ۱۹۶۸ به عنوان کتاب درسی از طرف دانشگاه ایروان چاپ شده است.^(۱)

■ دانشکده خاورشناسی دانشگاه ایروان

این دانشکده که مرکز دانشگاهی مطالعات ایرانشناسی جمهوری ارمنستان است، در سال ۱۹۶۸ جایگزین «بخش زبانها و ادبیات شرقی» دانشکده زبان‌شناسی این دانشگاه شده است.

دانشگاه دولتی ایروان از آغاز تأسیس خود در سال ۱۹۳۰ دارای برنامه‌هایی در زمینه ایران‌شناسی، تاریخ ایران، تاریخ ادبیات ایران، زبان فارسی و مطالعات ایرانی بوده که با پیشرفت برنامه‌های مربوط به زبان و ادبیات ارمنی و تاریخ ارمنستان در این دانشگاه تدریجاً ضرورت توسعه برنامه‌های ایران‌شناسی دانشگاه نیز محسوس شد، زیرا روشن شد که این دو رشته به نحو بارزی با یکدیگر ارتباط دارند. به همین جهت آشنایی با زبان فارسی از برنامه‌های اساسی دوره دکترای زبان و ادبیات ارمنی شد.

در سال ۱۹۴۰ کرسی خاصی بنام «زبان‌شناسی شرقی» در دانشگاه ایروان تأسیس شد که با ایجاد آن مطالعات ایران‌شناسی در این دانشگاه به صورت جدی‌تری درآمد. در همان سال در دانشکده زبان‌شناسی دانشگاه بخش زبانها و ادبیات خاور زمین تأسیس شد که دارای دو رشته ایرانی و عربی بود که وظیفه تربیت کادر نوین خاورشناسی ارمنستان را به عهده داشت. مرحله بعدی توسعه ایران‌شناسی در این دانشگاه، تأسیس «دانشکده خاورشناسی» بود که در سپتامبر سال ۱۹۶۸ صورت گرفت. در حال حاضر، برنامه‌های تدریس فارسی این

۱- شفاء: جهان ایران‌شناسی، ص ۹-۱۰۰۸.

دانشگاه که شرح آنها در صفحات بعد آورده شده است در بخشهای سه‌گانه این دانشکده تمرکز یافته است.^(۱)

تتبعات ایران‌شناسی که در این دانشکده به موازات تدریس زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران و سایر رشته‌های ایران‌شناسی انجام می‌گیرد، رشته‌های مختلف زبانهای قدیم و جدید ایران، ادبیات فارسی کلاسیک و ادبیات فارسی معاصر ایران را شامل می‌شود و بخصوص این مطالعات بر اساس منابع ارمنی تاریخ ایران صورت می‌گیرد. در چند سال اخیر، فارغ‌التحصیلان رشته ایران‌شناسی این دانشگاه، رساله‌ها و کتابهایی بشرح ذیل تألیف و منتشر کرده‌اند:

- ر. آچاریان^(۲): تاریخ قرائت کتیبه‌های میخی فارسی باستانی، منابع ایرانی درباره ارامنه بر مبنای شاهنامه فردوسی، منتخباتی از آثار پارسی و اسنادی درباره مناسبات تاریخی ارمنستان و ایران.

- گ. آساتور^(۳): ترجمه ارمنی رستم و سهراب فردوسی.

- گ. جاوید^(۴): سیاوش (نمایشنامه) اقتباس از شاهنامه.

- ملک وارطانیان^(۵): زندگی و آثار شیخ مصلح‌الدین سعدی.

- ب. ل. چوخاسیان^(۶): روابط ادبی ارمنستان و ایران در قرون پنجم تا هجدهم میلادی.

- آ. ا. شهسواریان^(۷): شاهنامه و مأخذ ارمنی.

- گ. موسسیان^(۸) و ا. پهلوانیان^(۹): داستانهای ایرانی.

۱- همان، ص ۳-۱۰۰۲.

2-R. Acharyan

4-G. Dzhavid

6-B.L. Chukaszyan

8-G. Movsesyan

3-G. Asatur

5-Melik Vardanyan

7-A.O. Shakhsavaryan

9-O. Pakhlevanyan

- ۱- د. مرادیان^(۱): ترجمه رباعیات عمرخیام به ارمنی.
 ۱-ب. آقایان^(۲): نظامی گنجوی و پیدایش ادبیات فارسی.
 - س. عمریان^(۳): ترجمه ارمنی دو بیتی‌های خاقانی، غزلیات جامی، قسمتی از غزلیات حافظ، داستان سیاوش از شاهنامه، داستان زال و رودابه از شاهنامه و رستم و سهراب از شاهنامه.
 - آ. م. میناسیان^(۴): ترجمه گلستان سعدی به ارمنی.
 - ت. آ. هاکوپیان^(۵): نخستین انقلاب روسیه و انقلاب مشروطیت ایران.
 - ا. خ. نجاریان^(۶): روابط ایران و ترکیه در قرن شانزدهم و نیمه اول قرن هفدهم میلادی - جنگ ایران و ترکیه در آغاز قرن هفدهم و کوچ دادن آرامنه.
 - ه. ه. موسسیان^(۷): مثلهای پارسی.
 از پروفیسور ر. آبرامیان^(۸) استاد فقید این دانشگاه دو اثر عالی در زمینه ایرانشناسی به چاپ رسیده که عبارتند از: ترجمه «ارداویراف نامه» (ارتای ویراف نامه) از زبان پهلوی به ارمنی با شرح و تفسیر جامع، و «فرهنگ پهلوی - فارسی - ارمنی - روسی - انگلیسی» همراه با دستور زبان پهلوی. پروفیسور آبرامیان قبلاً مدتی در تهران تدریس می‌کرد.^(۹)
 رئیس دانشکده خاورشناسی تا چند سال قبل، گ. م. نعلبندیان^(۱۰) بود که متخصص زبانهای باستانی ایران بود. وی در این زمینه دارای چندین اثر تحقیقی است که در سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۸۶ توسط دانشگاه ایروان بدین شرح به چاپ

1-O.D. Muradyan

2- E.B. Agayan

3- S. Umaryan

4- A. M. Minasyan

5- T. A. Akopyan

6- U. Kh. Nadzaryan

7- G.G. Movsesyan

8- R. Abramyan

۹- شفاء: جهان ایرانشناسی، ص ۵-۱۰۰۳.

10- G.M.Nalbandyan

رسیده‌اند: شرحی دربارهٔ زبان فارسی باستانی (در ۱۹۵۵)، زبانها و گویشهای ایرانی (در ۱۹۶۰)، احیای کلمات فراموش شده زبان پارسی به کمک زبان ارمنی (در ۱۹۶۱)، زبان فارسی میانه (در ۱۹۶۲)، پارسی باستانی (در ۱۹۶۳)، سنگنبشته داریوش در بیستون (در ۱۹۶۴)، نمونه‌هایی از نثر معاصر فارسی (در ۱۹۶۴)، متن فارسی و ترجمهٔ ارمنی منتخباتی از نثر مجلات و روزنامه‌های فارسی به عنوان کتاب درسی فارسی (در سال ۱۹۶۸، با همکاری ب. ت. سیناکین^(۱) و ک. و. قازاریان^(۲)). چاپ «فرهنگ پهلوی - فارسی - ارمنی - روسی - انگلیسی» نیز که قبلاً بدان اشاره شد، با نظارت علمی نعلبندیان صورت گرفته است. دانشگاه ایروان دارای نشریه‌ای رسمی به نام «یادداشتهای علمی دانشگاه دولتی ایروان»^(۳) است که گزارش کارهای خاورشناسی دانشگاه در آن به چاپ می‌رسد و برخی از شماره‌های آن نیز یکجا به یک کتاب یا رسالهٔ معین اختصاص داده می‌شود، چنانکه مثلاً جلد ۳۴ این نشریه در سال ۱۹۴۸ به کتاب ر. آچاریان به نام «تاریخ قرائت کتیبه‌های میخی فارسی باستانی» اختصاص یافته بود.^(۴) ریاست فعلی دانشکده خاورشناسی دانشگاه ایروان به عهده گورکن ملیکیان است.

☐ هاتناداران مخزن دولتی نسخه‌های خطی

این مرکز معروف اسناد تاریخی که از منابع مهم اسناد مربوط به ایران در جهان است، مخزنی از اسناد نادر یا منحصر بفرد فرهنگی و تاریخی باستانی ارمنستان و سایر جمهوریهای قفقاز و آسیای میانه و اسناد مربوط به بیزانس و ممالک اسلامی در دوره‌های سلجوقی و مغول و صفوی را در خود جای داده

1- B.T. Sinakin

2-K.V. Kazaryan

3-Uchenie zapiski Erevanskogo Gosudarstvennogo universiteta

۴- شفاء: جهان ایرانشناسی، ص ۶-۱۰۰۵.

است و از میان مراکز مختلف کتب و نسخ خطی ارمنی که اکنون در ونیز، وین، اصفهان، اورشلیم، پاریس، لندن و ایروان وجود دارند، این مرکز به مقیاس زیادی از همه مهمتر محسوب می‌شود. قسمت مهمی از این مدارک تألیفات و آثار ارامنه مهاجر جلفای اصفهان، اورشلیم، اسکندریه، رم، مدرس، کلکته، فیلیپین، لهستان، مجارستان، ترکیه و روسیه غیره است که خصوصیات بسیاری از شهرهای ایران در قرون گذشته در آنها ذکر شده است. این یادداشتها به زبانهای مختلف ارمنی، فارسی، یونانی، لاتینی، حبشی، سریانی، اسلاو و غیره نوشته شده و شامل اسناد مربوط به جنگهای اعراب، مغول، سلاجقه، تیموریان و جنگهای صلیبی است. بطور کلی آثار بیش از هشتاد مورخ ارمنی که بسیاری از آنها منبع ارزنده‌ای برای این پژوهش تاریخ باستانی ایران و قفقاز و بیزانس و دنیای اسلامی است در این مجموعه نگاهداری می‌شود.

علاوه بر این، ترجمه‌های متعددی از آثار نویسندگان قدیم و قرون وسطی در این مجموعه هست که اصل آن تألیفات از میان رفته است و به همین جهت این ترجمه‌ها سندیت دارد. اساس این مجموعه، اسناد تاریخی کلیسای «اچمیادزین» است که از قرن پنجم میلادی به بعد طی ۱۵۰۰ سال به تدریج گردآوری شده است. در قرن نوزدهم با کوشش عده‌ای از روحانیون و دانشمندان ارمنی، این مجموعه توسعه یافت و برای نخستین بار در سال ۱۸۴۰ فهرستی از نسخ خطی آن به زبان ارمنی توسط اسقف هوانس شاه‌اطونیان تنظیم شد. فهرست دقیق دیگری از ۲۳۴۰ نسخه خطی این مجموعه در سال ۱۸۶۳ توسط وارطاپت دانیل شاه نظریان منتشر شد. مجموعه «ماتناداران» در سال ۱۸۹۳ دارای ۳۱۵۸ نسخه خطی بود. در آغاز جنگ جهانی تعداد این نسخ به ۴۶۶۰ رسید و از آن پس بتدریج مجموعه‌های متفرق متعلق به صومعه‌های سایر شهرهای ارمنستان بدان افزوده شد.

نسخه‌های تکمیلی «ماتناداران» در سال ۱۹۲۰ از مسکو به اچمیادزین ارمنستان انتقال یافت و مقارن با این نقل و انتقال تعداد زیادی از اسناد و نسخ خطی و اشیاء عتیقه نفیس نیز از تفلیس و نخجوان و حاجی طرخان و غیره به

اچمیادزین منتقل شد. در سال ۱۹۳۹ تمام این اسناد و اشیاء از اچمیادزین به ایروان پایتخت ارمنستان انتقال یافت و در سال ۱۹۵۹ این مجموعه «مخزن دولتی نسخه‌های خطی قدیمی ماتناداران» نام گرفت و به عنوان «مرکز مطالعات علمی و تاریخی و ادبی بر اساس اسناد معتبر قدیم» زیر نظر مستقیم هیئت دولت جمهوری ارمنستان قرار داده شد. در ده ساله اخیر موجودی اسناد و نسخ این مجموعه چه از راه خریداری و چه بر اثر هدایای علاقمندان به بیش از دو برابر افزایش یافته است. در حال حاضر مخزن ماتناداران صاحب بیش از ۱۰۰۰۰ نسخه خطی قدیمی ارمنی و در حدود ۲۰۰۰۰۰ سند مربوط به تاریخ ارمنستان و دول همجوار آن است.^(۱)

بسیاری از کتابهای ارمنی این مخزن از مدارک مهم مربوط به تاریخ و فرهنگ ایران است از قبیل: «تاریخ اردان و جنگ ارامنه» که در قرن پنجم میلادی (اواخر دوران ساسانی) توسط یقیشه مورخ معروف ارمنی نوشته شده و علاوه بر شرح جنگهای ارامنه با ساسانیان در سالهای ۴۵۱ و ۴۵۲ میلادی، حاوی اطلاعات پر ارزشی درباره آئین زرتشتی و زندگی سیاسی و اجتماعی شاهنشاهی ایران در آن عصر است. از متن اصلی این تاریخ هجده رونوشت خطی در ماتناداران وجود دارد و تاکنون بیش از چهل ترجمه از آن به زبانهای مختلف انتشار یافته است. همچنین نسخه خطی تاریخ سبه‌اوس مورخ قرن هفتم میلادی که قسمت اعظم آن به شرح لشکرکشیهای خسرو پرویز به بیزانس و مناسبات شاهنشاهی ساسانی و امپراطوری روم شرقی و نخستین مهاجمات اعراب به ایران اختصاص یافته است و تاریخ معروف «موسی خورنی» درباره سلسله اشکانی ارمنستان که سی و یک رونوشت مختلف از آن در ماتناداران وجود دارد. این کتاب در اروپا نخستین بار در سال ۱۷۳۶ به زبان لاتینی و در قرن بعد به زبانهای روسی، فرانسه، ایتالیائی، آلمانی و مجارستانی ترجمه شده و متن تفسیر شده کاملی از آن در سال ۱۹۱۳ در روسیه به چاپ رسید.

قسمتی دیگر از این کتابهای خطی، نسخه‌های آثار تاریخ‌نویسان ارمنی قرون اولیه هجری است که در آنها وقایع دوران خلافت اموی و عباسی و استیلای اعراب و سلاجقه بر ایران و ارمنستان و گرجستان شرح داده شده است. از آن جمله است کتابهای شاپور باگراتونی، هوانس دراسخاناگرتسی، اوختانس، تومار تسرونی، استپانوس آسوفیک، آریستا کس لاستیورتسی، سموئل آنتسی، و مخیتار آنتسی.

قسمتی دیگر از این نسخ کتابهای تاریخ مربوط به ادوار بعدی است که مهمترین آنها تاریخ «گریگور کاماختسی» درباره ایران در دوره پیش از صفویه است. از کتاب آراکل داوریژتسی مورخ ارمنی قرن هفدهم هفت نسخه خطی مختلف در این مخزن هست که در آنها شرح سفر او به ایران و زندگی آرامنه در اصفهان داده شده است.^(۱)

قسمتی دیگر از کتب خطی این مخزن، نوشته‌های جغرافیدانان گذشته ارمنی است که در آنها وضع جغرافیایی ایران در ادوار مختلف توصیف شده است. از این قبیل است جغرافیای «آنانیاشیراکاتسی» جغرافیدان ارمنی قرن دوم هجری و هفت نسخه از یک اثر خطی ارمنی قرن ششم هجری که در آن فهرست جامعی از شهرهای ایران و هندوستان نقل شده است. از کتابهای مهم مربوط به ایران در ماتناداران، نسخه خطی منحصر بفردی از اثر یزنیک کوچباتسی متفکر و فیلسوف قرن پنجم ارمنستان است که در اواخر دوره ساسانی در رد اصول زرتشتی و مانوی نوشته شده است و اطلاعاتی که بدین مناسبت در این اثر درباره معتقدات مذهبی مانوی و زرتشتی و علوم آن دوره مخصوصاً هیأت و ریاضی در ایران ساسانی داده شده از نظر تاریخ اجتماعی ایران ساسانی بسیار ارزنده است. از جمله کتب خطی جالب دیگری که به ایران ارتباط دارد کتاب «ریاضیات» آنانیا شیراکاتسی بزرگترین دانشمند قرن هفتم ارمنستان است که در آن شرح مبسوطی درباره گاهشماری و اوزان و مقادیر رایج ایران در قرن دوم

هجری می‌توان یافت.

در رشته کتابهای ادبی این موزه کتابهای خطی می‌باید بخصوص از نسخه خطی اصلی ترجمه «اندرزنامه انوشیروان» و «داستان بهلول شاه» و «داستان هفت حکیم» که هر سه در قرون وسطی به ارمنی ترجمه شده‌اند نام برد.^(۱) مجموعه نسخ خطی ایرانی ماتناداران به ۴۰۰ کتاب بالغ می‌شود که در قرون ششم تا سیزدهم هجری کتابت شده‌اند. همچنین نسخه بسیار نفیسی از کتاب «النجاة» ابن سینا (به عربی) که در سال ۱۰۳۶ هجری به خط رشیدبن صفی‌الدین سهری نوشته شده است. همچنین مجموعه‌ای از آثار شهاب‌الدین عبدالله شیرازی، نظام‌الدین شامی، میرخوند، شرف‌الدین بتلیسی و نسخه‌های خطی متعددی از شاهنامه و خمسه نظامی و کلیات سعدی و دیوان حافظ و دیوان امیر خسرو دهلوی.

کتاب «مجموعه مواعظ» که ۴۴ کیلوگرم وزن دارد و خطاطی آن در طول سه سال توسط وارطان خطاط معروف قرن سیزدهم میلادی ارمنستان صورت گرفته و نیز مجموعه کتابهای خطی آوانس مانکاسارنس که هفتاد و دو سال تمام بکار کتابت اشتغال داشت و سرانجام نابینا شد از دیگر کتابها و مجموعه‌های جالب و ارزشمند ماتناداران است.

سازمان کنونی ماتناداران مشتمل بر سه بخش: کتابهای علمی، کتابشناسی، و انتشارات است، که بخش اخیر خود به دو قسمت کتابخانه و بایگانی تقسیم می‌شود. مجموعه مدارک و اسناد فارسی، عربی و ترکی در ذخائر ماتناداران دارای مقام ممتازی است. این مجموعه شامل تقریباً ۱۵۰۰ سند مربوط به قرون پانزدهم تا نوزدهم ارمنستان و قفقاز و آسیای مقدم است که اکثر آنها از دیرها و صومعه‌های ارمنستان شرقی که سابقاً تحت استیلای ایران بوده‌اند بدین مخزن انتقال یافته‌اند.

اسناد و مدارک فارسی این مخزن را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته

اول فرامین پادشاهان و احکام و تعلیقات خان‌ها و حکام محلی و فتاوی حکام شرع (شیخ الاسلام‌ها و مفتی‌ها) درباره مسائل مذهبی است. دسته دوم مشتمل بر قباله‌ها، اسناد مالکیت، وقفنامه‌ها، اجاره‌نامه‌ها و اسناد دیگری از این قبیل است که در محاضر شرع تنظیم می‌شده است. دسته سوم موافقتنامه‌ها، قراردادهای، مقاوله‌نامه‌ها، احکام اداری و سایر اسنادی است که دارای جنبه شرعی و محضری نیست. مهمترین این اسناد فارسی، فرمان‌ها و نامه‌هایی است که از دوره امرای قراقویونلو و آق‌قویونلو و سلاطین صفوی و پادشاهان بعدی ایران باقی مانده است. از این اسناد تا کنون دو جلد حاوی متون فرامین اوزون حسن، جهان‌شاه قراقویونلو، حسنعلی قراقویونلو، یعقوب و رستم آق‌قویونلو، شاه اسماعیل اول صفوی، شاه طهماسب اول، شاه اسماعیل ثانی، سلطان محمد خداپنده، شاه عباس اول، شاه صفی، شاه عباس ثانی، با ترجمه آنها و توضیحات مبسوط به زبان ارمنی توسط ا. د. پاپازیان^(۱) انتشار یافته که جلد اول مربوط به قرون پانزدهم و شانزدهم و جلد دوم مربوط به نیمه اول قرن هفدهم میلادی است. جلد اول شامل عکس و شرح ۲۳ سند و جلد دوم شامل متون تعداد زیادی فرمان و حکم با توضیحات مربوط بدانها است. این دو جلد در سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۵۹ در ایروان به چاپ رسیده است.^(۲) چند فهرست دیگر از نسخ و اسناد خطی «ماتناداران» تاکنون بشرح ذیل چاپ شده است:

«ذخایر نفیس ماتناداران» تألیف ل. خاچیکیان در «مجله مسائل تاریخی» چاپ مسکو، سال ۱۹۵۱ شماره ۱۲.^(۳) «ارزش تاریخ نگاری نسخه‌های خطی فارسی مخزن دولتی ماتناداران»، تألیف آ. پاپازیان، در کتاب «مدارک نخستین کنگره

1-A.D. Papazyan

۲- شفاء: جهان‌ایرانشناسی، ص ۷-۱۶، ۱۰۰۱۶.

3- L. Khachikyan: Sokrovisha Matenadarana Voprosy istorii, 12 (1951). Moskva

علمی خاورشناسان سراسر شوروی در تاشکند از ۴ تا ۱۱ ژوئن ۱۹۵۷ - چاپ تاشکند، سال ۱۹۵۸^(۱) «ماتناداران» تألیف گ. و. آبکاریان چاپ ایروان سال ۱۹۶۲^(۲) «شرح مختصر ذخایر خطی ماتناداران» تألیف گ. و. آبکاریان در کتاب «ذخایر خاورشناسی بزرگترین کتابخانه‌های اتحاد شوروی» - چاپ مسکو سال ۱۹۶۳^(۳) کارشناس کهنسال خطوط ایرانی این مخزن جلال افندی‌یف است که بیش از سی سال است در بخش اسناد و نوشته‌های فارسی ماتناداران کار می‌کند.^(۴)

□ مؤسسه شرق‌شناسی

این مؤسسه دارای ۷ بخش تحقیقاتی مجزا به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱ - بخش تمدن دوران خط میخی
بخش تمدن دوران خط میخی به بررسی موضوعاتی پیرامون بین‌النهرین، آسیای صغیر، دولتهای متعددی که در فلات ارمنستان وجود داشته‌اند و همچنین دربارهٔ بابل - سلطنت ختاما، دولت اورارتو و مسائل سیاسی، اقتصادی، زبانی و فرهنگی آنها می‌پردازد.

1-A.D. Papazyan: Istoriograficheskiya tsennosti persidskikh rukopisei gosudaestvennogo Mate- nadaran- "Materialy pervoy vsesoiuznoy konf. Tashkent, 1958

2- G. V. Abkaryan: Matenadaran - Erevan, 1962

3- G. V. Abkaryan: Kratkiy obzor rukopisnykh fon- dov

Matenadarana - "Vostokoved fondy krup- neyshikh bibliotek

Sovetskogo Soyuza." Moskva. 1953

۲ - بخش شرق مسیحی

بخش شرق مسیحی. در این بخش مسائل مجامع مسیحی موجود در کشورهای مشرق زمین، تاریخ قرون وسطای گرجستان، روابط ارمنی - گرجی و ارمنی - بیزانسی، مسائل فرهنگی و نژادی منطقه قفقاز و روابط فی مابین کلیساهای مشرق زمین مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد.

۳ - بخش کشورهای عربی

بخش کشورهای عربی (مصر، سوریه، عراق، لبنان و غیره). تاریخ دوران قرون وسطایی و معاصر تاریخ جنبش‌های ملی، آزادیخواهی، تاریخ نهضت‌های آزادیبخش، روابط بین‌المللی اعراب، روابط اعراب با کشورهای همجوار، مسائل پیرامون روابط مذهبی بین فرقه‌های مختلف اسلامی را مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

۴ - بخش ترک‌شناسی

بخش ترک‌شناسی به بررسی تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه می‌پردازد. در این بخش وضعیت و هویت حقوقی اقلیت‌های ملی و مذهبی، مسئله آرامنه و قتل عام آنها، سیاست ابرقدرتها و خصوصیات ویژه پیشرفت ترکیه معاصر مورد پژوهش قرار می‌گیرد. همچنین مسائلی مانند عثمانیسم، پان ترکیسم، پان اسلامیسم، نئوعثمانیسم و نئوپان ترکیسم مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۵ - بخش ایران‌شناسی

بخش ایران‌شناسی به بررسی و تحقیق در مورد مسائل تاریخی - سیاسی داخلی کشور، مسائل ارضی، مسائل انقلاب اسلامی و مسائلی در زمینه ویژگیهای زبانی، فرهنگی، ادبیات کلاسیک و معاصر فارسی می‌پردازند.

۶ - بخش کردشناسی

بخش کردشناسی این انستیتو به پژوهش در زمینه موضوعات زبان‌شناسی، ادبیات‌شناسی و فولکلور ملت کرد اهمیت ویژه‌ای قایل هستند. علاوه بر این، مسائل تاریخی ملت کرد بویژه تاریخ فرهنگ و زبان اکرادی که مقیم ارمنستان هستند و روابط ارضی - کردی و مسئله اکراد عراق، ترکیه و ایران مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد.

۷ - بخش بررسی مسائل حاد و ویژه معاصر خاور نزدیک و آسیای میانه در بخش جدیدالتأسیس که مسائل ویژه را مورد بررسی قرار می‌دهد سه موضوع مهم مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) ارمنستان در ترکیب کشورهای خاور نزدیک و روابط وی با کشورهای منطقه از قبیل ترکیه، ایران، ممالک عربی، گرجستان و آذربایجان.
 ب) روابط با ابرقدرتهای ایالات متحده آمریکا، روسیه، بریتانیا و فرانسه.
 ج) سیاست در شرق نزدیک و روابط داخلی در منطقه خاور نزدیک و قفقاز
 علاوه بر بررسی مسائل فوق در انستیتو یک سری مسائل در زمینه مأخذشناسی و متن‌شناسی بویژه در خصوص متون عربی، ترکی، گرجی و متون ارمنی در زمینه‌های ارمنی‌شناسی در سایر کشورها که در مجاورت با ارمنستان سکونت دارند مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد. در این راستا مسائلی از قبیل: وضعیت سیاسی و اجتماعی و تاریخ پیدایش مجامع آرامنه در کشورهای شرق نزدیک و قفقاز و نقش سیاسی - اقتصادی آرامنه در این کشورها بررسی می‌گردد. زمینه‌های قابل بررسی در این انستیتو در باب متخصصین و کارشناسان و تألیفات، رسالات و مقالات زیادی که آنان منتشر کرده‌اند وجود دارد. بخش اعظم این تألیفات علاوه بر زبان ارمنی به زبانهای روسی، عربی،

فارسی، کردی، انگلیسی، آلمانی، فرانسه، ایتالیا و دیگر زبانها در کشورهای عراق، کویت، آمریکا، آلمان، اتریش، مجارستان، فرانسه و ایتالیا به چاپ رسیده‌اند.

در این راستا انستیتوی شرق‌شناسی شش سری رساله تحت عناوین «کشورها و ملت‌های خاور نزدیک و میانه»، «قفقاز و بیزانس»، «شرق باستان»، «مأخذشناسی مشرق زمین»، «خوربها (غوریان) و اورارتوئیها» را منتشر کرده است. این انستیتو در بخش اسپیرانتورا (فوق لیسانس) خود پرسنل علمی تربیت می‌کند و علاوه بر آن برای درجه دکترا نیز اقدام می‌کند. متقاضیان این درجه‌های علمی در زمینه‌های تاریخ عمومی - مأخذشناسی و تاریخ‌نگاری می‌توانند با ارائه و دفاع از آن در مقابل شورای عالی علمی درجه مورد درخواست خود را از آکادمی علوم اخذ نمایند. انستیتوی شرق‌شناسی دارای کادرهای سرشناس و خبره علمی می‌باشد که از جمله می‌توان از آکادمیسین کاگیگ سرکیسیان مؤلف تاریخ شرق باستان، ارمنستان و عضو افتخاری آکادمی علوم سوریه، نیکلای هوانسیان دکتور پروفیسور در علوم تاریخ مؤلف کتاب تاریخ معاصر و نوین اجزاب مشرق‌زمین و عضو افتخاری آکادمی علوم سوریه، آکادمیسین محمودیان در زمینه کردشناسی، دکترای علوم تاریخ پروفیسور ساهاکیان مؤلف تاریخ معاصر نوین ترکیه، پروفیسور مرادیان دکتور علوم تاریخ و متخصص قفقاز شمالی، پروفیسور هاروملونیان دکتور علوم زبانشناسی متخصص در اورارتوشناسی نام برد که فعالیت‌های ارزنده‌ای در پیشرفت این انستیتو داشته‌اند.

این انستیتو، روابط علمی گسترده‌ایی با مراکز علمی و تحقیقاتی جهانی در زمینه مبادله اطلاعات و دستاوردهای علمی دانشمندان دارد، علاوه بر این،

فعالیت‌هایی در زمینه سرپرستی و راهنمایی در دفاع از تزه‌ها، سخنرانی در کنفرانسها و سمینارهای علمی و تهیه کادرهای علمی انجام می‌دهد. در این راستا این مرکز علمی و تحقیقی با مراکز علمی فرانکفورت آلمان، کپنهاک (دانمارک) و مری‌لند (آمریکا) یک سری تحقیقات مشترک علمی انجام داده است. کارشناسان انستیتو در کنفرانسهای علمی که در آمستردام، لندن، هایدبرگ، بیروت، بغداد، لوس آنجلس و دیگر جاها تشکیل می‌شود بطور مرتب شرکت می‌نمایند همچنین در کنگره جهانی شرق‌شناسی نیز که در پاریس، مسکو و هامبورگ تشکیل می‌گردد حضور دارند. در این راستا به ابتکار انستیتوی شرق‌شناسی در سال ۱۹۶۹ سومین کنگره شرق‌شناسان با شرکت عرب‌شناسان و چهارمین کنگره در زمینه ترک‌شناسی و مسیحیت مشرق‌زمین در سال ۱۹۸۵ تشکیل گردیده است. این انستیتو دارای کتابخانه ویژه‌ای است که حاوی ۶۰ هزار جلد کتاب تخصصی می‌باشد. در این کتابخانه، کلیات اسناد تاریخی، بررسی رسالات، مقالات، مجلات علمی، روزنامه‌ها به زبانهای روسی، ترکی، عربی، ترکی عثمانی، فارسی، عبری، کردی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی نگهداری می‌گردد.

□ مرکز ایرانشناسی در قفقاز

مرکز ایرانشناسی در قفقاز که در سال ۱۹۹۶ در ایروان دایر شده، به تحقیق و مطالعه در خصوص ایران و تمام مناطقی که تحت تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی بوده می‌پردازد. این مرکز با دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران همکاری دارد و تاکنون در کنفرانسهایی از جمله ایران، ارمنستان: دیروز، امروز و فردا و... چند سمینار دیگر شرکت کرده است. این مرکز

دارای شورای علمی متشکل از ۱۵ نفر از اساتید و اندیشمندان می‌باشد و ۵۰ تا ۶۰ نفر از دانشجویان و محققین ایرانیان با این مرکز همکاری می‌کنند. رئیس مرکز آقای گارنیک آساطوریان می‌باشد. از اعضای دیگر این مرکز می‌توان به آقای آراپاپیان سخنگوی وزارت امور خارجه ارمنستان و عضو شورای علمی مرکز ایرانیان در قفقاز و هاپریت مارکاریان از اساتید دانشگاه دولتی ایروان اشاره کرد.

□ دانشگاه آجاریان

این دانشگاه پس از فروپاشی شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ مجوز تأسیس گرفت و کار خود را با ۱۶۰۰ دانشجو آغاز نمود. اکنون بالغ بر ۵۰۰۰ دانشجو دارد. دارای ۴۲ رشته تحصیلی و حدود ۲۷۰ استاد می‌باشد. ۲۲ نفر آکادمیسین دارد که ۹ نفر از آنان عضو آکادمیهای جهانی هست. مدارج علمی اکثر اساتید بالاتر از فوق لیسانس است و ۷۸ دکتر و پروفیسور در دانشگاه مشغول تدریس هست.

این دانشگاه با ۱۸ دانشگاه خارجی ارتباط علمی دارد. از جمله قبل از آغاز مناسبات سیاسی ایران و ارمنستان موافقتنامه همکاری این دانشگاه با دانشگاه آزاد اسلامی ایران به امضاء رسید. با تشکیل رشته زبان و ادبیات ارمنی در دانشگاه آزاد اسلامی و رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه آجاریان همکاریهای دو دانشگاه شکل علمی بخود گرفت.

□ دانشگاه دلوید آنهاخت

این دانشگاه که در سال ۱۹۹۰ تأسیس شده یک دانشگاه خصوصی و اولین

دانشگاه منطقه‌شناسی در ارمنستان است که رشته‌های تاریخ‌شناسی، فرهنگ‌شناسی، دین‌شناسی، زبان‌شناسی، کشورشناسی و منطقه‌شناسی در آن تدریس می‌شود. تاریخ و فرهنگ کشورهای همسایه همچون ایران، گرجستان و ترکیه و بطور عمده کشورهایایی که آرامنه در آنجا اقامت دارند در این دانشگاه تدریس می‌شود. گروه‌های آموزشی ایران‌شناسی، عربی، کردشناسی، آمریکاشناسی و انگلیسی‌شناسی در دانشگاه تشکیل شده است.

این دانشگاه دارای ۱۲۰ دانشجو است و تعداد ۱۵ نفر در رشته زبان فارسی به تحصیل مشغولند. دوره‌های تحصیلی ۵ ساله است. رشته شرق‌شناسی و ایران‌شناسی نیز از سال ۱۹۹۰ تشکیل شده است.

□ مدرسه اچمیادزین

این مدرسه در سال ۱۹۹۳ شروع بکار کرده و همزمان زبان فارسی نیز در آن تدریس می‌شود. تدریس زبان فارسی از سال دوم آغاز می‌گردد و تا سال هشتم ادامه می‌یابد. تعداد دانش‌آموزان مدرسه ۱۲۰ نفر می‌باشد.

□ مدرسه شماره ۷۸ لیرولن

این مدرسه ۱۰۰۰ دانش‌آموز دارد و مدت ۷ سال است که زبان فارسی در آن تدریس می‌گردد. زبانهای انگلیسی و روسی بطور اجباری از سال اول تدریس می‌گردد و از سال سوم دو زبان فارسی و فرانسه بطور اختیاری انتخاب می‌شود. ارائه گواهی فارغ‌التحصیلی به دانش‌آموزان مشروط به فراگیری یکی از زبانهای فارسی، روسی و انگلیسی می‌باشد.

▣ مدرسه شماره ۵۹ ایروان

سابقه تدریس زبان فارسی در این مدرسه به سال ۱۹۸۲ برمی‌گردد و تعداد معلمین فارسی به ۱۲ نفر می‌رسد. در حال حاضر هفته‌ای ۲ ساعت زبان فارسی در مدرسه تدریس می‌شود، در صورتی که قبلاً در هفته ۶ ساعت تدریس می‌شده است. در این مدرسه زبان خارجی از ابتدا زبان انگلیسی بوده و زبان فارسی به عنوان زبان خارجی دوم تدریس می‌گردد.

▣ انجمن روابط فرهنگی ارمنستان و ایران

این انجمن که عهده‌دار اداره و توسعه روابط فرهنگی ارمنستان با ایران است، در سال ۱۹۶۷ در ایروان تأسیس شده است و قبل از فرو پاشی شوروی سابق وابسته به انجمن مرکزی دوستی و روابط فرهنگی اتحاد شوروی و ایران در مسکو بود و رئیس انجمن در ارمنستان آ. کیراکسیان^(۱) وزیر کابینه و نماینده شورای عالی جمهوری ارمنستان بود.^(۲)

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

▣ نگارخانه دولتی ارمنستان^(۳)

این گالری مهمترین مرکز آثار نقاشی ارمنستان و صاحب ۱۷۰۰۰ تابلو و اثر هنری کار هنرمندان آسیا و اروپای غربی و اتحاد جماهیر شوروی سابق

1-A. Kirakosyan

۲- شفاء: جهان ایرانشناسی، ص ۷-۱۰۰۶.

3- Gosudarstvennaya Kartniiaya galereya Armenii

بخصوص هنرمندان ارمنی است. کلکسیون آثار هنری ایرانی در این نگارخانه مشتمل بر دوازده مینیاتور آب و رنگ و سه نقاشی سیاه قلم منجمله تصویری از اردشیر شاهنشاه ساسانی و تصویری از فتحعلیشاه قاجار و دو تابلو روغنی و ۱۷۹ قطعه آثار سرامیک ایرانی متعلق به قرون مختلف است.

□ موزه دولتی تاریخ ارمنستان^(۱)

این موزه دارای ۱۶۰۰۰۰ اثر مختلف مربوط به تاریخ ارمنستان از دوران باستانی آن تا به امروز است که از جمله آنها آثار مربوط به دوره‌های تاریخ اشکانی ارمنستان و دوره‌های پیوستگی ارمنستان با ایران در قرون اسلامی است. از زمره این آثار مصنوعات هنری و نوشته‌ها و اسناد مختلف ایرانی یا «ارمنی و ایرانی» مربوط به دوران ما قبل صفویه و دوران صفوی است.

□ موزه ادبیات و هنر ارمنستان (موزه چارنتس)^(۲)

این موزه مخصوص نگاهداری نسخه‌های خطی آثار نویسندگان ارمنی و هنرمندان ارمنی قرون نوزدهم و بیستم است، بدین جهت دارای نسخ خطی متعددی از کتابها، مقالات و اشعار نویسندگان ارمنی است که با ادبیات ایران ارتباط دارند. از زمره این نسخه‌ها ترجمه‌هایی از آثار کلاسیک پارسی منجمله فردوسی و سعدی و رسالات مختلفی است که توسط موسیقیدانان ارمنی درباره مختصات موسیقی ایرانی و ارتباط آن با موسیقی ارمنی نوشته شده است. البته

1- Gosudarstvennaya muzeya istorii Aramyanskoy SSR

2- Muzey literaturi i iskusstv imeni "E. Charentsa"

اسناد و نسخه‌های خطی به زبان فارسی در این موزه نیست.^(۱)

□ باشگاه ایران دوستان و روشنفکران ارمنی

هدف از راه‌اندازی باشگاه ایران‌دوستان و روشنفکران ارمنی ایجاد مرکزی فراگیر و گسترده است که ضمن دعوت از تمامی شخصیت‌های ارمنی ایران و آرامنه بومی که در راه دوستی دو کشور خدمت کرده‌اند، هدف خود را سازماندهی و انسجام در روابط فرهنگی دو کشور قرار داده و از امکانات و توان تک تک اعضا به نحو احسن استفاده می‌نماید و با برقراری یک ارتباط منسجم و خوب با سفارت جمهوری اسلامی ایران و رایزنی فرهنگی ایران در این خصوص کار می‌کند. در این راستا باید شرایطی را فراهم نمود تا گردهمایی‌ها و سمینارهایی توسط این جمع (باشگاه) در آینده برای توسعه همکاری‌های مختلف ترتیب داده شود.

هم اکنون در ۶ دانشگاه ارمنستان کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی برقرار گردیده و دانشجویان با شور و علاقه خاصی به فراگیری زبان فارسی و ایران‌شناسی مشغول می‌باشند. بسیاری از فارغ‌التحصیلان این کرسی‌ها هم اکنون در مراکز متعدد علمی، آموزشی و تحقیقاتی این کشور از جمله مدارس زبان فارسی (۱۵ مدرسه)، مرکز ایران‌شناسی قفقاز، انستیتوی شرق‌شناسی و سایر مراکز بکار مشغول شده‌اند. دانشجویان کرسی ایران‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان همه ساله از طریق کنکور سراسری امتحان داده و پذیرفته می‌شوند.

انجمن آئوکس (انجمن فرهنگی و همکاری با کشورهای خارجی)

دبیر بخش ایران این انجمن خانم آنا کیپیان است. این انجمن ارتباطات وسیع و گسترده‌ای با ارامنه ایرانی و ایران دوستان دارد و در سالهای اخیر افراد زیادی در راستای همکاری دو کشور ایران و ارمنستان در این انجمن جذب گردیده‌اند. در این انجمن ۴۰ کشور کار می‌کنند از جمله کشور ایران که سررژ میرزابگیان معاون رئیس بخش ایران در این انجمن می‌باشد.

فصل ششم

کارنامهٔ ایران پژوهی در ارمنستان

چنانکه دیدیم از نظر فرهنگی و هنری رابطه چند هزار ساله‌ای میان ایران و ارمنستان وجود دارد که نمونه‌هایی از آن را در ابنیه باستانی این کشور و در مخازن مختلف هنری و ادبی آن مانند کلیسای اجمیادزین و در مخزن معروف ماتناداران ایروان می‌توان یافت. گریگور ماگیستروس متفکر و مورخ ارمنی قرن یازدهم که فارسی و عربی را بخوبی می‌دانست در بارهٔ ایران اسلامی و بخصوص در بارهٔ داستانهای حماسی ایران نظیر رستم و اسفندیار آثار متعددی نوشته که تاکنون باقی مانده است.

کنستانتین یرزینکاتسی شاعر ارمنی یادآوری کرده است که تا قرن سیزدهم میلادی در ارمنستان شاهنامه‌خوانهای حرفه‌ای وجود داشتند که شاهنامه را با آهنگ مخصوص می‌خواندند.^(۱)

مدارک مختلفی که از آن زمان در دست است نشان می‌دهد که مردم ارمنستان به داستانهای پیکار ممتد ایرانیان و تورانیان که در شاهنامه آمده بسیار علاقمند

۱- شجاع‌الدین شفا، جهان‌ایران‌شناسی، جلد اول، ص ۷۴۱.

بودند، بطوریکه آنها را در ردیف داستانهای ملی خود قرار دادند بطوریکه بر اساس افسانه «زال و رستم» اثر حماسی منظوم بسیار معروف ارمنی بنام «تسوری ساسونه» (دلاور روئین تن) را پدید آوردند.^(۱)

▣ ترجمه آثار زکریای رازی و ابن سینا

اولین ترجمه یک اثر ایرانی دوران بعد از اسلام به زبان ارمنی، ترجمه‌ای از محمد زکریای رازی است که اساس تألیفات مخیّار هراتسی پزشک و دانشمند معروف ارمنی قرن دوازدهم میلادی قرار گرفت.

دانشمند برجسته دیگر ارمنی در قرن پانزدهم به نام امیردولت آماسیاتیسی بطوریکه خود می‌نویسد تتبعات علمی خویش را براساس ترجمه‌های ارمنی رازی و ابن سینا قرار داده بود.

▣ آشنایی با شاهنامه فردوسی در ارمنستان

آشنایی با شاهنامه فردوسی مقارن با پایان زندگانی خود فردوسی، در ارمنستان آغاز شد. در رساله گریگور ماگیستروس شاعر نامبرده ارمنی قرن یازدهم میلادی قرن پنجم هجری اشارات متعددی به فصول مختلف شاهنامه مخصوصاً به خوان سوم از هفت خوان رستم در مازندران و نبرد او با دیوسپید و اژدها شده است. بدین ترتیب، تدریجاً نفوذ شاهنامه در ارمنستان به قدری زیاد شد که برخی شعرای ارمنی اصولاً اصل و نسب قهرمانان این اثر را ارمنی دانستند. مثلاً در یکی از آثار ادبی برجسته ارمنی ادعا شده که «در قدیم‌الایام در شهر ساسون ارمنستان شخصی به نام زال پادشاهی می‌کرد که از او پسری به نام رستم پهلوان زاده شد». در بعضی از این آثار، برزو فرزند سهراب و نواده رستم، از نوادگان ساسون قهرمان ملی ارمنستان بشمار آمده است. حتی داستان «بیژن و منیژه» بکلی با یک افسانه ملی ارمنستان آمیخته شده و رنگ آن را بخود گرفته

است با این تفاوت که اسامی قهرمانان آن به همان صورت ایرانی خود باقی مانده است. بعدها حماسه‌ای به نام «داستان رستم و سهراب» در ارمنستان بوجود آمد که ترکیبی از شاهنامه فردوسی و ادبیات عامیانه و افسانه‌های ملی ارمنی بود. زیباترین فصل این حماسه، داستان سیاوش و عشق و مرگ او و رهایی فرزندش کیخسرو از اسارت و ماجرای پادشاهی او است.^(۱)

ادبیات مردمی قرون سیزدهم و چهاردهم ارمنی، از منظومه مردمی «شاهنامه» شاهکار حماسه‌سرای ایرانی، حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی، تأییراتی بر خود پذیرفته است. در دوران سلجوقیان، آوازخوانان و نوازندگان دوره‌گرد و نقالان ایرانی که ده به ده و شهر به شهر می‌رفتند، اندک اندک وارد روستاها و شهرهای ارمنستان شدند و در میان مردم به نقل اشعار و داستانهای شاهنامه پرداختند. داستانها و مضامین شاهنامه چنان از سوی توده‌های ارمنی مورد استقبال قرار گرفت که حتی در صومعه‌ها و کلیساها نیز به نقل آنها می‌پرداختند. بدین ترتیب، شاهنامه در میان کشیشان و صومعه‌نشینان نیز طرفدارانی پیدا کرد و از «کنستانتین یرزینکاتسی» که خود شاعر و کشیش بود، خواسته شد تا اشعاری با آهنگ و مضامین شاهنامه بسراید. یرزینکاتسی نیز شعرهایی با آهنگ و لحن شاهنامه سرود که مورد استقبال فراوان واقع شدند. اسناد ارتباط فرهنگی و وجود علایق مشترک بین ملت‌های ایران و ارمنستان نه در قرون دهم و سیزدهم، بلکه خیلی پیش از آن، یعنی در قرن پنجم در اثر پدر تاریخ ارمنستان مؤسس خورناتسی به چشم می‌خورد.

سند تاریخی رواج افسانه‌های ایرانی در ارمنستان و مورد علاقه ملت ارمنی بودن آنها، در کتاب «تاریخ ارمنستان» خورناتسی به خوبی منعکس است. وی از افسانه‌های ایرانی که مورد علاقه آرامنه بوده‌اند بطور عام و از رستم و ضحاک

بطور مشخص نام می‌برد.^(۱)

یکی از کهن‌ترین آثاری که در آن از رستم، قهرمان نام‌آور مشرق زمین سخن گفته می‌شود تاریخ «مؤسس خورناتسی» است. در تاریخ او به اجمال روایتهای داستانی در بارهٔ بر سرکار آمدن سلسلهٔ ساسانی در ایران و اندکی مفصل‌تر افسانهٔ «بیواسب - آزی‌دهاک» (ضحاک) به رشته تحریر در آمده است که از نظر تشخیص مبانی تاریخی - اساطیری آن روایت، از منابع مهم بشمار می‌رود.

از تاریخ‌نگاران ارمنی سیه‌اوس در قرن هفتم در تاریخ خود از اسفندیار (اسپندیاد) که از چهره‌های نامی حماسی ایرانی است و از داستان «خسرو و شیرین» یاد کرده است. در ادبیات مشرق زمین سیه‌اوس یکی از نخستین افرادی است که از این داستان نام می‌برد. در قرون بعدی این داستان در خاور نزدیک، آسیای میانه و هندوستان گسترش می‌یابد و پرداخت‌های ادبی متعددی از آن به عمل می‌آید.^(۲)

بازتاب روایتهای داستانهای ایرانی با برداشت خاص، به روزگار سایات نووا و از آن دوران تا به امروز رسیده است. تمام اینها گویای آن است که غلبه خیر و شکست شر در روایتهای داستانی ایرانی، ملت ارمنی را نیز تحت تأثیر قرار داده است، بطوری که بعدها ارمنیان، قهرمانان ایرانی را به ارمنستان برده و آنها را از آن خود کرده‌اند و با سازگار کردن آنها با فلسفه حیات و روحیهٔ حماسی خود، داستان ارمنی - ایرانی «رستم و زال» را آفریده‌اند که شاخه‌ای از حماسهٔ مردمی «دلیران ساسون» است.

اینک، بیش از یک قرن است که پژوهشگران ارمنی و اروپایی به بررسی

۱- احمد نوری‌زاده، تاریخ فرهنگ ارمنستان (تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۶)، ص ۹-۵۸۸.

۲- بابکن چوگاسزبان، «بازتاب افسانهٔ زال؛ قهرمان حماسی ایران در تاریخ ارمنستان مؤسس خورناتسی»، ترجمهٔ هرمیک آقابابان، پیمان، ش ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۶،

اشاراتی که در تاریخ «مؤسس خورناتسی» به روایت‌های داستانی ایران شده پرداخته‌اند، لیکن هنوز در آن مطالبی وجود دارد که به شرح و تفسیر بیشتری نیازمند است.

در باره روی کار آمدن سلسله ساسانی در ایران «خورناتسی» اطلاعات خود را از کتاب *بارسوما* که ایرانیان او را «راست سخن» نامیده‌اند برگرفته است. این اثر را *خُرّه بود مورخ*، به یونانی ترجمه کرده است. *خورناتسی* می‌نویسد که او منشی *شاپور*، شاه ایران بوده است و در جنگ‌های ایران و یونان به دست یونانی‌ها اسیر شده، زبان یونانی را آموخته و به آیین مسیح گرویده است و *یقیازار* نام گرفته است. *خورناتسی* در این مورد چنین می‌نویسد:

«این *خُرّه بود* منشی *شاپور* پادشاه ایران بود و هنگامی که *یولیانوس* که *پاراباتوس* نیز نامیده می‌شود، با سپاهیان خود به تیسفون حمله کرد، او به اسارت یونانی‌ها درآمد. پس از مرگ او (*یولیانوس*) در آنجا، او همراه با *هویبانوس* و با خدمه دربار به یونان درآمد و به دین ما گروید و *یقیازار* نامیده شد و با آموختن زبان یونانی کارنامه *شاپور* و *یولیانوس* را نوشت. او همچنین کتابی را که حاوی تاریخ (شاهان) قدیم بود و آن را اسیری دیگر به نام *بارسوما* که ایرانیان او را «راست سخن» می‌نامند، ترجمه کرد و ما با برگرفتن از آن در این کتاب، با حذف بیهوده‌گویی‌های افسانه‌ای آن، تکرار می‌کنیم زیرا ما تکرار افسانه‌ها را بی‌مناسبت می‌شمردیم، افسانه‌هایی چون «خواب بابک و برآمدن آتش دوار از ساسان و فراگرفتن آن گله را» و افسانه «ماه و پیشگویی اخترشناسان کلدانی و حوادثی که پس از آن اتفاق افتاد و نیت فاسقانه *اردشیر* با وجود قتل و گزافه‌گویی‌های بی‌معنی دختر مغ در باره بز و بقیه ماجرا، همچنین شیر دادن بز کودک را در پناه عقاب و پیشگویی زاغ و نگهداری شیر بزرگوار به خدمتگزاری گرگ، جنگ تن به تن دلیرانه، و هر آنچه که در زمره استعاره است. ما فقط آنچه را که موثق است خواهیم نوشت، تاریخی که شایسته حقیقت باشد».

گریگور خالاتیانس در اثر خود به نام «اشکانیان ارمنستان» گاهی وجود

مأخذ بارسوما را رد می‌کند. بعدها در سال ۱۹۳۴ کاروملیک **آهانجانیان** در تحقیق ارزنده خود به نام «فردوسی و مضامین داستانی ایرانی در شاهنامه و متون کهن ارمنی» با اینکه این قطعه از اثر **خورناتسی** را (کتاب دوم، بخش ۷۰) با کارنامک اردشیر بابکان» مقایسه کرده و به موارد مشترک و در عین حال به ناهماهنگی‌ها اشاره می‌کند، اما ظاهراً تحت تأثیر نظریه‌های منفی مستقدان و نفی‌کنندگان **خورناتسی** نتیجه می‌گیرد که:

«اطلاعات **خورناتسی** در مورد وقایع ایران در آن روزگار به اندازه‌ای مغشوش و سطحی هستند و از نظر واقعات تاریخی ضعیف و گاهنگاری آن به قدری درهم و برهم است که به دشواری می‌توان پذیرفت که متکی به مأخذ کتبی و معاصر خود بوده است، آنچنانکه در تاریخ او آمده است.»
او می‌نویسد:

«**خورناتسی** و یا مأخذ «راست سخن» او تاریخ ایران در سالهای ۳۷۹-۲۲۴ میلادی را بصورت کاملاً تحریف شده بازگویی می‌کند. هم حوادث و شخصیتها و هم مستندات در آن بهم ریخته است و به دشواری می‌توان تصور کرد که تاریخ‌نگاری که **راست سخن** خوانده می‌شود تا این حد با تاریخ روزگار خود ناآشنا بوده باشد.»

پژوهشگران برای مقایسه بخش یاد شده «تاریخ **خورناتسی**» با شاهنامه **فردوسی** تلاشهایی به عمل آورده‌اند، از جمله **گوداشمیت** و **نولدکه** به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه را **خورناتسی** در مورد جوانی اردشیر به وضوح از کتاب **بارسوما** نقل می‌کند، کاملاً با شاهنامه **فردوسی** مطابقت دارد. متأسفانه قضاوت **پروفیسور ملیک آهانجانیان** در مورد مأخذ مورد استفاده **خورناتسی** بسیار قاطع و تند است و قابل قبول نمی‌باشد. چنین مأخذی وجود داشته و مهم نیست که به نام **بارسوما** - **راست سخن** بوده است یا به نامی دیگر. می‌توان گفت که **خورناتسی** در بخش هفتم کتاب دوم تاریخ خود، تحت عنوان «افسانه‌های موجود در باره پهلوی‌ها» در مورد این افسانه‌ها به زبان معما سخن می‌گوید. **پروفیسور ملیک آهانجانیان** در اثر یادشده‌اش در مورد این بخش

از کتاب *خورناتسی* می‌نویسد که آن «با ظاهر تحریف شده‌اش برای مترجمان سنگ محک تمام عیاری شده است» و به منظور تجزیه و تحلیل آن را به دقت با ترجمه ارمنی «کارنامک» اردشیر بابکان مقایسه می‌کند و نکات زیادی را روشن می‌کند. ولی با وجود این هنوز قسمت‌هایی از آن غیرقابل درک مانده است.

استقبال ملت ارمنی از قهرمانان حماسی - افسانه‌ای ایران در برجسته‌ترین و ارزشمندترین اثر ملی ارمنه یعنی «ساسونتسی داویت» نیز تجلی یافته است. ملت ارمنی برغم تضاد عمیق میان حکومت‌های ایران و ارمنستان طی قرون و جهان‌بینی کلیسا و دین رسمی ایران قدیم، در تاریخ حیات خود همواره به خلاقیت‌های ملی و فرهنگی ملت دوست و همسایه و برادر خود ایران عشق ورزیده و یکی از قهرمانان حماسی - افسانه‌ای ایرانی یعنی «رستم زال» را در اثر بی‌همتای ذوق و هنر ملی خود، با قهرمان حماسی‌اش «داویت» برادر کرده است.^(۱)

در قرون سیزدهم یا چهاردهم میلادی «اندرزنامه انوشیروان» به ارمنی ترجمه شد و تصور می‌رود که این ترجمه توسط ادیب معروف ارمنی *یرزینکاستی* صورت گرفته باشد. در همین زمان فریک بزرگترین شاعر ارمنی قرن سیزدهم میلادی، تعدادی از دو بیتی‌های فارسی را به ارمنی ترجمه کرد و خود نیز چند رباعی به فارسی سرود که در دیوان او با حروف ارمنی نقل شده است. *سایات نو*، غزلسرای نامی ارمنی قرن هجدهم نیز اشعار خود را به زبانهای ارمنی، گرجی، ترکی و فارسی سرود. این نکته جالب است که وی در چند جا معشوق خود را *چو رستم شهره آفاق* شمرده است.^(۲)

■ آثار مورخان ارمنی درباره تاریخ ایران

از مهمترین آثار فرهنگی مربوط به ایران در ارمنستان، تاریخ‌های متعددی

۱- نوری‌زاده: *تاریخ و فرهنگ ارمنستان*، ص ۵۸۹.

۲- شفاء: *جهان‌پژوهی ایرانی*، ص ۷۴۳.

است که در دوران بعد از اسلام توسط مورخان ارمنی در باره ایران نوشته شده است و از منابع مهم تاریخ اسلامی ایران بشمار می‌رود.

در قرن یازدهم، مورخ ارمنی *سبئوس تارونتسی* معروف به *آسوغیک* و در قرن سیزدهم مورخ دیگری به نام *وارطان آرولتسی* دو کتاب بزرگ در باره تاریخ و جغرافیای کشورها و ملل شرق تألیف کردند که قسمت مهمی از هر دو کتاب به ایران اختصاص داشت. در سال ۱۵۸۶ مورخ ارمنی *سیمئون آبارانتسی* کاملترین شرح تاریخی را در باره سقوط تبریز بدست عثمانیها نوشت. مورخ دیگر به نام *گریگور داراواختسی* در اوائل قرن هفدهم کتاب قطوری در باره وضع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران و عثمانی و مصر در دوره خود تألیف کرد. در اواخر همین قرن، کتاب مفصلی در سه جلد توسط مورخ معروف ارمنی آن قرن *زکریا سرکاواک* در وصف ایران دوره صفوی و جنگهای ایران و عثمانی از آغاز تا پایان قرن هفدهم تألیف شد که از جامعترین منابع تاریخی در باره عصر صفویه است. در همین قرن مورخ دیگر ارمنی *آراکل داوریژتسی* کتاب «تاریخ» مفصلی تألیف کرده که قسمت اعظم آن مربوط به ایران بود. باز در همین قرن هفدهم، مجموعه یادداشتهایی توسط *زکریا آکولتسی* منتشر شد که قسمت مهمی از آنها به ایران و روابط ایران و عثمانی اختصاص داشت.

در قرن هجدهم *خاچاطور ژوگایتسی* کتاب مفصلی به نام «تاریخ ایرانیان» در شرح احوال سلسله صفوی و حوادث دوران حکومت این سلسله انتشار داد. در همان قرن سه اثر جالب دیگر در باره ایران به نام «شرح محاصره اصفهان به دست افغانه در سالهای ۱۷۲۲ و ۱۷۲۳» تألیف *گیلاننتس پتروس دی سرگیس* و «تاریخ نادرشاه» تألیف *آبراهام کره‌تاتسی* و «تاریخ طهماسب‌قلی» تألیف *تمبورچی کوچوک هاروتین* در ایروان انتشار یافت.

در آغاز قرن نوزدهم، دو تن از جغرافی دانان ارمنی به نام *غوکاس اینچیچیان* و *استپانوس آگوتس* یک دوره کتابهایی به نام «جغرافیای چهار قاره جهان» انتشار دادند که حاوی وصف مشروح و دقیقی از ایران آن دوره بود. کتاب دیگری در همین زمینه به نام «کتابی درسی برای آموزشگاه جلفای نو» توسط *کوستاند*

ژوغایتسی تألیف شد که آن نیز حاوی شرح مفصلی در باره وضع اجتماعی و اقتصادی ایران بود.^(۱)

از قرون هفدهم و هجدهم مسیحی، آثار تاریخی - ادبی مختلفی از آراکل داوریژتسی، مسروپ تاقدیان، آبراهام پولیستسی، خاچاتور جوگایستی و اوھانس خان ماسیان باقی مانده که در تألیف آنها به صورت وسیعی از ادبیات و مآخذ پارسی استفاده شده است. در قرن هجدهم یک فرهنگ بزرگ فارسی به ارمنی توسط گنورگ دپیر پالاتاتسی مورخ و زبانشناس نامی ارمنستان به عنوان دائرةالمعارف مختصر فرهنگ و تمدن ایران تألیف شد.

این را نیز بیفزاییم که خاندان نقاشان معروف ارمنی آودناتانیان مدتی دراز در ایران بسر بردند و آچاریان زبانشناس برجسته ارمنی تحقیقات جامعی در باره تاریخ رسوخ کلمات فارسی در زبان ارمنی ارائه داد.

▣ ترجمه آثار سعدی به زبان ارمنی

آثار سعدی نخستین بار در سال ۱۸۳۱ توسط ماتهووس گامزریان به روسی ترجمه شد. اولین ترجمه روسی گلستان که در سال ۱۸۵۷ در مسکو به چاپ رسید توسط استپان نظریانتس ادیب ارمنی صورت گرفته بود.^(۲)

در آثار ادبی قرون چهاردهم تا هجدهم میلادی ارمنستان، آثار متعددی می توان یافت که در آنها نوشته های پارسی همراه با نوشته های ارمنی آمده است. از زمره نویسندگان این آثار می توان از مکرتیچ نقاش، اوانس تیلکورانتسی، نآپت کوچک، باغداساردپیر، نقاش اووناتان و ماسیقی نقاش ها کوپ (که خود نیز به فارسی شعر گفته است) نام برد.

▣ ترجمه های دیگر از شاهنامه در قرون نوزده و بیست

ترجمه ارمنی «رستم و سهراب» فردوسی اولین بار در سال ۱۸۹۳ در ایروان

منتشر شد و سال بعد ترجمه داستان **ضحاک** از شاهنامه تحت عنوان «ضحاک بیوراسبی» در ایروان انتشار یافت. در سال ۱۹۳۴ ترجمه دیگری از «رستم و سهراب» منتشر شد.^(۱)

▣ نخستین ترجمه لشعار خیام و حافظ

در سال ۱۹۳۶ ترجمه ارمنی خیام، در سال ۱۹۳۷ مجموعه‌ای به نام «منتخبات آثار فارسی»، در سال ۱۹۵۷ ترجمه **حافظ** و در سالهای بعد از آن ترجمه‌های اشعار رودکی و ترجمه‌های تازه‌ای از منتخبات **فردوسی**، **خیام**، **سعدی** و **حافظ** توسط بنگاه نشریات ارمنستان به چاپ رسید.

در سال ۱۹۶۱ فرهنگ مفصل فارسی به ارمنی شامل ۲۵۰۰۰ لغت به اضافه دستور مختصر زبان فارسی و ترجمه ضرب‌المثل‌های مترادف ارمنی آن توسط آرام دوداگیان و اولگا آرزومانیان و واهان بایبوردیان تألیف شد. البته یک فرهنگ جامع فارسی به ارمنی قبلاً در سال ۱۳۱۲ شمسی توسط کشیش گارگین در ۷۸۵ صفحه در تهران منتشر شده بود. در سال ۱۹۶۳ ترجمه مجموعه‌ای از داستانهای نویسندگان معاصر ایرانی در ایروان انتشار یافت و در همان سال کتاب دیگری به نام «روابط ادبی ارمنستان و ایران» در آن شهر منتشر گردید. همچنین ترجمه تازه‌ای از **خیام** در آن سال توسط **ادوانس تومانیان** در ایروان به چاپ رسید.

بر این سخنان باید افزود که دو شاعر و نقاش معاصر ارمنی، شاگرد **کمال‌الملک** بود و **کیقام ساریان** شاعر معاصر ارمنستان (که در سال ۱۹۰۲ در تبریز متولد شد) مترجم آثار **سعدی** به زبان ارمنی است. همچنین **هوهانس کاراپتیان** شاعر برجسته معاصر دیگر ارمنی، تخلص شاعرانه خود را «شیراز» انتخاب کرده است.

از کارهای ادبی مهمی که در دوران معاصر در ارمنستان در باره فرهنگ ایران

صورت گرفته باید بخصوص از آثار منظوم **آوتیک ایساهاکیان** شاعر برجسته ارمنی که چندی نیز وزیر فرهنگ جمهوری ارمنستان بود یاد کرد. چندین قطعه این شاعر به نام «آخرین بهار سعدی» و «مباحثه خیام با خدا» که از بهترین آثار منظوم زبان ارمنی بشمار می‌رود تاکنون به زبانهای متعدد ترجمه شده است.^(۱)

□ لشعار عاشوقی و زبان فارسی

شعر عاشقی در ادبیات ارمنی دارای اهمیت فراوانی است و بخش نسبتاً بزرگی از ادبیات شفاهی و مکتوب این ملت را بخود اختصاص داده است. در شعر عاشقی احساس و آرزوی مردم بهتر و کاملتر از دیگر عرصه‌های ادبیات فولکلوریک بازتاب می‌یابد. خاستگاه تاریخی «عاشق» که به زبان ارمنی عاشوق یا «گوسان» خوانده می‌شود به دوران پارتها و اواخر عهد ساسانی برمی‌گردد. گوسان‌ها داستان‌سرایی بودند که روایتهای حماسی و اساطیری را با بیانی زیبا در قالب شعر و همراه موسیقی می‌سرودند و خود با بهره جستن از هنر روایتگری منظوم خویش بر زیبایی این روایتهای می‌افزودند. گوسان‌ها در زندگی پارت‌ها، ساسانیان و همسایگان آنها از جمله ارمنی‌ها تا اواخر دوران ساسانی نقش قابل ملاحظه‌ای داشتند. در قرون چهارم و پنجم میلادی، ناحیه موسوم به گقتان از مراکز عمده تجمع عاشوق‌های ارمنی بوده است. مضمون اشعار عاشوق‌های این دوره عبارت بود از وصف زندگی اشراف و نجیب‌زادگان، تمجید و تحسین از جود و کرم آنها، تصویر مناظر طبیعی و فصول سال، بیان احساسهای عاشقانه، توصیف زیبایی و لذت زندگی و در مقیاس اندکی نیز روایت برخی داستانهای به افسانه آمیخته تاریخی.

شعر عاشقی از اواخر قرن شانزدهم میلادی بطور جدی و چشمگیر در ادبیات ارمنی پا گرفت. چون در این دوران ارمنستان تحت اشغال بیگانگان بود به همین دلیل، ادبیات عاشقی ارمنی ابتدا در خارج از ارمنستان یعنی در جلفای

نودر اصفهان و برخی نقاط دیگر نضج یافت و سپس به داخل ارمنستان رسوخ کرد. عاشوق‌های ارمنی که در ایران ساکن بودند به دلایل زمانی - اجتماعی به موازات سرودن و خواندن ترانه‌های ارمنی، گاه ترانه‌هایی نیز به زبان فارسی سروده و به آواز می‌خواندند.^(۱)

جیوانی اندیشمندترین و انقلابی‌ترین عاشوق ارمنی و استاد بزرگ اشعار عاشقی بشمار می‌آید. جیوانی با وزن عروضی شعر عربی و فارسی کم و بیش آشنایی داشت و قبل از شاعران ارمنی در اشعار و ترانه‌های خویش از کلمات فارسی استفاده می‌کردند ولی او نخستین عاشوق ارمنی بود که زبان شعر عاشقی ارمنی را از کلمات غیرارمنی بی‌ترد و کوشید تا در همه اشعار و ترانه‌های خود زبان ارمنی را از کلمات بیگانه بی‌لاید و تنها به زبان ارمنی بسراید و بخواند.

▣ پیوند خویشاوندی زبانهای فارسی و ارمنی

تبعات و تحقیقات در مورد زبانهای ایرانی و ارمنی و شباهتهای بین آنها سالها بطور انجامید. پوپ مطالعاتی در زبان فارسی و ارمنی نمود و بعدها وندیشمن، یطرمان، دلاکار و فریدریچ - میولر فقط مطالعات و تحقیقاتی جداگانه در زبان ارمنی نموده‌اند. این دانشمندان با در نظر داشتن اینکه واژه‌های بیشماری از زبان فارسی در زبان ارمنی وجود دارد، زبان ارمنی را مانند زبان اوستا و پهلوی یکی از رشته‌های زبان ایرانی دانسته‌اند. فقط هیویشمان در آثار مشهور خود به تفصیل مفصلاً تلفظ صداهای کلمات متشابه ارمنی و زبانهای دیگر هند و اروپایی را بررسی کرد و پس از تطبیق کلمات مترادف ارمنی و ایرانی اولین بار ابراز نمود که عقاید دانشمندان درباره زبان ارمنی اشتباه است و اعلام داشت که زبان ارمنی رشته‌ای از زبان ایرانی نیست بلکه زبانی است مستقل و یکی از شاخه‌های هم ردیف زبان هند و اروپایی بشمار می‌رود. پایه زبان هند و اروپایی که از طرف دانشمندان و علما تأیید و استوار گشته

۱- احمد نوری‌زاده، تاریخ و فرهنگ ارمنستان، ص ۳-۶۰۱.

طبق تتبعات پروفیسور هراچیا آجاریان حاوی ۲۲۲۳ کلمات ریشه‌ای است. از این کلمات ریشه‌ای زبان ارمنی ۷۱۳ کلمه و زبان ایرانی ۴۳۲ کلمه حفظ کرده‌اند. ولی از کلمات ذخیره و احیاء شده زبان هند و اروپایی که پایه زبان اولیه بوده، زبان ارمنی و اروپایی (هند و ایرانی) فقط ۱۸ کلمه حفظ کرده‌اند. به این ترتیب، روشن می‌شود که زبانهای فارسی و ارمنی که از زبانهای هند و اروپایی می‌باشند دارای روابط خویشاوندی نزدیک نیز هستند و مشابه بودن قسمتی از کلمات این دو زبان بخوبی هویدا است.^(۱)

در عین حال زبان ارمنی هنگام تکامل و پیشرفت و در نتیجه دارا بودن شرایط مختلف سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در ادوار مختلف، ترکیب کلمات خود را تا اندازه‌ای از فارسی گرفته است. بطوریکه معلوم و مشخص است از قریب یازده هزار کلمات ریشه‌ای ارمنی ۱۴۰۰ کلمه آنها از زبان ایرانی است. کلمات بیشماری نیز وجود دارند که فارسی بودن آنها فرضی و خیالی است ولی ذخیره کلمات فارسی قدیمی که به حد کافی حفظ شده است امکان نمی‌دهد که آن را تأیید نمود. تاکنون موضوع یکی بودن زبانهای ارمنی و فارسی را بطور یقین نمی‌توان حل شده دانست ولی می‌توان گفت که ترکیبات زبان ارمنی تا اندازه‌ای کلمات فارسی را غنی کرده که یک قسمت عمده آن تاکنون در ترکیب کلمات در زبان ارمنی حفظ شده بطوریکه اغلب برای ساختن کلمات نو مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ارتباط کلمات فارسی و ارمنی در ادوار مختلف زبان فارسی (سه دوره باستان، میانه و جدید) متفاوت‌اند و بطوری که مشهود است دنباله زبان قدیمی در دوره‌های گوناگون بوده است.

به هر روی، باید گفت که در زبان ارمنی کلمات بیشماری وجود دارد که از

۱- گ.م. نعلبندیان، «احیا واژه‌های نامفهوم و گمشده زبان فارسی به کمک زبان ارمنی»،

ترجمه آراهوانسیان، بررسیهای تاریخی، س ۶، ش ۱، ص ۶-۱۹۵.

زبان فارسی گرفته شده و شکل قدیمی و اصلی آنها در زبان ارمنی وجود نداشته و یا تغییر عمده‌ای کرده‌اند که درک اشکال اصلی آنها توسط زبان فارسی و یا زبانهای وابسته به آن غیرمقدور است، ولی قسمت عمده آنها را می‌توان توسط زبان ارمنی پیدا و روشن کرد.

در اینجا از کتاب مشهور «Armeische Gramatik» تألیف هوبشمان بعضی از کلمات را که از زبان فارسی گرفته شده و بعدها از طرف هراچیا آجاریان بررسی و منظم گشته و در «فرهنگ واژه‌های ریشه‌ای» و در جلد اول «تاریخ زبان ارمنستان» آمده، عیناً نقل می‌کنیم:

در زبان ارمنی «Zindakapet» (درجه افسر ایرانی)، Aparhayik (نام گروه ایرانی)، Matian (نام گروه جاویدان ایرانی) و لغات دیگر که در هیچیک از زبانهای ایرانی حفظ نشده ولی حتماً فارسی می‌باشند چون معنی آنها درجه و مقام ایرانی را می‌رساند.

ضمناً باید یادآور شد که لغات نامبرده تا به امروز در زبان ارمنی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و این واژه‌ها بوسیله ادبیات کلاسیک ارمنی به ما رسیده‌اند.^(۱)

همچنین در زبان ارمنی لغات مرکبی وجود دارند که یکی از ترکیبات آن ایرانی است ولی هیچیک از آنها در زبانهای ایرانی وجود ندارد. بدین دلیل تمام این کلمات باید فارسی باشند. مثل Navakatik، ایرانی Nava و ارمنی Nor.

طبق مدارک موجود باید تصور کرد که کلمه ارمنی از زبان ایرانی گرفته شده و در زبانهای پهلوی باید parmayam بوده باشد که در زبان فارسی باستان باید شکل Parima می‌بود.

همانطور که گفته شد اقتباس کلمات در زبان ارمنی بطور کلی در دوره اشکانیان بوقوع پیوسته است. کلماتی که در زبان ارمنی از زبان پهلوی اشکانی

گرفته شده مربوط به پیشرفتهای تمدن و طبیعت و مذهب و علوم انسانی از قبیل حیوانات، خانواده، اجتماع، کشاورزی، گله‌داری، دادوستد، علم و هنر، رنگها، آشامیدنی و خوراکی، خانه و خانه‌داری، وزن و اندازه، فلزات، زمان، فاصله، زمان، فاصله، محل و سازمانهای دولتی می‌باشد. در اینجا به کلماتی برمی‌خوریم مانند: کلمه ارمنی Brindz، فارسی جدید برنج، کلمه ارمنی Karmir، قرمز به زبان پهلوی Kaput، Karmir، (کبود) به پهلوی Kapot فارسی «کبود»، Spitak (سفید) به پهلوی Spetak فارسی جدید - سفید Karag (کره) به پهلوی Karak فارسی جدید (کره). کلمات مزبور در زبان ارمنی رواج داشته و تاکنون هم مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در مجموع می‌توان گفت زبان ارمنی تقریباً دو‌یست کلمه از نخبه‌ترین کلمات فارسی را حفظ کرده در صورتی که از این کلمات در زبان امروز فارسی اثری نیست. تعدادی از همین کلمات ارمنی تا به امروز بدون تغییر صدا و با تغییر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این میان به کلماتی برمی‌خوریم مانند کلمه ارمنی AZG به معنی ملت، در پهلوی AZG می‌گویند که در فارسی امروز نمانده و ملت معنی ساختگی دارد.

خلاصه آنکه زبان ارمنی تلفظ کلمات را در دوره اشکانیان بدون تغییر حفظ کرده در صورتی که فارسی جدید آن را از خود رانده است. علت این امر تغییرات و تبدیلات زبان فارسی بوده که در دوره ساسانیان و شاید هم در ادوار گذشته انجام گرفته است.

نامهای خاصی در زبان ارمنی مورد استفاده قرار می‌گیرند که تصور می‌شود اصل این نامها از نامهای ملی ارامنه‌اند در صورتی که قسمت اعظم آنها از زبان پهلوی گرفته شده‌اند.^(۱)

در زبان ارمنی اسامی خاصی وجود دارد که اصل و ریشه آنها فارسی است ولی ترکیب آنها از نظر تلفظ و صدا ارمنی است. می‌توان گفت که اسامی خاص

ایرانی که در زبان ارمنی حفظ شده کمک زیادی برای تکمیل اسامی خاص تاریخی ایران خواهد نمود و با در نظر گرفتن قوانین تلفظ کلمات ارمنی، تا حد امکان اشکال درست و اصلی آنها را می توان یافت.^(۱)

▣ کتابهای منتشره شده دربارهٔ ایران

- ۱۸۹۳: «رستم و سهراب». فصلی از شاهنامه. ترجمه به ارمنی، توسط س. گلزادیانتس^(۲) چاپ شوشه.
- ۱۸۹۴: «سیاوش». فصلی از شاهنامه. ترجمه به ارمنی، توسط س. گلزادیانتس^(۳) چاپ شوشه.
- ۱۸۹۴: «ضحاک بیوراسپی دیو صفت» اقتباس از شاهنامه. توسط س. گلزادیانتس^(۴) چاپ شوشه.
- ۱۹۰۹: محمدعلی شاه. جنبش ملی در کشور شیر و خورشید. تألیف اثریت. چاپ الکساندرپول^(۵)
- ۱۹۱۱: افسانه امیرطاهر و زهره ماهرو. اقتباس از فارسی، با اشعار س. ت. م. چاپ ایروان.
- ۱۹۲۷: اسنادی دربارهٔ مناسبات ارمنستان و ایران. تألیف ر. آچاریان. نشریه دانشگاه دولتی ارمنستان. چاپ ایروان.^(۶)

۱- همان، ص ۶-۲۰۵.

2-S. Gulzadiantz

3-S. Gulzadiantz

4-S. Gulzadiantz

5-Atrpet: Mamed- Ali Shakh. Narodnoe dvizhenie v krae Lva i Sontsa. Aleksandropol, 1969

6-R. Acharyan: Dokumenti ob armyano-persids- kikh

otnosheniyakh. Erevanskogo Gosud. uni- versiteta. Erevan, 1927

- ۱۹۳۴: رستم و سهراب فردوسی. ترجمه به زبان ارمنی توسط گ. آساطور. چاپ ایروان^(۱).
- ۱۹۳۴: «منتخبات فردوسی» (به مناسبت هزاره فردوسی). نشریه مرکز دولتی نشریات ارمنستان - چاپ ایروان.
- ۱۹۳۴: «رستم و اسفندیار روئین تن» ترجمه از شاهنامه به زبان ارمنی، توسط س. تارونسی^(۲) چاپ ایروان.
- ۱۹۳۶: «رباعیات عمر خیام» ترجمه به زبان ارمنی توسط آ. آقاییان^(۳). چاپ ایروان.
- ۱۹۳۷: «منتخبات آثار فارسی، مجموعه‌ای از آثار ادبی ایران» گردآوری و ترجمه ا. آچاریان^(۴) چاپ ایروان.
- ۱۹۳۷: منتخباتی از آثار پارسی. تدوین و تألیف ر. آچاریان.^(۵) نشریه دانشگاه دولتی ارمنستان. چاپ ایروان.
- ۱۹۳۷: «سرنوشت روستائی» تألیف احمد خداداده.^(۶) ترجمه از فارسی به ارمنی توسط م. استپانیان. نشریه مرکز انتشارات دولتی ارمنستان. چاپ ایروان.
- ۱۹۳۷: سیاوش. نمایشنامه در پنج پرده. تألیف ه. جاوید.^(۷) چاپ ایروان.

1-Firdusi: Rostam i Sokhrab (Na armyanskom Yazyke). Per. G.

Asatur. erevan, 1934

2- S. Taronsy

3-A. Aghayan

4-A. Acharyan

5- R. Acharyan: Persidskaya Khrestomatiya. Erevanskogo gosud. universiteta. Erevan, 1937

6-Akhmed Khodadade: Sudba Krestianina. Perv. Stepaniana. Gosizdat Armenii. Erevan, 1937.M

7-G. Dzhavid: Siavush. piesa v 5 deystviyakh Erevan, 1937.

- ۱۹۳۸: ترانه‌های ملی کردی. تألیف ک. زاخاریان.^(۱) چاپ ایروان.
- ۱۹۴۶: طلوع ادبیات پارسی. تألیف ا. ب. آقاییان.^(۲) نشریه فرهنگستان علوم ارمنستان. چاپ ایروان.
- ۱۹۴۸: تاریخ قرائت کتیبه‌های میخی فارسی باستانی. تألیف ر. آچاریان.^(۳) نشریه دانشگاه دولتی ایروان. چاپ ایروان.
- ۱۹۴۸: نظامی گنجوی. اثر ا. ب. آقاییان.^(۴) نشریه فرهنگستان علوم ارمنستان، چاپ ایروان.
- ۱۹۴۸: منابع ایرانی دربارهٔ ارامنه، بر مبنای شاهنامه. تألیف ر. آچاریان.^(۵) چاپ ایروان.
- ۱۹۵۲: رباعیات عمر خیام. تألیف و ترجمه ا. د. مرادیان.^(۶) نشریه دانشگاه ایروان در مجموعهٔ کارهای علمی دانشجویان دانشگاه. چاپ ایروان.

-
- 1- K. Zakharyan: Kurdskiye narodniye pesni. ere- van, 1938.
 - 2- E. B. Agayan Nachalo persidskoy literaturi. Akad. Nauk Ar. SSR. Erevan, 1946.
 - 3-R. Acharyan: Istoriia rasshifrovki drevnoper- sidskikh klinopisey. Erevanskogo gosud. uni- versiteta Erevan, 1948
 - 4- E.G. Agayan: Nizami Giandzavi AKad Nauk Ar. ssR. Ervan. 1948.
 - 5- R. Acharyan: Iranskie istochniki ob aramya- nakh. po shakhname. Erevan, 1948
 - 6- O.D.Muradyan: Chtverostishiya Omara Khayi- ama Sbornik studencheskikh nauchnikh trudov Erevanskogo gosud universiteta. Erevana, 1952

- ۱۹۵۵: شرحی درباره زبان فارسی باستانی. تألیف گ. م. نعلبندیان.^(۱) چاپ ایروان.
- ۱۹۵۵: تأثیر نخستین انقلاب روس در انقلاب سالهای ۱۹۰۵-۱۹۱۱ (انقلاب مشروطیت ایران). تألیف ت. آ. هاکوییان.^(۲) نشریه دانشگاه دولتی ایروان. چاپ ایروان.
- ۱۹۵۵: شرحی مختصر درباره زبان فارسی باستانی. تألیف گ. م. نعلبندیان^(۳)، رساله دکترا در رشته زبانشناسی ایروان.
- ۱۹۵۵: ابوعلی سینا و ادبیات جهانی. تألیف ا. ا. شهسواریان. رساله دکترا در رشته زبانشناسی ایروان^(۴).
- ۱۹۵۵: بررسی درباره نظامی. تألیف م. شاهینیان. نشریه فرهنگستان علوم جمهوری ارمنستان. چاپ ایروان.^(۵)
- ۱۹۵۵: مناسبات ارضی در ایران معاصر. تألیف گ. م. یگانیان. رساله دکترا در

-
- 1- G.M. Nalbandyan: Ocherki po drevne persidsko- mu Yazyku. Erevan, 1955
- 2- T.A. Akopyan: Vliianie pervoy russkoy revoli-utsii na iranskuiu revoliutsiiu 1905-1911 gg. Erevanskogo gosud universiteta. erevan. 1955
- 3- G.M. Nalbandyan: Ocherki po drevnepersids komu yazuku. Avtoref Kand. Filol Naufl. Ere Van 1955
- 4- A.O. Shakhsvaryan: A bu- Ali Ibn- Sina i Miro Vaya literatura. Avtoref. Kand Filol. Nauk Ere van 1955
- 5- M. Shaginyan: Etudy o Nizami Akad. Nauk Arm. SSR. Erevan, 1955

رشته اقتصاد. ایروان^(۱).

۱۹۵۶: اسناد فارسی ماتناداران. جلد اول: فرمانهای پادشاهان ایران (سالهای ۱۶۵۰-۱۶۰۱. گردآوری و تنظیم ا. د. پاپازیان. نشریه فرهنگستان علوم جمهوری شوروی ارمنستان. چاپ ایروان^(۲).

۱۹۵۶: انقلاب مشروطیت ایران در سالهای ۱۹۰۵-۱۹۱۱ و بلشویکهای قفقاز. تألیف گ. س. هاروتونیان. نشریه مراکز انتشارات دولتی ارمنستان. چاپ ایروان.^(۳)

۱۹۵۷: غزلیات حافظ. ترجمه به ارمنی توسط س. عمریان. چاپ ایروان^(۴).
۱۹۵۷: انقلاب اکتبر و تحولات سیاسی ایران در سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۱. تألیف هم. یگانیان^(۵) (به زبان ارمنی) نشریه شعبه خاورشناسی آکادمی علوم ارمنستان. چاپ ایروان.

۱۹۵۸: ارداویرافنامه. ترجمه از پهلوی و تفسیر توسط ر. آبرامیان. نشریه

1-G.M.Eganyan: Agrarnye otnosheniya v sovro- mennom Irane.

Avtoref. Kand. ekomom. nauk Erevan, 1955

2- Persidskie dokumenty Matenadarana. I. Ukazi. vypusk perviy (1601-1651 gg). Sost. A.D. Popa- Zyan. Gosud. Khranilishe previchnikh rukopisey pri Sovete ministrov Armyanskoy (Mate-nadaran). Erevan, 1956 SSR

3- G.S.Arutyunyan: Iranskaya revolyutsiya 1905-1911 gg. i bolsheviki Zakavkazya. Armgosiz-dat. Erevan. 1956

4-Khafez: Lirika (na armyanskom yazuke). per S. Umariana.

Aypetra Erevan, 1957

5-H.M. Eganyan

- فرهنگستان علوم ارمنستان. چاپ ایروان. (۱)
- ۱۹۵۸: مصلح الدین سعدی. ترجمهٔ منتخب اشعار سعدی. توسط ملیک وارطانیان (به زبان ارمنی). چاپ ایروان. (۲)
- ۱۹۵۹: جنگ ترکیه و ایران در آغاز قرن هفدهم، و کوچانده شدن ارمنه. تألیف ا. خ. نجاریان، به زبان ارمنی. نشریه دانشگاه دولتی ایروان. چاپ ایروان. (۳)
- ۱۹۵۹: گنجینه‌های خطی ماتناداران. تألیف ا. گ. آبرامیان. نشریه مرکز انتشاراتی دولتی ارمنستان. چاپ ایروان. (۴)
- ۱۹۶۰: زبانها و گویش‌های ایرانی. تألیف گ. م. نعلبندیان. نشریه دانشگاه دولتی ارمنستان. چاپ ایروان. (۵)
- ۱۹۶۰: کشاورزی در ایران معاصر. تألیف ه. م. یگانیان (به زبان ارمنی). نشریهٔ شعبه خاورشناسی آکادمی علوم ارمنستان. چاپ ایروان.

-
- 1- Artavirafnamak. Per. s pekhleviyskogo i komentarii .
R. Abramyan. Akad. Nauk Arm SSR. Erevan. 1958
- 2- Mosley-edin Saadi (Na armyanskom yazuke). per. Melik Vardanyan. Aypetrat. Erevan, 1958
- 3- U. kh. Nadzaryan: Turetsko-iranskaya vojna nachala XVII veka, i pereselenie armyan (na armyanskom yazuke).
Erevanskogo Gosud. univerteta. Erevan, 1959
- 4- A.G. Abramyan: Rukopisnye sokrovisha Mate- Naderana.
Armgosizdat. Erevan, 1959
- 5- G.M. Nalbuandyan: Uranskie yazuki i dialekti.
Erevanskogo gosud universiteta. Erevan, 1960
- 6- H.M. Eganyan

- ۱۹۶۱: احیای کلمات گمشده زبان فارسی به کمک کلمات زبان ارمنی. تألیف گ.م. نعلبندیان. نشریه فرهنگستان علوم ارمنستان. چاپ ایروان. (۱)
- ۱۹۶۱: فرهنگ مفصل فارسی به ارمنی. تألیف مشترک آرام بوداغیان. اولگا آرزومانیان، واهان بایبوردیان. نشریه مرکز انتشارات دولتی ارمنستان. چاپ ایروان. (۲)
- ۱۹۶۱: شرحی دربارهٔ اصوات در زبان فارسی معاصر. تألیف گ.م. نعلبندیان. نشریه دانشگاه دولتی ایروان. چاپ ایروان. (۳)
- ۱۹۶۱: روابط ترکیه و ایران با ارمنستان در قرن شانزدهم و نیمه اول قرن هفدهم. تألیف ایخ نجاریان (به زبان ارمنی). نشریه دانشگاه دولتی ایروان. چاپ ایروان. (۴)
- ۱۹۶۱: گلستان سعدی. ترجمه به زبان ارمنی توسط آ.م. میناسیان. چاپ

1-G.M.Nalbandyan: Vosstnovlenie uteriannikh slov persidskogo yazika s pomoshu armyans-kogo. Akad Naud Arm. SSR. Erevan, 1961

2- A. Dudagyan, O. Arzumanyan, V. Baibvertyan: armyanskii Persidsko- slovar, Armgosizdat. Erevan, 1961

3- G. M. Nalbandyan: Ocherki po fonetike sovremennogo persidskogo yazuka. Erevanskogo gosud universiteta. Erevan, 1961

4- U. Kh. Nadzaryan: Turetsko- iranskie otnosheniya v XVII V. i Arme - niya (Na yazuke). Erevanskogo gosud. universiteta. Erevan, armyanskom 1961

- ایروان^(۱).
- ۱۹۶۲: سیاوش، از شاهنامه فردوسی. ترجمه س. عمریان. به زبان ارمنی. چاپ ایروان.^(۲)
- ۱۹۶۲: زبان فارسی میانه. تألیف گ. م. نعلبندیان. نشریه دانشگاه دولتی ایروان. چاپ ایروان.^(۳)
- ۱۹۶۲: روابط ادبی ایران و ارمنستان در قرون پنجم تا هجدهم میلادی. تألیف ب. ل. چوخاسیان. رساله دکترا در رشته زبانشناسی. ایروان.^(۴)
- ۱۹۶۳: گلستان سعدی و ترجمه‌های آن به زبان ارمنی تألیف ا. م. میناسیان. رساله دکترا در رشته زبانشناسی ایروان.^(۵)
- ۱۹۶۳: مجموعه‌ای از داستانهای نویسندگان معاصر ایران. ترجمه به زبان ارمنی نشریه مرکز انتشاراتی دولتی. ارمنستان. چاپ ایروان.
- ۱۹۶۳: افسانه‌های ایرانی. ترجمه به ارمنی توسط ه. موسسیان و ا. پهلوانیان.

-
- 1- A.M. Minasyan: Armyanskie perevodi Gulistana
Erevan, Saadi. 1961
- 2-Firdusi: Sivush (Na armyanskom Yazuke). per. S.
Umariana. aypetrat. Erevan, 1962
- 3- G.M. Nalbandyan: Srednepersiskoy Yazyk.
Erevanskogo gosud universiteta. Erevan, 1962
- 4-B.L. Chukaszyan: Armyanoiranskie literaturnie svyazi v
V-XVIII vekakh. Avto-ref. Kand. filol. nauk. Erevan, 1962
- 5- A.M. Minasyan: Gulistan Saadi i ego perevody na armyanskii
yazuk. Avto-ref. Kand. filol. Nauk. Erevan, 1963

- چاپ ایروان.^(۱)
- ۱۹۶۳: زبان فارسی باستانی. تألیف گ. م. نعلبندیان. نشریه دانشگاه دولتی ایروان. چاپ ایروان.^(۲)
- ۱۹۶۳: روابط ارضی در ایران در نیمه اول قرن نوزدهم. تألیف هم. یگانیان^(۳) (به زبان ارمنی). نشریه شعبه خاورشناسی آکادمی علوم ارمنستان. چاپ ایروان.
- ۱۹۶۳: روابط ادبی ارمنستان و ایران در قرون پنجم تا هجدهم میلادی. تألیف ب. پ. چوخاسیان. نشریه مرکز انتشارات دولتی ارمنستان. چاپ ایروان.^(۴)
- ۱۹۶۴: سنگ نوشته بیستون از داریوش و ویشتاسپ. تألیف گ. م. نعلبندیان. نشریه دانشگاه ایروان. چاپ ایروان.^(۵)
- ۱۹۶۴: نمونه‌هایی از نثر معاصر پارسی. تألیف گ. م. نعلبندیان. نشریه دانشگاه دولتی ایروان. چاپ ایروان.^(۶)
- ۱۹۶۴: کشورها و ملل خاور نزدیک. جلد یکم: کشور ایران. نشریه فرهنگستان

-
- 1- Iranskie rasskazi. per G. Movsisyana i O. Pakh -Ilevanayana. Aypetrat. Erevan, 1963
 - 2- G.M.Nalbandyan: Drevene persidskiy yazuk.Erevanskogo gosud universiteta. Erevan, 1963
 - 3-H.M.Eganyan
 - 4- B.P. Chukaszyan: Armyano- iranskie literatur-nye Svyazi V-XVIII v.v. Razyskaniya. Erevan, 1963
 - 5- G.M.Nalbandyan: Bissetunskaya nadpis dariia Vishtaspa. Erevanskogo gosud. universiteta. Erevan, 1964
 - 6-G.M. Nalbandyan: Obraztsi sovremennoy per-sidskoy prozi Erevanskogo gosud universi- teta. Erevan, 1964

- علوم جمهوری شوروی ارمنستان. چاپ ایروان.^(۱)
- ۱۹۶۴: زال و رودابه، از شاهنامه فردوسی. ترجمه س. عمریان به زبان ارمنی. چاپ ایروان.^(۲)
- ۱۹۶۵: اشعار و دوبیتی‌های خاقانی. ترجمه س. عمریان به زبان ارمنی. چاپ ایروان.^(۳)
- ۱۹۶۵: غزلیات جامی. ترجمه س. عمریان به زبان ارمنی چاپ ایروان.^(۴)
- ۱۹۶۵: «فرهنگ پهلوی، فارسی، ارمنی، روسی، انگلیسی». تألیف ر. آبرامیان. با نظارت چاپی گ. م. نعلبندیان به ضمیمه شرح مختصر دستور زبان پهلوی. چاپ ایروان.^(۵)
- ۱۹۶۵: (تا ۱۹۶۹) - مجموعه مقالات خاورشناسی فرهنگستان علوم

-
- 1- Strani i narody blizhnego vostoka. I: persidskye strani. Akad. Nauk. Ar, SSR. Erevan, 1964
- 2- Firdusi: zal i Rudabe (Na armyanskom yazuke) per. S. Umariana. Aypetrat. Erevan, 1964
- 3- Khaghani: Stikhi i chetverostishiya (Na arm- yanskom yazuke). per. S. Umariana. Ayastan. Erevan, 1965
- 4- Dzami: Lirika (na armyanskom yazuke). per. S. Umariana. Ayastan, Erevan, 1965
- 5-R. Abramyan: Pekhleviysko- persidsko-arm- yano- russko- angliyski slovar. podgotovil k pechati, otredaktiroval i sostavil kratkiy gram- Inaticheskij ocherk pekhlevi, kandidat filologicheskikh nauk, dotsent G.M. Nalbandyan. Mitk. Erevan, 1965

- ارمنستان. در پنج مجلد (سالهای ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۶۹). چاپ ایروان.^(۱)
- ۱۹۶۶: سیر تحول اجتماعی و سیاسی ایران در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم. تألیف هم. م. یگانیان (به زبان ارمنی). نشریه شعبه خاورشناسی فرهنگستان علوم ارمنستان. چاپ ایروان.
- ۱۹۶۶: روابط ارضی در ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم. تألیف هم. م. یگانیان (به زبان ارمنی). نشریه شعبه خاورشناسی فرهنگستان علوم ارمنستان. چاپ ایروان.
- ۱۹۶۶: اندرزنامه انوشیروان. ترتیب متن و مقدمه توسط پ. ل. چوخاسیان. نشریه مرکز انتشارات دولتی ارمنستان. چاپ ایروان.^(۲)
- ۱۹۶۷: روابط بین‌المللی ایران در سالهای ۱۸۱۳ تا ۱۸۲۸. تألیف ب. پ. بالایان. نشریه فرهنگستان علوم ارمنستان. چاپ ایروان.^(۳)
- ۱۹۶۷: شاهنامه و مآخذ ارمنی. تألیف آ. ا. شهسواریان (به زبان ارمنی). چاپ ایروان.^(۴)
- ۱۹۶۷: رستم و سهراب، از شاهنامه فردوسی. ترجمه س. عمریان، به زبان

-
- 1- Vostokovedcheskiy sbornik Akademia Nauk Ar. SSR. I-V. Erevan, 1965, 1966, 1967, 1968, 1969
 - 2- Nabidaniia Nushirvana podgotovka teksta i predislovie B.L. Chukaszyana. Armgosizdat. Erevan, 1966
 - 3-B.P. Balayan: Mezhdunardnye otnosheniya Irana 1813-1828 gg. Akad. Nauk. Ar. SSR. Erevan, 1967
 - 4- A.O. Shakhsvaryan: Shakhname i armyanskie istochniki. (na armyanskom yazyke). Ayastan Erevan, 1967

- ارمنی. چاپ ایروان. (۱)
- ۱۹۶۸: منتخباتی از روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی، بعنوان کتاب درسی. گردآوری و ترجمه ب. ت. سیناکین، ک. و. قازاریان، گ. م. نعلبندیان. چاپ ایروان. (۲)
- ۱۹۶۹: مثل‌های پارسی. گردآوری گ. گ. موسسیان. نشریه دانشگاه دولتی ایروان. چاپ ایروان. (۳)
- ۱۹۶۹: ارامنه جلفای اصفهان، و روابط اقتصادی و سیاسی ایران و اروپا در قرن هفدهم میلادی. تألیف و. بایبوردیان. نشریه فرهنگستان علوم ارمنستان. چاپ ایروان.
- ۱۹۶۹: انعکاس مسائل اجتماعی در نثر معاصر ایران از اواخر قرن نوزدهم تا به امروز. تألیف مشترک آ. بوداغیان (۴)، ل. شخوویان (۵) و موسسیان (۶) (به زبان ارمنی). نشریه شعبه خاورشناسی فرهنگستان علوم ارمنستان. چاپ ایروان.
- ۱۹۸۰: گ. ا. موسویان. خلاقیت هنر بزرگ علوی. ایروان. چاپ آکادمی علوم ارمنستان.
- ۱۹۹۷: بی. م. مرادیان. س. آمانوکیان. راه سوم ملت‌های اروپایی، آسیایی و

1- Firdusi: Rostam i Sokhrab. (na armyanskom yazuke). Per S. Umariana. Aypetrat. Erevan, 1967

2- B.T. Siniakin, K. V. Kazaryan, G. M. Nalbansd-yan:

Khristomatiynoe posobie po gazetno - zhurnalnomu perevodu. erevan, 1968

3- G.G. Movesesyan: Persidskie poslovitsi. Erevanskogo gosud. universiteta. Erevan, 1969

4- A. Budaghyan

5- L. Shokhovyan

6- H. Movsesyan

انقلاب ایرانی، شیعی. ایروان. نشر بنیاد تکنولوژی برتر.
 ۱۹۹۸: ب. پ. بوشیف. تاریخ دیپلماتیک جنگهای ایران و روس الحاق
 ارمنستان شرقی به ووسیه. ایروان. نشر آکادمی علوم ارمنستان شوروی.

□ فهرست کتابهای خطی فارسی در هوزۀ ماتنادلران

۱. روضه الصفاء: تاریخ ۱۰۰۴ هجری قمری، اثر خواند میر به خط فارسی.
۲. تاریخ عالم آرای عباسی: این نسخه به تاریخ ۱۰۹۴ هجری اثر اسکندر بیک و دستخط حاج ملاحسین علی آبادی و به زبان فارسی نوشته شده است.
۳. ابواب الجنان: به خط شکسته نستعلیق تاریخ سده ۱۸.
۴. شاهنامه: نسخه چاپی از روی قلم مصطفی قلی ابن محمد هادی سلطان.
۵. غزوات: این نسخه دستخط محمد عبدالعظیم به تاریخ ۱۲۳۵ هجری مطابق ۱۸۱۹ میلادی است. مؤلف این نسخه معلوم نیست.
۶. حق الیقین: این نسخه به خط شکسته نستعلیق و به تاریخ ۱۲۳۴ هجری مطابق ۱۸۱۹-۱۸۱۸ میلادی نوشته شده و خطاط آن طالب خان است.
۷. مطلع الشمس: دستخط اعیاء الدوله محمدحسن خان به تاریخ ۱۳۰۴ هجری ۱۸۸۸ میلادی اثر مطلع الشمس در زمان ناصرالدین شاه قاجار.
۸. ابواب الجنان: به خط نستعلیق و به سال ۱۲۳۷ هجری مطابق ۱۸۲۲ میلادی می باشد.
۹. زینت المجالس: دستخط میرزا آقای کمره به سال ۱۳۰۹ هجری مطابق ۱۸۲۲ میلادی می باشد.
۱۰. درۀ نادره: دستخط میرزا مهدی خان به سال ۱۸۰۰ میلادی و مؤلف آن عبدالوصاف می باشد.
۱۱. صاعقه: به سال ۱۲۶۳ هجری مطابق ۱۸۴۶ میلادی است که نویسنده معلوم نیست.
۱۲. روضه الصفاء: این کتاب به دستخط مراد علی و سال ۱۲۰۴ هجری مطابق ۱۷۸۹ میلادی است.

۱۳. شاهنامه: به تاریخ ۱۷۰۰ میلادی.
۱۴. تاریخ عالم‌آرای عباسی: دستخط نیکی به سال ۱۲۸۴ هجری مطابق ۱۸۶۷ میلادی، یادگارهای علی‌اکبر قاسم‌زاده، علی‌محمد میرزاتقی و حسن مهدی‌زاده.
۱۵. معالم الاصول: به زبان عربی و به سال ۱۱۹۲ هجری نوشته شده است.
۱۶. انوار سهیلی: دستخط حسن بن کربلانی جعفر و به سال ۱۱۵۶ هجری مطابق ۱۷۴۳ میلادی است. مؤلف آن امیراحمد سهیلی است.
۱۷. مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، تاریخ بهرام گور: به تاریخ ۱۲۵۵ هجری مطابق ۱۸۴۰ میلادی، خطاط آن محمدتقی نخجوانی ساکن ایروان است.
۱۸. انیس الواعظین: این نسخه به قلم غلامعلی اسکونی و به سال ۱۳۱۱ هجری مطابق ۱۸۹۳ میلادی به زبان فارسی و عربی مخلوط نوشته شده و مؤلف آن عبدالوصاف است.
۱۹. درّه نادری: ۱۲۷۲ هجری مطابق ۱۸۵۵ میلادی، موضوع آن جنگهای نادرشاه افشار است.
۲۰. بحرالمعارف: این نسخه به زبان عربی و فارسی به سال ۱۸۰۰ میلادی است که مؤلف آن عبدالصمد همدانی است.
۲۱. حیات القلوب: دستخط علی محمدبن ملک به سال ۱۲۴۸ هجری مطابق با ۱۸۳۲ میلادی است. مؤلف آن محمدباقر بن محمدتقی است.
۲۲. جامعه المرسوم: به قلم میرزا محمد مؤمن تنکابنی به سال ۱۸۰۰ میلادی است. این کتاب مرکب از تألیفات اطباء، افلاطون و جالینوس و بعضی اثرهای پزشکان فارسی و هندی است.
۲۳. حمله حیدری: به سال ۱۲۸۸ هجری مطابق ۱۸۷۱ میلادی است. تألیف میرزا رفیع‌خان در مورد مدح حضرت علی (ع) است.
۲۴. محرق القلوب: به سال ۱۲۳۶ هجری مطابق ۱۸۲۰ میلادی است. این کتاب در مورد قتل حضرت علی (ع) و احوالات کربلا است.
۲۵. درّه نادری: به قلم میرزا یزدانبخش بن میرزا طاطوس احری مسیحی و به

- سال ۱۲۳۴ هجری مطابق ۱۸۱۸ میلادی است. مؤلف آن عبدالله بن فضل‌اللقب و صاف.
۲۶. تاریخ نادر: تاریخ نادرشاه افشار و جهانگیری او به تألیف میرزا مهدی خان استرآبادی و به سال ۱۸۰۰ میلادی است.
۲۷. روضه الصفا: سال ۱۸۰۰ میلادی
۲۸. مجمع الفرس: به قلم محمدخان ملک الشعراء زینته الهدایح دستخط فتحعلی خان و به سال ۱۲۱۷ هجری مطابق ۱۸۰۲ میلادی است.
۲۹. لغت العربی و کتزاللغه: به زبان فارسی و عربی و به قلم محمدبن عبدالخالق و به سال ۱۶۰۰ میلادی.
۳۰. دستورالعلاج: به قلم سلطان علی طیب خراسانی و به سال ۱۳۳۰ هجری مطابق ۱۵۲۶ میلادی است.
۳۱. مجمع الفرس سروری: فرهنگ فارسی به عربی و عربی به فارسی است.
۳۲. اختیارات بدیعی: دستخط محمدحسین و به سال ۱۰۶۵ هجری ۱۶۵۶ میلادی است. مؤلف آن علی بن حسین انصاری است.
۳۳. دیوان نظامی خمسه: به قلم عبدالحسین فریدی و به سال ۱۲۷۶ هجری مطابق ۱۸۸۹ میلادی است.
۳۴. تاریخ نادر: به قلم محمدتقی و به سال ۱۲۲۰ هجری مطابق ۱۸۰۵ میلادی است.
۳۵. عالم آرای عباسی: به سال ۱۰۲۵ هجری مطابق ۱۶۱۶ میلادی که مؤلف معلوم نیست. موضوع آن تاریخ صفویان در ایران است.
۳۶. دیوان فتحعلی شاه ملک الشعراء: به قلم عبدالمطلب بن جعفرحسین و به سال ۱۲۴۹ هجری مطابق ۱۸۳۲ میلادی.
۳۷. اسکندرنامه فعلی: احوالات و مجادله‌های اسکندر یا جادوها، به سال ۱۷۰۰ میلادی.
۳۸. خواص الحیوان: این کتاب به فرمان خود شاه‌عباس از کتاب عربی حیوق الحیوان ترجمه و خلاصه شده است.

۳۹. فرهنگ لغت: به قلم محمد کریم و به سال ۱۲۶۰ هجری مطابق ۱۸۴۴ میلادی، مؤلف رضاقلی تبریزی.
۴۰. گوهر مراد: به قلم ناصرالدین محمدبن محمدقاسم، سال ۱۰۷۹ هجری مطابق ۱۶۶۸ میلادی، مؤلف عبدالرزاق حسین لاهیجی.
۴۱. اشرف العلوم: به زبان عربی و فارسی و به سال ۱۰۹۷ هجری مطابق ۱۶۸۵ میلادی.
۴۲. یوسفیه: به زبان آذری، فارسی و عربی و به سال ۱۲۹۶ هجری مطابق ۱۸۱۸ میلادی، خطاط ملاحسین ایروانی.
۴۳. قصص العلماء: به قلم میرزا محمد تنکابنی به سال ۱۳۰۹ هجری مطابق ۱۸۹۱ میلادی، موضوع احوالات امامان و شرح مشایخ، مؤلف التمجید میرزا محمدبن سلیمان تنکابنی.
۴۴. نظامی خمسه: به زبان عربی ۱۸۰۰ میلادی.
۴۵. نظامی خمسه: به قلم عبدالعلی بن عبدالله سیفی به سال ۹۶۸ هجری مطابق ۱۵۶۰ میلادی.
۴۶. تاریخ نگارستان: به قلم میرزا محمدعلی شیرازی و به سال ۱۲۷۵ هجری مطابق ۱۸۵۸ میلادی.
۴۷. معراج نامه یا دیوان عرفی شیرازی: قرن شانزدهم مؤلف خواجه سعید محمد بن زین الدین علی شیرازی مشهور به عرفی می باشد.
۴۸. مجمع البحرين: عربی به قلم عبدالمومن بن امیرچوپان به سال ۷۵۰ هجری ۱۳۴۹ میلادی.
۴۹. دیوان جامی، هفت اورنگ: به سال ۹۵۲ هجری مطابق ۱۵۴۵ میلادی عبدالرحمن جامی.
۵۰. ابواب الجنان یا سرچشمه حیات: به قلم ابوالحسن محمد سلیم به سال ۱۱۲۹ هجری مطابق ۱۷۱۶ میلادی، مؤلف محمدرقیع خاکسار.
۵۱. کتاب قهرمان؛ قاتل رحمه ا...: به قلم حسین علی کمتر - قرن ۱۷.
۵۲. دیوان صائب: به زبان فارسی و تاجیکی به سال ۱۶۷۱ میلادی، مؤلف

- محمدعلی تبریزی و سنبل زاده.
۵۳. واجب الوجود: به قلم ملاکبر بن نجف علی، سال ۱۲۰۱ هجری مطابق ۱۷۸۶ میلادی، مؤلف حسن بن عبدالرزاق.
۵۴. هفت پیکر: نظامی گنجوی، قرن ششم.
۵۵. فقه فارسی: به قلم لطف علی بن محمد، ۱۰۰۸ هجری / ۱۵۹۹ میلادی.
۵۶. حدیقه السعلا: فضولی، زبان آذری، ۱۰۹۰ هجری / ۱۶۷۹ میلادی.
۵۷. شرح نصاب: به قلم اللهوردی بن خواجه محمد، ۱۲۱۴ هجری / ۱۷۹۹ میلادی، مؤلف محمد بن فصیح بن محمد دشتی بیاضی.
۵۸. مجموعه: ۱۲۹۶ هجری مطابق ۱۸۷۸ میلادی، راجع به هندسه، نصیحت نامه، مباحثه و ملاقات وزیر مختار انگلیس به زبان فارسی نوشته شده است.
۵۹. دیوان وفائی: به قلم میرزا سید محمد شیرازی، ۱۳۱۳ هجری / ۱۸۹۵ میلادی، در مدح پیغمبر و حضرت علی و امامان.
۶۰. لغت نوایی یا فرهنگ شاعر نوائی ازبک: زبان ازبکی، تألیف امیرعلیشیرنوائی، شاعر بزرگ ازبکی قرن ۱۸ میلادی.
۶۱. لوامع الشراق: به قلم محمد بن اسعد جاجانی.
۶۲. خزان بهار: جعفر بن ابوالقاسم تبریزی، ۱۲۵۶ هجری / ۱۸۴۰ میلادی، مؤلف محمد شریف بن شمس الدوله معروف به کاشفی است.
۶۳. گلستان سعدی: ۱۲۹۶ هجری - ۱۸۷۸ میلادی در هشت باب.
۶۴. مجموعه اشعار و بیاض: به قلم محمد کریم الحسینی، ۱۰۵۱ هجری / ۱۶۴۱ میلادی، مجموعه آثار پنجاه شاعر.
۶۵. رساله صوم: به قلم میرزا احمد مجتهد تبریزی، درباره قوانین شریعت و نماز، ۱۲۷۵ هجری / ۱۸۴۱ میلادی.
۶۶. مکاتب: به قلم امین الدوله وزیر امور خارجه، ۱۲۷۵ هجری / ۱۸۵۸ میلادی، مکاتبات مابین دولت ایران و ترکیه.
۶۷. ثلاث ابواب: به زبان عربی، به قلم حاج ملا احمد بن شیخ علی رضا، ۱۲۸۶

- هجری / ۱۸۶۹ میلادی، موضوع زبان عربی و غزلهای شاعر عاشق.
۶۸. کتاب التقریح: به قلم عبدالرحیم بن شیخ مصطفی، ۱۱۷۱ هجری / ۱۷۵۷ میلادی، مؤلف شیخ طالب.
۶۹. جامع الایات و جامع الاخبار: عربی و فارسی، ۱۲۵۷ هجری.
۷۰. یوسف و زلیخا: به قلم میرزا احمد الدوله مشهدی علی ۱۲۵۹ هجری / ۱۸۴۳ میلادی، مؤلف عبدالرحمن جامی.
۷۱. درة نادری: به قلم آقا میرزا محمد حسین، ۱۲۶۰ هجری / ۱۸۴۰ میلادی.
۷۲. مجموعه شاعران بیاض: آثار شاعران مشهور، ۱۲۱۹ هجری / ۱۸۸۰۴ میلادی.
۷۳. جامع عباسی: ۱۲۵۴ هجری / ۱۸۳۸ میلادی، مؤلف بهاءالدین عاملی، راجع به احکام اسلام.
۷۴. حافظ: قرن ۱۸ میلادی، اشعار حافظ.
۷۵. اشعار کمالی: قرن ۱۸ میلادی، اشعار اسماعیل کمالی اصفهانی.
۷۶. رساله سید علی طباطبائی: به قلم سید علی طباطبائی، ۱۲۳۳ هجری / ۱۸۱۷ میلادی، کتاب مذهبی و قوانین شریعت نوشته شده، مؤلف میرسید علی نامی.
۷۷. مجموعه اشعار و احادیث: ۱۲۳۲ هجری / ۱۸۱۶ میلادی، زبان عربی و فارسی، از هفت کتابچه تشکیل یافته است.
۷۸. لیلی و مجنون: به قلم قره باغی، ۱۲۲۴ هجری / ۱۸۰۹ میلادی، از نظامی گنجوی.
۷۹. مجموعه بیاض: به قلم نصیب بن قوجه، ۱۲۶۴ هجری / ۱۸۴۷ میلادی، قوانین مذهبی به زبان عربی، علم نجوم به زبان فارسی، قباله‌ها، سندها، نسخه‌های طبی.
۸۰. کتاب فلاح و مجموعه الحكماء: فارسی و عربی، به قلم محمد جعفر بن حاجی حسینعلی، از چهار قسمت تشکیل شده، مؤلف شیخ عجمی، ۱۲۲۴ هجری / ۱۸۰۹ میلادی.
۸۱. کتاب عقاید: ۱۲۳۲ هجری / ۱۸۱۶ میلادی، قوانین و احکام مذهبی.

۸۲. مکتوبهای نایب السلطنه: به قلم حسین دستیابی، ۱۲۳۹ هجری، ۱۸۲۳ میلادی، درباره مکاتب مابین عباس میرزا نایب السلطنه و فتحعلی شاه در خصوص احوالات جنگ روس و ایران و مجاریه تفلیس و آبادان و ایروان می‌باشد.
۸۳. سعدالدین: به قلم زین‌العابدین ملاعبدین ملا عبدالله، ۱۲۷۰ هجری / ۱۸۵۳ میلادی عربی است.
۸۴. دیوان نوائی: زبان ازبکی جغتایی، به قلم محمدالکتاب‌القمی، ۹۰۵ هجری.
۸۵. یوسف و زلیخا: به قلم محمدبن میرزا نادری، ۱۲۴۳ هجری / ۱۸۲۷ میلادی. مؤلف نظامی.
۸۶. جوازالجواید: به قلم محمدبن ولی اسرخانی، ۹۴۸ هجری / ۱۵۴۱ میلادی.
۸۷. مجموعه‌ای درباره وقایع کریلا: ۱۳۰۵ هجری، زبان آذربایجانی، فارسی و عربی، خطاط مهدی آخوندزاده.
۸۸. مجموعه دیوان واقف: ۱۲۷۲ هجری، اشعار عربی واقف به زبان آذربایجانی و فارسی، قلم میرزا یوسف قره‌باغی.
۸۹. خزان بهار: ۱۱۰۴ هجری، مؤلف شمس‌الدین محمد شریف، شامل حکایت‌های بسیار شیرین است.
۹۰. شواهد: فارسی و عربی، ۱۲۳۵ هجری / ۱۸۱۹ میلادی، مؤلف نظام‌الدین ملا احمد اردبیلی.
۹۱. انشاء: ۱۲۳۵ هجری / ۱۸۱۲ میلادی، مؤلف میرزا مهدی، در تعریف ملاقلی میرزا نوشته است.
۹۲. هفت کشور: ۱۰۲۸ هجری / ۱۶۱۸ میلادی، از پادشاهان هندوستان حکایت می‌کند.
۹۳. محبوب القلوب نوبائی: ۸۹ برگ، به زبان ازبکی، به قلم محمدبن احمد ایروانی، ۱۲۰۶ هجری، مؤلف شاعر ازبکی علیشیر شیرنوائی.
۹۴. رساله: ۲۵ برگ، قرن ۱۸، در خصوص احکام مربوط به حج.
۹۵. شیرویه نواده اسکندر: ۱۰۵ برگ، ۱۲۴۶ هجری، به قلم محمدتقی.

۹۶. روضه ریاضی: ۴۰ برگ، ۹۹۲ هجری، به قلم محمدحاج معالی، موضوع کتاب حساب و مثلثات است.
۹۷. شرح التجویز: ۲۷۱ برگ، ۱۱۳۵ هجری، به قلم مرتضی قلی، موضوع حساب و هندسه.
۹۸. تغییرنامه: ۶۸ برگ، ۸۹۹ هجری، مؤلف محمدابراهیم عبدالله کرمانی.
۹۹. مغنی البیت: ۱۳۵ برگ، ۱۲۶۹ هجری، در خصوصیات روح.
۱۰۰. جواهر نامه: ۶۸ برگ، تقریباً قرن ۱۷، مؤلف خواجه نصیرطوسی، در خصوص سنگ و جواهرشناسی.
۱۰۱. کتاب الهدایه: ۱۰۰ برگ، قرن ۱۸، به قلم حبیب الله.
۱۰۲. میزان الحق: ۲۷۲ برگ، ۱۲۴۸ هجری، موضوع کتاب در رد مذهب اسلام و قرآن و مدح مذهب مسیح.
۱۰۳. صمدیه: ۷۹ برگ، قرن ۱۸، مؤلف عبدالصمد، قوانین زبان عربی.
۱۰۴. لیلی و مجنون: ۱۱۰ برگ، به زبان آذری، قرن ۱۸، اثر شاعره آذری محمد فضولی.
۱۰۵. خزان بهار: ۱۲۰ برگ، ۱۲۵۳ هجری.
۱۰۶. لوامع الاشراف: ۲۰۲ برگ، ۱۰۷۵ هجری.
۱۰۷. دیوان اشعار حسین: ۱۶۶ برگ.
۱۰۸. عریضه: ۷ برگ، ۱۲۶۷ هجری، عریضه شخصی ابوالقاسم بن محمدعلی فراهانی به نایب السلطنه شاه عباس.
۱۰۹. پند نامه: ۱۵۸ برگ، ۱۳۰۹ هجری، به قلم میرزا محمدتقی آزاددوست، گنج، مؤلف میرمحسن بن احمد میرزاده نواب قره باغی.
۱۱۰. کلیات حافظ شیرازی: قرن ۱۸، ۱۹۶ برگ، قلم مهدی داود (زین العابدین).
۱۱۱. منطق: ۱۴۵ برگ، ۱۲۱۵ هجری، در باره جغرافیا، زبان عربی.
۱۱۲. لغت و منطق: ۶۱ برگ، ۱۱۹۱ هجری، در باره فرهنگ عربی به فارسی.
۱۱۳. معیار جمالی و مفتاح ابوالحق: ۱۱۱ برگ، ۱۲۶۳ هجری، مؤلف محمدبن عبدالخلیل، قلم میرزا محمدبن حاج ملاعبدالله حکمنادی.

۱۱۴. سراج المنیر: ۵۰ برگ، ۱۳۲۹ هجری، به قلم لطیف بن شمس الدین محمد شریف.
۱۱۵. بیاض اشعار: ۲۰۱ برگ، تقریباً قرن ۱۸، به قلم میرزا محمد شریف.
۱۱۶. الهدایه و الدلالة الرساله: ۱۱۹ برگ، تقریباً قرن ۱۸، مؤلف جمال الدین خان ری، به قلم مهذا و محمد علی.
۱۱۷. شاه و درویش هلالی: ۴۸ برگ، ۱۱۸۵ هجری، به قلم محمد حسن بن حاجی رضی.
۱۱۸. بوستان: ۱۵۷ برگ، ۱۰۷۹ هجری، حاشیه کتاب به زبان آذری ترجمه شده، به قلم ابراهیم بن احمد.
۱۱۹. عمدة الحکام: ۱۳۲ برگ، تقریباً قرن ۱۸، به قلم عبدالسلام آخوندزاده مدرس مدرسه علمیه تفلیس.
۱۲۰. خلاصة الحساب الفارسی: ۴۷ برگ، تقریباً قرن ۱۸، به قلم ملا علی کتیبچی.
۱۲۱. خضرخان و دولرائی: ۱۲۲ برگ، ۱۱۴۹ هجری، این اثر یکی از مثنوی های مشهور شاعر تاجیک امیر خسرو دهلوی است.
۱۲۲. شرح الصمدیه: ۱۲۶ برگ، ۱۱۹۱ هجری، به قلم غلامعلی بن کربلانی، مؤلف مجال الدین احمد بن محمد لاهیجانی.
۱۲۳. حکیم ناصر خسرو علوی: ۱۰ برگ، ۱۰۴۳ هجری، به قلم علی بن محمدرضا تبریزی.
۱۲۴. تحفة الذاکرین: ۲۷۴ برگ، ۱۲۵۹ هجری، به قلم غلامعلی بن کربلانی یوسف.
۱۲۵. قرآن: ۲۳۶ برگ، قرن ۱۶، به قلم محمد مهدی ولد محمد صالح.
۱۲۶. الفيوض النوریه و نصبت الی التعمه الصوریه: ۱۳۸ برگ، ۱۰۵۰ هجری، مؤلف عبدالله بن شهاب البنددین.
۱۲۷. شرح میر شمیر: ۱۲۶ برگ، تقریباً قرن ۱۸، زبان عربی، در باره تجزیه و ترکیب.
۱۲۸. محرق القلوب: ۲۰۹ برگ، زبان آذری، ۱۲۳۶ هجری.
۱۲۹. دقایق الحقایق: ۱۷۴ برگ، زبان ترکی و فارسی، ۹۷۲ هجری، لغتنامه ترکی

- فارسی.

۱۳۰. معراج نامه: ۶۲ برگ - فارسی ۱۲۳۶ هجری.

۱۳۱. حاشیه دیباچه: ۵۸ برگ، عربی، قرن ۱۷.

۱۳۲. جواهرنامه: ۶۷ برگ، ۹۵۷ هجری، مؤلف ابو محمد بن حسن خاورانی، در خصوص جواهر و سنگ شناسی.

۱۳۳. شرح الالفیه سیوطی: ۱۰۱ برگ، عربی، ۹۷۷ هجری، به قلم عمر بن حسین رومی الهنقی.

۱۳۴. حاشیه سعید الشریف: ۱۳۴ برگ، ۱۰۸۳ هجری، به قلم عباد الله بن علی خان رشید گلیا یگانی.

۱۳۵. مجموعه‌ای درباره وقایع کربلا: زبان عربی، فارسی و آذری، ۱۳۰۳ هجری.

۱۳۶. جغرافیای فارسی: ۱۵۲ برگ، ۸۵۰ میلادی، به قلم مخبر الدوله علیقلی خان سرتیپ.

۱۳۷. سراج المنیر: ۷۲ برگ، ۱۰۲۴ هجری.

۱۳۸. لغات فارسی: ۱۷۰ برگ، زبان فارسی، قرن ۱۹، به قلم محمد کریم بن محمد تقی تبریزی.

۱۳۹. خلاصه الحساب: ۱۲۲ برگ، زبان عربی، ۱۲۶۷ هجری، از صفحه ۱۱ الی ۵۵ راجع به حساب است به قلم شیخ بهاء الدین محمد حسین عاملی.

۱۴۰. اشعار ناظم: ۱۰۳ برگ، فارسی، ۱۱۰۳ هجری، در این اثر مجموعه‌ای از چند شعر از جمله سعدی و حافظ موجود است.

۱۴۱. تقویم: ۱۸ برگ، فارسی، ۱۱۸۷ هجری، به قلم عبدالقادر روئیان و حاشیه نویسی از طرف جوراسلطان اسد.

۱۴۲. جنگ الحناقب: ۱۴۳ برگ، تقریباً قرن ۱۸ فارسی.

۱۴۳. هزار بیتی سروش (ملقب به شمس شورا)، ۱۰۰ برگ، فارسی، ۱۳۰۱ هجری، به قلم محمد صادق بن حسن تبریزی.

۱۴۴. گلستان سعدی: ۲۷۰ برگ، فارسی، ۱۱۱۰ هجری، به قلم امان الله بن محمد تقی سنگین.

۱۴۵. مجموعه اشعار: ۱۸۵ برگ، فارسی، ۱۱۵۰ هجری، به قلم آل عبدالمزنب الاس عبدالله.
۱۴۶. اشعار دینی: ۴۰ برگ، ترکی، تقریباً قرن ۱۸، مؤلف شاعر میرزا اقوام.
۱۴۷. منشآت مستولی الممالک: ۸۶ برگ، ۱۱۸۱، به قلم مستوفی الممالک.
۱۴۸. رساله: ۸۱ برگ، ۱۲۷۵ هجری، به قلم محمدجعفر بن صفر محمد.
۱۴۹. احکام الشهورمند: ۳۷۱ برگ، ۱۱۱۰ هجری، علم نجوم، مؤلف منجم عبدالله حامیالی مصری.
۱۵۰. دیوان ظهوری یا ساقی نامه: ۱۶۴ برگ، فارسی، ۱۱۱۲ هجری، کتاب دارای ۴۰۰۰۰۰ بیت از ظهوری است)
۱۵۱. مختصر علم حساب: ۳۷ برگ، فارسی، تقریباً قرن ۱۹، به قلم سلمان سرهنگ.
۱۵۲. اخلاق ناصری: ۱۵۶ برگ، فارسی، تقریباً قرن ۱۷.
۱۵۳. بیاض اشعار: ۴۶ برگ، ۱۲۴۰ هجری، از شعرائی مثل سعدی، حافظ، جامی، ستراف، باباطاهر، محمد قرلو کاظم در این مجموعه شعر آورده شده است.
۱۵۴. محرق القلوب: ۲۸۴ برگ، ۱۲۲۸ هجری.
۱۵۵. بحر الفاضیل فی منافع الافاضل: ۴۵۰ برگ، تقریباً قرن ۱۸، مؤلف محمد بن قوام بن رستم.
۱۵۶. وصایای محمد و رجعت: ۱۰۲ برگ، ۱۲۳۸، در خصوص حوادث مذهبی.
۱۵۷. لغت سروری: ۸۸ برگ، ۱۱۹۹ هجری، مؤلف محمد قاسم حاجی محمد کاشانی، به قلم محمد حسن تبریزی.
۱۵۸. یوسف و زلیخا: ۹۵ برگ، ۸۸۴ هجری، زبان آذری، به قلم حسین علی بن صفر علی.
۱۵۹. دستور لغت: ۱۲۴ برگ، ۱۲۰۵ هجری، به قلم عبدالحسین بن ابراهیم بن احمد نظری.
۱۶۰. منظومه شرح لمعه میرزا قوام: ۱۶۸ برگ، ۱۱۱۱ هجری، به قلم حیدر علی بن علی اکبر استرآبادی.

۱۶۱. بازنامه، ۱۰۵ برگ، ۱۰۹۲ هجری، به قلم محب علی خان بن نظام الدین خلیفه علی پیرعلایی.
۱۶۲. احکام نجوم: ۱۱۷ برگ، تقریباً قرن ۱۸.
۱۶۳. گلستان: ۱۲۲ برگ، ۹۷۵ هجری.
۱۶۴. رساله الحساب: ۵۶ برگ، عربی، به قلم حاجی محور صالح.
۱۶۵. نصاب الصبیان: ۱۷۷۰ میلادی، زبان فارسی: مؤلف ابونصر قراهی.
۱۶۶. احکام دوازده برج: ابرمه شربلخی، ۱۸ میلادی، قلم علی اکبر عبدالله خراسانی، زبان فارسی، موضوع راجع به هیأت است.
۱۶۷. نصاب الصبیان: ۱۸۳۰ میلادی، قلم کرسون و ژساوان چخوف تغلیسی، زبان فارسی.
۱۶۸. کنزاللغات: ۱۶۱۰ میلادی، زبان عربی و فارسی، مؤلف محمد بن عبدالخالق، موضوع آن ادبیات فارسی و عربی است.
۱۶۹. یوسف و زلیخا: ۱۸۴۲ میلادی، قلم محمد معصوم، زبان فارسی، مؤلف عبدالرحمن جامی.
۱۷۰. گلستان: ۱۷۲۴: قلم محمد علی بیک چکشی شروانی.
۱۷۱. سراج المنیر: اوائل سده ۱۹، موضوع مصائب حضرت علی (ع).
۱۷۲. گلستان: ۱۵۸۲ میلادی، قلم محمد بن عثمان، زبان فارسی.
۱۷۳. الاحباء الراعین فی الاخلاء الطالبین: ۱۶۱۵ میلادی، زبان فارسی.
۱۷۴. گنج گوهر: سده ۱۸ میلادی، زبان فارسی، موضوع مجموعه اشعار اخلاقی.
۱۷۵. کتاب حلال: قصیده‌ای در مدح سلطان محمد.
۱۷۶. صحیفه علویه و تحفه مرتضویه: ۱۷۱۴ میلادی، قلم پسر عبدالله بن صالح، زبان عربی و فارسی، موضوع دعاهاى منسوب به حضرت سید اوصیاء در امور شاه سلطان حسین.
۱۷۷. اشارات المذهب، اشارات الادیان، تاریخ دنباله: ۱۸۵۰ میلادی، قلم علی اکبر حسینی تفرشی، زبان فارسی، قسمتی از آن راجع به اولاد رستم خان بن احمد خان دنبلی است.

۱۷۸. هدایت الانام: سده ۱۹ میلادی.
۱۷۹. شوارق الانوار: قرن ۱۷ میلادی.
۱۸۰. صورت شهود: قرن ۱۹، زبان فارسی.
۱۸۱. طلسم و فالگیری: زبان فارسی.
۱۸۲. تذکره الشعراء: قرن ۱۸ میلادی.
۱۸۳. رمل: قرن ۱۹ میلادی.
۱۸۴. مجموعه: ۱۸۶۵، زبان فارسی و آذربایجانی.
۱۸۵. مجموعه: ۱۸۵۶، زبان فارسی، عربی و آذربایجانی.
۱۸۶. رساله الحساب: ۱۶۸۳ میلادی، قلم ابن ملک بهمن حاجی ملک محمد صالح، زبان عربی، مؤلف شیخ بهاء الدین، در باره حساب.
۱۸۷. گلستان: ۱۵۶۷ میلادی، زبان فارسی.
۱۸۸. مجموعه اشعار: ۱۸۱۴ میلادی، بزرگ پاشا و مقصوم یگانی، زبان فارسی، اشعار شاعران خاقانی خرمی و سعدی و حافظ.
۱۸۹. احکام نجوم: قرن ۱۸، زبان فارسی، موضوع علم نجوم، نقشه‌ها.
۱۹۰. بازنامه: ۱۶۸۱ میلادی، قلم محب علی خان، موضوع راجع به پرورش باز و معالجات انواع پرندگان شکاری.
۱۹۱. سراج المنیر: ۱۷۸۹، قلم عباس ولد حینر.
۱۹۲. جغرافیای فارسی: ۱۸۵۰ میلادی، قلم مخبرالدوله علی قلی خان سرتیپ.
۱۹۳. مجموعه‌ای درباره وقایع کریلا: ۱۸۸۵ میلادی، به زبانهای فارسی، عربی و آذربایجانی.
۱۹۴. معراج‌نامه: ۱۸۲۰ میلادی، موضوع حکایتهای دینی و مذهبی و افکار در مورد زراعت و نکاح زندگی.
۱۹۵. دقایق الحایق: ۱۵۶۴ میلادی، قلم عبدالفتاح بک، زبان فارسی و ترکی، موضوع فرهنگ ترکی و فارسی.
۱۹۶. مجموعه اشعار: ۱۷۳۷ میلادی، قلم ال عبدالمنذب، زبان فارسی، موضوع شعرای ایرانی و آذربایجانی می‌باشد.

۱۹۷. گلستان (کلیات): ۱۶۹۸ میلادی، قلم امان‌الله بن محمد تقی، زبان فارسی، مؤلف سعدی شیرازی.
۱۹۸. هزار بیتی سروش: ۱۸۸۳ میلادی، قلم محمدصادق بن حاجی حسن تبریزی، مؤلف سروش، موضوع غزلها و قصیده‌ها و اشعار عشقی و اخلاقی.
۱۹۹. جنگ المناقب (مجموعه): قرن ۱۸ میلادی، موضوع مجموعه اشعار از استاد نظام‌آبادی و حسین کاشانی و سعدی فخرالدین راضی و دیگران.
۲۰۰. تقویم: ۱۷۷۳ میلادی، قلم عبدالقادر روئیانی.
۲۰۱. اشعار نامنظم: ۱۶۹۱ میلادی، موضوع اشعار اخلاقی و پسند و امثال از شعرای مختلف.
۲۰۲. کتاب لغت فارسی: قرن ۱۹ میلادی، مؤلف محمدکریم خان محمد تبریزی، موضوع حکایت‌های شیرین و اشعار و فرهنگ لغات.
۲۰۳. اخلاق ناصری: قرن ۱۷ میلادی، زبان فارسی، موضوع مخصوص فضائل اخلاقی و صنایع و حکایتهای اخلاقی.
۲۰۴. مختصر علم حساب تاریخ قرن ۱۹ م به قلم سلمان سرهنگ، موضوع حساب مختصر ضرب و تقسیم.
۲۰۵. دیوان ظهوری یا ساقی نامه: ۱۷۰۰ میلادی، قلم ظهوری قاینی، مؤلف ظهوری، موضوع اشعار در خصوص شراب دیدخانه و عشق.
۲۰۶. رموزالمعما: ۵۶۳ میلادی، قلم محمد یعقوب سلطان، مؤلف الباقی محمد بن علی دست، موضوع اشعار شاعران در زمان حکمرانی عبدالعزیز بهادر.
۲۰۷. تحفه‌الابرار: قرن ۱۹ میلادی، قلم ملابابا، موضوع قرائت‌نامه فارسی و قوانین صرف و نحو و لغت و شرح آنها.
۲۰۸. علم طب و حفظ الصحة: قرن ۱۹ میلادی، موضوع کتاب طب است.
۲۰۹. شرح حدیث کرمانی صحت و فصولی: ۱۸۷۳ میلادی، قلم و مؤلف محمدرقیع بن حاجی علی میرزا، موضوع شرح حدیث کرمانی زین‌العابدین کرمانی مقاله کار روحانی.
۲۱۰. تاریخ چنگیزخان و امیر تیمور صاحب قرآن: ۱۶۸۵ میلادی، زبان فارسی،

مؤلف ولی‌نامه (شاعد)، موضوع تاریخ جهانگیری چنگیزخان و امیر تیمور لنگ.

۲۱۱. احادیث: قرن ۱۸ میلادی، موضوع احادیث دینی و تاریخ جنگ کربلا.
۲۱۲. رساله شریلر: ۱۹ میلادی، مقاله‌های اول آن رساله‌های دینی به بیانات که به هزار سؤال و جواب تنظیم شده و قسمتی در خصوص تجارت است.
۲۱۳. مجموعه صرف و نحو عربی: ۱۸۴۲ میلادی، قلم ابوطالب ولدزمان خان، زبان فارسی و عربی، موضوع اطلاعات این دستنویس در ماه فوریه ۱۹۵۸ در ماتناداران منتقل شده است.
۲۱۴. ناسخ التواریخ: ۱۳۰۲ هجری، قلم حاج علی‌آقا، زبان فارسی، مؤلف حاج میرزا آغاسی وزیر در موقع حکمرانی محمدعلی خان قاجار، موضوع تاریخ ایران که از زمان قبول کردن دین اسلام شروع می‌شود.
۲۱۵. مجموعه درباره واقعه کربلا: قلم آخوند حاج ملاابراهیم، زبان فارسی، عربی و آذربایجانی.
۲۱۶. انوار سهیلی: تقریباً قرن ۱۸ میلادی، قلم حاج محمدحسین، زبان فارسی.
۲۱۷. تاریخ‌نامه: تقریباً قرن ۱۸ میلادی.
۲۱۸. مجموعه مثنوی جلال‌الدین رومی: ۱۵۸۷ میلادی، قلم حاله عجمی، اشعار در ۵ جلد.
۲۱۹. تاریخ عجم: ۱۸۷۸ میلادی، قلم ملاعباسعلی، زبان فارسی، موضوع تاریخ شاهان ایران از زمان کیومرث البی بهرام و یزدگرد و زمان قبول کردن دین اسلام توسط ایرانیان.
۲۲۰. رساله الشریف: ۱۲۲۱، زبان فارسی، موضوع حکایتهایی از زمان حکمرانی خلفای عباسی.
۲۲۱. مفتاح دقایق ۱۲۴۸ هجری قمری/ ۱۸۳۲ میلادی: مؤلف ناحیه‌الدین خواجه ابونصیر طوسی، موضوع اخبار از شریعت.
۲۲۲. دیوان فضولی: ۱۸۴۲/۱۲۵۸، زبان آذربایجانی، مؤلف آذربایجانی فضولی.
۲۲۳. دیوان نشاطی: قرن ۱۹ میلادی، زبان فارسی، مؤلف نشاطی خان.

۲۲۴. مبین الحقیقه: قرن ۱۹ میلادی.
۲۲۵. گلستان سعدی: ۱۲۵۴-۱۸۳۸، قلم محمدجعفر بن تارده ردی، زبان فارسی.
۲۲۶. قصه خلافت عثمان: قرن ۱۶، زبان فارسی، موضوع تاریخ خلفا که به صورت نظم نوشته شده است.
۲۲۷. دیوان حافظ: قرن ۱۸، زبان فارسی.
۲۲۸. احادیث قرن: ۱۹ میلادی، زبان فارسی و گاه عربی، موضوع قوانین و حادثه‌های دینی اسلام.
۲۲۹. رساله: ۱۲۳۸-۱۸۲۲ میلادی، قلم عبدالله بابا بن ملاکبر دیلمانی، زبان فارسی، مؤلف سعید محمد، موضوع قوانین مذهبی اسلام و احادیث.
۲۳۰. نصیحت الملوک: قرن ۱۷، زبان فارسی، موضوع نصیحت‌نامه سعدی.
۲۳۱. دیوان حافظ: ۹۶۵-۱۵۵۷، زبان فارسی.
۲۳۲. درّه نادری: ۱۲۵۸-۱۵۵۷، قلم ملاحسین ایروانی، زبان فارسی، مؤلف عبدالله و صاف.
۲۳۳. دیوان نشاط: قرن ۱۸، زبان فارسی و عربی و آذربایجانی، مؤلف نشاط شیروانی.
۲۳۴. احادیث: قرن ۱۸ میلادی، زبان فارسی، قوانین احکام و احادیث دینی.
۲۳۵. سند و فرمان: ۱۲۹۶، قلم محمد تبریزی، زبان فارسی، مؤلف فرمانی.
۲۳۶. هفت اقلیم: ۱۰۷۵ هجری / ۱۶۶۴ میلادی، قلم محمد طاهر بن محمد قاسم، زبان فارسی، مؤلف احمد بن راضی، موضوع جغرافیا.
۲۳۷. شاهنامه: زبان فارسی.
۲۳۸. دیوان شاهی: قرن ۱۷ میلادی، زبان فارسی، موضوع تاریخ اسلام.
۲۳۹. رباعیات سلیمان ذبید رومی: ۱۹۲۵ میلادی، قلم هزارچیا آجاریان، زبان ترکی آذربایجانی، مؤلف سلیمان ذبید رومی.
۲۴۰. دربندنامه: ۱۸۵۶ میلادی، قلم میرزا یوسف، زبان فارسی، موضوع تاریخ هفت محال دربند.
۲۴۱. تیمورنامه: قرن ۱۷ میلادی، زبان فارسی، مؤلف هاتفی شاعر قرن ۱۵

- میلادی، موضوع تاریخ و داستان تیمورلنگ.
۲۴۲. یوسف و زلیخا: ۱۲۶۸ هجری / ۱۸۵۱ میلادی، قلم ملاعلی بن شهری صلاح آرابلیق کلانی، زبان فارسی، مؤلف عبدالرحمان.
۲۴۳. املا عربی: ۱۲۷۱ / ۱۸۵۴ میلادی، قلم فتحعلی، زبان عربی و فارسی، موضوع فرهنگ عربی به فارسی و صرف و نحو.
۲۴۴. صورت قبالة و ربیع فشارته مراسله‌جات: ۱۲۷۳، قلم قاسم حاج خداوردی زاده، زبان فارسی، موضوع قبالة‌ها، طرز نوشتن مراسلات.
۲۴۵. دربندنامه: ۱۲۶۹، قلم علی افندی، زبان اوزبکی، عربی و فارسی، موضوع تاریخ هفت ولایت دربند که با سه زبان نوشته شده است.
۲۴۶. قرائننامه عربی با ترجمه زبان فارسی: قرن ۱۸، زبان عربی، موضوع تعلیم زبان عربی.
۲۴۷. تاریخ و قصه عبدالسلام و معاویه: ۱۸۱۷/۱۲۳۳، زبان فارسی، موضوع حادثه تاریخ ایران از زمان حکمرانی معاویه و غزنویان.
۲۴۸. نصاب و ترسل: قرن ۱۷ میلادی، زبان عربی، موضوع فرهنگ نظامی از عربی به فارسی.
۲۴۹. دفترچه سیاهی: ۱۳۰۶ هجری، قلم میرجعفر بن سیداسماعیل، زبان فارسی.
۲۵۰. مجموعه: قرن ۱۸ میلادی، زبان فارسی و عربی، موضوع قصیده و احادیث کربلا.
۲۵۱. حسینیه: ۱۲۵۹ هجری، زبان فارسی، موضوع حکایات و امثال و احادیث دینی.
۲۵۲. جامع الدعوت: قرن ۱۷ میلادی، زبان فارسی و عربی، موضوع دعاها و قصه‌هایی از قرآن.
۲۵۳. کلیات حافظ: تاریخ ۱۲۶۲ هجری، زبان فارسی، موضوع اشعار و کلیات، قصه‌ها و غزلها.
۲۵۴. مراسله‌جات نادرشاه افشار: قرن ۱۹ میلادی، زبان فارسی، موضوع مراسله‌جات و مکاتبات نادرشاه در داخل حکومت خود با همسایگان و تسخیر

- هندوستان.
۲۵۵. سینوزن: قرن ۲۰ میلادی، زبان آذربایجانی، موضوع مدینه و احوالات کربلا.
۲۵۶. مجموعه‌ای دربارهٔ وقایع کربلا: ۱۸۸۲ میلادی، زبان فارسی و عربی و آذربایجانی.
۲۵۷. جامع الدعوات: قرن ۱۹ میلادی، زبان فارسی، موضوع دعاهاى مهم از قرآن.
۲۵۸. روضة الصفا: ۱۰۴۱ هجری، قلم علی خان بیک بن علی بیک اردبیل، زبان فارسی، مؤلف محمد بن خوارزمشاه، موضوع تاریخ و احوالات چنگیزخان.
۲۵۹. تحفه عباسی: قرن ۱۹ میلادی، زبان فارسی، موضوع پند و امثال در خصوص نیکوکاری.
۲۶۰. حاشیه: ۱۲۲۱ هجری، قلم شاه عزیز بن ملاعزیز، زبان عربی، رساله‌های مذهبی در آخر به زبان فارسی.
۲۶۱. حق الیقین: ۱۱۰۱ هجری، قلم میرزا محمد رفیع، زبان فارسی، موضوع احادیث در اوصاف علی (ع) و اولاد ایشان.
۲۶۲. جامع الحکایات: ۹۷۵ هجری، موضوع تاریخ بنی امیه و بنی عباس.
۲۶۳. علم نجوم و طب: قرن ۱۸ میلادی، زبان آذربایجانی، موضوع علم نجوم، طب و کیمیا.
۲۶۴. کتاب فال و رمل: سده ۱۸ میلادی، زبان فارسی و عربی.
۲۶۵. گلستان سعدی: کتابت ۱۲۴۷ هجری، قلم ملا تقی بن مشهدی، زبان فارسی.
۲۶۶. اسامی شهرها و خلفای عثمانی: قرن ۱۹ میلادی، زبان ترکی عثمانی، موضوع درباره شهرها و خلفای عثمانی.
۲۶۷. شرح گلستان المنی یا شمع: ۱۷۳۸ میلادی، قلم حسین بن محمد، زبان فارسی، مؤلف حسین بن احمد، موضوع حکایتها و ادبیات گلستان.
۲۶۸. بوستان سعدی: تاریخ کتابت قرن ۱۸ میلادی.
۲۶۹. بوستان سعدی: قرن ۱۹ میلادی، زبان فارسی و عربی.
۲۷۰. جامع الدعوات: زبان فارسی، موضوع پند و امثال سلیمان و هندسه و حساب.

۲۷۱. جامع الدعوات: زبان فارسی، مؤلف عباس نامی.
۲۷۲. عهد و پیمان امام علی: ۱۱۰۵ هجری.
۲۷۳. عهدنامه محمد(ص): کتابت قرن ۱۵-۱۴ هجری، زبان فارسی، موضوع فرمان حضرت محمد(ص) که مسیحیان و ارامنه او را اذیت نکنند.
۲۷۴. دیوان طاهر: قرن ۱۸ میلادی، زبان فارسی، موضوع اشعار و غزلیات شاعر قرن ۱۴ میلادی و داستانهای عشقی.
۲۷۵. تجوید از سعید ابوالقاسم: ۱۸۰۹ میلادی، قلم حسن بن حسین موسوی، موضوع برای تعلیم زبان فارسی.
۲۷۶. مجموعه: قرن ۱۷ میلادی، موضوع شاعران ایرانی، سعدی و حافظ و جامی.
۲۷۷. رساله رشديه: ۱۷۸۹ میلادی، قلم میرزا رضائی، مؤلف محمدباقر مجتهد میرزا رضائی، موضوع در خصوص عوض کردن حروف دشوار و قدیم عربی به لاتین یا روسی.
۲۷۸. یوسف و زلیخا: کتابت ۱۸۴۲ میلادی، قلم سعیداسماعیل بن سعیدحسن.
۲۷۹. علم نجوم: قرن ۱۷ میلادی، مؤلف ابوالوهاب.
۲۸۰. مجمع اللغة: ۱۹۳۰ میلادی، زبان فارسی و آذربایجانی، موضوع فرهنگ لغت فارسی به زبان آذربایجانی.
۲۸۱. ده فرمانهای گنجه: ۱۴۵۷، قلم خواجه شمشاد محرمزاده، زبان فارسی و آذربایجانی، موضوع فرامینی که از طرف خاطون خان و یعقوب خان بن حسن بهادر کاطو غیکوسهای ارامنه گنجه داده شده است.
۲۸۲. مزیدالاوراق: ۱۸۵۰ میلادی، زبان فارسی.
۲۸۳. کتاب حسین علی خان ایروانی: ۱۸۷۲ میلادی، قلم مشیرمیرزا احمد سلم المقدس، موضوع سرنوشت و عملیات حسین علی خان و روابط او با حکومتهای همسایه خود و فرامین و کاغذهای دولتی، عهدنامه.
۲۸۴. تقویم فارسی و اشعار مصطفی: ۱۶۹۸ میلادی، قلم خان محمد یونس رضایق، زبان فارسی، مؤلف محمدصلیح بن عبدالواس، موضوع تقویم و

- سالنامه، علم نجوم و اشعار مصطفی و خان محمد.
۲۸۵. بزم آرا: ۱۸۴۲ میلادی، قلم حاج جوانمرد خوئین، زبان فارسی و ارمنی که با خط ارمنی نوشته شده است، موضوع این کتاب به امیرعباس میرزا از طرف توپچی میرزا محمد تقی سلطان نوشته و مؤلف با ترجمه‌هایی از کتاب مقدس (انجیل) پیغمبر بودن حضرت محمد را تصدیق می‌نماید و اثبات می‌کند که حضرت عیسی پسر خدا نیست بلکه از یوسف و مریم است.
۲۸۶. رساله: ۱۸۵۷ میلادی، قلم سعیدعلی بن میرعبدالله ایروانی، زبان فارسی و عربی، مؤلف حاج قربان‌اوغلی ایروانی، موضوع احکام و قوانین شریعت.
۲۸۷. ضحیقه‌الکاملید، ۱۷۶۰ میلادی، زبان عربی و ترجمه به فارسی، موضوع احکام و قوانین شریعت.
۲۸۸. هشت بهشت: ۱۵۰۱، قلم ادريس بن الدین بدیتسی، زبان فارسی، موضوع تصویر و احوالات حکمرانی هشت پادشاه عثمانی است اما این جلد فقط دوره ۵ سلطان را ذکر می‌نماید.
۲۸۹. قطعات متفرقه زبان فارسی: موضوع حکایتهای اخلاقی و پند و امثال.
۲۹۰. رساله‌البحر و هندسه و علم نجوم: ۶۴۵، قلم میرزا ابوالحسن، زبان فارسی، موضوع کتاب اول حساب و کتاب دوم هندسه و کتاب سوم علوم نجوم.
۲۹۱. مجموعه: ۱۸۸۱ میلادی، قلم محمد حقی، زبان فارسی، مؤلف عبدالرحمان جامی.
۲۹۲. جامع الدعوات: قرن ۱۷ میلادی، موضوع دعاها و نسخه‌ها و طلسمی بر ضد امراض.
۲۹۳. زادالمعاد محمدباقر: قرن ۱۸ میلادی، زبان فارسی و عربی، موضوع کتاب دعاها از محمدباقر ولد محمدتقی و بسیار از احکام و قوانین شریعت و احکام اخلاقی.
۲۹۴. مرثیه و سینه زن: قرن ۱۹ میلادی، زبان آذری و فارسی، موضوع مرثیه و احوالات کربلا.
۲۹۵. صورت شهود: قرن ۱۹ میلادی، زبان فارسی.

۲۹۶. طلسم و فالگیر: زبان فارسی.
۲۹۷. تذکرة الشعراء: قرن ۱۸ میلادی.
۲۹۸. رمل: قرن ۱۹ میلادی.
۲۹۹. مجموعه: تاریخ کتابت ۱۸۶۵ زبان فارسی و عربی و آذربایجانی.
۳۰۰. قصیده در مدح ناصرالدین شاه قاجار: ۱۹۰۷ میلادی.
۳۰۱. زینة التواریخ: ۱۹۸۵ میلادی، مؤلف ابن محمد شفیع محمد صافی تبریزی، موضوع تاریخ پیغمبران و انبیاء و پادشاهان و شاعران و علما.
۳۰۲. خمسه نظامی: ۱۶۷۷ میلادی، قلم ابن کریم الدین حیدر.
۳۰۳. آتشکده فی تذکرة الشعراء: ۱۸۳۴ میلادی، قلم محمد بن حاجی محمد جعفر، مؤلف حاجی لطفعلی بیگ متخلص به آذر بیگدلی.
۳۰۴. روضة الصفاء: جلد دوم، ۱۶۱۰ میلادی، قلم ابوالحسن بن قلی کمده، مؤلف میرخواند.
۳۰۵. حیات القلوب: ۱۸۱۰ میلادی، مؤلف محمد عوفی، موضوع در بیان تاریخ ولادت، وفات، معجزات، غزوات و سایر احوال شریفه حضرت محمد (ص).
۳۰۶. جلاء العیون: ۱۸۰۳ میلادی، قلم ابوالحسن ولد محمد نورائی، مؤلف محمد باقر بن محمد تقی، موضوع ذکر ولادت و شهادت حضرت سید المرسلین و ائمه اطهار (ص).
۳۰۷. توزکات تیموری: ۱۸۴۷ میلادی، قلم یوسف، زبان فارسی.
۳۰۸. میزان الاشعار: ۱۸۵۳ میلادی، مؤلف فیضی.
۳۰۹. کلیات سعدی: تاریخ ۱۸۰۶ میلادی، قلم ابن محمد صادق، موضوع اشعار و ابیات سعدی شیرازی.
۳۱۰. کلیات سعدی: ۱۸۴۱ میلادی، زبان فارسی.
۳۱۱. خسرو و شیرین: ۱۵۶۱ میلادی، قلم علی الحسینی، مؤلف عبدالرحمن جامی.
۳۱۲. بوستان سعدی: ۱۸۱۵ میلادی.
۳۱۳. دیوان حافظ: ۱۸۳۵ میلادی، قلم میرزا امین بن ملا جعفر، زبان فارسی.

۳۱۴. کتاب جلال: ۱۸۳۲ میلادی، قلم میرزا عبدالرحیم کرمانی، موضوع سؤال و جواب راجع به مذهب مسیحی.
۳۱۵. گلستان سعدی: سده ۱۸ میلادی، زبان فارسی.
۳۱۶. تاریخ نادری: سده ۱۹ میلادی، زبان فارسی.
۳۱۷. زیارة النبی محمد(ص): تاریخ کتابت سده ۱۸ میلادی، زبان عربی، فارسی و تاتاری.
۳۱۸. نمونه‌های خطوط و خوشنویسهای مختلف سده ۱۵ تا ۱۸ زبان فارسی و عربی.
۳۱۹. همایون نامه: سده چهاردهم، زبان فارسی، موضوع شرح حال حضرت محمد و خلفای راشدین و غزوات آنها.
۳۲۰. اقبال‌نامه اسکندری: سده ۱۷ میلادی، موضوع دوره سلطنت شاه صفی صفوی.
۳۲۱. مجمع الفرس سروری: کتابت ۱۶۵۲ میلادی، قلم محمد قاسم بن حاجی محمد کاشانی، مؤلف محمد کاشانی، موضوع کتاب لغت است.
۳۲۲. تاریخ نادری: ۱۸۲۶ میلادی، قلم محمد ابراهیم، زبان فارسی.
۳۲۳. تحفة الوزراء: ۱۸۲۶: قلم عباسی، موضوع درباره میرزا احمد علی وزیر مملکت فارسی.
۳۲۴. نصاب الصبیان: قرن ۱۹ میلادی، مؤلف ابونصر قراهی، زبان فارسی.
۳۲۵. نصاب الصبیان: قرن ۱۹ میلادی، زبان فارسی، عربی و ترکی، موضوع لغات عربی، فارسی و ترکی.
۳۲۶. مثنوی مولوی: کتابت ۱۶۵۸ میلادی، قلم محمد منیر.
۳۲۷. دیوان حافظ: سده ۱۷ میلادی.
۳۲۸. انشاء میرزا مهدی خان: ۱۸۳۰ میلادی، قلم حسن بن کربلایی علی میرزایی ایروانی، زبان فارسی، مؤلف میرزا مهدی خان استرآبادی، موضوع کتاب ترسل و انشاء است.
۳۲۹. تاریخ عالم آرای عباسی: ۱۷۹۷ میلادی، زبان فارسی، مؤلف اسکندریک

منشی.

۳۳۰. حکایات روسی با ترجمه تاتاری و چند حکایات دیگر به زبان فارسی، قرن ۱۹ میلادی، قلم برتلیاروف، زبان فارسی و روسی.
۳۳۱. وصیتنامه، فالنامه، نصاب الصبیان و رساله دینی: قرن ۱۸ میلادی، زبان تاتاری، فارسی و عربی.
۳۳۲. سوره‌های علیحده قرآن و جامع الدعوات با زیرنویسهای فارسی: قرن ۱۸ میلادی، قلم محمدحسین.
۳۳۳. لیلی و مجنون: ۱۷۷۴ میلادی، قلم ابوبکر الولی و محمد ابن سعدی.
۳۳۴. دیوان خواجه حافظ شیرازی: کتابت قرن ۱۹ میلادی، زبان فارسی.
۳۳۵. فردقاری: قرن ۱۹ میلادی، زبان فارسی، مؤلف عبدالکریم بن قاسم ایروانی معلم محمدعلی شاه، موضوع اصول زبان عربی، تصریف و کسانی که می‌خواهند در زبان فارسی اسنادی بدست آورند.
۳۳۶. ولایت‌نامه امیرالمؤمنین: کتابت تقریباً قرن ۱۹ میلادی، به زبان فارسی، موضوع تاریخ دین اسلام و قهرمانیهای امامان و مدح حضرت علی و امام حسین(ع).
۳۳۷. تاریخ ایران: کتابت ۱۸۴۹ میلادی، زبان فارسی، موضوع تاریخ ایران از زمان پادشاهی تپش داویان الی زمان نویشن.
۳۳۸. تاریخ اسلام: تقریباً قرن ۱۹ میلادی، به زبان فارسی، عربی و آذربایجانی، موضوع احوالات حضرت محمد(ص) و همسرشان و زندگی امامان و ارکان اسلام، این کتاب دارای دو دیباچه و ۲۰ فصل است که با شهید شدن امام رضا(ع) تمام می‌شود.
۳۳۹. ابوالجنان: ۱۱۰۱ میلادی، قلم غفار بن سمیع، زبان فارسی و عربی، مؤلف واعظ قزوینی، موضوع مسائل دینی و اخلاقی.
۳۴۰. فی مدح السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم السلطان بن سلطان و الخاقان بن خاقان فتحعلی شاه قاجار: زبان فارسی، موضوع قصیده‌ای است در مدح فتحعلی شاه قاجار.

۳۴۱. شعرای آذربایجان دیلنده: کتابت ۱۸۵۳ میلادی، زبان آذربایجانی و فارسی، موضوع در مدح تفلیس و چند بیت از شاعر در خصوص میخانه و چند بیت از باباطاهر.
۳۴۲. حکایت حسین کرد: کتابت تقریباً ۱۷ میلادی، زبان فارسی.
۳۴۳. شاهنامه فردوسی: کتابت ۱۸۳۰ میلادی، زبان فارسی دری.
۳۴۴. جامع الدعوات: زبان عربی و فارسی.
۳۴۵. رساله در بیان احکام دینی: زبان عربی و فارسی، کتاب از ۲۱ فصل تشکیل یافته و مربوط به مسائل دینی است.
۳۴۶. گلشن افغانی و دیوان شاه شاهان: زبان افغانی و فارسی دری، مؤلف علی اکبرین قاسم اورکرسی، موضوع مجموعه اشعار افغانی است.
۳۴۷. الدعوات البرکات: زبان عربی و فارسی.
۳۴۸. رساله نجوم، ۱۶۲۶ میلادی، زبان فارسی.
۳۴۹. احادیث کربلا، کتابت قرن ۱۸ میلادی، مؤلف بهاءالدین بن محمد توزی، موضوع حکایتهای، پندها و امثال.
۳۵۰. تاریخ اسلام: مولن حاج خان بک، موضوع حکایات و احوالات ورثه حضرت محمد (ص).
۳۵۱. حدیقه الحقایق، قرن ۱۷ میلادی، زبان فارسی، موضوع اشعار اخلاقی سنایی است.
۳۵۲. دیوان حافظ: کتابت ۱۸۲۹ میلادی، قلم علی آشتیانی، زبان فارسی.
۳۵۳. فرهنگ مختصر: زبان فارسی و آذری، نوشته شده در قرن نوزدهم.
۳۵۴. زادالمعاد: کتابت ۱۸۴۱ میلادی، قلم محمد شفیع بن علی تبریزی، زبان عربی و فارسی، مؤلف محمدباقر بن محمد تقی.
۳۵۵. تولد الانوار: قرن ۱۸ میلادی، زبان فارسی، مؤلف عبدالله بن قاسم، موضوع تصریف، صرف و نحو عربی.
۳۵۶. حقیقه الشیعه، نگارش ۱۸۳۰ میلادی، زبان فارسی، موضوع مباحثه بین شیعه و سنی.

۳۵۷. محرق‌القلوب: زبان فارسی، موضوع مراثیه و احوالات کربلا.
۳۵۸. زیور داود: مؤلف دیباچه اثر عبدالله بن فضلی، موضوع اشعار حضرت داوود.
۳۵۹. اشعار کلیم: نوشته شده در قرن ۱۸ میلادی، زبان فارسی، موضوع کلیه شاعران ایرانی.
۳۶۰. تقویم: ۱۷۵۳ میلادی، زبان فارسی، موضوع سالنامه از روی ستارگان.
۳۶۱. شرح قصیده‌های خواجه قوامی گنجه: ۱۶۱۵ میلادی، قلم محمدعلی، زبان فارسی، موضوع بیانات و شرح قصیده‌های خواجه قوام گنجه.
۳۶۲. شرح گلستان سعدی، تاریخ کتابت قرن ۱۷ میلادی، زبان فارسی، مؤلف ولی قلی خان.
۳۶۳. النکاح: ۱۷۸۷ میلادی، قلم علی چدینی، زبان عربی و فارسی، موضوع قوانین و احکام نکاح و ازدواج.
۳۶۴. الصغری المنحق: ۱۸۳۶ میلادی، قلم محمدباقر، زبان عربی و فارسی، موضوع صرف و نحو زبان آموزی.
۳۶۵. رساله متفرقه: ۱۶۷۶ میلادی، قلم محمدعلی کاظمی، زبان عربی و فارسی، مؤلف شیخ احمد بحرینی، موضوع قوانین مذهبی و طهارت و اسامی اشخاص مشهور.
۳۶۶. حبیب‌السیر: ۱۶۱۷ میلادی، قلم خواجه محمدبن محمدتقی نوری، زبان فارسی.
۳۶۷. بیاض دعا: قرن ۱۸ میلادی، زبان فارسی و عربی، موضوع دعا.
۳۶۸. مجموعه اشعار: قرن ۱۷ میلادی، قلم میرزا رضا حسین نیشابوری، زبان فارسی و آذربایجانی، موضوع اشعار سعدی و میرداماد و ...
۳۶۹. دیباچه شاهزاده: امامقلی میرزا، تاریخ نگارش ۱۲۳۷ هجری، قلم ملانورعلی گنجعلی، زبان فارسی، موضوع تاریخ دلیری امامقلی پسر نادر شاه افشار.
۳۷۰. تیمورنامه: قرن ۱۸ میلادی، زبان و فارسی، مؤلف هاتقی، موضوع داستان جنگهای تیمور لنگ.

۳۷۱. گلستان سعدی: نگارش در قرن ۱۸ میلادی.
۳۷۲. فتح و ظفر: تاریخ نگارش ۱۸۲۰ میلادی، زبان آذربایجانی و فارسی، موضوع اشعار حافظ و شاعران آذربایجانی که حافظ را شرح کرده‌اند.
۳۷۳. انشاء میرزا مهدی‌خان: تاریخ نگارش ۱۲۶۹ هجری، قلم استاد الله‌وردی، زبان فارسی، موضوع انشاء و مکتوبها.
۳۷۴. طالع‌نامه: قرن ۱۹ میلادی، زبان فارسی، موضوع احکام دینی و دعاهاى مهم نماز.
۳۷۵. تقویم و سالنامه: زبان فارسی.
۳۷۶. دیوان بیدل: نگاشته شده در ۱۶۰۰ میلادی، زبان فارسی، موضوع اشعار شاعر ایرانی بیدل.
۳۷۷. مجموعه شاعران: نگاشته در ۱۱۳۸ هجری، قلم محمد داغستانی، زبان فارسی و آذری، موضوع اشعار و غزلها و شاعران گوناگون.
۳۷۸. رباعیات خیام: تاریخ انتشار ۱۹۰۸ میلادی، قلم استاد خاور محمدخوفندی.
۳۷۹. رساله درباره زیارت مکه معظمه: ۱۸۹۸ میلادی، قلم علی‌اقرس ایروانی، زبانهای فارسی و عربی.
۳۸۰. کنزاللغاة: تاریخ کتابت ۱۶۴۷ میلادی، قلم موسی ابن محمد، زبان فارسی و عربی، قلم سلطان‌الدین میرزا علی، موضوع فرهنگ از زبان عربی به فارسی.
۳۸۱. حوادث کربلا: زبان فارسی.
۳۸۲. کشف رموز: قرن ۱۹ میلادی، زبان فارسی، موضوع علم نجوم، طلسمها و فالگیری.
۳۸۳. دیوان حافظ: نگارش به قلم فخر علی خان صدیق.
۳۸۴. الفبای فارسی و آذربایجانی: ۱۲۸۴ هجری، به قلم کربلانی محمد ملاحسین، زبان فارسی و آذری.

■ شعرای پارسی‌گوی ارمنستان
■ آشفته‌ایروانی

وی کلب حسین بیک نام داشت و از خانواده اصیل ایروان و برادرزاده حاجی ملامحمد، شیخ الاسلام این دیار بود. او در آغاز جوانی به تهران آمد و نزد ظل السلطان علیشاه معزز و مکرم می‌زیست و به حسن جمال و لطافت بیان محسود اقران بود.

محمود میرزا در سفینه خود به سیرت و صورت او چنین اشاره می‌کند: در دوستی بخلاف صاحبان صورت، وفا کردی و به مهربانی دل از دست بیدلان بردی، اگر چه خود در هنگام ملاحظت و به غوغای صباحت گفت: گفتی مگر بخواب ببینی وصال من آری مگر بخواب توان دید خواب را

* * *

گفتمش بوسه‌ای اول ده و جانم بستان
گفت «آشفتنه» سودا زده آخر که چرا؟
گر نه شایسته دامم، بکش آزار مکن
که کشد طعنه مرغان گرفتار مرا

* * *

مو به مو شرح پریشانی خود می‌کردم
بود اگر دست به گیسوی تو چون شانه مرا

* * *

یک ره به زیر تیغ نظر کن که روز حشر
ترسم خدا نکرده شوی شرمسار ما

■ آشوب ایروانی

میرزا اسماعیل متخلص به آشوب از شاعران سده ۱۳ هجری قمری ایروان و از مداحان فتحعلیشاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۱ هجری قمری) بوده است. وی در شکایت از جهانگیر میرزا گفته:

جهان تنگ است مر بی حاصلی را

که باشد دشمن جانش جهانگیر

در تاریخ بنای گنبد و بالای مزار پسران مسلم که از طرف حسین خان سردار
(داماد فتحعلیشاه و حاکم ایروان) و برادرش حسن خان ساخته شده بود، ماده
تاریخ زیر را گفته:

به عهد دولت خاقان آسمان کریاس

به روزگار جهان شهریار پیل افکن

یگانه فتحعلیشه که در معارک کین

برآورد به بلارک دمار از دشمن

سپهر قدرت و کیوان سریر و تیر دبیر

ستاره حشمت و مهر افسر و فلک توسن

ز چاکران در پادشاه دین پرور

ز صفدران رکاب خدیو خصم افکن

دو شیر شرز سیه دار نامدار گزین

بود برادر هم با صفات مستحسن...

نوشت خامه آشوب به هر تاریخش

(بیا اساس سعادت شد از حسین و حسن)

(۱۲۲۶ هجری قمری)

■ بیدل ایروانی

او پاشاخان نام داشت و از اصیل زادگان ایروان و از شاعران سده ۱۳ هجری

قمری بود. وی بیدل تخلص می کرد و نمونه ای از شعرش این است:

در غمزه بسی فتنه و در حسن تمامی

و ایکاش که می بود به عهد تو دوامی

بنشست و بیاراست بهشتی به نشستی

برخاست عیان ساخت قیامت به قیامی

تا حشر نیایم به خود از غایت مستی
گر برکشم از دست بلورین تو جامی

■ چشمه ایروانی

رضاقلی ایروانی فرزند محمدخان قاجار ایروانی از امرای محمود میرزا فرزند فتحعلیشاه بود. او سالها در نهاوند ریاست غلام پیشخدمتان او را عهده‌دار بود و با طبعی موزون و خلقی نیکو و رفتاری خوش، معزز و مکرم می‌زیست. وی چشمه تخلص می‌کرد.

محمود میرزا می‌نویسد:

«این جوان صاحب احوال به دلها چندان نزدیک است که با من پیوند قریب دارد. حظی از خط تعلیقش چنان حاصل که با متانتش موافق افتاده، در آداب لشکریان سرآمد پیران و جوانان تواند بود. امروز به اعتقاد اهل تمییز مزیش بر همگنان وارد است و برتریش از امثال ثابت... شرفش بر صغار و کبار دودمان خویش است. درویش دوست و ملایم احوال است. به قدری که آشنا خواهد متواضع و به اندازه‌ای که بیگانه نرنجد متکبر. طرفه‌تر آنکه جوانی است با پیران دانشور همراز، از بدو عمر تا این زمان (۱۲۴۰) در دبستان تربیت من به فنون انسانیت و روش آدمیت ادب‌آموز. بحمدالله که این یک رنج به راحت کشید و همین نهال ثمر بخشید. به سفیدریشی غلام پیشخدمتان حضورم نامزد، سفرأ و حضرأ چون عاشقان بیابان محبت خواب را بر خود حرام و به پاسبانی اقدام می‌دارد. از استماع و خواندن ابیات محفلم گاهگاهی میل به بستن نظم و شوق به گفتن غزل به هم رسانیده و هم به امر من تخلصش «چشمه» گشت. نیک و بد اشعارش را دقتی کرده طبعش سلامتی یافت، نوخیال است.»

به بزم خود مکن محرم صبا را

به درد خویشتن بگذار ما را

دعا کردیم و دشنامی شنیدیم

اثر زین بیشتر نبود دعا را

* * *

به آن چشمی که عاشق می‌کشد آن تندخو هر دم

ز رحمت یک نگاهی جانب «چشمه» کند یارب

* * *

به من گر مهربان آن دلستان است

چه غم گر آسمان نامهربان است

برون رو از دلم ای غم که امشب

حدیث وصل جانان در میان است

* * *

■ حجت ایروانی

میرزا محمد ایروانی از گویندگان سده ۱۳ هجری قمری است. وی قصیده

مفصلی در جواب قصیده فتحعلی خان صبا از زبان سردار ایروان گفته به مطلع:

ای صبا، آمد صبا از کوی تو بر این دیار

از شمیمش خاک ما شد غیرت مشک تثار

* * *

■ حریف ایروانی

وی که در سده ۱۳ هجری قمری می‌زیست در مدح عباس میرزا

نایب‌السلطنه قصیده‌ای ساخته به مطلع:

نوروز عجم آمد و بگذاشت سپندار

بگذشت مه آذر و آمد مه آزار

■ دلیل ایروانی

وی که از شاعران دوره فتحعلیشاه قاجار است، در مدح او قصیده‌ای ساخته

و در مقطع آن به تاریخ بنای مسجد ایروان که از ابنیه و آثار حسین خان سردار، حاکم ایروان بود اشاره کرده است:
کنون در ایروان هم گشته ز ایشان بنا

این مسجد فرخنده مینا

«دلیل» از بحر تاریخش رقم زد

(زایشان مسجدی نیکوست برپا)

(۱۲۳۸ قمری)

■ شاکر ایروانی

شیخ موسی ایروانی معروف به اعمی و متخلص به شاکر از گویندگان سده چهاردهم هجری است. واعظی خوش محضر و شیرین سخن و اندکی آبله‌رو و از هر دو چشم نابینا بوده است. حافظه‌ای نیرومند داشته، غذا را با اشتهای فراوان می‌خورده و غالباً با خود این بیت را زمزمه می‌کرده است:
آن غذایی که مرا چون جان است

چلو و جوجه و بادنجان است

قصیده ۴۵ بیتی در مدح چایی دارد که در نوع خود کم نظیر و قسمتی از آن به

شرح زیر است:

بر سر من دلبراً امروز یک سوداستی

کاین چنین سودای سر در دیده‌ای دنیاستی

دردمندم، مستمندم، چیست دردم را دوا

گفت در پاسخ دوایت چایی اعلاستی

گوش ده بشنو ز من توصیف چای جان‌فزا

جان به قربانش که بیمانند و بیهمتاستی

آب او از سلسبیل جنت خلدبرین

زآب کوثر الطف و از سلسبیل اولاستی...

مدح چایی «شاکرا» از تو بسی مستهجن است
تو، ز اهل کربلا و طالب خرماستی

■ شهاب ایروانی

حسن خان فرزند محمدخان قاجار ایروانی، جوانی مبادی آداب و آدمی از
فتون کمال بهره یاب بوده است. وی در مدح محمود میرزا گفته است که:
زلف بر روی تو گویی که بر آتش دود است
ای بسا دیده که از دود تو اشک آلود است
تا عیان گشت خطت خال نهان است، بلی
کشت چون سبز شود، دانه درو مقصود است
طاق ابروی تو طاق است در آفاق، مگر
تیغ شهزاده آفاق ستان محمود است؟
قهر با هر کند در همه ملت مردود
مهر، به هر که کند در همه جا مسعود است...

■ فخری ایروانی (میرزا آقاسی)

فخرالدین عباس معروف به میرزا آقاسی، فرزند میرزا مسلم از طایفه بیات
ایروان و از علمای آن سامان در سده ۱۳ بود. میرزا مسلم که خود از شاعران و
دانشمندان عصر خود بشمار می رفت، فرزندش را جهت کسب کمالات به
خدمت علمای عتبات عالیات برده تربیتش را به فخرالدین عبدالصمد همدانی
سپرد. تا سال ۱۲۱۵ توفیق تحصیل رفیق میرزا آقاسی بود ولی در این سال در
اثر حادثه ای عبدالصمد به شهادت رسید و میرزا عیال استادش را برداشته به
همدان آمد و سپس در لباس درویشی عزم سفر مکه معظمه نمود. پس از توفیق
زیارت، به آذربایجان برگشت. علما و امرا مقدمش را گرامی داشتند و به توقیرش
همت گماشتند. چندی نزد میرزا موسی خان برادر قائم مقام ثانی رتبه تعلیم
داشت و امیرزادگان به صحبتش مشعوف بودند، نهایت به معلمی محمد میرزا

نایب‌السلطنه مفتخر و سرافراز شد و بعدها مدت ۱۴ سال در مقام صدراعظمی باقی ماند یعنی تا سال ۱۲۶۲ و مرگ محمدشاه. میرزا آقاسی رسالات محققانه تألیف کرده از آن جمله:

۱ - چهل فصل سلطانی؛ شیم فرخی - این رساله پس از برگشت از زیارت حج (۱۲۴۵) در شهر خوی نگارش یافته و مشتمل بر مقدمه و فصلهایی است در اخلاق، فلسفه، عرفان و مقدمه آن در موجودات منبسطه است.

این رساله که به نام شاهزاده فریدون میرزای فرخ شیم تألیف یافته در سال ۱۳۲۳ قمری به انضمام اشعار مجذوب علی‌شاه و اشعار ظفرالدوله به چاپ رسیده است. نسخه‌هایی از آن در کتابخانه ملک و کتابخانه ملی تبریز موجود است.

حاجی میرزا آقاسی طبع شعر هم داشت و ظاهراً به علت علاقه مفروطی که به استادش فخرالعلما، فخرالدین عبدالصمد داشته تخلص «فخری» را برای خود برگزیده است. از اشعار اوست:

قسمت رندان گرفت پیرمغان جام را

زانگه می آتشین پخته کند خام را

* * *

آراست تن از قبای چون گلنارش

شد تازه گلی که هیچ نبود خارش

از عکس رخس گشته قبا گلناری

یا عکس قبا فتاده بر رخسارش

■ قابل‌ایروانی

حسینعلی فرزند محمدخان قاجار و برادر چشمه و شهاب‌ایروانی و از معاصران و نزدیکان محمود میرزا است. همو در سفینه خود می‌نویسد:

«سالیان دراز است که با مقیمان درگاهم همراز و در حضرتم به کسب کمال

مشغول است. از سعی وافی من توجه بر بستن ابیات نموده، تخلص از من

گرفته، با من بعلاوه خدمت بندگی قرابت قریب حاصل دارد. از دفتری به اندازه
یک هزار بیت این ابیات انتخاب شد (۱۹ بیت آورده).
گفتی به روز مرگ بیایم به پرسشت

باری چنان بیا که بیایی به کار ما

*

*

*

از دست ستمهای تو دارم گله بسیار
ما را گله بسیار و تو را حوصله بسیار
تنها نه من آشفته آن زلف درازم
دیوانه چو من هست در این سلسله بسیار

■ قدسی ایروانی

میرزا مسلم متخلص به قدسی از طایفه بیات ایروان، پدر حاجی میرزا
آقاسی و از شعرا و علمای این دودمان بود. نسخه‌ای از دیوانش در کتابخانه
شادروان حاجی محمد نخجوانی در یکصد و پنجاه صفحه و هر صفحه ۱۸ بیت
شامل قصایدی در مناقب آل رسول اکرم (ص) و ستایش امرا و وزرای وقت و
ماده تاریخی‌هایی مربوط به حوادث و سوانح تاریخی و درگذشت بزرگان و
مثنویات و غزلیاتی به فارسی و ترکی و عربی است و چنین شروع می‌شود:
به عز آنکه کسان را به فقر شاهی داد

که نقص فیض بود از قصور استعداد

در زلزله دهشتناک سال ۱۱۹۳ تبریز او را قصایدی است که در مقطع یکی
ماده تاریخ ذیل را آورده:

قدسی ز برای سال تاریخش گفت

(افسوس، افسوس ز اهل و ناس تبریز) ۱۱۹۳

در عنوان بعضی قصاید عبارت «من کلام محرره قدسی» مسطور و مسلم
است که این دیوان به نستعلیق خود شاعر است. وی در شهر آشوبی ایروان را
توصیف کرده است. در این مثنوی ۲۸۰ بیتی نام پاره‌ای از محلات ایروان از قبیل

چخورسعد، قرخ بولاق، بازارخان، دره باغی، مسجدخان، گوگچه ییلاقی آمده است.

در ایروان دل قدسی هنوز می سوزد

ز آتشی که به جانش در اصفهان زده‌ای

چه شود گر تو به یک نامه مرا یاد کنی

دل غم پرور ما را تو دمی شاد کنی

مردن آسان بود، اما من از آن می نالم

بر سر تربت من آیی و فریاد کنی

این نسخه در فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی تبریز، به خطا، دیوان قدسی

باکویی شناسایی و معرفی شده است.

■ ناظم ایروانی

علی خان فرزند علی اکبر خان یاور فرزند عباسقلی خان جوانشیر است که از ایروان مهاجرت کرد و به ایران آمد و نزد ناصرالدین شاه تقرب جست. وی چندی وزیر امور خارجه و مدتی وزیر عدلیه بود. علی اکبر خان در تبریز سکونت داشت. بنا به نوشته عبیر نائینی از آنجا مأمور به هرات شد. علی خان پس از تحصیل زبان پارسی در اداره نظام داخل و مشغول خدمات دولتی گردید و به رتبه سرهنگی نائل و مدتی به ریاست قراول سفارت روس مشغول و پس از منحل شدن قشون قدیمه در اداره بوده و متدرجاً دارای رتبه سلطانی شد. چندی بعد به اردبیل و قراجه داغ مأمور شد و در آن حدود به انجام وظایف مأموریت پرداخت. از آن پس به ریاست قراولی سفارت انگلیس منصوب و مدت شش سال در آن سفارتخانه بود.

فصل هفتم

روابط فرهنگی دو کشور پس از استقلال ارمنستان

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و شناسایی ارمنستان توسط جمهوری اسلامی ایران روابط دو کشور وارد مرحله تازه‌ای شد. در دهه گذشته، روابط ایران و ارمنستان فراز و نشیبهایی را پشت سر نهاده که بیش از همه متأثر از درگیریهای منطقه قراباغ بوده است. در نخستین ماههای استقلال ارمنستان، روابط ایران و ارمنستان با شتاب نسبتاً زیادی رو به گسترش نهاد و در اولین روزها ارتباط تلفنی بین دو کشور برقرار گردید. در اوایل فوریه ۱۹۹۱ وزیر امور خارجه ارمنستان، طی سفری به تهران با رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و وزیر امور خارجه دیدار کرد و زمینه‌های گسترش روابط میان دو کشور و همچنین نحوه میانجیگری ایران در بحران قراباغ مورد بررسی قرار گرفت. در این دیدار موافقتنامه‌ای در ۳۷ ماده در زمینه همکاریهای اقتصادی، تجاری، انرژی، فرهنگی، ورزشی و توریسم به امضای وزرای خارجه دو طرف رسید.

با سفر وزیر امور خارجه ایران به ارمنستان که ۲۰ روز پس از سفر رافی هوشیان وزیر خارجه ارمنستان به ایران صورت گرفت، دو طرف گسترش روابط

را مورد تأکید قرار داده و در باب زمینه‌های میانجیگری ایران در بحران قراباغ به مذاکره پرداختند. با تلاش‌های پیگیرانه ایران، بحران قراباغ منجر به انعقاد موافقتنامه‌ای شد که لئون ترپتروسیان رئیس جمهور ارمنستان و یعقوب محمداصف کفیل ریاست جمهوری آذربایجان با میانجیگری آقای هاشمی رفسنجانی در ماه مه ۱۹۹۲ آن را به امضاء رساندند و به موجب آن، آتش بس در منطقه قراباغ برقرار شد. این موافقتنامه نقطه عطفی در روابط ایران و ارمنستان بود که منجر به اولین آتش بس نسبتاً پایدار پس از حدود ۴ سال جنگ در منطقه گشت.

طی سفر آقای لئون ترپتروسیان به ایران و با افتتاح پل موقت بز روی رود ارس، ارتباط زمینی ایران و ارمنستان برقرار گردید و موافقتنامه‌ای در ۲۱ ماده به امضای رؤسای جمهور دو کشور رسید که مکملی بود بر موافقتنامه قبلی، چند ماه بعد سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایروان و سفارت جمهوری ارمنستان در تهران افتتاح و روابط دو کشور در سطح کاردار برقرار شد.

پس از افتتاح سفارت‌های دو کشور روابط دو کشور همراه با فراز و نشیب‌هایی رو به توسعه نهاد و وزرای خارجه دو کشور بارها از پایتخت‌های یکدیگر دیدار کردند و موافقتنامه‌های فرهنگی، تجاری و فنی گوناگونی به امضای دو کشور رسید.

رادیو ایروان در مهرماه ۱۳۷۲ در باره وضعیت زبان فارسی در ارمنستان اقدام به پخش برنامه‌ای کرد که به گزارش این رادیو در این سال بیش از ۱۰۰ مدرسه در شهرهای مختلف جمهوری ارمنستان زبان فارسی تدریس می‌شود. همچنین به گفته این رادیو در بسیاری از مدارس شهرهای ارمنستان زبان فارسی پس از ارمنی به عنوان زبان دوم تدریس می‌شود.^(۱)

در این سال مراسمی به مناسبت روز فرهنگ ایران در تالار موسیقی شهر ایروان برگزار گردید. در این مراسم که به ابتکار بنیاد فرهنگی ارمنه برگزار گردید،

۱- خبرنامه شورای گسترش زبان فارسی، ش ۲۰، آبان ۱۳۷۲، ص ۸.

نمایشگاهی از آثار شعرای مشهور ایران به زبانهای فارسی و ارمنی به نمایش گذاشته شد.

در ابتدای مراسم آقای وارتمکس پطروسیان رئیس بنیاد و دکتر نعلبندیان رئیس کرسی ایرانشناسی دانشگاه ایروان سخنرانی نموده و به این نکته اشاره نمودند که روابط فرهنگی ایران و ارمنستان ریشه در صدها سال گذشته دارد و با توجه به فرصت به دست آمده پس از استقلال ارمنستان باید به این روابط توجه بیشتری مبذول شود.

در این مراسم برنامه‌های متنوع زیر اجرا گردید:

- ترجمه و دکلمه اشعاری از کتاب «باده عشق» حضرت امام (قدس سره) به زبان ارمنی توسط دو تن از هنرمندان ارمنی زبان.

- دکلمه اشعاری از داستان رستم و سهراب شاهنامه فردوسی و قرائت داستانی در مورد حکیم عمر خیام به زبان ارمنی.

- دکلمه غزلی از حافظ توسط یکی از دانش‌آموزان مدرسه فارسی.

- قرائت ترجمه اشعاری از نظامی گنجوی، سعدی، حافظ، سنایی و کمال‌الدین اسماعیل به زبان ارمنی.

- همچنین اجرای قطعاتی از موسیقی ایرانی توسط هنرمندان ارمنی از دیگر برنامه‌های این مراسم بود.^(۱)

در مراسمی دیگر با حضور گروهی از ایرانشناسان، متفکران و استادان ادبیات ارمنستان در ایروان، ترجمه ارمنی کتاب «باده عشق» اثر گرانقدر حضرت امام خمینی معرفی شد. در این مراسم دکتر گارنیک آساطوریان استاد دانشگاه ایروان و رئیس بخش زبان و ادبیات ملل شرق انستیتو خاورشناسی آکادمی علوم ارمنستان با اشاره به روابط دیرینه و دوستانه ایران و ارمنستان به تجلیل از مقام شامخ رهبر معظم انقلاب اسلامی پرداخت. در این مراسم حرایر موسیسیان مترجم این اثر گرانقدر، طی سخنانی از اینکه افتخار و وظیفه خطیر

ترجمه کتاب به وی محول شده است. قدردانی کرد. گفتنی است که نسخه‌های زیادی از این کتاب در بدو انتشار بفروش رفت.^(۱)

همچنین مرکز فرهنگی «ژرژ پمپیدو» با همکاری فیلمخانه ملی ایران و وزارت فرهنگ ارمنستان یکصد و بیست فیلم از آثار فیلمسازان و بازیگران ارمنی تاریخ سینما را انتخاب و از ۱۹ مرداد تا ۲۶ مهر ماه ۱۳۷۲ به نمایش گذارد. دو فیلمساز ارمنی از ایران در این جشنواره حضور داشتند: *آری آوانسیان* از فیلمسازان قدیمی و *زاون قوکاسیان* فیلمساز و نویسنده سینمایی. از *زاون قوکاسیان* فیلم «نقش خیال» در جشنواره به نمایش درآمد. «نقش خیال» بر اساس آثار نقاش و مینیاتورست *یسایی شاجانیان* بود که روایتگر سنن ارمنه در ایران است.

در بهمن ماه ۱۳۷۲ جلسه‌ای با حضور مسئولین دانشگاه ایروان در رابطه با کرسی ایرانشناسی برگزار گردید که طی این جلسه پیرامون راههای تقویت و گسترش کرسی ایرانشناسی و زبان و ادبیات فارسی در این دانشگاه بحث و تبادل نظر صورت گرفت. در این جلسه که با حضور دکتر *ملکیان* رئیس دانشکده شرقشناسی، دکتر *نعلبندیان* رئیس کرسی ایرانشناسی، دکتر *پاپازیان*، دکتر *کیانیان* و جمعی از اساتید بخش ایرانشناسی تشکیل گردید، شرکت کنندگان خواستار اعزام استاد زبان و ادبیات فارسی و نیز تأمین کتابها و ملزومات آموزشی این بخش گردیدند.^(۲)

از سال ۱۳۷۳ نیز سطح روابط دو کشور به سطح سفارت ارتقاء یافت و آقای *نیک کار اصفهانی* به سمت اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان تعیین و به ایروان اعزام شد.^(۳)

طی سالهای اخیر نیز آقای *لئون تریپتروسیان* رئیس جمهور ارمنستان برای

۱- کیهان فرهنگی، س دهم، ش ۳، خرداد ۱۳۷۲، ص ۴۸.

۲- خبرنامه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، اسفند ۱۳۷۲، ش ۲۲، ص ۱۰.

۳- جلیل روشندل و رافیک قلی‌پور، ارمنستان (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷)، ص ۶-۲۱۴.

افتتاح طرح راه آهن بافق، بندرعباس، سرخس و تجن از ایران بازدید رسمی نمود. او در ملاقاتهای خود با ریاست جمهوری اسلامی ایران و هیأت‌های ایرانی که از ایروان دیدار کرده‌اند بر ارتقای هر چه بیشتر روابط ارمنستان با ایران تأکید زیادی کرده است.

از سوی دیگر سفر آقای دکتر حبیبی معاون اول ریاست جمهوری به ایروان در دی ماه ۱۳۷۵ در رأس یک هیأت بلندپایه که به امضای ۱۲ موافقتنامه و یادداشت تفاهم که بخشی از آنها در زمینه‌های فرهنگی بود، از جمله نقاط مهم در روابط دو کشور بشمار می‌رود.

یک ماه پس از سفر دکتر حبیبی، گروهی از نمایندگان پارلمان ارمنستان به ریاست رئیس مجلس ارمنستان سفری ۳ روزه به تهران داشتند که از جمله دستاوردهای آن، تشکیل گروه دوستی پارلمانی بین دو کشور بود. در جریان این سفر قراردادهای خاصی نیز به امضاء رسید.

همچنین طی چند سال اخیر اجلاسهای سه جانبه‌ای در سطح وزرای خارجه ایران، ارمنستان و ترکمنستان برگزار شده که نتایج پرباری نیز داشته است. یک چنین تجربه‌ای با شرکت سه کشور ایران، ارمنستان و یونان هم آغاز شده است. در این رابطه وزرای خارجه دو کشور در تهران، ایروان، عشق‌آباد و آتن چندین بار با هم دیدار کرده‌اند و با آخرین تحولات و دیدگاههای دو کشور آشنا شده‌اند. این امر باعث نزدیکی هر چه بیشتر دو کشور به یکدیگر شده است.^(۱)

در سال ۱۳۷۳، از طرف سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایروان جلسه‌ای در خصوص تدوین کتابهای درسی برای مدارس ارمنستان برگزار شد. در این جلسه که با حضور جمعی از استادان زبان فارسی و مسئولین آموزشی ارمنستان در سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایروان برگزار گردید نواقص و کمبودهای کتابهای موجود که در سال ۱۹۸۶ چاپ گردیده مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه سفارت جمهوری اسلامی ایران در مورد رفع نواقص موجود و چاپ کتب

جدید اعلام آمادگی نمود.^(۱)

با بسط و گسترش روابط فرهنگی دو کشور، در سال ۱۳۷۳ بنا به دعوت خلیفه‌گری ارامنه کاتولیک در ایران ۲۵۲ از نفر دانش‌آموزان و معلمان زبان فارسی جمهوری ارمنستان از ایران دیدار کردند. سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایروان انتخاب این گروه را عهده‌دار بود. پس از برگزاری آزمون و مصاحبه از میان دانش‌آموزان و دانشجویان زبان فارسی ۲۵۲ نفر انتخاب و به ایران اعزام شدند. این گروه در کلاسهای آموزش زبان فارسی شرکت کردند و ضمن بازدید از مراکز علمی و پژوهشی کشور با دستاوردهای علمی و فرهنگی کشور آشنا شدند.

در سال ۱۳۷۵، مدیرکل خدمات عمومی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با آقای گشورک تروراتانسیان رئیس کتابخانه ملی ایروان ملاقات نمودند. آنان در خصوص کتب فارسی مورد نیاز کتابخانه ملی ایران، اعزام گروهی از کتابداران فارسی زبان ارمنستان به ایران برای طی دوره آموزشی و کتابداری و تشکیل نمایشگاهی از کتابهای فارسی در محل کتابخانه ملی ایروان توافق نمودند.

رئیس کتابخانه ملی ارمنستان آمادگی خود را برای ارسال کتابهای ارمنی‌شناسی و ایرانشناس به ایران اعلام نمود. رئیس کتابخانه ملی ایروان همچنین به تشکیل نمایشگاه کتابهای فارسی در کتابخانه ملی تأکید کرد.

همچنین در سال ۱۳۷۵، گزیده‌ای از اشعار احمد شاملو شاعر معاصر ایرانی به زبان ارمنی منتشر شد. کار ترجمه و چاپ مجموعه اشعار احمد شاملو به زبان ارمنی توسط یک شاعر جوان ایرانی به نام نوروار و با همکاری یک بنگاه انتشاراتی در ارمنستان صورت گرفته است.^(۲)

۱- خبرنگار شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی. ش ۲۴، سال تیرماه ۱۳۷۳ ص ۱۱.

۲- کلک، مرداد ۱۳۷۶، ش ۲۹، ص ۲۹۷.

به همت نمایندگی فرهنگی جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۸ آبان ماه سال ۱۳۷۶ مراسم شب شعر فارسی با شرکت هفتصد نفر از شاعران، مترجمان و دانشجویان ارمنی در محل تالار انجمن نویسندگان ارمنستان برگزار گردید. در این مراسم رئیس دانشگاه دولتی ایروان و رئیس دانشکده شرقشناسی و استادان کرسی ایران‌شناسی رئیس و استادان دانشگاه‌های تربیت معلم دانشکده هنر و دانشگاه‌های آزاد و هراچیا آجاریان و دانشجویان زبان فارسی دانشکده‌های مذکور و عده زیادی از هنرمندان و اقشار مختلف مردم حضور داشتند.

❑ فعالیت انجمن دوستی ایران و ارمنستان در سال ۱۳۷۷

در سال ۱۳۷۷، انجمن دوستی ایران و ارمنستان با حضور جمع کثیری از شخصیتها و مقام‌های عالی رتبه فرهنگی و سیاسی ارمنستان در تالار نویسندگان ارمنستان آغاز به کار کرد. آرتاشس پطروسیان وزیر آموزش و علوم ارمنستان در این مراسم گفت:

با افزایش تعداد مدرسه‌ها و دانشگاه‌های فارسی زبان و چاپ تعداد کثیری از کتابهای فارسی در این جمهوری، روابط فرهنگی دو کشور وارد مرحله جدیدی شده است. همچنین سفیر جمهوری اسلامی ایران در سخنانی با اشاره به مشترکات فرهنگی دو کشور گفت: ما باید در آینده همه مساعی خود را برای ایجاد پلهای ارتباطی بیشتر بین دو ملت کهن به کار بندیم و آماده باشیم تا تجربه‌های خودمان را منتقل کنیم.

در ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت سال ۱۳۷۸ همایش دو روزه‌ای تحت عنوان «روسیه، ارمنستان و ایران؛ گفتگوی تمدنها» در تالار فردوسی دانشگاه دولتی ایروان از طرف مرکز ایران‌شناسی در قفقاز برپا گردید.

در ۱۵ تیر ماه همین سال، مدیر کل هماهنگی‌های فرهنگی وزارت امور خارجه از ایروان بازدید کردند و از مرکز ایران‌شناسی در قفقاز دیدار و با رئیس این مرکز گفتگو کردند. ایشان همچنین با وزیر فرهنگ ارمنستان رولاند شارویان

دیدار کردند و نیز از انستیتوی نسخ خطی ماتناداران دیدن نمودند. طبق برنامه آموزشی کرسی هنر دانشکده تاریخ دانشگاه دولتی ایروان دانشجویان سال چهارم این کرسی در برنامه‌های آموزشی سالهای ۱۹۹۹-۲۰۰۰ به تحصیل و فراگیری هنر اسلامی (۶۰ ساعت) و هنر ایرانی (۴۸ ساعت) پرداختند.

به علت عدم وجود استاد متخصص این رشته‌ها در ارمنستان مدیریت دانشگاه دولتی ایروان از سفارت جمهوری اسلامی ایران در خواست کرد تا استادی از جمهوری اسلامی ایران جهت برنامه‌ریزی این درس به ارمنستان اعزام گردد. حضور چنین استادی در دانشگاه دولتی ایروان نه تنها به معلومات دانشجویان هنردوست - ایران‌شناس می‌افزاید، بلکه در امر تربیت کارشناسان هنر اسلامی بویژه جهت شناسایی نمونه‌های هنر ایرانی که در موزه‌های ارمنستان نگهداری و حفظ می‌شوند کمک و مساعدت خواهد کرد.

در پی هماهنگی‌های به عمل آمده توسط نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان و همکاری شورای گسترش زبان فارسی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دو تن از اساتید زبان و ادبیات فارسی جمهوری اسلامی ایران در تیرماه سال ۱۳۷۸ برای برگزاری یک دوره فشرده تدریس زبان فارسی برای دانشجویان و علاقمندان زبان فارسی به ارمنستان سفر نمودند.

با هماهنگی دانشگاه‌های مربوطه و برنامه‌ریزی لازم جهت تدریس زبان و ادب فارسی، تعداد ۲۰۰ دانشجوی ممتاز زبان فارسی دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان، دانشگاه هراچیا آجاریان، دانشگاه داوید آناهخت، دانشگاه فردوسی و دانشکده تاریخ دانشگاه دولتی ایروان در کلاسهای درس شرکت کردند.

برای دانشجویان در هر گروه، هفته‌ای ۳ کلاس دو ساعته، جمعاً شش ساعت، آموزش زبان فارسی در نظر گرفته شده بود و در هر کلاس تعداد ۲۰ دانشجو شرکت می‌کردند. در دانشگاه آجاریان ۴ کلاس، دانشگاه فردوسی ۲

کلاس و در دانشگاه دولتی ایروان نیز ۳ کلاس ترتیب داده شده بود.^(۱) ایروان از طرف مرکز ایران‌شناسی در قفقاز برپا گردید. در ۲۹ تیر ۱۳۷۸، نشست با حضور رؤسای بخش‌های فارسی دانشگاهها، اساتید و ایران‌شناسان ارمنی در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان و با هدف معرفی آقای ابوطالبی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برگزار گردید.

در ۳۰ تیر ۱۳۷۸، رایزن فرهنگی ایران در ایروان از مرکز ایران‌شناسی در قفقاز بازدید به عمل آورد و از نزدیک در جریان روند چاپ کتابهای درسی فارسی مدارس ارمنستان که توسط نمایندگی و با کمک مرکز فوق در حال چاپ می‌باشد، قرار گرفت. با توجه به اظهارات مدیر و رئیس مرکز، مشکل اصلی زبان فارسی ارمنستان فقدان کتابهای درسی فارسی است که در این زمینه سمینار دو روزه‌ای با حضور تمام معلمان و مدرسان زبان فارسی و نمایندگان وزارت آموزش و علوم ارمنستان برگزار شد.

در ۱۳ مرداد ۱۳۷۸، بخش فرهنگی و مطبوعاتی سفارت جمهوری اسلامی ایران طی یک سری مطالعات و تحقیقات لازم در خصوص موقعیت، جایگاه و نقش کنونی شخصیت‌های فرهنگی ارامنه و ارامنه ایرانی مهاجر اقدام به برگزاری اولین نشست گسترده با جمع فرهنگی ارامنه ایرانی نمود.

در نشست فوق اکثریت قریب به اتفاق شخصیت‌های فرهنگی ارمنی ایران شرکت کرده بودند که در اینجا برخی از آنان را معرفی می‌کنیم:

- خانم مارگاریتا باگوتس ناظم و معلم مدرسه شماره ۵۹ با ۱۸ سال سابقه تدریس زبان فارسی در این مدرسه.

- آقای آرام قره‌بگیان رهبر ارکستر ملی مجلس ارمنستان.

وی از جمله ارامنه ایرانی مقیم امریکا بوده که دو سال قبل به ارمنستان مهاجرت نموده و رهبری ارکستر ملی مجلس این کشور را بر عهده گرفته و طی

۱- خیرنامه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی. ش ۵۱، ص ۱۷.

دو سال معرفیت زیادی در این کشور کسب نموده است. نامبرده هنوز تابعیت ایرانی خود را حفظ نموده است.

- خانم شاکه هامان همکار آقای آرام قره بگیان

- آقای آندرانیک گشورگیان رئیس انجمن فرهنگی ارمنه ایرانی شهر آبیوان.

- آقای ژرژ میرزابگیان رئیس انستیتوی پلی تکنیک دانشگاه مهندسی ایروان و

معاون بخش ایرانی انجمن فرهنگی و همکاری با کشورهای خارجی (آتوکس)

- آقای سرگی آفاجانیان آهنگساز، موسیقیدان و استاد دانشگاه عالی موسیقی ایروان.

- خانم شاهجانیان همسر مرحوم شاهجانیان نقاش معروف ارمنی ایران که آثار

و نقاشیهای وی در قالب کتابی به چاپ رسیده است و تاکنون نمایشگاههای متعددی از این آثار در کشورهای مختلف به نمایش گذاشته شده است.

- خانم نوارت آراکلیان معلم با سابقه زبان فارسی مدرسه ۵۹ و معاون انجمن

دوستی مردم ایران و ارمنستان

- خانم آنا اگیپیان دبیر بخش ایران در انجمن فرهنگی و همکاری با کشورهای

خارجی (آتوکس)

- آقای واقیناک سرکیسیان محقق انستیتوی فیزیولوژی آکادمی ملی علوم

ارمنستان

- آقای واهگن غوکاسیان استاد کرسی ایران‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان

- آقای اوینیک پهلوانیان محقق و نویسنده معروف ارمنی که کتاب قانون اساسی

و نظام دولتی جمهوری اسلامی ایران را نوشته و با کمک مرکز ایران‌شناسی در

قفقاز به چاپ رسانده است. وی اخیراً نیز کتابی در خصوص تشیع در ایران

تألیف کرده که به زودی منتشر می‌شود.

- آقای روبین آساطوریان رئیس گروه تحقیقات تئوری شیمی آکادمی علوم

ارمنستان

- آقای گارنیک آساطوریان رئیس مرکز ایران‌شناسی در قفقاز و رئیس کرسی

ایران‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان که تاکنون تعداد ۱۳ کتاب در خصوص

مسائل ایران‌شناسی و منطقه قفقاز توسط مرکز خود به چاپ رسانده است.

- آقای الکساندر دارپینیان نویسنده ارمنی و مترجم کتاب قتل عام ارامنه اثر

اسماعیل راتین

- آقای آزاد مرادیان استاد دانشگاه پزشکی ایروان.

- آقای یرواند ماناریان هنرپیشه تئاتر و سینما و رئیس انجمن ارامنه ایرانی. وی از هنرپیشگان و بازیگران معروف تئاتر و سینمای ارمنستان است.

- آقای جانی میرزابگیان رئیس کرسی زبان و ادبیات ارمنی در انستیتوی پلی تکنیک ارمنستان و رئیس اداره زبان در همین انستیتو.

- آقای هوانس بادالیان خواننده معروف ارمنستان که از وجهه و جایگاه مردمی بالایی در این کشور برخوردار است.

- آقای ایشخان غریبیان هنرپیشه تئاتر و سینما

- آقای لوریس چگناوریان رهبر ارکستر فیلارمونیک ارمنستان. وی قبلاً ریاست گروه‌های ارکستر سمفونیک برخی از کشورهای اروپایی از جمله اطریش را به عهده داشته است و کتاب شاهنامه فردوسی را به صورت کامل نت نویسی کرده و به چاپ رسانده است. نامبرده دارای تابعیت ایرانی بوده و در ارمنستان از محبوبیت مردمی زیادی برخوردار است.

- آقای گورگن ملیکیان رئیس دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان و آقای گریگور آراکلیان مدیرکل خاورمیانه وزارت امور خارجه ارمنستان از جمله شخصیت‌های دیگر ارمنی ایرانی بودند که به دلایلی نتوانستند در این جلسه شرکت کنند.

در ۲۸ مرداد ۱۳۷۸، در راستای همکاری علمی و آموزشی ایران و ارمنستان کارشناس فرهنگی نمایندگی با آقای گئورگیان رئیس بخش روابط بین‌الملل وزارت آموزش و علوم جمهوری ارمنستان در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران ملاقات کرد و مذاکراتی در باب تبادل دانشجو در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بین دانشگاه‌های دو کشور صورت گرفت. در این دیدار به برگزاری مسابقه انشاء نویسی بین دانش‌آموزان زبان فارسی مدارس ارمنستان با

موضوع ایران و نیز مسأله چاپ کتاب اول درسی زبان فارسی توسط مرکز ایرانشناسی بررسی شد. این کتاب برای ۱۵ مدرسه‌ای فراهم آمده است که در آنها زبان فارسی تدریس می‌گردد.

در ۳۰ مرداد ۱۳۷۸، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ایروان ضمن حضور در محل انستیتوی نسخ خطی ماتناداران با آقای آروشاتیان رئیس این انستیتو دیدار و گفتگو کردند و از بخش نسخ خطی و قدیمی این مرکز بازدید به عمل آوردند.

روز سه شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۷۸، هیأت عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران به سرپرستی وزیر امور خارجه کشورمان که جهت شرکت در اجلاس سه جانبه ایران - یونان و ارمنستان به این کشور سفر کرد.

در جریان این سفر، ساختمان رایزنی فرهنگی ایران با حضور معاون وزیر امور خارجه ارمنستان، سفیر این کشور در تهران و تعدادی از شخصیت‌های علمی و فرهنگی ارمنستان مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در جریان مراسم وزیر امور خارجه ایران افتتاح این ساختمان را بیانگر اهتمام و توجه دولت جمهوری اسلامی ایران به ارمنستان و توسعه روابط فرهنگی با این کشور دانست و ابراز امیدواری کرد این روابط روز بروز توسعه و گسترش بیشتری داشته باشد.

در مهرماه ۱۳۷۸ همایش «بررسی افکار و اندیشه‌های امام خمینی (ره) همزمان با میلاد حضرت امام، با سخنان کارن دمیرچیان رئیس مجلس ملی ارمنستان در محل فرهنگستان ملی علوم ارمنستان و با حضور تعداد زیادی از شخصیت‌های سیاسی و علمی ارمنی و دیپلمات‌های مقیم این کشور گشایش یافت. ریاست همایش با آقای فاده سرکیسیان رئیس فرهنگستان ملی علوم ارمنستان بود. از جمله سخنرانان این همایش کاردار موقت ایران، نیکلای هوانسیان رئیس مؤسسه شرقشناسی ایروان، رافائل غازاریان از اعضای فرهنگستان ملی علوم ارمنستان، گارنیک آساطوریان استاد دانشگاه و رئیس مرکز ایرانشناسی در قفقاز و رئیس کرسی ایرانشناسی در دانشگاه دولتی ایروان، رایزن فرهنگی ایران در ارمنستان و آراپاییان سخنگوی وزارت امور خارجه ارمنستان بود. همزمان با

برگزاری این همایش روزنامه «هایاستانی هانراپتیون» که پر تیراژترین روزنامه رسمی ارمنستان می‌باشد با انتشار ویژه‌نامه‌ای مصور در چهار صفحه، در یکصدمین سالگرد تولد امام خمینی (ره)، به معرفی انقلاب اسلامی ایران پرداخته بود.

در همین سال، همچنین نمایشگاه عکس «اقلیتهای مذهبی در ایران و دیدگاههای امام خمینی در مورد اقلیتها» در ایروان برپا شد که در مراسم افتتاحیه آن آقای شاهن خاچاطوریان رئیس موزه ملی و آقای گاگیک گیررجیان رئیس سازمان میراث فرهنگی ارمنستان در خصوص مناسبات فرهنگی ایران و ارمنستان سخنانی ایراد کردند. همچنین شب شعر اشعار امام خمینی (ره) توسط دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ایروان برگزار شد.

گفتنی است که آموزش زبان فارسی در ارمنستان بعد از استقلال این کشور و با راه‌اندازی سفارت جمهوری اسلامی ایران ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. با توجه به اینکه قبل از استقلال این کشور تنها یک مدرسه و یک دانشگاه دارای بخش زبان فارسی بود. پس از آن و در ده سال گذشته استقبال خوب ارامنه از زبان فارسی موجب گردید تا تعداد این مراکز به ۱۲ مدرسه و ۵ دانشگاه برسد.

فصل هشتم

Paul Smith

سخن آخر و چند پیشنهاد

در دهه گذشته، نخستین سنگ بنای آموزش زبان فارسی در سطح مدارس ارمنستان چندین سال پیش با اختصاص یکی از مدارس ایروان به تدریس زبان فارسی به همت بخش فارسی دانشکده شرقشناسی گذاشته شد و کتابهایی نیز توسط این بخش برای تدریس زبان فارسی تهیه و در اختیار مدرسه قرار گرفت. این مدرسه در حال حاضر به نام «مدرسه پنجاه و نه» معروف است و هزار نفر دانش‌آموز دارد.

چنانکه پیش از این دیدیم، زبان فارسی از دیرباز جایگاه خاصی در ارمنستان داشته و به عنوان زبان دوم آرامنه مطرح بوده است. آرامنه به فراگیری زبان فارسی علاقه فراوانی نشان می‌دهند و علاوه بر این، حضور آرامنه ایرانی در این کشور، وجود اشتراکات فرهنگی و تاریخی تشدیدکننده انگیزه فراگیری زبان فارسی است. بعد از فروپاشی شوروی سابق و استقلال این جمهوری این علاقه باطنی به ظهور رسید و موجب توجه آنان در تشکیل کلاسهای آموزش زبان فارسی گردید. بخصوص آرامنه ایرانی با تشکیل انجمنهای فرهنگی در گسترش آموزش زبان فارسی تلاش زیادی نشان می‌دهند. با کوشش سفارت جمهوری

اسلامی ایران و هماهنگی‌های به عمل آمده، اینک چندین بخش آموزش زبان فارسی در مدارس ارمنستان دایر شده است. اما این اقدامات محدود نتوانسته پاسخی به تمامی تقاضاهای آرامنه در این خصوص باشد. با این همه، در حال حاضر بیش از پانزده مدرسه در زمینه آموزش زبان فارسی فعالیت دارد که بالغ بر سه هزار دانش‌آموز در یکصد کلاس به فراگیری این زبان اشتغال دارند. افزون بر این تقاضاهای بسیاری از سوی مردم برای تشکیل کلاس آموزش زبان فارسی به سفارت جمهوری اسلامی ایران واصل شده که به دلیل امکانات محدود اقدامی صورت نگرفته است. این درخواستها در شهرهایی که آرامنه ایرانی سکونت دارند، به صورت گسترده‌تر مطرح است.

علاوه بر مدارس ارمنستان در مراکز آموزش عالی این کشور نیز آموزش زبان فارسی قدمت زیادی دارد. از بدو تأسیس دانشگاه دولتی ایروان (۱۹۱۸ میلادی) بسیاری از دانشمندان نامی این کشور سهم ارزنده‌ای در پیشرفت علوم شرقشناسی از جمله ایرانشناسی داشته‌اند. یکی از این دانشمندان زبانشناس آکادمیسین **هراچیا آجاریان** است که در سال ۱۹۴۰ میلادی به تأسیس کرسی شرقشناسی و بخش ایرانشناسی در دانشگاه دولتی ایروان همت گماشت.

تأسیس کرسی فقه‌الغۀ شرقی و بخش زبان و ادبیات فارسی در دانشکده زبان و ادبیات ارمنی (۱۹۴۰ میلادی) در واقع نخستین کانون ایرانشناسی در ارمنستان است. از سال ۱۹۶۳ میلادی آقای دکتر **نعلبندیان** به سمت ریاست کرسی فقه‌الغۀ ایرانی دانشگاه ایروان منصوب شده که تا امروز خدمات زیادی به فرهنگ و ادب ایران نموده است. در حال حاضر، در دانشگاه ایروان در بخش زبان فارسی یکصد و بیست و پنج دانشجو در پنج کلاس در رشته زبان و ادبیات فارسی به تحصیل اشتغال دارند.

علاوه بر مراکز دولتی، به دلیل استقبال مردم از آموزش زبان فارسی در مقاطع مختلف مؤسسات خصوصی زیادی اقدام به تشکیل کلاسهای آموزشی زبان فارسی نمودند که از آن جمله می‌توان از دانشگاه آجاریان و دانشگاه داوید آناخت نام برد.

❑ مشکلات موجود در زمینه آموزش زبان فارسی

طبق بررسیهای به عمل آمده کمبودهای اساسی در روند آموزش زبان و ادبیات فارسی در ارمنستان وجود دارد. در حال حاضر، در سطح ابتدایی کتابهای تهیه شده توسط دکتر نعلبندیان تدریس می‌گردد. این کتابها دارای کیفیت ظاهری بسیار بدی هستند و به دلیل کمبود آن در بسیاری از مدارس از آن کپی می‌گیرند. یکی از بزرگترین مشکلات این کتابها، استفاده از لغات و کلماتی است که درک آن برای دانش‌آموز ابتدایی بسیار دشوار است. کتاب حجم زیادی دارد و لذا تدریس آن در هیچ سالی به صورت کامل صورت نمی‌گیرد.

به منظور حل این مشکل طبق توافق به عمل آمده مقرر گردیده که تعدادی از متخصصین زبان فارسی به ایران سفر نمایند و با همکاری استادان ایرانی کتابهای لازم را تألیف نمایند. علاوه بر این، دانش‌آموزان زبان فارسی از ابتدایی‌ترین امکانات آموزشی که کتاب است محرومند. اکثر دانش‌آموزان حتی یک جلد کتاب زبان فارسی کلاس اول را نیز ندارند و بسیاری از اوقات از یک کتاب موجود به صورت گروهی استفاده می‌کنند. در سطح دانشگاهها نیز کمبودهای اساسی در وضع آموزش زبان و ادبیات فارسی وجود دارد.

مشکل اساسی دیگری که جلوه می‌کند، عدم آشنایی معلمان زبان فارسی با روشهای تدریس نوین است که در ارتقا سطح آموزش بسیار مؤثر و مفید است. از جمله مشکلات دیگر عدم توجه و کمک به مدارس آموزش زبان فارسی است. در تمامی مدارسی که زبان فارسی تدریس می‌شود آموزش زبانهای دیگر نیز از مانند انگلیسی، فرانسه، آلمانی، اسپانیایی و عربی وجود دارد. همه این بخشها به جز بخش فارسی از امکانات پیشرفته مثل لینگافن و کتابها و نوارهای کمک آموزشی استفاده می‌کنند و دارای کلاسهای مجهز و پاکیزه‌ای هستند. اما کلاسهای زبان فارسی هیچیک از این امکانات را ندارند و در بسیاری از موارد کلاسها حتی از داشتن میز و نیمکت مناسب نیز محرومند.

در هر حال، مشکلات موجود این موارد برای بهبود وضعیت زبان فارسی در ارمنستان پیشنهاد می‌گردد:

- ۱ - اعزام متخصص زبان فارسی جمهوری ارمنستان به ایران برای همکاری با متخصصان ایرانی برای تألیف و چاپ کتابهای مورد نیاز در امر آموزش زبان فارسی.
- ۲ - پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه تألیف کتاب و چاپ آن به وقت زیادی نیاز دارد وزارت آموزش و پرورش کتابهای فارسی سطح ابتدایی را که مورد استقبال واقع شده حداقل به تعداد دانش‌آموزان آموزش فعلی تهیه کند و تا زمان شروع سال تحصیلی به مدارس این جمهوری ارسال نماید.
- ۳ - به منظور ارتقاء سطح آموزش زبان فارسی و گسترش آن حمایت‌های جدی در زمینه تأمین کتاب، وسایل کمک آموزشی و سوخت مدارس به عمل آید.
- ۴ - پیشنهاد می‌شود جهت بهبود کیفیت آموزش زبان فارسی برای مریان دایر گردد و علاوه بر آن مجموعه‌ای از کتب آموزشی نیز در زمینه روش تدریس تهیه و ارسال گردد.
- ۵ - با توجه به استقبال گسترده ارمنه از آموزش و فراگیری زبان فارسی لازم است معلمان بیشتری از سوی وزارت آموزش و پرورش به این جمهوری اعزام شود. در حال حاضر، فقط یک معلم به این کشور اعزام گردیده است.
- ۶ - پیگیری اقدامات دولتی در جهت عمومی نمودن زبان فارسی در مدارس امری ضروری است.
- ۷ - تأسیس شعبه کتابفروشی الهدی در ایروان به فراگیر شدن کتابهای فارسی کمک می‌کند.
- ۸ - ارسال مجلات و روزنامه‌های مختلف و نوارهای آموزش زبان فارسی به دانشکده شرقشناسی و مدارس موجب روزآمد شدن اطلاعات استادان و دانشجویان می‌شود.
- ۹ - تخصیص کمک هزینه ویژه به استادان زبان فارسی در دانشکده و مدارس امری ضروری است.
- ۱۰ - ارسال دستگاه تایپ فارسی و نقشه‌های ایرانی عملی بسیار مفید است.

فهرست اعلام

1
2
3
4

12/12/19

نامهای کسان

۲۷۵،۲۲۳،۲۲۱،۲۲۲،۲۱۳			«آ»
۲۴۱	آخوندزاده، عبدالسلام	۲۱۲	آبارانتسی، سیمئون
۲۳۹	آخوندزاده، مهدی	۱۵۰، ۱۸۵، ۱۷۷، ۱۸۱	آبرامیان، روین
۱۹۶، ۲۸۱	آراپایان	۲۲۶	آبرامیان، ا.گ
۱۲۴، ۲۷۹	آراکلیان، گریگور	۲۳۰، ۲۲۵	آبرامیان، ر
۱۱۶	آراکلیان، نلی	۱۵، ۱۹۲	آبکاریان، گ. و
۲۷۸	آراکلیان، نوارت	۹۰	آبکاریان، هارطون
	آرالیق کلانی، ملاعلی بن شهری	۱۴۸	آبودیان
۲۴۸	صلاح	۱۸۱	آبوویان، خ
۲۱۷	آراهوانسیان	۱۳۱	آپاراننی، سیمئون
۱۶، ۱۵	آرتاشس	۱۵۰	آتایان
۱۷، ۳۵، ۲۲، ۱۶، ۱۵	آرتاکسیاس	۱۵۳، ۱۵۲	آترپت
۵۱	آرتاکسیاس دوم	۱۶۷	آتشی، منوچهر
۵۲، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۲۰، ۱۷	آرتاوازد	۱۵۶، ۱۵۵، ۱۸۶، ۱۸۴	آجاریان، ر
۵۱	آرتاوازد سوم	۲۴۸، ۲۱۸، ۲۱۷	آجاریان، هراچیا

۲۲۲،۲۲۳،۱۸۴	آقایان، اب	۱۶	آرداشاد
۲۶	آکسیدارس	۲۱۴،۲۲۶	آرزومانیان، اولگا
۲۱۲	آکولتسی، زکریا	۱۶۳،۱۷۹	
۲۱	آگاتاژ	۵۳	آرشاک
۱۳۲	آگولسی، زاکاریا	۱۴	آرکیشتی اول
۲۱۲	آگونتس، استپانوس	۵۴	آرمازاد
۶۸	آلب ارسلان	۵۸	آرمناک
۹۹	آل سرکار، آقارضی بیگ	۱۶۱	آرمن، مکر تیچ
۲۰۶	آماسیاتسی، امیردولت	۵۲	آرمنوس
۲۳۲	آمانوکیان، س	۵۸	آرمیناخ
۱۲۸	آمدتسی	۱۳۰،۲۱۲	آرولتسی، وارطان
۴۹	آناک	۱۳۰، ۱۸۹	آریستاکس
۲۰۱	آناکیپیان	۹۹	آزادخان، افغان
۵۴،۵۳،۳۹	آناهیتا	۲۴۰	آزاددوست، محمدتقی
۱۸۹	آنتسی، سموئل	۱۸۴،۲۲۱	آساطور، گ
۱۸۹	آنتسی، مخیتار	۲۷۹	آساطوریان، روبن
۲۲،۱۵	آنتیوخوس سوم	۲۷۱	آساطوریان، گارنیک
۱۲۹	آنهتسی	۱۵۹،۱۹۶،۲۷۹	
۱۲۰	آواکیان، نوارد	۶۱	آسپانندیات
۶۵،۱۰۶	آوانس خان	۸۹، ۱۵۴، ۱۷۶	آسکاریان، آرانس
۲۷۲	آوانسیان، آربی	۲۱۲، ۱۸۹	آسوغیک، استپانوس
۱۰۹	آوتیس، مقدس اوانس	۶۰	آسومیک
۲۱۳	آودناتانیان	۲۶۰، ۲۵۹، ۶۶، ۶۵، ۱۲۰	آشوت
		۲۶۶، ۲۶۵	آقاسی، میرزا
	«۱»	۹۱	آقابگیان، هوسپ
۳۲	اثر پید	۲۷۸	آقاجانیان، سرگی

۳۹،۳۸	ارخا	۷۴،۷۳،۷۲	اباقاخان
۱۷	اُرد	۱۶۰	اُبر
	اردبیلی، علی خان بیک بن علی بیک	۹۸	ابراهام
۲۴۹		۲۴۰	ابراهیم بن احمد
۲۳۹	اردبیلی، نظام الدین ملا احمد	۹۷	ابراهیم زاده، سیروس
۳۲	اُرد دوم	۱۵۷	ابن بطوطه
۱۹۹،۵۳،۴۵،۴۲،۳۸،۱۵	اردشیر	۲۰۶،۱۹۰	ابن سینا
۲۱۰،۲۰۹،۲۹		۲۵۳	ابن محمد صادق
۲۹	اردشیر اول	۲۵۲، ۲۵۳	ابوالحسن
۴۲،۴۰،۳۹	اردشیر دوم	۶۸،۶۷	ابوالسوار
۴۵	اردشیر، هرمز	۲۵۱	ابوالوهاب
۱۱۸،۱۱۶	ارغوتیان، پرنس	۷۶	ابوبکر
۷۴	ارغون	۶۸	ابوشجاع
۲۰،۱۵	ارلن، مایکل جی	۲۷۷	ابوطالبی
۱۵	ارمیای نبی	۴۹،۶۷	ابی خالد، عیسی بن محمد بن
۳۹،۵۵	اژدهاک	۲۲۱	اثریت
۱۶۸	استامبولستیان		احری مسیحی، یزدانبخش بن میرزا
۲۲۲	استپانیان، م	۲۳۴	طاطوس
	استرآبادی، حیدر علی بن علی اکبر	۱۱۲	احسان الله خان
۲۴۳		۲۳۷	احمدالدوله، مشهدی علی
	استرآبادی، میرزا محمد مهدی خان	۱۰۱	احمدخان
۲۵۴، ۲۳۴، ۱۳۴		۱۱۵	احمدشاه
۵۲، ۱۸	استرابون	۲۵۴	احمدعلی
۲۳۹	اسرخانی، محمد بن ولی	۳۹	ارامزد
۲۰۵، ۱۲۷	اسفندیار	۴۰	ارتخشیر سوم
۲۳۵	اسکندر	۱۸۹	ارتسرونی، توما

۲۴۵	امان‌الله بن محمد تقی	۲۳۴	اسکوئی، غلامعلی
۶۷	امیر ابو منصور	۲۵۹	اسماعیل
۷۶	امیر اسکندر	۱۹۱	اسماعیل اول
۶۸	امیر یوزان	۹۷	اشرف افغان
۲۴۶	امیر تیمور	۵۵	اشک اول
۷۵	امیر چویان	۳۶	اصفهان، حمزه
۶۹	امیر سلطان	۱۰۲	اصلان، سارو
۲۲۱	امیر طاهر	۱۷۶	اصلانیان، گ.گ
۱۰۶	امیر کبیر	۱۰۵	اعتصام‌الملک، میرزا خانلرخان
۶۹	امیر محمود	۱۰۰	اعتماد السلطنه
۲۳۷	امین الدوله	۲۳۳	اعیان الدوله محمد حسن خان
۲۵۳	امین بن ملا جعفر	۹۹	افشار ارومی، فتحعلی خان
۱۴۱، ۱۴۰	امین، مکر تیچ	۶۷	افشین
۲۳۵	انصاری، علی بن حسین	۲۳۴	افلاطون
۱۳	انوشه، حسن	۲۴۸	افندی، علی
۳۷	انوشیروان، خسرو	۱۹۲	افندی‌یف، جلال
۱۸۹	اوختانس	۷۶	اقبال آشتیانی، عباس
۱۳۰	اوربلیان، استپان	۲۷۸	اگیپیان، آنا
۲۵۶	اورکسی، علی اکبر بن قاسم	۲۴۱	البنددین، عبدالله بن شهاب
۴۳، ۴۰، ۲۲، ۲۰	اورونتس	۲۴۷	البی، کیومرث
۲۰، ۱۶	اورونتس اول	۷۶، ۷۵	الجاتو
۴۴، ۲۳	اورونتس دوم	۲۳۵، ۲۳۷	الحسینی، محمد کریم
۲۲	اورونتس چهارم	۲۵۷	الله‌وردی
۱۳۰	اورهایبی، ماتئوس	۲۵۵	امام حسین (ع)
۱۳۲	اوریزی	۲۷۱، ۲۸۱، ۲۸۰	امام خمینی (ره)
۱۳۵	اوزنی، وارتان	۲۵۷	امامقلی

۱۳۲	باجی، اوگوستینیوس	۷۷	اوزون حسن
۲۷۹	بادالیان، هوانس	۲۱۴	اویوناتان
۱۴۶، ۱۴۴	بارتولد	۲۲۵، ۲۱۰	أهانجانیان، کاروملیک
۵۳	باردانس	۵۴، ۴۱	اهورامزدا
۷۱	بارغو	۲۶۰	ایروانی، رضاقلی
۱۲۸، ۱۰۸	باغداساریان، مهران	۲۵۱	ایروانی، سعیدعلی بن میرعبدالله
۱۸۹، ۶۶	باگراتونی	۱۳۵	ایروانی، سیمئون
۶۶	باگراتیان	۲۶۵	ایروانی، شهاب
۶۵	باگردونی	۲۶۳	ایروانی، شیخ موسی
۲۷۷	باگوتتس، مارگایتا	۲۵۵	ایروانی، عبدالکریم بن قاسم
۱۷۸، ۲۳۱	بالایان، ب.ب	۲۵۸	ایروانی، علی افسر
۱۲۹، ۱۲۴	بایوردیان، واهان	۲۵۱	ایروانی، قربان اوغلی
۱۷۸، ۱۶۷، ۲۱۴، ۲۲۶، ۱۲۵		۲۶۲، ۲۳۹	ایروانی، محمد بن احمد
۱۹۰	بتلیسی، شرف الدین	۲۴۸، ۲۳۵	ایروانی، ملاحسین
۲۵۷	بحرینی، شیخ احمد	۶۰	ایریوانکسی
۱۰۹، ۱۱۴	بخشایشی، عقیقی	۲۱۵، ۱۴۹، ۱۴۸	ایسهاکیان، آوتیک
۱۰۹	بدروسیان، گارگین	۶۸	ایلدگز
۱۰۹	بدلیان، اوانس	۱۷۸، ۱۷۵	اینجیکیان، ا.گ
۲۵۲	بدیتسی، ادیس بن الدین	۲۱۲	اینچیچیان، غوکاس
۶۹	براق حاجب		
۲۵۴	برتلیاروف		«ب»
۳۹	بردیای راستین	۱۰۹	باباخانیان، رزا
۲۳	بردیسا	۲۴۳، ۲۵۵، ۱۵۱	باباطاهر همدانی
۲۰۶	برزو	۱۱۶	بابایان، آنی
۵۶	برسوما	۲۱۱، ۲۵	بابکان، اردشیر
۱۱۶	بکزاریان	۸۳	باتیست تاورینه، ژان

	بیگلربیگی، صدیق محمدقلی خان	۲۴۵	بک، عبدالفتاح
۱۰۰		۳۴،۲۹،۲۶	بلاش یا لوگز
۱۰۷	بینا، علی اکبر	۲۵۰	بنی امیه
		۲۵۰	بنی عباس
	«پ»	۱۶۰	بوآیه
۶۱	پائولوس	۱۷۹، ۲۲۶	بوداغیان، آرام
۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰	پاپازیان، هاکوب	۵۲، ۱۲۴، ۲۵	بوزاند، پاستوس
۲۷۲، ۱۶۱، ۱۵۹، ۱۹۲، ۲۲۴		۲۳۲	بوشیف، ب. پ
۵۹	پاتروکلوس	۷۱	بوهموند ششم
۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۰	پاتکانیان، کروب	۷۶، ۷۵	بهادرخان، ابوسعید
۱۴۴		۲۴۶	بهادر، عبدالعزیز
۲۰۹	پاراباتوس	۲۴، ۲۲	بهرام
۱۲۵	پاری، قازار	۴۵	بهرام دوم
۲۶	پارتاماسپاتس	۲۹	بهرام چهارم
۴۲، ۵۸، ۶۰، ۱۸	پاسدرماجیان، هراند	۲۴، ۲۳	بهرام پنجم
۱۰۳، ۷۷، ۲۱، ۲۸، ۳۲، ۳۵		۶۸، ۶۵	بهرامی، اکرم
۱۰۴	پاسکیه ویچ	۱۸۰	بهرامیان، ا. ا
۲۴۵، ۲۶۰	پاشاخان	۱۱۳	بهروز، ذبیح
۶۵	پاگراتی	۱۲۰	بهزاد، حسین
۲۱۳	پالاتاتسی، گئورگ دبیر	۱۱۳	بیات
۷۳، ۷۲	پروانه، معین الدین	۱۱۹	بیانی
۱۴۴	پطراول	۷۳	بیرس
۱۴۴، ۷۹	پطربکیر	۲۶۰، ۲۵۸	بیدل
۱۰۹	پطروس خان	۲۳	بیزانسی، فاوسنوس
۲۷۵	پطروسیان، آرتاشس	۲۵۴، ۲۳۲	بیک، اسکندر
۱۱۰	پطروسیان، مان تسی	۲۵۳	بیگدلی، آذر

۲۴۸، ۲۴۳	تبریزی، محمدحسن	۲۷۱	پطروسیان، وار تکس
۲۵۶	تبریزی، محمد شفیع بن علی	۳۶	پلو تارک
۲۴۲، ۲۴۵	تبریزی، محمدصادق بن حاجی حسن	۲۱۶	پوپ
۲۳۶	تبریزی، محمدعلی	۱۰۲، ۹۹	پورصفری، علی
	تبریزی، محمدکریم بن محمد تقی	۲۱۳	پولیستسی، آبراهام
۲۴۶، ۲۴۲		۳۱، ۱۷	پونتوس
۲۷۳، ۲۷۰	تریپتروسیان، لئون	۱۸۴، ۲۲۸، ۲۷۸	پهلوانیان، اونیک
۱۸۱	ترمانوئلیان	۲۴۳	پیرعلایی، علی
۲۷۴، ۱۶۴، ۱۳۸	تیرهوانسیان، گئورگ	۵۶، ۵۷	پیرنیا، حسین
۴۰	تریبازوس		«ت»
۱۰۲	تسی تسیانف	۵۲	تئوس
۲۴۴	تفرشی، حسین	۲۴۷	تاردهردی، محمدجعفر بن
۲۴۳	تفلیسی، چخوف	۲۵	تارن
۷۴	تکفور دوم	۲۲۱، ۲۱۲	تارونتسی، سبئوس
۱۰۸	تمرازیان، آوادیس	۱۲۹	تارونی، استپانوس
۲۳۵، ۲۳۶	تنکابنی، محمد بن سلیمان	۸۹، ۲۴، ۱۳۹، ۲۱۳	تاقادیان، مسروپ
۲۳۴	تنکابنی، محمد مؤمن	۱۱۶	تامانیان، الکساندر
۲۵۱	توپچی میرزا محمد تقی		تبریزی، ابن محمد شفیع محمد صفی
۲۵۶	توزی، بهاءالدین بن محمد	۲۵۲	
۱۵۳	تولستوی، لئون	۲۳۷	تبریزی، احمد مجتهد
۱۱۳	توللی، فریدون	۲۳۷	تبریزی، جعفر بن ابوالقاسم
۴۹	توماس	۲۳۵	تبریزی، رضاقلی
۲۱۵	تومانیان، ادوانس		تبریزی، عبدالعزیز بن عبدالرحمن
۵۴	توندراکیان	۱۳۸	
۴۷، ۵۳، ۵۱، ۴۵، ۳۴، ۳۰، ۱۵	تیرداد	۲۴۱	تبریزی، علی بن محمد رضا

۱۳۳	جوقایی، خاچاتور	۲۶،۲۵	تیرداد اول
۱۳۲	جوقایی، کوستاند	۱۲۳،۲۹،۲۷،۲۶،۲۳	تیرداد دوم
۲۱۳	جوگایستی، خاچاطور	۱۲۳،۵۰،۴۲،۲۷	تیرداد سوم
۷۱	جولکان	۱۵۴	تیریایان، هاروتیون
۱۱۹، ۱۱۸	جهانبانی، امان‌الله	۴۰	تیریازوس
۱۶	جهانگیر، اردشیر	۵۳،۳۴،۳۳،۱۷	تیگران
۲۵۹	جهانگیر میرزا	۵۱	تیگران سوم
۲۱۶	جیوانی	۵۱	تیگران چهارم
		۵۲،۳۱	تیگران کبیر
		۱۴۷	تیگرانف
	«ج»		
۲۵۷	چدینی، علی	۷۵	تیمورتاش
۸۱	چغال اوغلی	۲۵۷،۲۴۸	تیمورلنگ
۲۴۴	چکش شروانی، محمد علی بیک		
۲۷۹	چگناوریان، لوریس		«ج»
۹۹	چلبی	۲۳۷	جاجانی، محمد بن اسعد
۲۴۶، ۲۴۹	چنگیزخان	۲۳۴	جالینوس
۲۴۰	چوبین، بهرام	۲۳۶، ۲۴۸، ۲۵۲	جامی، عبدالرحمان
۲۳۶	چویان، عبدالمومن بن امیر	۱۴۱، ۲۴۳، ۲۵۱، ۲۴۴، ۲۵۳، ۲۳۷	
۱۸۰	چوخاسیان، ب. ل	۱۴۷	جانبازیان، سرکیس
۲۲۸، ۲۳۰، ۲۲۹، ۵۵، ۱۸۴		۱۷۶	جاوکیان، گ. ب
۱۵۸، ۵۳، ۱۵۸	چوگاسزیان، بابکن	۲۲۲، ۱۸۴	جاوید، گ
۲۰۸		۲۴، ۱۸	جعفری، علی اکبر
		۱۱۳	جمالزاده، محمد علی
	«ح»	۲۶۷	جوانشیر، عباسقلی خان
۱۱۴	حاج آخوند	۷۵	جوچی
۲۴۳، ۲۴۵، ۲۵۷، ۲۳۸، ۲۱۴	حافظ	۲۴۲	جوراسلطان اسد

۱۰۸	خاچاطوریان، هارکوپ	۲۷۱، ۱۲۰، ۱۹۰، ۲۱۴، ۲۴۲	
۱۲۰، ۱۶۰	خاچیکیان، لئون	۲۴۲	حامیالی مصری، منجم عبدالله
۲۵۱	خاطون خان	۲۳۹	حبیب الله
۲۴۵	خاقانی خرمی	۲۷۳	حبیبی
۲۳۶	خاکسار، محمدرفیع	۱۰۹	حزب کاسپا
۶۸، ۴۹، ۱۵، ۱۴۰	خالاتیان، گریگور	۱۰۹	حسرتیان، اواس
۲۰۹، ۱۴۶، ۱۴۵		۲۳۶	حسن بن عبدالرزاق
۱۰۸	خالاخیان، ملکم	۲۳۳	حسن بن کریلائی جعفر
۱۱۹	خالقی		حسن بیک، ابوالنصر (اوزون
۲۵۱	خان محمد	۷۶	حسن)
۸۹	خانیان، داوید	۱۰۲، ۲۶۳، ۲۵۹	حسن خان
۲۴۱	خاورانی، ابو محمد بن حسن	۱۰۱	حسنعلی خان
۲۲۲	خداداده، احمد	۲۵۰	حسین بن احمد
۱۷۶	خداوردیان، ک. س	۲۶۲، ۲۵۹	حسین خان
۲۴۸	خداوردی زاده، قاسم	۲۶۵	حسینعلی
۲۴۳	خراسانی، علی اکبر عبدالله	۲۴۳	حسین علی بن صفر علی
۲۳۵	خراسانی، علی طیب	۲۵۱	حسین علی خان
۶۷	خرمدین، بابک		حسینعلی، محمد جعفر بن حاجی
۲۰۹	خُرّه	۲۳۸	
۱۲۳، ۲۹، ۲۷، ۲۴، ۲۶، ۲۵	خسرو		حکمنادی، محمد بن حاج ملا عبدالله
۲۹	خسرو اول	۲۴۰	
۲۹	خسرو سوم	۱۰۷	حکیم باشی، میرزا محمد
۴۵	خسرو بزرگ	۱۱۲، ۱۱۱، ۲۵۲	حیدر، ابن کریم الدین
۱۸۸، ۶۰، ۲۴	خسرو پرویز		
۴۸، ۴۱، ۳۷	خشایارشا		«خ»
۱۱۰	خمامی	۲۸۱	خاچاطوریان، شاهن

۲۵۶	داوود (ع)	۲۵۱	خوئین، جوانمرد
۲۵۵	داویان، تپش	۶۹	خوارزمشاه، جلال‌الدین
۱۱۱، ۱۰۹، ۱۱۰	داویدیان، پیرم	۲۴۹	خوارزمشاه، محمدبن
۲۱۴	دپیر، باغداسار	۲۳۲	خواند میر
۱۸۹	دراسخاناگرتسی، هوانس	۱۰۹	خودیان، بوغوس
۱۱۰	درسرسیان، سرکیس	۵۳	خورن
۱۱۰	درگاسپاریان، شامیر	۲۰۹، ۲۰۷، ۲۰۷	خورنی، موسی
۲۳۸	دستیابی، حسین	۵۶، ۵۵، ۵۰، ۲۴، ۲۲، ۲۱۱، ۲۱۰	
	دشتی بیاضی، محمدبن فصیح‌بن	۳۸، ۵۵، ۱۴۲، ۱۲۶	
۲۳۶	محمد	۲۵۸	خوفندی، خاورمحمد
۱۱۳	دشتی، علی	۲۱۴، ۲۱۵، ۱۲۰	خیام
۲۱۶	دلاکارد	۷۳، ۷۰	خیراندیش، عبدالرسول
۸۶	دلاواله، پیتر		
۲۸۰	دمیرچیان، کارن	«د»	
۱۰۰	دنبلی بیگلربیگی، نجفقلی خان	۶۰، ۴۴، ۳۹، ۳۸	دادرشی
۱۰۰	دنبلی، حسینقلی خان	۱۳۲	داراناقی، گریگور
۲۴۴	دنبلی، رستم‌خان بن احمدخان	۲۱۲	داراواختسی، گریگور
۲۱۵	دو	۲۷۹	دارپینیان، الکساندر
۲۱۴	دوداگیان، آرام	۴۴، ۲۰	داریوش سوم
۱۱۹	دولت‌شاهی، مهرانگیز	۴۰، ۳۹، ۳۸، ۲۲، ۵۸	داریوش کبیر
۱۰۷	دولو، اعتضادالدوله	۱۸۶، ۶۰، ۴۴	
۱۰۱	دولو، مهدیقلی خان	۲۵۸	داغستانی، محمد
۱۶۱	دومبلی، رستم‌خان	۱۶۰	داوتیان
۱۱۲، ۱۱۳	دهخدا، علی اکبر	۶۰، ۱۳۴	داوریتسی، آبراهام
۲۴۱، ۱۹۰	دهلوی، امیرخسرو	۱۳۱، ۱۸۹	داوریتسی، آراکل
۳۰، ۲۳	دیاکونوس، م. م.	۲۱۳، ۲۱۲، ۱۳۲	

۲۴۲، ۲۴۵	روثیان، عبدالقادر	۲۱۲	دی سرگیس، گیلانتس پتروس
۶۷	روادی، هسوردان	۲۴۷	دیلمانی، عبدالله بابا بن ملاکبر
۱۱۶	روتشتاین		
۲۱۴	رودکی		«ذ»
۷۸	روشندل، جلیل	۱۶	ذاره
۲۴۱	رومی الهنقی، عمر بن حسین	۲۴۸	ذیبد رومی، سلیمان
۱۴۱	رومی، جلال الدین		
۲۴۰	ری، جمال الدین خان		«ر»
	ریف، لطیف بن شمس الدین محمد	۱۰۳	رثوت
۲۴۰		۴۴	راپتسی، قازار
		۲۰۶	رازی، محمد زکریای
		۲۴۸	راضی، احمد بن
	«ز»	۲۴۵	راضی، سعدی فخرالدین
۲۲۲	زاخاریان، ک	۱۰۸	رانه گولوبیان، پرویز
۱۱۰	زادوریان، تیگران	۹۲، ۳۲، ۳۴، ۵۹، ۱۶	رایبن، اسماعیل
۱۶	زاره	۲۷۹، ۹۸، ۱۰۶، ۱۰۷، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۹۱	
۱۵، ۲۲، ۱۶	زاریادرس	۴۰	ردوگون
۱۷۶	زاریان، ر. و	۲۱۱، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵	رستم
۲۰۶	زال	۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۵	رشدیه، میرزا حسن
۴۴، ۴۲	زرتشت	۲۵۱	رضائی، محمد باقر مجتهد میرزا
۱۸	زرین کوب، عبدالحسین	۱۱۶	رضاشاه
۲۳، ۳۳، ۵۵		۱۶۱	رضا، عنایت الله
۹۹	زکی خان زند	۶۷	رضاعی
۱۰۷	زنگنه، امیر نظام محمد خان	۲۵۱	رضایق، خان محمد یونس
۲۳	زنوب	۲۳۴	رفیع خان
۱۰۲	زوبف، والرین	۲۵۰	رفیع، محمد
۲۳۸	زین العابدین ملاعبدین ملاعبده الله		

۶۵،۱۹۵	سرکیسیان، کاگیگ		«ژ»
۲۷۸	سرکیسیان، واقیناک	۲۱۳	ژوغایتسی، کوستاند
۷۲	سرگیوس	۲۱۲	ژوگایتسی، خاچاطور
۲۴۵	سروش	۱۴۲	ژول اوپرتی
۲۴۶، ۲۴۳	سرهنگ سلمان		
۶۸	سعدون		«س»
۲۷۱، ۲۰۰، ۱۴۱، ۱۳۸، ۱۹۰	سعدی	۱۳۲	سارکاواگ، زاکاریا
۲۵۷، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۱۵، ۲۱۳		۲۱۵	ساریان، کیقام
۲۵۳، ۲۴۵، ۲۱۴		۲۰۶	ساسون
۲۵۴	سعدی، ابوبکر الولی	۵۴	ساسونی، داوید
۶۶	سفاح	۱۱۶	ساعداالملک
۲۵۸	سلطان‌الدین میرزاعلی	۵۵	ساگچیک، رستم
۲۴۴، ۸۷، ۱۴۴، ۸۸، ۷۹	سلطان حسین	۲۶	ساماتروکس
۸۰، ۷۷	سلطان سلیم	۱۵	سانادروک
۱۰۰	سلطان سلیم سوم	۱۱۰	ساناساریان، نرسس
۱۹۱، ۸۰	سلطان محمد خدابنده	۱۵، ۹۱	ساندوخت
۲۴۴		۵۰	سهاک اول
۲۱	سلوکوس اول	۱۹۵	سهاکیان
۲۳۶	سلیم، ابوالحسن محمد	۲۰۸، ۱۲۷، ۶۰، ۵۲، ۵۱	سبه‌اوس
۲۵۰، ۸۰، ۸۸، ۸۵	سلیمان	۱۳۷	سپنتا، عبدالحسین
۸۱	سنان‌پاشا	۱۵	ستاری، پرواته
۲۵۶، ۲۷۱	سنایی	۲۴۳	ستراف
۶۶، ۷۱	سنباد	۲۱۲	سرکاواک، زکریا
۲۳۶	سنبل‌زاده	۹۰	سرکیسیان، آوانس
۲۴۲	سنگین، امان‌الله بن محمدتقی	۱۸۰	سرکیسیان، ا.ک
۵۳	سورن	۲۸۰	سرکیسیان، فاده

۸۰،۷۷	شاه اسماعیل	۲۰۶	سهراب
۱۸۷	شاه طوینان، هوانس	۱۹۰	سهری، رشید بن صفی الدین
۲۵۴	شاه صفی	۲۷	سه ورگرد، الکساندر
۹۷،۷۹	شاه طهماسب	۲۳۳	سهیلی، امیر احمد
۹۲،۸۵،۸۴،۸۳،۸۲،۸۱	شاه عباس	۱۱۳	سیاسی، علی اکبر
۲۴۰، ۲۳۵، ۹۸		۲۰۷	سیاوش
۱۴	شاهنظریان	۲۴۴	سید اوصیاء
۲۲۴	شاهینیان، م	۲۵۱	سید اسماعیل بن سعید حسن
۱۷۹	شخویان، ل	۲۴۷	سید محمد
۲۴۳	شربلیخی، ابرمه	۱۰۱	سیسیانف
۲۴۰، ۲۳۹	شریف، شمس الدین محمد	۲۳۶	سیفی، عبدالعلی بن عبدالله
۱۹۸، ۲۰۰، ۴۵	شفا، شجاع الدین	۱۷۰	سیمونیان، حیدر علی
۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۲		۲۳۱، ۱۸۶	سیناکین، ب. ت
۲۰۵، ۲۱۱، ۱۷۶			
۹۱	شوشان		«ش»
۱۸۰، ۲۲۴، ۲۳۱	شهبازیان، آ.ا	۴۷، ۴۶، ۴۵، ۲۷، ۲۵، ۲۲	شاپور
۱۸۴		۲۰۹، ۵۶	
۲۴۵	شیخ بهاء الدین	۲۷، ۲۹	شاپور اول
۲۳۷	شیخ طالب	۶۸، ۴۷	شاپور دوم
۲۳۸	شیخ عجمی	۲۹	شاپور، ورهام
	شیرازی، سید محمد بن زین الدین	۲۷۸، ۲۷۲	شاجانینان، یسای
۲۳۷، ۲۳۶	علی	۲۷۶	شارویان، رولاند
۱۹۰	شیرازی، شهاب الدین عبدالله	۲۶۳	شاکر
۲۳۶	شیرازی، محمد علی	۱۳۵	شاماخی، هاکوب
۱۰۴	شیرازی، میرزا ابوالحسن خان	۱۶۷، ۲۷۵، ۲۷۴	شاملو، احمد
۱۲۷، ۶۰، ۱۹۰	شیراکاتسی، آنانیا	۱۹۰	شامی، نظام الدین

۹۷۸۰	طهماسب	۱۲۸	شیراکی
۱۹۱،۸۱	طهماسب اول	۲۴۸	شیروانی، نشاط
۱۳۵	طهماسبقلی خان	۶۰	شیرین
	«ظ»		«ص»
۲۶۴	ظفرالدوله	۲۴۱	صالح، محمد
۲۵۸	ظل السلطان	۲۴۳	صالح، محور
۲۴۶	ظهوری	۲۶۲	صبا، فتحعلی خان
		۲۵۸	صدیق، فخرعلی خان
		۱۸۱	صفرستیان، ارشاک
	«ع»	۸۷	صفوی، شهریار
۲۳۸، ۲۴۲	عاملی، شیخ بهاءالدین محمدحسین	۱۹۱، ۸۵	صفی
۱۴۴، ۱۳۲، ۱۹۱، ۷۷	عباس اول	۱۱۳	صمصام الملک
۸۸	عباس دوم		
۲۵۱، ۱۰۵، ۱۰۲، ۱۰۱	عباس میرزا		«ض»
۲۴۵، ۲۳۸		۵۵، ۲۱۴، ۲۰۸، ۲۰۷	ضحاک
۲۵۴، ۱۲۰	عباسی، رضا		
۲۳۷	عبدالرحیم بن شیخ مصطفی		«ط»
۲۶۴، ۲۴۰، ۲۳۴	عبدالصمد همدانی	۷۵	طاغی، ابوسعید
۲۴۵، ۲۴۴	عبدالله بن صالح	۱۱۴	طاق نصرتی
۲۴۸، ۲۳۴	عبدالله بن فضل	۲۳۳	طالب خان
۲۵۶	عبدالله بن قاسم	۷۷	طاهری، ابوالقاسم
۲۳۵	عبدالمطلب بن جعفرحسین	۲۳۸	طباطبائی، سید علی
۲۳۴، ۲۳۳	عبدالوصاف	۱۰۹	طباطبائی، سیدضیاءالدین
۲۴۷	عجمی، حاله	۱۱۸، ۱۱۵، ۱۱۶	
۲۵۰	عزیزین ملاعزیز	۶۷	طفرل

۷۶	قراقویونلو، قرامحمد	۶۷	فضل
۲۴۳	قراهی، ابونصر	۶۸	فضلون
۷۶	قرايوسف	۶۸	فضلون دوم
۱۱۲، ۱۱۱	قربان	۶۸	فضلون چهارم
۲۳۸، ۲۴۸، ۲۳۹	قره باغی، یوسف	۲۵۶	فضلی، عبدالله بن
۲۷۸	قره بگیان، آرام	۲۳۶، ۲۴۷، ۲۴۰	فضولی، محمد
۱۱۳، ۱۰۷	قزوینی، محمد طاهرخان	۲۴	فکاس
۲۵۵	قزوینی، واعظ	۱۳۲	فلسفی، نصرالله
۷۸	قلی پور، رافیک	۵۶	فوروهبود
۲۳۸	القمی، محمدالکتاب	۱۱۳	فیاض، علی اکبر
۲۳۸	قوجه، نصیب بن	۲۵۳	فیضی
۲۷۲	قوکاسیان، زاون	۲۷	فیلیپ
۶۰	قوند		

«ق»

	«ک»	۱۵	قاتروس
۱۰۹	کاتاگوس، دردهرسپ	۱۰۲، ۱۰۰، ۹۲	قاجار، آقامحمدخان
۱۰۲	کاترین دوم	۱۰۰، ۹۹، ۹۸	قاجار، حسینعلی خان
۶۰	کاتواتسی، کاقان	۱۰۲	قاجار قزوینی، حسین خان
۵۵، ۲۳	کاتینا، مارآپاس	۹۸، ۱۰۱	قاجار، میرزا محمدخان
۲۱۵	کاراپتیان، هوهانس	۲۶۰	قاجار ایروانی، محمدخان
۴۹، ۴۴	کاری	۲۶۳، ۲۶۵	
۱۳۵	کارینی موشقیان، یقیا	۲۳۱، ۱۸۶	قازاریان، ک. و
۲۴۵	کاشانی، حسین	۲۳۳	قاسم زاده، علی اکبر
	کاشانی، محمد قاسم بن حاجی محمد	۱۸	قاضی، محمد
۲۴۳، ۲۵۴		۲۴۶	قائینی، ظهوری
۲۳۷	کاشفی	۲۶۶	قدسی

۵۷،۱۳۳،۵۸،۳۴،۳۷	کوروش کبیر	کاطو غیکوسهای، یعقوب خان بن
۱۲۷	کوشانیان	حسن بهادر
۶۰،۴۴،۲۳،۱۸۹	کوباتسی، یزیدک	کاظمی، محمد علی
۶۱		کانساکتسی
۲۷۲	کیانیان	کتیبچی، ملا علی
۲۰۷	کیخسرو	کراسوس
۷۳	کیخسرو، غیاث الدین	کریلائی محمد ملاحسین
۱۹۸	کیراکسیان، آ	کردآوانس
		کرمانی، زین العابدین
	«گ»	کرمانی، عبدالرحیم
۲۷۹،۲۷۸	گئورگیان، آندرانیک	کرمانی، محمد ابراهیم عبدالله
۲۱۴،۱۵۷	گارگین	کره تاتسی، آبراهام
۲۱۳	گامزیان، ماتهووس	کریم خان زند
۱۲۹	گانزاک، گیراگوس	کزموریان
۵۵	گرشاسپ	کلثویاترا
۴۹،۴۴	گره‌ی	کلب حسین بیک
۱۴	گریخوریان، آ	کمال اصفهانی، اسماعیل
۱۱۹	گریخوریان، برسابه	کمال الدین اسماعیل
۴۸،۴۰	گزنفون	کمال الملک
۳۸،۲۳،۱۲۴،۱۲۳	گفوس، آگاتان	کمترا، حسین علی
	گلپایگانی، عبادالله بن علی خان	کمده، ابوالحسن بن قلی
۲۴۱	رشید	کمره
۲۲۰	گلزادیانتس، س	کوجویان، ها کوپ
۱۲۳	گئلس، آگاتاگ	کوچک خان
۳۳	گئلس، آمفی	کوچک ناآپت
۱۰۶	گلگسیان، ایران خان	کورکچیان، س

۳۱،۱۷	لوکولوس	۲۵۷	گنجعلی، ملانورعلی
		۲۵۶	گنجه، قوام
	«م»	۲۱۰	گوداشمیت
۱۰۳	ماداتیان، ژنرال	۲۷	گوردیانوس سوم
۱۹۶	مارکاریان، هایراپت	۷۷،۷۶	گورکانی، امیر تیمور
۲۴	مارکوارت	۱۵۰	گورکی، ماکسیم
۵۰	ماژستروس	۱۳۵	گورولتای
۱۰۶	ماسحیان	۱۵۴	گوزادیان
۲۱۳	ماسیان، اوهانس خان	۴۱،۳۹	گوماتای
۱۲۹،۱۴۶	ماگیستروس، گریگور	۷۴	گیخاتو
۲۰۵،۲۰۶		۲۸۱	گیررجیان، گاگیک
۵۳،۴۸	مامیکونیان، واردان		گیلانی، پتروس دی سارگیس
۱۳۷	مانائیان، استیفان	۱۴۳،۱۳۳	
۲۷۹	ماناریان، یرواند	۱۱۱	گیلانی، محیی
۵۵	مانداکونی، یوحنا		«ل»
۱۹۰	مانکاسار، آوانس	۷۴	لئون سوم
۱۲۰	مانیا	۷۶	لئون چهارم
۲۲۱	ماهرو، زهره	۲۳	لازار
۲۶۴	مجدوب علی شاه	۵۴،۲۶،۱۳	لانگ، دیوید مارشال
۴۷،۴۶	مجوس، کرتیر	۳۰،۳۷	
۲۵۱	محرّم زاده، شمشاد		لاهیجانی، مجدالدین احمد بن محمد
۲۵۴	محمد ابراهیم	۲۴۱	
۲۵۶،۲۳۴	محمد باقر بن محمد تقی	۲۳۵	لاهیجی، عبدالرزاق حسین
۲۵۷، ۲۵۲، ۲۵۳		۸۹	لرابر
۲۵۲	محمد بن حاجی محمد جعفر	۲۳۶	لطف علی بن محمد
۲۴۰	محمد بن عبدالجلیل	۲۵۳	لطفعلی بیک

۱۹۵	محموئیان	۲۴۴، ۲۳۴	محمد بن عبدالخالق
۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۰، ۲۵۸	محمود میرزا	۲۴۴	محمد بن عثمان
۲۶۵		۲۴۳	محمد بن قوام بن رستم
۱۰۵	محمودی، منوچهر	۷۷	محمد ثانی
۲۴۵، ۲۴۲	مخبرالدوله، علیقلی خان	۲۴۲	محمد جعفر بن صفر محمد
۸۱	مرادخان	۲۳۷، ۲۴۷، ۲۵۴، ۲۳۵	محمد حسین
۲۳۳	مراد علی	۲۵۲	محمد حقی
۲۷۹	مرادیان، آزاد	۱۰۱، ۱۰۰، ۱۰۷	محمد خان امیر نظام
۲۲۳، ۱۹۵، ۱۸۴	مرادیان، ا.د	۲۴۶	محمد رفیع بن حاجی علی میرزا
۱۱۹	مرادیان، پ.آ	۱۰۷، ۱۰۵	محمد شاه
۲۳۲	مرادیان، ی.م	۲۳۷	محمد شریف بن شمس الدوله
۷۱	مرتضوی	۲۵۶، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۰	محمد (ص)
۲۳۹	مرتضی قلی	۲۵۱	
۱۰۸	مروارید، یونس	۲۵۱	محمد صالح بن عبدالواس
۳۳	مستوفی، حمدالله	۲۴۸	محمد طاهر بن محمد قاسم
۹۱	مسروبیان	۲۳۳	محمد عبدالعظیم
۲۵۹، ۲۶۶، ۲۶۴	مسلم	۲۵۵، ۲۲۱، ۲۴۰، ۲۵۶	محمد علی
۱۶۷	مشیری، فریدون	۲۵۳	محمد عوفی
	مصطفی قلی ابن محمد هادی سلطان	۲۴۳	محمد قرلو کاظم
۲۵۱، ۲۳۳		۱۰۰	محمد قلی خان
۲۴۹، ۶۶	معاویه	۱۳۴	محمد کاظم
۶۷	معتصم	۲۵۴	محمد منیر
۱۰۷	معتمدالدوله، فرهاد میرزا	۲۴۱	محمد مهدی
۲۴۲	معصوم، محمد	۲۴۶	محمد یعقوب سلطان
۵۰، ۲۹	مقدس، گریگوری	۲۴۰	محمد حسن بن حاجی رضی
۲۵، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۲۲	مقدونی، اسکندر	۲۳۹	محمد حاج معالی

۲۶۴	موسی خان	۴،۲۳،۳۶	
۲۷۱	موسیسیان، حرایر		المقدس، مشیر میرزا احمد سلیم
۲۵۶	مولن حاج خان بک	۲۵۱	
۱۰۷	مهد علیا	۲۴۷	ملا ابراهیم
۲۳۹، ۲۳۳	مهدی خان	۲۳۷	ملا احمد بن شیخ علی رضا
۲۴۰	مهدی داود	۲۳۶	ملا اکبر بن نجف علی
۲۳۳	مهدی زاده، حسن	۲۴۶	ملا بابا
۳۱، ۲۱	مهر داد دوم	۲۵۰	ملا تقی بن مشهدی
۱۷	مهر داد ششم	۲۴۷	ملا عباس علی
۷۱	میتان	۲۳۹	ملاقلی میرزا
۵۴، ۳۹، ۵۳، ۳۱	میترا دات	۲۵۸	ملا محمد
۲۳	میترانس	۲۳۴	ملک الشعراء، محمد خان
۲۲	میترن	۶۸	ملکشاه سلجوقی
۳۶	میتلویینی، خاری	۲۷۲، ۲۷۹، ۱۸۶	ملیکیان، گورکن
۷۶	میرانشاه	۱۰۵	ممتحن الدوله
۲۴۹	میرجعفر بن سید اسماعیل	۱۰۹	مناچکانیان، وارتان
۲۵۳، ۱۹۰	میرخواند	۱۶۷	منشی زاده، کیومرث
۲۵۷	میرداماد	۷۱، ۶۶	منصور، ابو جعفر
۲۴۲	میرزا اقوام	۷۱	منکوقاآن
۲۷۹	میرزابگیان، جانی	۲۴، ۵۱	موریس
۲۰۱، ۲۷۸	میرزابگیان، ژرژ	۲۶	موس، سوهه
۱۰۱	میرزا شفیع	۲۳۱، ۱۷۹، ۱۸۵	موسیسیان، ه
۱۰۷	میرزا علی اکبر	۲۲۸، ۱۸۴	
۱۱۰	میرزا کوچک خان	۲۳۲	موسیسیان، گ. ا
۱۰۶	میرزا ملکم خان	۲۵۰	موسوی، حسن بن حسین
	میرزایی ایروانی، حسن بن کربلایی	۲۵۸	موسی ابن محمد

۴۷	نرسه	۲۵۴	علی
۳۰	نرون	۴۰	میسیه
۱۰۶	نریمان خان	۱۰۹	میکائیلیان
۲۴۷	نشاطی خان	۲۲۸، ۲۲۷، ۱۸۰، ۱۸۵	میناسیان، آ. م
۲۳۹	نصیرطوسی	۱۶۰، ۱۵۶	مینورسکی، ولادیمیر
۷۹	نصیری، محمدرضا	۲۱۶	میولر
۲۴۵	نظام آبادی	۱۵۵	میہ، آنتوان
۲۴۳	نظام الدین، محب علی خان بن	۶۱	میهرنرسه
۲۴۵			
۱۳۸، ۱۰۷	نظام العلماء، ملامحمود		«ن»
۲۳۶، ۱۹۰، ۲۷۱	نظامی گنجوی	۲۶۷	نائینی، عبرت
۲۳۸		۲۴۹، ۲۳۴، ۱۳۷، ۱۰۷، ۹۸	نادرشاه
۱۰۸	نظریان، آراداشیس	۲۵۷	
۲۱۳	نظریاتس، استپان	۱۳۴	نادرقلی خان
۱۸۷	نظریان، وارطاپت دانیل	۲۳۸	نادری، محمد بن میرزا
	نظری، عبدالحسین بن ابراهیم بن	۱۴۱، ۱۴۰	نازاریان، استپانوس
۲۴۳	احمد	۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵	ناصرالدین شاه
۲۲۶، ۲۲۴، ۲۲۳	نعلبندیان، گ. م	۱۱۵، ۱۱۴	
۲۳۱، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۷			ناصرالدین محمد بن محمد قاسم
۲۷۱، ۱۸۵، ۱۸۰، ۲۱۹، ۲۱۷		۲۳۳، ۲۶۷، ۲۳۵	
۱۸۲، ۱۷۶	نعلبندیان، و. س	۲۵۰	نامی، عباس
۱۲۶، ۱۸۶		۲۳۸	نامی، میرسید علی
۲۳۹، ۲۳۷	نوائی، امیرعلیشیر	۲۲۵، ۲۲۷، ۱۸۵	نجاریان، ا. خ
	نواب قره باغی، میرمحسن بن احمد	۲۳۹، ۲۳۵، ۲۳۳	نخجوانی، محمدتقی
۲۴۰	میرزازاده	۲۶۶، ۲۵۲	
۲۵۳	نورائی، محمد	۵۰	نرسس اول

۱۰۸	ودروارتان	۲۹	نوربخش
۲۲	ورثرغنه	۲۷۵	نوروار
۴۵	وردیانوس	۲۵۷	نوری، محمدبن محمدتقی
۴۵	ورزدات	۲۱۰	نولدکه
۱۱۳	وزیری، علینقی	۲۰۸، ۲۱۱، ۹۲	نوا، سایات
۲۴۳	وژساوان، کرسون	۲۵۵	نوشن
۱۱۵	ولایتی، علی اکبر	۲۵۷	نیشابوری، رضا حسین
۲۴۶	ولدزمان، ابوطالب	۲۷۲	نیک کار اصفهانی
۲۶	ولوگز دوم	۱۱۶	نیکلاویچ دبیر اول
۲۵۷	ولی قلی خان	۱۰۷	نیکلای اول
۲۱۶	وندیشمن	۲۳۳	نیکلی
۵۳	وهرام		
			«و»
	(۵)	۴۴	واخومیسا
۲۵۷، ۲۴۸	هاتفی	۱۶۶	واراند
۲۲۵، ۱۹۵، ۱۸۰	هاروتونیان، گ. س	۸۹	وارتابت قراداقی، بوغوس
۲۱۲	هاروتین، تمبورچی کوچوک	۲۳، ۲۲	وارداپت، الیره
۶۷	هارون	۵۵	وارشاگ
۲۷۰	هاشمی رفسنجانی	۱۹۰، ۷۱، ۱۰۸	وارطانیان، الکساندر
۱۱۰، ۱۸۵	هاکوپیان، ت. آ	۱۸۴	وارطانیان، ملک
۲۷۸	هامان، شاکه	۳۰	واساک
۱۶	هانی بال	۲۳	واغارشاگ
۱۴	هایراپتیان، السایان	۲۷	والریانوس
۵۸	هایک	۲۵	والن سین
۷۳، ۷۲، ۷۱	هتیوم	۲۱	واهاگن
۷۵	هتیوم دوم	۱۱۸، ۱۱۵	وثوق الدوله

۲۱۱		۲۰۶	هراتسی، مخیتار
۱۰۴	یرمولف پیر	۲۵،۱۲۷،۱۰۰،۹۹	هراکلیوس
۱۷۶	یرمیان، س. ت	۲۰	هرانت
۲۰	یرواند	۴۷	هرتسفلد
۲۴۷	یزدگرد	۲۱	هرقل
۴۷،۲۸،۲۴	یزدگرد دوم	۲۰۸	هرمیک آقایان
	یزدی منجم باشی، جلال الدین محمد	۵۶،۴۸	هرودوت
۸۴		۱۲۹،۷۲،۷۱،۷۰،۶۷	هلاکو
۱۴۵،۱۴۴،۱۴۰	یزیان، کاراپت	۳۹،۳۸	هلدیتا
۱۳۴	یسایی	۲۶۴	همدانی، فخرالدین عبدالصمد
۲۱۶	یطرمان	۱۸۰،۱۹۵،۲۸۰	هوانسیان، نیکلای
۲۷۰	یعقوب محمداف	۲۰۹	هوبیانوس
۲۰۹	یقیازار	۱۱۰	هوردانائیان، آوادیس
۱۲۵،۱۸۸،۶۱،۴۴،۲۹	یقیشه	۱۱۸	هوسپ، پرنس
۲۲۶،۲۲۸،۲۲۵	یگانیان، هم	۱۱۰	هوسپیان، آقاولی
۱۷۸،۲۲۴،۲۳۰		۵۹	هوشجان
۲۴۵	یگنی، مقصوم	۲۶۹	هوشیان، رافی
۱۵۶	یوستی، فردیناند	۴۸	هووخشتره
۲۵۳،۱۰۰	یوسف پاشا	۱۶۰	هوهانس تر
۱۱۲	یوسف میر	۵۹	هویان، آندرانیک
۲۰۹	یولیانوس	۹۰	هیبر
۱۸۰	یوهانسیان، ن. ا	۲۱۸،۲۱۷	هیوشمان
۴۹	یهودا		

«ی»

۲۶۷	یاور، علی اکبرخان
۲۰۷، ۲۰۵	یززینکاتسی، کنستانتین

نام جاياها

۱۲۷،۱۲۵	اران		«آ»	
۱۴	اربونی	۲۷۸	آبویان	
۸۰،۷۷،۷۶	ارزنجان	۱۴۵	آپاران	
۱۰۰،۱۶۴،۸۳،۷۶	ارزنةالروم	۲۷۳	آتن	
۹۰،۸۷،۸۵،۸۴،۸۲،۳۳	ارس	۱۰۰،۹۹،۸۴،۸۱،۶۷،۲۷۰	آذربایجان	
۱۰۲،۹۷		۱۵۳،۱۳۷،۱۹۴،۱۵۳،۱۳۷،۱۱۷،۱۰۳		
۱۰۶،۱۰۴	ارومیه	۵۸	آرتاکساتا	
۱۵۵،۱۱۳،۸۱،۷۷	استانبول	۱۹۴	آلمان	
۱۸۷	اسکندریه	۱۹۴	آمریکا	
۸۸،۸۷،۸۶،۸۵،۸۴،۸۱	اصفهان			
۱۸۷،۱۵۰،۱۳۳،۱۲۰،۱۱۹،۱۰۶			«ا»	
۸۷	افاغنه	۷۹،۱۹۴	اتریش	
۵۸	اکباتان	۱۵۰،۱۴۸،۱۰۴،۹۷،۲۰۵	اچمیادزین	
۷۱	الموت	۶۹	اخلاط	

۲۷۳	بندرعباس	۱۱۱	انزلی
۷۱	بیت المقدس	۷۲، ۷۱	انطاکیه
۱۱۳	بیروت	۱۸۷	اورشلیم
۱۲۷، ۱۲۵	بیزانس	۱۲۰	اوکراین
۳۸، ۳۵، ۱۷، ۱۶	بین النهرین	۲۸	ایبری
۱۳۰، ۱۲۷		۱۹۴، ۸۸	ایتالیا
		۱۲۵، ۱۲۴، ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۸۳	ایران
	«پ»	۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۰، ۱۲۸، ۱۲۷	
۱۴۳، ۱۰۶، ۱۰۵، ۸۹	پاریس	۲۰۹، ۲۰۵، ۱۶۰، ۱۵۳، ۱۲۶	
۱۵۰	پترزبورگ	۲۷۳، ۲۷۰، ۲۶۹	
۱۸	پونتوس	۸۵، ۸۱، ۷۸، ۲۷۳، ۲۷۱، ۲۷۰	ایروان
۳۸	پونتیکی	۸۷، ۸۲، ۸۴، ۱۰۰، ۹۹، ۹۷، ۸۹	
		۱۰۵، ۱۰۴، ۱۲۸، ۱۰۳، ۱۰۲	
	«ت»	۱۰۱، ۱۱۸، ۱۱۲، ۱۰۷، ۱۰۶	
۵۸	تئودوزیوپولیس	۱۱۴، ۱۶۸، ۱۲۸، ۱۸۱، ۱۷۵	
۱۶۶	تاجیکستان		
۹۷، ۹۰، ۸۱، ۲۶۷، ۲۱۵، ۲۱۲	تبریز		«ب»
۱۳۱، ۱۱۸، ۱۱۵، ۱۰۴، ۱۰۱		۲۲	بابل
۱۰۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۴		۱۱۸، ۱۴۷	باتوم
۲۷۳	تجن	۲۷۳	باقق
۸۸	ترانسیلوانی	۱۵	بالکان
۵۸	ترکستان	۱۹	بسفور
۱۸۷، ۱۵۵، ۱۳۷، ۱۱۷، ۵۰	ترکیه	۸۸	بصره
۱۹۷، ۱۵۵، ۱۳۷، ۱۹۴، ۱۹۳		۸۸، ۷۱، ۷۰	بغداد
۱۵۰، ۱۰۳، ۹۲، ۶۹	تفلیس	۷۸	بلژیک
۱۴	توشیا	۵۰	بلغارستان

۱۰۷، ۷۰، ۵۴، ۳۹، ۳۳، ۲۸، ۲۱	۸۵	شمس آباد
۱۶۰، ۱۵۵، ۱۳۷، ۱۳۴، ۱۱۴، ۱۱۳	۱۶۶، ۱۳۷، ۲۶۹	شوروی
۱۶۹، ۱۶۱	۱۰۳	شوشه
۵۸	۱۰۷	شیرآباد
	۱۱۹، ۱۰۶، ۹۰، ۸۹، ۲۱۵	شیراز
	۱۲۰	
		«ک»
۳۳	کاپادوکیا	
۱۴۸	کاناگیر	«ع»
۶۹	کرمان	۱۹۳، ۱۹۴، ۸۸، ۷۲
۱۸۷، ۹۰	کلکته	۱۲۸
۹۷	کور	۲۷۳
۱۴۵	کوقب	
۲۸	کولخیس	«ف»
۱۹۴	کویت	۱۲۸
		فارس
		فرات
		فرانسه
		۱۹۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۳۷، ۷۹
۸۸	گجرات	۳۳، ۱۳
۹۹، ۸۷، ۸۱، ۶۹، ۱۷	گرجستان	۱۸۷
۱۲۰، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۰۲، ۱۰۰		
۱۲۵، ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۳۷، ۱۲۷		«ق»
۱۶۹، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۵۸	گنجه	۱۱۸، ۸۳، ۸۱
۱۱۶، ۱۱۰، ۸۷، ۸۵، ۸۴، ۸۱	گیلان	۷۰
۱۱۸		۷۸، ۱۱۷، ۱۰۳، ۸۱، ۲۷۰
		۱۱۱، ۸۱
		قزوین
		«ل»
۱۹۳	لبنان	۵۱
		قفقاز
		۱۷، ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۲۷۹، ۲۷۶

		۸۱، ۱۳	لرستان
«و»			
۱۴۵، ۸۱، ۷۶، ۵۲، ۱۴	وان	۱۰۶	لندن
۱۴۳	ونیز	۱۵۹	لنیناگان
۱۴۳	وین	۱۶۶، ۱۵۹	لنینگراد
		۱۱۸، ۱۰۳	لوری
		۱۸۷، ۸۸	لهستان
«ه»			
۲۶۷	هرات		
۱۰۳	هشترخان	«م»	
۱۵۰، ۹۰	همدان	۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۱، ۲۰۶	مازندران
۹۰، ۲۸، ۲۶، ۱۸، ۱۳، ۲۰۸	هند	۸۷، ۸۸	
		۱۹۴، ۱۸۷	مجارستان
		۴۳، ۳۸، ۱۷، ۱۴	مدیترانه
«ی»			
۵۰	یوگسلاوی	۱۰۸	مراغه
۶۱، ۴۰، ۱۷، ۲۰۹، ۲۷۳	یونان	۱۹۲، ۱۶۲، ۲۱۳	مسکو
		۱۹۳، ۱۱۳، ۷۵، ۷۱، ۷۰، ۳۷	مصر
		۱۳۷، ۹۸	مغان
		۱۴۳	مونبخ
		۲۸، ۲۰۸	میانه
		«ن»	
		۹۷، ۸۷، ۸۴، ۸۲، ۸۰، ۷۸	نخجوان
		۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲	
		۱۵۰	نو
		۱۰۳	نوخا
		۸۱	نهایوند

اسامی کتابها و مقالات

۲۵۲	آشکده فی تذکره الشعرا
۲۱۵	آخرین بهار سعدی
۲۵۵، ۲۳۶، ۲۳۳، ۲۳۲	ابواب الجنان
۱۴۹	ابوالعلا معری
۲۲۴	ابوعلی سینا و ادبیات جهانی
۲۴۸، ۲۴۶	احادیث
۲۴۷	احادیث قرن
۲۵۶	احادیث کربلا
۲۴۲	احکام الشهرمند
۲۴۳	احکام دوازده برج
۲۴۵، ۲۴۳	احکام نجوم
۲۲۶	احیای کلمات گمشده زبان فارسی به کمک کلمات زبان ارمنی
۲۱۷، ۲۱۹	احیاء واژه‌های نامفهوم و گمشده زبان فارسی به کمک زبان ارمنی
۲۳۵	اختیارات بدیعی

۲۴۶، ۲۴۳	اخلاق ناصری
۱۷۹	ادات استفهامی در زبان فارسی معاصر
۱۷۱	ارامنه در افغانستان
۱۷۱	ارامنه در جزایر فیلیپین و نیوزیلند
۱۷۱	ارامنه در دیگر کشورهای آفریقا
۱۵۷	ارامنه و ارمنستان در شاهنامه فردوسی
۱۷۱	ارامنه استرالیا
۱۷۱	ارامنه اندونزی
۱۷۱	ارامنه برمه
	ارامنه جلفای اصفهان و روابط اقتصادی و سیاسی ایران و اروپا در زمان صفویه
۲۳۲، ۱۷۸	
۲۲۵، ۱۸۵، ۱۸۱	ارداویراف نامه
۱۹۲	ارزش تاریخ نگاری نسخه‌های خطی فارسی مخزن دولتی ماتناداران
۱۴۲	اساطیر ارمنستان کهن
۱۶۵	اسامی خاص [شخصی] ارمنی مأخوذ از ایرانی
۲۵۰	اسامی شهرها و خلفای عثمانی
۲۳۵	اسکندرنامه فعلی
۱۶۰	اسناد فارسی ماتناداران
۲۲۴	اسناد فارسی ماتناداران
۲۲۱، ۱۵۷	اسنادی درباره روابط ارمنستان - ایران
۲۴۴	اشارات الادیان
۲۴۴	اشارات المذهب
۲۳۵	اشرف العلوم
۲۴۲	اشعار دینی
۱۵۱	اشعار سایات نوا
۲۵۶	اشعار کلیم

۳۲۱	فهرست اعلام
۲۳۸	اشعار کمالی
۲۴۲	اشعار ناظم
۲۴۵	اشعار نامنظم
۲۲۹	اشعار و دوبیتی های خاقانی
۱۰۸	افزاره رود
۲۲۱	افسانه امیر طاهر و زهره ماهرو
۲۲۸	افسانه های ایرانی
۲۱۰	افسانه های موجود در باره پهلوی ها
۲۵۴	اقبال نامه اسکندری
۲۴۴	الاحباء الراعبین فی الاخلاء الطالبین
۲۳۷	التقریح
۲۵۶	الدعوات البرکات
۲۵۷	الصفری المنحق
۹۰	القبای مسرو بیان
۳۶	القصص
۱۹۰	النجاة
۲۵۷	النکاح
۲۳۹	الهدایه
۲۴۰	الهدایه و الدلالة الرساله
۱۵۳	امامت
۹۰	امثله ایران
۲۴۸	املا عربی
۲۳۰، ۲۱۱، ۱۹۰	اندر زنامه انوشیروان
۲۵۷، ۲۵۴	انشاء میرزا مهدی خان
۲۳۲، ۱۷۹	انعکاس مسائل اجتماعی در نثر معاصر ایران
۲۲۵	انقلاب اکتبر و تحولات سیاسی ایران در سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۱

۲۲۵	انقلاب مشروطیت ایران در سالهای ۱۹۰۵-۱۹۱۱ و بلشویکهای قفقاز
۲۴۷، ۲۳۳	انوار سهیلی
۲۳۴	انیس الواعظین
۱۷۹	اولین نمایشنامه در ایران
۳۶	ایاتکا زریران
۱۲۹، ۱۲۴، ۱۲۵	ایرانشناسی در منابع ارمنی
۹۸، ۱۰۶، ۱۰۷، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۹۱، ۹۲، ۱۶، ۳۲، ۳۴، ۵۹	ایرانیان ارمنی
۲۷۱	بادۀ عشق
۲۰۹	پارسوما
۲۰۸	بازتاب افسانۀ زال؛ قهرمان حماسی ایران در تاریخ ارمنستان
۱۷۹	بازرگانان جلفای اصفهان و روابط اقتصادی ایران با کشورهای اروپا
۲۴۳	بازنامه
۲۴۳	بحرالفاضیل فی منافع الافاضل
۲۳۴	بحرالمعارف
۱۶۹	بخشهایی از تاریخ ادبیات
۲۲۴	بررسی درباره نظامی
۱۷۹	بررسی کوتاهی در تاریخ تشاتر ایران
۷۹	بررسیهای تاریخی
۵۵	برلام و یوسامت
۹۱	برنامه دبستان ساندوخت
۲۵۱	بزم آرا
۵۵، ۳۶	بوداسف و بلوهر
۲۵۳، ۲۵۰، ۲۴۰	بوستان سعدی
۲۴۳، ۲۴۰	بیاض اشعار
۲۵۷	بیاض دعا
۱۴۴	پاتکانیان

۱۵۸	پالاتی
۱۵۲	پایکولی یا میراث سرهانری راولینسن
۲۴۰، ۱۵۸	پندنامه نوشیروان
۱۷۹	پند و امثال فارسی
۱۷۹	پیشرفت ادبیات ایران در اوائل قرن بیستم
۱۵۸	پیوندهای ادبی ارمنیان و ایرانیان از قرن پنجم تا هجدهم
۹۷	پیوندهای تاریخی میان ایران و ارمنستان
۵۵	تئاتر و گوسانهای
۱۲۴	تاریخ ارامنه
۱۶۵، ۱۶۳، ۱۶۱، ۱۵۸، ۱۴۲، ۱۲۹، ۱۲۶، ۱۲۵، ۴۹	تاریخ ارمنستان
۲۰۷، ۱۰۳، ۷۷، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۸، ۳۲، ۳۵، ۴۲، ۱۳۲، ۱۳۱، ۳۸، ۱۷۱، ۱۷۰	
۲۵۶، ۲۵۵	تاریخ اسلام
۲۵۵، ۱۳۹، ۹۰	تاریخ ایران
۶۵، ۶۸	تاریخ ایران از آغاز اسلام تا سقوط بغداد
۵۷	تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان
۵۴، ۳۰، ۱۳، ۲۶، ۳۷	تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان
۲۳، ۵۶	تاریخ ایران باستان
۲۱۲، ۱۳۳	تاریخ ایرانیان
۲۴۶	تاریخ چنگیزخان و امیر تیمور صاحب قرآن
۲۱۰	تاریخ خورناتسی
۲۴۴	تاریخ دنبله
۱۱۵	تاریخ روابط خارجی ایران؛ دوره مشروطه
۲۱۸	تاریخ زبان ارمنستان
۱۶۲	تاریخ سده‌های میانه ایران
۷۷	تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس
۱۰۷	تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران

۵۶	تاریخ شاپور یولیانوس
۱۷۷	تاریخ صفویه
۲۱۲	تاریخ طهماسبقلی
۲۳۳، ۲۵۴، ۲۳۲	تاریخ عالم آرای عباسی
۲۴۷	تاریخ عجم
۹۰	تاریخ قدیم هندوستان
۲۲۲، ۱۸۶	تاریخ قرائت کتیبه‌های میخی فارسی باستانی
۱۸، ۲۳، ۳۳، ۵۵	تاریخ مردم ایران
۷۶	تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه
۲۱۲، ۲۳۵، ۲۳۴	تاریخ نادر شاه
۲۵۴، ۲۵۳، ۱۳۴	تاریخ نادری
۲۴۷	تاریخ‌نامه
۲۳۶	تاریخ نگارستان
۱۶۸	تاریخ نویسی غرب دربارهٔ انقلاب ایران
۱۸۸، ۱۲۵	تاریخ وارتان و جنگ ارمنیان
۹۰	تاریخ و جغرافی فلسطین
۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۶	تاریخ و فرهنگ ارمنستان
۱۲۴	تاریخ وقایع سالهای ۱۶۲۳-۱۷۳۳ در ارتباط با سکونت کارملیتها
۲۴۹	تاریخ و قصه عبدالسلام و معاویه
	تأثیر مقالات فکاهی مطبوعات اوائل قرن حاضر ایران در تجدید نشر فارسی
۱۷۹	
۲۲۳	تأثیر نخستین انقلاب روس در انقلاب سالهای ۱۹۰۵-۱۹۱۱
۲۴۶	تحفه‌الابرار
۲۴۹	تحفه عباسی
۲۴۱	تحفه‌الذاکرین
۲۵۴	تحفه‌الوزراء

۲۵۲، ۲۴۴	تذکره الشعراء
۲۲۲	ترانه‌های ملی کردی
۱۸۴	ترجمه ارمنی رستم و سهراب فردوسی
۱۸۴	ترجمه رباعیات عمر خیام به ارمنی
۱۸۵	ترجمه گلستان سعدی به ارمنی
۱۵۳	ترکان جوان
۱۷۹	ترکیبات و مفاهیم جملات استفهامی در زبان فارسی
۲۰۶	تسوری ساسونه
۲۳۹	تغییرنامه
۲۵۶، ۲۴۵، ۲۴۲	تقویم
۲۵۱	تقویم فارسی و اشعار مصطفی
۲۵۷	تقویم و سالنامه
۲۵۳	توزکات تیموری
۲۵۶	تولد الانوار
۲۵۷، ۲۴۸	تیمورنامه
۲۳۷	ثلاث ابواب
۲۳۷	جامع الایات و جامع الاخبار
۲۵۰	جامع الحکایات
۲۵۵، ۲۵۲، ۲۵۰، ۲۴۹	جامع الدعوات
۲۳۸	جامع عباسی
۲۳۴	جامعه المرسوم
۱۶۸	جبهه ملی در زمان انقلاب اسلامی
۲۱۲	جغرافیای چهار قاره جهان
۲۴۵، ۲۴۲	جغرافیای فارسی
۲۵۳	جلال
۲۵۳	جلاء العیون

۱۷۱	جماعت‌های ارمنی در اتیوپی
۱۳۵	جمیر
۱۶۳	جملهٔ پرسشی در زبان فارسی معاصر
۲۲۱	جنبش ملی در کشور شیر و خورشید
۲۴۲، ۲۴۵	جنگ المناقب
۲۲۵	جنگ ترکیه و ایران در آغاز قرن هفدهم
۲۳۹	جوازالجواید
۲۴۱	جوهرنامه
۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۰۰	جهان‌پژوهی ایرانشناسی
۲۰۵، ۱۱، ۵۴	
۱۶۱	چشمهٔ هقنار
۲۵۰	حاشیه
۲۴۱	حاشیه دیباچه
۲۴۱	حاشیه سعیدالشریف
۲۵۷	حبیب‌السیر
۲۳۶	حدیقه السعلا
۲۵۶	حدیقه الحقایق
۲۴۹	حسینیه
۲۵۰، ۲۳۳	حق‌الیقین
۹۰	حقیقت در مذهب مسیح
۲۵۶	حقیقه‌الشیعه
۲۵۴	حکایات روسی با ترجمه تاتاری و چند حکایات دیگر به زبان فارسی
۲۵۵	حکایت حسین کرد
۱۶۱	حکومت بیگانه در سرزمین آزارات، سدهٔ ۱۵-۱۷
۹۹، ۱۰۲	حکومت‌های محلی قفقاز در عصر قاجار
۲۴۱	حکیم ناصر خسرو علوی

۲۴۴	حلل
۲۳۴	حملة حيدري
۲۵۸	حوادث كربلا
۲۵۳، ۲۳۴	حيات القلوب
۱۳۹	خاطراتي از سفر به ايران زمين
۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۷	خزان بهار
۲۵۳، ۲۰۸	خسرو و شيرين
۲۴۱	خضرخان و دولراني
۲۴۲، ۲۴۱	خلاصة الحساب الفارسي
۲۵۲	خمسه نظامي
۲۳۵	خواص الحيوان
۹۱، ۹۰	خودآموز مسروبيان
۱۹۵	خوريها (غوريان) و اورارتويها
۱۹۰	داستان بهلول شاه
۱۸۴	داستانهاي ايراني
۱۹۰	داستان هفت حكيم
۱۶۹	درآمدی بر ادبيات فارسي
۱۷۰	درباره مفاهيم فلسفه عالم هستي در نزد آنانياشيراكاتسي
۲۴۸	دربندنامه
۱۵۸	در جستجوي دستنوشتهها
۳۶	درخت آسوريك
۱۶۶	در راه آفتاب
۲۱۳	درسي براي آموزشگاه جلفاي نو
۱۶۷	درويش
۲۳۳، ۲۴۸، ۲۳۴	درة نادري
۲۳۵	دستورالعلاج

۱۶۵	دستور زبان فارسی
۲۴۳	دستور لغت
۲۴۹	دفترچه سیاهی
۲۴۱، ۲۴۵	دقایق الحایق
۲۵۱	ده فرمانهای گنجه
۲۵۷	دیباچه شاهزاده
۱۱۳	دیدارها و یادگارها
۱۵۲	دین قدیم ارمنیان
۲۴۰	دیوان اشعار حسین
۲۵۷	دیوان بیدل
۲۵۸، ۲۵۶، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۴۸، ۲۴۷	دیوان حافظ
۲۴۸	دیوان شاهی
۲۳۶	دیوان صائب
۲۵۰	دیوان طاهر
۲۴۶، ۲۴۲	دیوان ظهوری یا ساقی نامه
۲۳۵	دیوان فتحعلی شاه ملک الشعراء
۲۴۷	دیوان قصولی
۲۴۸، ۲۴۷	دیوان نشاطی
۲۳۵	دیوان نظامی خمسه
۲۳۸	دیوان نوائی
۲۳۷	دیوان وفائی
۱۷۹	رئالیسم صادق هدایت
۲۱۰، ۲۰۹، ۵۶	راست سخن
۴۸	راست هوسون
۱۵۲	راهنمای زبان پهلوی
۲۴۸	رباعیات سلیمان ذبید رومی

۲۵۸، ۲۲۳، ۲۲۱، ۱۵۱، ۱۵۰	رباعیات عمر خیام
۱۶۲	رباعی در شعر فارسی
۲۵۱، ۲۴۷، ۲۴۲، ۲۳۹	رساله
۲۵۸	رساله درباره زیارت مکه معظمه
۲۵۵	رساله در بیان احکام دینی
۲۵۱	رساله رشديه
۲۳۸	رساله سید علی طباطبائی
۲۴۶	رساله شریلیر
۲۵۷	رساله متفرقه
۲۵۶	رساله نجوم
۲۵۴	رساله دینی
۲۳۷	رساله صوم
۲۵۲	رساله البحر و هندسه و علم نجوم
۲۴۴، ۲۴۳	رساله الحساب
۲۴۷	رساله الشریف
۲۲۱	رستم و اسفندیار روئین تن
۲۲۱، ۲۷۱، ۲۳۱، ۲۲۰، ۲۱۴	رستم و سهراب
۹۰	رمان وار تکس
۹۰	رمان وارسنیک
۲۵۲، ۲۴۴	رمل
۲۴۶	رموز المعما
۲۳۰، ۲۲۸، ۲۱۴	روابط ادبی ارمنستان و ایران
۱۸۴	روابط ادبی ارمنستان و ایران در قرون پنجم تا هجدهم میلادی
	روابط ایران و ترکیه در قرن شانزدهم و نیمه اول قرن هفدهم میلادی - جنگ
۱۷۸	روابط بین‌المللی ایران در سالهای ۱۸۱۳ تا ۱۸۲۸ میلادی
۲۳۱	روابط بین‌المللی ایران در سالهای ۱۸۱۳ تا ۱۸۲۸

- روابط ترکیه و ایران با ارمنستان در قرن شانزدهم و نیمه اول قرن هفدهم ۲۲۷
- روابط ترکیه و ایران در اوایل قرن بیستم ۱۶۷
- روحانیون شیعه ۱۵۳
- روضه الصفا ۲۵۳، ۲۳۳، ۲۴۹، ۲۳۲، ۲۳۴
- روضه ریاضی ۲۳۹
- ریاضیات ۱۹۰
- زادالمعاد محمدباقر ۲۵۶، ۲۵۲
- زال و رودابه ۲۲۹
- زبان فارسی باستانی ۲۲۸
- زبان فارسی میانه ۲۲۷
- زبانها و گویش‌های ایرانی ۱۶۵، ۲۲۶
- زبور داود ۲۵۶
- زرتشتیگری در ارمنستان ۱۸
- زرتشتیگری در ایران ۲۴
- زردیاس و اوداتیس ۳۶
- زندگی شاه عباس اول ۱۳۲
- زندگی و آثار شیخ مصلح‌الدین سعدی ۱۸۴
- زیارة النبی محمد(ص) ۲۵۳
- زینت المجالس ۲۳۳
- زینة التواریخ ۲۵۲
- سراج المنیر ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۲، ۲۴۰
- سرنوشت روستائی ۲۲۲
- سرنوشت و عملیات حسین علی‌خان و روابط او با حکومت‌های همسایه خود و فرامین و کاغذهای دولتی ۲۵۱
- سعدالدین ۲۳۸
- سفر به آراارات ۱۵، ۲۰

- ۹۱ سفرنامه ارمنستان
- ۱۰۵ سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک
- ۱۱۸ سفر هیأت فرهنگی ایران به شوروی
- ۳۲ سندبادنامه
- ۲۴۸ سند و فرمان
- ۲۲۹ سنگ نوشته بیستون از داریوش و ویشتاسپ
- ۲۵۴ سوره‌های علیحده قرآن و جامع الدعوات با زیرنویسهای فارسی
- ۹۱ سوس و سوندیسی
- ۱۷۹ سیاست دولت عثمانی نسبت به ایران در سالهای انقلاب مشروطیت
- ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۷ سیاوش، از شاهنامه فردوسی
- ۱۸۴ سیاوش (نمایشنامه) اقتباس از شاهنامه
- سیر تحول اجتماعی و سیاسی ایران در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم
- ۱۷۸، ۲۳۰ سینوزن
- ۲۴۹ شاهنامه فردوسی
- ۳۸، ۲۴۸، ۲۳۳، ۲۵۵ شاهنامه و مآخذ ارمنی
- ۲۳۱، ۱۸۴ شاه و درویش هلائی
- ۲۴۰ شرح الالفیه سیوطی
- ۲۴۱ شرح التجویز
- ۲۳۹ شرح الصمدیه
- ۲۴۱ شرح حدیث کرمانی صحت و فصولی
- ۲۴۶ شرح قصیده‌های خواجه قوامی گنجه
- ۲۵۶ شرح گلستان‌المنی یا شمع
- ۲۵۰ شرح گلستان سعدی
- ۲۴۶ شرح محاصره اصفهان به دست افغانه در سالهای ۱۷۲۲ و ۱۷۲۳
- ۱۹۲ شرح مختصر ذخایر خطی ماتناداران

۲۴۱	شرح میر شمیر
۲۳۶	شرح نصاب
۲۲۴، ۱۸۰، ۲۲۳	شرحی درباره زبان فارسی باستانی
۲۲۷	شرحی درباره اصوات در زبان فارسی معاصر
۱۹۵	شرق باستان
۲۵۵	شعرای آذربایجان دیننده
۱۶۲	شناخت نسخ خطی ایرانی
۲۴۴	شوارق الانوار
۲۳۹	شواهد
۹۱	شهادت دختر ساندوخت
۲۳۹	شیره نواده اسکندر
۱۲۷	شیرین
۲۳۳	صاعقه
۲۴۴	صحیفه علویه و تحفه مرتضویه
۲۴۰	صمدیه
۲۵۲، ۲۴۴	صورت شهود
۲۴۸	صورت قباله و ربیع فشارته مراسله جات
۲۱۴، ۲۲۰	ضحاک بیوراسپی دیو صفت
۲۵۱	ضحبته الکامیلید
۲۵۷	طالع نامه
۲۵۲، ۲۴۴	طلسم و فالگیری
۲۲۲	طلیعه ادبیات پارسی
۲۳۵	عالم آرای عباسی
۲۴۰	عریضه
۲۳۸	عقاید
۲۴۶	علم طب و حفظ الصحه

۲۵۱	علم نجوم
۲۵۰	علم نجوم و طب
۲۴۱	عمدةالحکام
۲۵۰	عهدنامه محمد(ص)
۲۵۰	عهد و پیمان امام علی
۲۳۰	غزلیات جامی
۲۲۵	غزلیات حافظ
۲۳۳	غزوات
۱۳۱	فاجعه تصرف تبریز
۱۶۵	فارسی میانه
۲۵۴	فالنامه
۲۵۰	فال و رمل
۲۵۷	فتح و ظفر
۲۱۰	فردوسی و مضامین داستانی ایرانی در شاهنامه و متون کهن ارمنی
۱۶۵	فرس قدیم
۲۲۴	فرمانهای پادشاهان ایران، سالهای ۱۶۰۱-۱۶۵۰
۲۳۰، ۱۸۵	فرهنگ پهلوی فارسی - ارمنی - روسی - انگلیسی
۱۵۶	فرهنگ ریشه‌شناسی زبان ارمنی
۱۵۶	فرهنگ گویش کردی بایزید نو
۲۳۵	فرهنگ لغت
۲۵۶	فرهنگ مختصر
۲۲۶	فرهنگ مفصل فارسی به ارمنی
۱۵۷	فرهنگ نامهای ارمنی
۱۵۸	فرهنگنامه ارمنیان ایران
۲۱۸	فرهنگ واژه‌های ریشه‌ای
۲۳۶	فقه فارسی

۲۳۸	فلاحت و مجموعه الحکماء
۲۴۱	قرآن
۲۴۹	قراائتمه عربی با ترجمه زبان فارسی
۲۵۵	قره قاری
۵۹	قره کلیسا
۲۳۵	قصص العلماء
۲۴۷	قصه خلافت عثمان
۲۵۲	قصیده در مدح ناصرالدین شاه قاجار
۲۵۲	قطعات متفرقه زبان فارسی
۱۹۵	قفقاز و بیژانس
۲۳۶	قهرمان
۱۴۵	قهرمانان ایرانی در بین ارامنه
	قیام مردم هند علیه استعمارگران انگلیس در سال ۱۷۶۰-۱۷۶۳ و اقلیت
۱۷۰	(مهاجرین) ارمنی در هند
۲۱۰	کارنامک اردشیر بابکان
۱۷۱	کانونهای مهاجران ارمنی در هند
۱۵۱	کتاب آموزش زبان پهلوی
۱۷۰	کتاب ارمنی راهنمای هند در سده دوازدهم
۱۱۴	کتاب اول
۱۳۸	کتاب سنگهای قیمتی
۱۸۱	کتابی از دوره ساسانیان
۱۵۷	کتیبه‌هایی به خط میخی، آشوری و ایرانی
۱۲۹	کرونیگون
۲۲۶، ۱۷۸	کشاورزی در ایران معاصر
۲۵۸	کشف رموز
۱۹۵	کشورها و ملت‌های خاور نزدیک و میانه

- ۲۲۹ کشورها و ملل خاور نزدیک
- ۲۴۹، ۲۴۰ کلیات حافظ شیرازی
- ۲۵۳ کلیات سعدی
- ۱۳۸ کلید ستارگان
- ۲۵۸، ۲۴۴ کنزاللغاة
- ۱۵۹ گروه لهجه‌های سواحل جنوبی دریای خزر
- ۱۲۳ گریگوریس مقدس
- ۱۵۷ گلچین فارسی
- ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۳، ۲۵۷، ۲۵۳، ۲۵۰، ۲۴۷، ۲۴۲، ۲۳۷، ۲۲۷ گلستان سعدی
- ۲۲۸ گلستان سعدی و ترجمه‌های آن به زبان ارمنی
- ۲۴۵ گلستان (کلیات)
- ۲۵۵ گلشن افغانی و دیوان شاه شاهان
- ۲۴۴ گنج گوهر
- ۲۲۶ گنجینه‌های خطی ماتناداران
- ۲۳۵ گوهر مراد
- ۱۵۱ گویشهای فارسی یهودیان اصفهان و همدان
- ۱۴۲ لغات فارسی
- ۲۳۴ لغت العربی و کنزاللغاه
- ۲۴۳ لغت سروری
- ۲۴۶ لغت فارسی
- ۲۳۷ لغت نوایی یا فرهنگ شاعر نوائی ازبک
- ۲۴۰ لغت و منطق
- ۲۳۷، ۲۴۰ لوامع الاشراف
- ۲۵۴، ۲۴۰، ۲۳۸ لیلی و مجنون
- ۱۷۲ مآخذ ارمنی در سده هجدهم درباره هند
- ۱۴۲ مادها در ارمنستان باستان

۱۹۵	مأخذشناسی مشرق زمین
۲۱۵	مباحثه خیام با خدا
۲۴۷	مبین الحقیقه
۲۳۱، ۱۸۵	مثلهای پارسی
۲۵۴	مثنوی مولوی
۲۳۶	مجمع البحرين
۲۳۴، ۲۵۴، ۲۳۵	مجمع الفرس سروری
۲۵۱	مجمع اللغه
۳۶	مجممل التواریخ
۲۵۲، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۴۴، ۲۳۶	مجموعه
۲۵۷، ۲۴۵، ۲۴۲، ۲۳۸	مجموعه اشعار و احادیث
۲۳۷	مجموعه اشعار و بیاض
۲۲۸	مجموعه‌ای از داستانهای نویسندگان معاصر ایران
۲۴۷، ۲۴۹، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۴۲	مجموعه‌ای درباره وقایع کربلا
۲۳۹	مجموعه دیوان واقف
۲۵۸، ۲۳۷	مجموعه شاعران بیاض
۲۴۶	مجموعه صرف و نحو عربی
۲۴۷	مجموعه مثنوی جلال‌الدین رومی
۲۳۰	مجموعه مقالات خاورشناسی فرهنگستان علوم ارمنستان
۱۷۹	مجموعه مقالات شرق‌شناسی
۲۳۸	مجموعه بیاض
۱۷۷	مجموعه مقالات خاورشناسی آکادمی علوم ارمنستان
۱۹۰	مجموعه مواعظ
۲۳۹	محبوب القلوب نوبائی
۲۳۴، ۲۴۱، ۲۵۶، ۲۴۳	محررق القلوب
۱۵۳	محمدعلی شاه، جنبش مردمی در کشور شیر و خورشید

- مختصر علم حساب تاریخ قرن ۱۹ م ۲۴۳، ۲۴۶
- مختصری از تاریخ مالکیت وقف در ایران ۱۷۸
- مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، تاریخ بهرام گور ۲۳۳
- مراسله جات نادرشاه افشار ۲۴۹
- مرتدان ۶۰
- مرثیه و سینه زن ۲۵۲
- مزیدالاوراق ۲۵۱
- مسائل ادبی در ایران ۱۶۳
- مصلح الدین سعدی ۲۲۵
- مطلع الشمس ۲۳۳
- معالم الاصول ۲۳۳
- معراج نامه ۲۳۶، ۲۴۵، ۲۴۱
- معیار جمالی و مفتاح ابوالحق ۲۴۰
- معنی البیت ۲۳۹
- مفاخر آذربایجان ۱۰۹، ۱۱۴
- مفتاح دقایق ۱۲۴۸ هجری قمری/ ۱۸۳۲ میلادی ۲۴۷
- مقایسه داستانهای حماسی ایران ارمنی و یونانی و آلمانی ۱۵۲
- مقدمه و حواشی تکذیب و ردّ فرق دینی ۱۶۵
- مکاتب ۲۳۷
- مکتوبهای نایب السلطنه ۲۳۸
- ملک الشعراء بهار ۱۶۳
- منابع ایرانی درباره آرامنه ۲۲۳
- مناسبات ارضی در ارمنستان شرقی در سده های ۱۵ تا ۱۷ میلادی ۱۵۹
- مناسبات ارضی در ایران در نیمه اول قرن نوزدهم ۱۷۸
- مناسبات ارضی در ایران معاصر ۲۲۴
- مناسبات بطر کبیر با ملت ارمنی ۱۴۴

۱۴۷	منافع اقتصادی روسیه در ایران
۲۱۴، ۲۲۱	منتخبات آثار فارسی، مجموعه‌ای از آثار ادبی ایران
۱۶۳	منتخبات شعر رودکی با مقدمه و حواشی
۲۲۱	منتخبات فردوسی
۲۲۲	منتخباتی از آثار پارسی
۲۳۱	منتخباتی از روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی
۱۶۳	منتخب ۵۰۰ رباعیات از رودکی تا جامی
۲۴۲	منشآت مستولی الممالک
۱۸۱	منشاء و تاریخ کردها
۲۴۰	منطق
۱۶۷	منطقه ارمنی‌نشین جلفای اصفهان در قرن هفدهم
۲۴۳	منظومه شرح لمعه میرزا قوام
۷۰، ۷۳	موقعیت مسیحیان آسیای غربی در دولت ایلخانان
۲۴، ۲۵	میراث باستانی ایران
۲۵۳	میزان الأشعار
۲۴۰	میزان‌الحق
۲۴۶	ناسخ التواریخ
۱۲۵	نامه به واهان مامیکونیان
	نتایج پژوهشهای تجربی درباره آهنگ جمله‌های پرسشی در زبان فارسی معاصر
۱۶۴	
۱۷۹	نثر جدید فارسی
۱۷۹	نثر فارسی در سالهای پس از جنگ دوم جهانی
۱۶۶	نخواه‌های فراسو
۱۸۵	نخستین انقلاب روسیه و انقلاب مشروطیت ایران
۲۵۴، ۲۴۳	نصاب الصبیان
۲۴۹	نصاب و ترسل

۲۴۸	نصیحت‌الملوک
۱۵۳	نظام مالیاتی در ایران
۲۳۶	نظامی خمسه
۲۲۳، ۱۸۴	نظامی گنجوی و پیدایش ادبیات فارسی
۱۷۹	نظرات شعرای ایران درباره ادبیات ارمنی
	نظری اجمالی به تاریخ ارمنستان در ارتباط با جریان‌های کلی رویدادهای آسیای
۱۴۶	مقدم
۱۴۳	نظری اجمالی به تاریخ ایران تا حمله اعراب
	نقش میانجیگری بازرگانان جلفای اصفهان در روابط سیاسی ایران و ممالک
۱۷۹	اروپا در دوران صفوی
۲۲۹	نمونه‌هایی از نثر معاصر پارسی
	نمونه‌های خطوط و خوشنویسهای مختلف سده ۱۵ تا ۱۸ زبان فارسی و عربی
۲۵۳	
۲۳۶	واجب الوجود
۱۶۵	واژه‌نامه فرس قدیم به ارمنی
۱۶۹	واژه‌های دخیل در زبان‌شناسی
۲۴۳	وصایای محمد و رجعت
۲۵۴	وصیتنامه
۱۱۴	وطن دلیلی
۱۵۷	ولایت فریدن اصفهان
۲۵۵	ولایت‌نامه امیرالمؤمنین
۳۶، ۳۳، ۳۲	ویس و رامین
۱۱۶	هاکوب کوجویان و ایران
۱۵۶	هاکوب مقدس در میان کردهای آزارات
۲۴۴	هدایت الانام
۲۴۵، ۲۴۲	هزار بیتی سروش

۲۵۲	هشت بهشت
۲۴۸	هفت اقلیم
۲۳۶	هفت اورنگ
۲۳۶	هفت پیکر
۲۳۹	هفت کشور
۲۵۳	همایون نامه
۱۸۱	یزیدی‌های کرمانشاه
۲۵۱، ۲۴۸، ۲۴۴، ۲۴۳، ۲۳۸، ۲۳۷	یوسف و زلیخا
۲۳۵	یوسفیه
۱۵۲	یوشت فریا

گزیده منابع و مآخذ

گزیده منابع و مآخذ

۱. آراکلیان، نلی. «هاکوب کوجویان و ایران». ترجمه آنی بابایان. ایران‌نامه، ش ۲-۳،
۲. ابراهیم زاده، سیروس. «پیوندهای تاریخی میان ایران و ارمنستان». ره‌آورد، ش ۳۳، س ۱۰، تابستان ۱۳۷۳.
۳. ارلن، مایکل جی. سفر به آارات. ترجمه پروانه ستاری. تهران: نشر آبی، ۱۳۶۸.
۴. اقبال آشتیانی، عباس. تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه. تهران: انتشارات کتابخانه قیام. [بی تا].
ایروان، ۱۹۹۶.
۵. بایبوردیان، واهان. «ایران‌شناسی در منابع ارمنی». ترجمه گریگور آراکلیان. پیمان، ش ۵-۶، بهار - تابستان ۱۳۷۶.
۶. بهرامی، اکرم. تاریخ ایران از ظهور اسلام تا سقوط بغداد. تهران: انتشارات دانشسرای عالی، ش ۴۲، ۱۳۵۰.
۷. بینا، علی‌اکبر. تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران. جلد دوم. تهران: دانشگاه

- تهران، ۱۳۴۸.
۸. جعفری، علی اکبر. «زرتشتیگری در ارمنستان». ایران نامه، سال دهم، ش ۱، زمستان ۱۳۷۰.
۹. پاسدردماجیان، هراوند. *تاریخ ارمنستان*. ترجمه محمد قاضی. تهران: تاریخ نشر ایران، ۱۳۶۶.
۱۰. پورصفر، علی. *حکومت‌های محلی قفقاز در عصر قاجار*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷.
۱۱. پیرنیا، حسین. *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان*. تهران: انتشارات کتابخانه خیام، [بی تا].
۱۲. جهانبانی، امان‌الله. «سفر هیأت فرهنگی ایران به شوروی». پیام نوین، ش ۸۹۹، خرداد و تیر ۱۳۴۲.
۱۳. چوگاسزیان، بابکن. «بازتاب افسانه زال؛ قهرمان حماسی ایران در تاریخ ارمنستان مؤسس خورناتسی». ترجمه هرمیک آقایان. پیمان، ش ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۶.
۱۴. خبرنگار شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، ش ۵۱.
۱۵. ~. ش ۲۴، ۱۳۷۳.
۱۶. ~. ش ۲۰، آبان ۱۳۷۲.
۱۷. ~. اسفند ۱۳۷۲، ش ۲۲.
۱۸. خیراندیش، عبدالرسول. «موقعیت مسیحیان آسیای غربی در دولت ایلخانان»، ایران شناخت، ش ۴، بهار ۱۳۷۶.
۱۹. دیاکونوف، م. م. *تاریخ ایران باستان*. ترجمه روحی ارباب. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶.
۲۰. رائین، اسماعیل. *ایرانیان ارمنی تهران*: امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۲۱. روشندل، جلیل. *ارمنستان*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷.
۲۲. زرین کوب، عبدالحسین. *تاریخ مردم ایران*. تهران: امیرکبیر، [بی تا]، ۱۳۶۸.

۲۳. «سرکیس جانبازیان». پیام نوین، س ششم، ش ۳، دی ۱۳۴۲.
۲۴. شفا، شجاع‌الدین. جهان‌ایران‌شناسی. جلد اول. تهران: انتشارات افست کیهان، ۱۳۴۸.
۲۵. طاهری، ابوالقاسم. تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۴۹.
۲۶. عقیقی بخشایشی. مفاخر آذربایجان. جلد سوم. تبریز: نشر آذربایجان، ۱۳۷۵.
۲۷. قلی‌پور، رافیک. ارمنستان. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷.
۲۸. «کتابی از دوره ساسانیان». پیام نوین، س اول، ش ۲، مهر ۱۳۷۷.
۲۹. گریگوریان، آ. تاریخ ارمنستان، تهران: انتشارات آلیک، ۱۹۵۹.
۳۰. «گزارش انجمن». پیام نوین، س ششم، ش ۲۱، آذر ۱۳۴۲.
۳۱. مارشال لانگ، دیوید. تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.
۳۲. محمودی، منوچهر. سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک. تهران: منوچهر محمودی، ۱۳۵۱.
۳۳. مروارید، یونس. مراغه «افزازه رود». تهران: علمی، ۱۳۷۱.
۳۴. نصیری، محمدرضا. «چند سند تاریخی از دوران زندیه و قاجاریه». بررسیهای تاریخی، ش ۶، س ۱۰، بهمن و اسفند ۵۴.
۳۵. نعلبندیان، گ.م. «احیا و اثره‌های نامفهوم و گم‌شده زبان فارسی به کمک زبان ارمنی». ترجمه آراهوانسیان. بررسیهای تاریخی، س ۶، ش ۱.
۳۶. ن. فرای، ریچارد. میراث باستانی ایران. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۳۷. نوری‌زاده، احمد. تاریخ فرهنگ ارمنستان. تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۶.
۳۸. ولایتی، علی‌اکبر. تاریخ روابط خارجی ایران؛ دوره مشروطه. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۱.

۳۹. هایراپتیان، السایان و شاهنظریان. تاریخ ارمنستان از آغاز تا قرن طلایی.
تهران: آلیک ۱۹۸۳.

۴۰. هویان، آندرانیک. «قره کلیسا»، بررسیهای تاریخی، س ۲، ش ۵، دی ۱۳۴۶.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی